

کیمهان ۵۲۲

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۳ تا پنجشنبه ۹ مرداد ۱۴۰۴ خورشیدی
سال چهل و دوم - شماره ۱۹۸۸

یک گام تا فروپاشی...

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

اطلاعیه
در کمال اندوه و گذشت مادر گرامی بان



بانو قدس میر جهانبانی

سیاستدار ایرانی و از نمایندگان شیراز
از استان فارس در دوره بیست و چهارم
مجلس شورای ملی در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۵
در لندن را به اطلاع میرسانیم.

فرزندان:

داریوش جهانبانی،
نازنین رشیدیان
و بهرام جهانبانی.

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سر دبیری:
editorial@kayhan.london



نامه‌ها و عاشقانه‌ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی
نوشته: داریوش پیرنیا

به کوشش منصوره پیرنیا
لطفاً جهت تهیه کتاب "نامه‌ها و عاشقانه‌ها" با انتشارات مهر ایران

شماره تلفن: ۳۰۱۲۷۹۶۷۷۸ و یا ۲۴۰۶۰۲۷۲۳ در شرق آمریکا فاسی حاصل نماند.
Web: www.pirnia.com E.mail: pirnia@pirnia.com

کیهان
KAYHANLONDON

کیهان لندن درگذشت بانو جهانبانی را به فرزندان، بستگان
و آشنایان از صمیم قلب تسلیت می‌گوید. روانشان شاد و یادشان
پیوسته گرامی باد.



بنیانگذار:
دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife
@kayhanlife
@KayhanLife
<https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

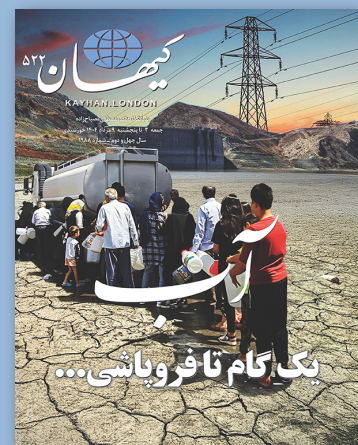
کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon
@kayhanlondon
@kayhanlondon
https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و دوم
کیهان شماره ۱۹۸۸ (۵۲۲)

۳ تا ۹ مرداد ۱۴۰۴
۲۵ تا ۳۱ ژوئیه ۲۰۲۵



کیهان

فهرست مطالب

۴		سر مقاله - عقل و منطق و منافع در سیاست / الاهه بقراط
۴-۵		تیتز هفته - آب؛ یک گام تا فروپاشی /
۶		گفتگو با دانیال یلخانی پور عضو پارلمان هامبورگ: چرا کشورهای غربی باید از شاهزاده رضا پهلوی ... /
۶		نماینده موقت ایالات متحده در نشست شورای امنیت: هدف ایالات متحده در کنار اسرائیل و شرکای ... /
۷		اورشلیم پست: بجای جنگ، بر فراز ایران «منطقه پرواز ممنوع» ایجاد کنید ... /
۸-۹		نیویورک تایمز: بخشی از آتش سوزی های زنجیرهای در ایران «خرابکاری» است ... /
۹		پژشکیان: توقف برنامه هسته ای توهم است! وزیر خارجه اسرائیل: «مکانیسم ماشه» راهمین حالا فعال کنید ... /
۱۰-۱۱		نماینده سوسیال دموکرات هامبورگ از کارزار حامیان دموکراسی خواه شاهزاده رضا پهلوی ... /
۱۱		عرق سگی! ... / خیراندیش (احمد احرار) ... /
۱۲-۱۳		دانشگاه صنعتی آریامهر چگونه تاسیس شد؟ (۴) ... / گوشه ای از خاطرات دکتر محمدعلی مجتهدی ... /
۱۴		وال استریت ژورنال: گروه هکری «گنجشک درنده» ۹۰ میلیون دلار رمز ارز سیاه پاسداران را ... /
۱۵		هشدار مجدد اروپایی ها به جمهوری اسلامی: اگر تا پایان تابستان «توافق» نکند «مکانیسم ماشه» ... /
۱۶-۱۷		سر نوشت نامشخص ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ در صدی ... /
۱۷		تیراندازی مرگبار بسیجی ها به دو ماشین در خمین: چهار نفر کشته شدند ... /
۱۸-۱۹		واکنش به ارسال پول برای حزب الله بجای جبران خسارات «جنگ ۱۲ روزه» ... /
۱۹		آزمایش موشک بالستیک «قاصد» توسط سیاه پاسداران در آستانه برگزاری نشست استانبول ... /
۲۰		نشست استانبول بین جمهوری اسلامی و اروپایی می تواند به توافق بیانجامد ... / احمد رافت ... /
۲۱		همایون هنریشه معروف سینمای ایران در گذشت ... /
۲۱		دوران محمدرضا شاه: ۱۳۳۲ تا ۱۳۰۴ (صدسال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی ... /
۲۱		روابط استراتژیک جمهوری اسلامی و روسیه پس از جنگ ۱۲ روزه ... / اهدی رؤوف (ایندیپندنت عربی) ... /
۲۲		هرگ در سکوت: پرسش هایی درباره حذف علی طائب ... / افروزه نوردستروم ... /
۲۳		لرد داوود آلیانس، متولد کاشان، «پادشاه نساجی بریتانیا»، چشم از جهان فرو بست ... /
۲۴-۲۵		کارشناس اسرائیلی: موساد همچنان در ایران فعال است ... /
۲۶		زیباسازی نظم ناعادلانه: دعوت به گفتگو از دل ساختار سرکوب! ... / بنیامین دیلم کوتلی ... /
۲۷		نسرین روشن شهروند ایرانی - بریتانیایی از دستگیری ۱۴۰۲ و زندان دهه شصت و ... /
۲۷		اتحادیه اروپا با حسین شمعانی راه به دلیل دورزدن تحریم های نفتی روسیه تحریم کرد ... /
۲۸		عراقچی: غنی سازی «غرور ملی» ماست، از آن چشم پوشی نمی کنیم! ... /
۲۸-۲۹		سوخت آتمی و موشکی جمهوری اسلامی: ایران! ... / بهنام محمدی ... /
۲۹		مکانیسم ماشه و قمار هسته ای علی خامنه ای ... / بهنام محمدی ... /
۳۰		پارلمان بلژیک با اکثریت آراء طرح «تورستی اعلام شدن سیاه پاسداران» را تصویب کرد ... /
۳۰-۳۱		جنگ های فرهنگی در میدان نبرد و پرده سینما ... / بهزاد پرنیان ... /
۳۱		«مرسی اسرائیل»: گزارش مجله فرانسوی «لوپوآن» از واکنش ایرانی ها به «زدن سر مار» ... /
۳۲		رد ادعای «چراغ سبز به بخش خصوصی واقعی»: یک شعار تکراری در بستر مدیریت ... / پائولا متکی ... /
۳۳		تولید انبوه موشک های «پیکان» در اسرائیل ... /
۳۴-۳۵		رهبری در آینه مسئولیت و واقعیت: شاهزاده رضا پهلوی و اپوزیسیون ... / امیر دها ... /
۳۵-۳۶		رفراندوم قانون اساسی در حکومت اسلامی؟! در خواستی که امکان ندارد! ... / آرمان مستوفی ... /
۳۶		حمایت «مسعود جوی» از میر حسین موسوی با حمله به شاهزاده رضا پهلوی ... /
۳۷		آخرین مهلت اروپا به جمهوری اسلامی ... /
۳۸		از «ترس و لرز» تا «خوشه های خشم»: اکنون کارزار امید ... / بهزاد پرنیان ... /
۳۹		فاجعه آتش سوزی نخلستان های منبوحی: نشانه ای آشکار از فروپاشی مدیریت ... / پائولا متکی ... /
۴۰		سازمان عقوبین المللی: جمهوری اسلامی در حمله به مناطق مسکونی اسرائیل از بمب خوشه ای ... /
۴۰-۴۱		پژشکیان به دنبال تصویب لایحه «مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی» ... /
۴۱		دوران محمدرضا شاه: باز شدن گره نفت (صدسال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی ... /
۴۱		مدیریت جهادی بحران آب! ... / بهنام محمدی ... /
۴۲-۴۳		مشکلات دولت پژشکیان برای «امید آفرینی» در بحران های عظیم اقتصادی ... / اروشنک آسترکی ... /
۴۳		ادعای فرمانده یگان ویژه «فراجا»: در مقابله با جاسوس هانمره قبولی گرفتیم! ... /
۴۴		تداوم جیره بندی آب: رئیس دولت می گوید شاید دولت اش نتواند آب آشامیدنی تهران را تأمین کند! ... /
۴۵		عبسی کلاتری: با تداوم بحران آب، ایران فرو می باشد ... /
۴۶		خطر کمبود آب آشامیدنی برای نیمی از جمعیت شهر نشین ایران ... /
۴۷		قطع سیم کارت: ابزار جدید سرکوب شهر وندان ... /
۴۸		یک سوم آب آشامیدنی ایران گم می شود! ... /
۴۹		بحران کمبود آب و برق: نیمی از ایران تعطیل شد ... /
۵۰		کاهش ۸۱ درصدی آگهی های استخدام پس از جنگ ۱۲ روزه ... /
۵۱		«گاردین»: فریاد دختری برای محکومیت پدرش به اعدام ... /
۵۲		کاهش ۳۰ درصدی اشتغال در اقتصاد بچیتال ایران به دلیل قطع و اختلال اینترنت ... /
۵۳		قطع چند روزه آب در برخی محله های تهران: دولت همچنان جیره بندی را انکار می کند ... /
۵۴-۵۵		هشدار دوباره درباره مشکلات انباشته در صنعت دارویی کشور ... /
۵۵		وزارت ورزش و جوانان: مراکز همسر یابی نباید وارد کار صیغه یابی شوند! ... /
۵۶		حال وخیم اقتصاد ایران: افزایش شاخص فلاکت در ماه های آینده ... /
۵۷		زنگ خطر جدی در بخش صنعت ایران ... /
۵۸-۵۹		خبر های کوتاه ... /
۶۰		پشت جلد - عکس هفته / همکاری ملی برای نجات ایران ... /

باز نشر
باز نشر



عقل و منطق و منافع در سیاست

بحر طویل گفتگو با جمهوری اسلامی و مذاکرات اتمی ممکن است برای برخی که جوان هستند و یا تازه به سیاست توجه پیدا کرده‌اند، چندان کسالت‌بار نباشد و چه بسا هربار آنها را به این فکر بیندازد که ممکن است معجزه‌ای اتفاق بیفتد. اما برای ایرانیانی که آن را از آغاز دنبال کرده‌اند، نه تنها تکراری و خسته‌کننده شده بلکه دیده‌اند که به دلیل منافع متضاد طرفین مرتب وخیم‌تر نیز شده است. وخامت هم در هیچ پدیده‌ای هرگز به بهبود نیانجامیده و معلوم نیست الان برخی از «مذاکره اتمی» چه توقعی دارند!



روند «دیالوگ انتقادی» سه کشور فرانسه و آلمان و بریتانیا با جمهوری اسلامی در دهه هشتاد و نود میلادی و سپس دو دهه «مذاکرات هسته‌ای» با همه فراز و نشیبی که داشت، همواره به سوی ناکامی و وخامت پیش رفت بدون آنکه بتواند خطر تروریسم و تهدید اتمی را دور کند، و در نتیجه، از تحریم به جنگ رسید! علت اصلی هم چیزی نیست جز جمهوری اسلامی که در همان زمان که مشغول به اصطلاح «دیالوگ» برای مهار تروریسم دولتی خود به دلیل ارتکاب ترورهای مکرر در غرب بود، و بعد مشغول مذاکره برای مهار برنامه اتمی‌اش شد، پنهانی هم تروریسم و هم برنامه هسته‌ای را در کنار برنامه موشکی و تأمین علنی مالی و نظامی نیابتی‌ها پیش می‌برد! یکطرف، دیالوگ و مذاکره را برای مهار می‌خواست و آنکه می‌بایست مهار شود همانها را برای ترور و موشک و مپ اتم می‌خواست!

همه این برنامه‌ها هم، آنطور که جمهوری اسلامی ادعا می‌کند، برای تقویت قدرت بازدارندگی آن در مقابل «دشمن» اند! اما واقعا کدام حکومت در جهان با آن دشمنی کرده؟! جمهوری اسلامی یک دشمن دارد: مردم! وگرنه اسرائیل و آمریکا هم اگر رژیم دست از برنامه‌های تسلیحاتی نامتعارف بردارند، کاری به آن ندارند چنانکه تا پیش از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ هم جز مقابله‌های تخریبی با همین برنامه‌ها، کاری به کارش نداشتند وگرنه نمی‌توانست به سطحی برسد که مجبور به جنگ علیه آن شوند! از کشورهای غربی تا عربی و حتا روسیه و چین هم با وجود محکوم کردن لفظی اما جنگ آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی را در عمل و بر اساس عقل و منطق و منافع خود تأیید کردند.

از آنسو، تلاش وابستگان حکومت را هم برای نجات جمهوری اسلامی با همین عقل و منطق می‌توان توضیح داد: منافع! اگر عدم شناخت غربی‌ها از حکومت ایران تا حالا چشم عقل آنها را کور کرده بود، این وابستگان رژیم اما در شناخت جامعه امروز ایران عقلشان به سود منافعشان از کار افتاده! آیا آنها واقعا فکر می‌کنند مردم پس از اینهمه خیزش‌های آزادیخواهانه و پرهزینه با شعارهای نفخ و بی‌نظیر نه تنها علیه آنچه نمی‌خواهند بلکه برای آنچه می‌خواهند، به جمهوری اسلامی بدون «این ولی فقیه» و یا حتا بدون «ولایت فقیه» قانع می‌شوند تا سفره انقلاب ۵۷ همچنان برای خانواده‌های مافیایی ملا و پاسدار و اصلاح‌طلب و اصولگرا گسترده بماند؟!

اکنون در جنگی بدون میدان که تکنولوژی به «تیر غیب» تبدیل شده، عقل و منطق و منافع اپوزیسیون مدافع دموکراسی پس از اینهمه تجارب مرگبار و ویرانگر حکم می‌کند که هرچه می‌تواند در راه همکاری ملی برای نجات ایران به کار بگیرد. بدون این همکاری ملی با رهبری شاهزاده رضا پهلوی، وضعیت ملت و مملکت، همانطور که تا کنون اثبات شده، فقط وخیم‌تر خواهد شد.

آب
یک گام تا فروپاشی...

● بحران امنیتی ناشی از کمبود آب از یکسو احتمال دارد به درگیری مردم مناطق مختلف کشور با یکدیگر منجر شود اما سوی دیگرش به مراتب مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تر است: برخاستن موج اعتراضات سراسری علیه حکومتی که از تأمین مایه‌ی حیات برای مردم عاجز و مانع همزیستی و همکاری ملی و منطقه‌ای و جهانی برای حل مشکلات است!

مشابه نسخه نخ‌نمایی است که درباره کمبود برق اجرا می‌شود: قطع آب و تعطیلی شهرها و استان‌ها! از ماه گذشته جیره‌بندی آب نیز در شهرهای مختلف آغاز شده است؛ اما با چراغ خاموش و همراه با انکار مکرر مقامات دولتی. همچنین قطع آب شهروندان با روندی تبعیض‌آمیز نیز روبروست و محله‌های فقیرنشین و حاشیه‌ای بیش از محله‌های شمال شهر در معرض قطع آب هستند. در پایتخت اگرچه در محله‌های میانی قطع آب بین دو تا چهار ساعت در روز در جریان بوده، در جنوب شهر اما قطع آب ۱۲ ساعت در شبانه‌روز، و حتی برای روزهای پیاپی رخ داده است. طی هفته گذشته این روند تشدید نیز شده و در برخی مناطق متوسط تهران قطع آب به ۷۲ ساعت پیوسته رسیده است.

از سوی دیگر طی روزهای سه‌شنبه ۳۱ تیرماه و چهارشنبه اول مرداد ۲۳ استان ایران تعطیل شدند. کمبود آب در درجه اول و کمبود برق در وهله دوم سبب تعطیلی کلیه ادارات و بانک‌ها و مراکز آموزشی شد.

جمهوری اسلامی در حالی بار هزینه کمبود آب را با جیره‌بندی و تعطیلی بر دوش شهروندان انداخته که به گفته کارشناسان در روزها و هفته‌های آینده این بحران تشدید خواهد شد و ناتوانی دولت برای مهار بحران کمبود آب می‌تواند سبب اعتراضات مردم شود.

آمارها چه می‌گویند؟

بر پایه داده‌های رسمی، میزان بارندگی ثبت‌شده از

بحران کمبود آب این روزها به صدر فهرست کمبودهای ناشی از تباهی و ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی تبدیل شده و شهروندانی که با قطع برق و گرانی و بیکاری و انواع فشارهای اجتماعی و سیاسی روبرو هستند حالا با قطع مداوم و تکراری آب زندگی‌شان در ابعاد حیاتی مختل شده است.

ابتدای بهار امسال «ناسا» در گزارشی یک تصویر تکانه‌دهنده از وضعیت خشکسالی و کم‌آبی در ایران ارائه داد. در این گزارش تأکید شده بود که در سال‌های پیش رو، میزان بارش ایران کمتر از نصف میانگین خواهد بود. این گزارش افزوده بود بین ۳۰ تا ۴۰ سال آینده بخش‌های وسیعی از ایران به بیابان مطلق تبدیل شوند.

اکنون تنها چند ماه پس از گزارش «ناسا» همراه با کاهش قابل توجه بارندگی نسبت به سال‌های گذشته، بحران کم‌آبی در ایران زنگ خطر را به صدا درآورده است. منابع آب ذخیره شده پشت سد‌ها کاهش یافته و نه تنها تأمین آب بخش کشاورزی بلکه حتی تأمین آب آشامیدنی در شهرهای مختلف کشور به معضلی جدی تبدیل شده است.

تصویر آخرالزمانی مزارع سوخته و دریاچه‌های خشک و سدهای خالی و صف‌های طولانی شهروندان در کنار ماشین‌های آبرسان، ریشه در چهار دهه ناکارآمدی، سوء مدیریت و ناتوانی حکومت در رسیدگی به مشکلات محیط زیست و منابع آبی دارد.

راهکار دولت کنونی نیز در رویارویی با این بحران فراگیر

سالها در مجلس شورای اسلامی و دولت، طرح پشت طرح تدوین و سمینارهای پرهزینه برگزار شده اما خروجی همه‌ی آنها نه فقط «هیچ» بلکه نابودی منابع آب و تبدیل آن به حیاتی‌ترین معضل کشور بوده است!

بحران آب، یک تهدید امنیتی

نابودی کشاورزی، زوال صنعت و قطع آب آشامیدنی شهروندان سه ضلع مثلثی هستند که به دلیل ناکارآمدی جمهوری اسلامی شکل گرفته است. این در حالیست که شرایط در هفته‌ها و ماه‌های آینده بحرانی‌تر نیز خواهد شد و به نظر می‌رسد با این وضعیت هیچ راهی برای حکومت جز قطع آب صنایع برای تهیه آب آشامیدنی، از دست رفتن مزارع کشاورزان، و افزایش جیره‌بندی و قطع آب در بخش شهری وجود ندارد.

مقامات جمهوری اسلامی امیدوارند مردم در این بحران نیز «تاب‌آوری» نشان داده و به نبود و کمبود آب «عادت» کنند و با شرایط سازگار شوند! در آنسو اما هیچ تضمینی نیست که با توجه به عوارضی که قطع طولانی آب برای زندگی و سلامت جسم و جان مردم به بار می‌آورد، شرایط بر اساس تصورات مقامات حکومت پیش برود! از اواخر قرن بیستم کارشناسان و ناظران هشدار می‌دهند که مهم‌ترین جنگ قرن بیست و یکم بر سر آب خواهد بود. اما در سرزمین خشکی مانند ایران، جمهوری اسلامی همان منابع موجود را نیز بجای حفاظت و افزایش، به باد داده است.

در این میان، بحران امنیتی ناشی از کمبود آب از یکسو احتمال دارد به درگیری مردم مناطق مختلف کشور با یکدیگر منجر شود. یک نمونه این نوع درگیری‌ها در اعتراضات چند ماه پیش کشاورزان اصفهان به علت عدم دریافت حقه‌بانه و شکست خط لوله انتقال آب زاینده‌رود به یزد بروز پیدا کرد.

اما سوی دیگر امنیتی شدن بحران آب به مراتب مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تر است: برخاستن موج اعتراضات سراسری علیه حکومتی که از تأمین مایه‌ی حیات برای مردم عاجز است! در همین رابطه عیسی کلانتری رئیس پیشین سازمان حفاظت محیط زیست با تأکید بر اینکه «خشکسالی و بی‌آبی از هر تهدید خارجی، ایران [بخوانید جمهوری اسلامی] را به نابودی نزدیک‌تر می‌کند» هشدار داده است: «مسئله سرزمین آب است و این تهدید به مراتب خطرناک‌تر از حمله اسرائیل به کشور است. ما باید این مسئله را خودمان حل کنیم، زیرا انتقال آب از دریا و حوزه به حوزه راه حل نیست.»

ادعای «خودکفایی» در حل بحران آب نیز، در حالی که محیط زیست و در صدر آن مسئله آب یک موضوع سراسری، منطقه‌ای و جهانی است، از همان نوع «خودکفایی» اقتصادی است که ایران را طی چهاردهه به انتهای همه‌ی جداول شاخص‌های رشد و رفاه و امنیت پرتاب کرد!

اکنون اگرچه جمهوری اسلامی با این موضوع که مردم علیه مردم شوند، چندان مشکلی ندارد و هر عاملی را که به یکپارچگی و همبستگی ملت ضربه بزند، دور شدن خطر علیه خود ارزیابی می‌کند اما واقعیت اینست که افکار عمومی هر بلایی که بر سر کشور می‌آید از چشم جمهوری اسلامی و زمامدارانش می‌بیند و وقتی که پای «آب»، این مایه حیات، در بین باشد، می‌دانند که نمی‌توان آن را با به جان هم افتادن تأمین کرد اما با از میان برداشتن رژیم که مسبب اینهمه بحران و مانع همزیستی و همکاری ملی و منطقه‌ای و جهانی است، چرا!

شرایط ویران‌کننده کمبود آب را پنهان کنند. ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای منطقه و جهان با عوارض ناشی از تغییر اقلیم از جمله کاهش سطح بارندگی‌ها و افزایش دما روبروست اما چهار دهه ناکارآمدی و تباهی جمهوری اسلامی، ایران را در مسیر فروپاشی آب به مثابه مایه حیات قرار داده است.



در کشور خشکی که بیش از نیم قرن پیش مشخص بود در معرض کم‌آبی قرار خواهد گرفت، مقامات حکومتی چه در بخش قانونگذاری چه در بخش اجرایی کاملاً به فراهم کردن شرایط رویارویی با کاهش منابع آب بی‌تفاوت و ناتوان بودند. از سوی دیگر عملکرد حکومت به اشکال مختلف به هدر رفتن منابع آبی کمک نیز کرده است!

برای نمونه سال‌هاست کشورهای مختلفی که در معرض کاهش بارندگی و گسترش خشکسالی قرار دارند با تغییر الگوی کشت، نه تنها در حفظ منابع آب کوشیده‌اند بلکه کشاورزی و امنیت غذایی خود را نیز تضمین کرده‌اند.

در ایران زیر حکومت جمهوری اسلامی اما همچنان در استان‌هایی که با بحران آب روبرو هستند، محصولات آب‌بر کشاورزی کشت می‌شود و هیچ برنامه عملی و مشخصی برای تغییر الگوی کشت وجود ندارد.

از سوی دیگر در اقدامات رانتی و غیرکارشناسی معمول در جمهوری اسلامی، احداث واحدهای صنعتی بزرگ در استان‌هایی که با کمبود آب روبرو بوده‌اند و سپس انتقال آب از یک استان به استان دیگر برای تأمین آب این صنایع یکی از دلایل بروز بحران کم‌آبی و تهدید کشاورزی در این مناطق بوده است.

آمار تکانه‌دهنده دیگری که بیانگر عملکرد ویران‌کننده حکومت و نقش آن در تشدید بحران کمبود آب است، به هدر رفتن آب در چرخه توزیع مربوط می‌شود. بر اساس گزارش‌های رسمی یک سوم از آبی که در زنجیره توزیع کشور قرار می‌گیرد حین انتقال و به علت فرسودگی زیرساخت‌ها و لوله‌های آب از بین می‌رود. آمار تکانه‌دهنده دیگری نشان می‌دهد میزان از دست رفتن آب در دو استان خوزستان و کهگیلویه و بویر احمد ۵۰ درصد است!

→ ابتدای سال آبی جاری تا اول تیرماه، نزدیک به ۱۵۳ میلی‌متر بوده که نسبت به میانگین بلندمدت بیش از ۴۰ درصد کاهش داشته است.

کاهش بارندگی‌ها سبب کاهش ذخایر آب پشت سدهای کشور شده است. در این میان وضعیت استان تهران بحرانی‌تر از دیگر استان‌هاست. تهران برای پنجمین سال

پیاپی با پدیده خشکسالی مواجه است؛ روندی که به گفته استاندار تهران در ۶۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده است.

آخرین آمارها نشان می‌دهد میزان آب ذخیره‌شده در سدهای استان تهران به حدود ۱۴ درصد ظرفیت مخازن رسیده است. عباس علی‌آبادی وزیر نیرو پیشتر اعلام کرده بود که ممکن است در روزهای آینده سد «ماملو» از دست برود و به ترتیب «لتیان»، «لار» و «کرج» از مدار خارج شوند.

عیسی بزرگ‌زاده سخنگوی صنعت آب ایران روز دوشنبه ۳۰ تیرماه اعلام کرد که در حال حاضر ۲۴ استان و ۵۳ شهر کشور دارای «تنش آبی» یا همان کمبود شدید منابع آبی هستند.

در صدر استان‌های دارای کمبود حاد منابع آب، تهران و البرز با جمعیتی بیش از ۲۰ میلیون نفر قرار دارند. شهرهای اراک، ساوه، تبریز، بانه و بندرعباس در رده‌های بعدی کمبود آب قرار دارند.

به گفته عیسی بزرگ‌زاده «درصد پرشدگی سدهای تهران ۲۱ درصد است و اگر مدیریت مصرف نشود بر رفاه مردم در تهران و البرز تأثیر منفی خواهد داشت.»

سخنگوی صنعت آب ایران از کاهش ۴۰ درصدی مجموع بارش‌های کشور نسبت به سال گذشته خبر داد و گفت از ابتدای سال آبی جاری تا ۲۸ تیرماه متوسط بارش‌های کشور به ۱۴۷ میلی‌متر رسیده است. همچنین میزان بارش‌های امسال نسبت به دوره بلندمدت ۵۷ ساله ۳۸ درصد کاهش دارد.

تباهکاری حکومت، ویرانگرتر از تغییرات اقلیمی

مقامات حکومتی در ارائه گزارش‌های خود بر «تغییرات اقلیمی» تکیه می‌کنند تا با فرافکنی نقش حکومت در بروز

نماینده موقت ایالات متحده در نشست شورای امنیت:

هدف ایالات متحده در کنار اسرائیل و شرکای عرب تحقق خاورمیانه نوین است

● دوروتی شیا نماینده موقت ایالات متحده در سازمان ملل متحد در پایان سخنان خود در نشست شورای امنیت بر از میان برداشته شدن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی به عنوان «بزرگترین دولت حامی تروریسم در جهان» تأکید کرد و گفت: «اعضای این شورا و جهان باید متحد در کنار هم بایستند تا اطمینان حاصل شود که ایران هرگز سلاح هسته‌ای را توسعه نخواهد داد و به آن دست نخواهد یافت.»

● وی با اشاره به آتش‌بس پس از جنگ ۱۲ روزه گفت که جمهوری اسلامی اکنون با یک انتخاب روبروست: یا مسیر تا کنونی را ادامه دهد یا دست کشیدن از تلاش‌های هسته‌ای.

دوروتی شیا نماینده موقت ایالات متحده در سازمان ملل در نشست علنی شورای امنیت که ۲۳ ژوئیه برگزار شد در ارتباط با وضعیت در خاورمیانه روی موضوع ایران تمرکز داشت و با تأکید بر اینکه «در مورد ایران ما در یک مقطع بحرانی قرار داریم» گفت: «در ۲۱ ژوئن ایالات متحده با هدف پایان دادن به ظرفیت غنی‌سازی هسته‌ای ایران و مهار تهدید ناشی از بزرگترین دولت حامی تروریسم در جهان در راستای حمایت از حق دفاع جمعی اسرائیل، ضربه‌ای ویرانگر به تأسیسات هسته‌ای ایران وارد کرد.»

شیا با اشاره به آتش‌بس پس از جنگ ۱۲ روزه که توسط ایالات متحده در گفتگو با اسرائیل برقرار شد، گفت که جمهوری اسلامی «اکنون با یک انتخاب روبروست.» وی توضیح داد که جمهوری اسلامی از یکسو «می‌تواند در تلاش برای بازسازی مخفیانه برنامه هسته‌ای خود، مسیر کنونی را که سرپیچی از تعهدات پادمانی طبق پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT است، ادامه دهد» و «می‌تواند همچنان به انتقال منابع حیاتی کشور به شبکه‌ای از نیروهای نیابتی و شرکای خارجی خود با هدف تضعیف امنیت منطقه‌ای ادامه دهد.» همان کاری که مقامات رژیم ایران در سخنان و همچنین رجزخوانی‌های خود بر آن اصرار می‌ورزند. اما انتخاب دیگری که به گفته‌ی نماینده آمریکا در سازمان ملل روبروی رژیم ایران قرار دارد، این «مسیر متفاوت» است: «پایان دادن به تلاش‌های خود برای دستیابی به سلاح هسته‌ای از طریق دیپلماسی معنادار و زمانبندی شده. این مسیر تنها راه تحقق صلحی پایدار است که در پی آن، ادغام ایران در جامعه جهانی و رفاه بیشتر برای مردم آن نیز ممکن می‌شود.» دوروتی شیا افزود: «این مسیری است که ایالات متحده ترجیح می‌دهد و از [رژیم] ایران می‌خواهیم که آن را در پیش بگیرد.»

وی در ادامه افزود: «در نبود یک توافق، ایالات متحده همچنان به اعمال فشارهای دیپلماتیک و اقتصادی حداکثری

گفتگو با دانیال ایلخانی‌پور عضو پارلمان هامبورگ:

چرا کشورهای غربی باید از شاهزاده رضا پهلوی حمایت کنند؟



دانیال ایلخانی‌پور زاده‌ی آلمان و سیاستمداری‌ست که در رشته حقوق تحصیل کرده و از شانزده سالگی عضو حزب سوسیال دموکرات این کشور است؛ یکی از دو حزب دولت ائتلافی کنونی آلمان به ریاست فریدریش مرس از حزب اتحاد دموکرات مسیحی. ایلخانی‌پور عضو پارلمان هامبورگ است و بارها در سخنانی‌های پارلمانی خود در ارتباط با شرایط ایران و دفاع از حقوق و آزادی مردم ایران صحبت کرده. او همچنین از کارزار ایرانیان دموکراسی‌خواه در پشتیبانی از شاهزاده رضا پهلوی استقبال و حمایت کرده است.

الاهه بقراط در همین ارتباط با این سیاستمدار آلمانی-ایرانی گفتگو کرده است.

اطمینان حاصل شود که ایران هرگز سلاح هسته‌ای را توسعه نخواهد داد و به آن دست نخواهد یافت.»

وی با اشاره ضمنی درباره اینکه علاوه بر اسرائیل، کشورهای عرب منطقه نیز برای پیشبرد این سیاست که می‌بایست به تغییر در منطقه و تحقق خاورمیانه‌ای با مناسبات جدید بیانجامد، همکاری می‌کنند گفت: «ایالات متحده در کنار اسرائیل و شرکای عرب‌مان، سهم خود را در ترسیم واقعیتی نوین برای خاورمیانه ایفا خواهد کرد. این مسئولیت ماست که خاورمیانه‌ای را متحقق سازیم که نسل‌های پیشین رؤیای آن را در سر داشتند: منطقه‌ای سرشار از صلح، رفاه، امنیت، سازش، فرصت، نوآوری و کامیابی.»

نکاتی که دوروتی شیا نماینده موقت ایالات متحده در سازمان ملل در نشست شورای امنیت بیان داشته، منطبق بر سیاست‌های دولت اسرائیل و همچنین سخنانی است که مقامات آن از جمله بنیامین نتانیاهو نخست وزیر این کشور بارها به ویژه پس از حمله تروریستی هفتم اکتبر ۲۰۲۳ مطرح کرده‌اند.

برای محدود کردن هرگونه فعالیت، مانند پیگیری تسلیحات هسته‌ای که امنیت شهروندان، پرسنل و شرکای ایالات متحده در منطقه را به خطر می‌اندازد، ادامه می‌دهد.»

نماینده آمریکا همچنین از مفاد بیانیه اول ژوئیه وزرای خارجه کشورهای «گروه ۷» منتشر شد، حمایت کرد و گفت: «این بیانیه نخست تأیید کرد که ایران هرگز نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد و باید فوراً فعالیت‌های غنی‌سازی غیرموجه خود را متوقف کند؛ دوم، از [رژیم] ایران خواست تا فوراً همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را از سر بگیرد، از جمله با ارائه اطلاعات قابل راست‌آزمایی درباره تمام مواد هسته‌ای در ایران و فراهم ساختن امکانات دسترسی برای بازرسان آژانس؛ و سوم، فراخوان‌های شرم‌آور در ایران را برای دستگیری و اعدام مدیرکل آژانس، رافائل گروسی، محکوم کرد.»

نماینده موقت ایالات متحده در سازمان ملل متحد در پایان سخنان خود در نشست شورای امنیت بر از میان برداشته شدن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی تأکید کرد: «اعضای این شورا و جهان باید متحد در کنار هم بایستند تا



دوروتی شیا نماینده موقت آمریکا در سازمان ملل و دنی دانون نماینده دائم اسرائیل در نشست شورای امنیت/ ۲۳ ژوئیه ۲۰۲۵ / رویترز

اورشلیم پست: بجای جنگ، بر فراز ایران «منطقه پرواز ممنوع» ایجاد کنید



مانور اف۳۵-های اسرائیل / رویترز

جنگنده‌های در کمین نیز می‌توانند در کشورهای متحد مستقر شده و در حالت آماده‌باش باقی بمانند تا در مواقع ضروری به سرعت واکنش نشان دهند. پیشتر نمونه‌هایی از این دست انجام نیز شده است: جنگنده‌های اسرائیلی پروازهای تسلیحاتی جمهوری اسلامی بر فراز سوریه و عراق رهگیری می‌کرده‌اند. هواپیماهای آمریکایی دسترسی پهپادهای متخاصم در سوریه را محدود کرده‌اند. اینها فرضیه نیستند بلکه پیشینه‌های تجربی‌اند که اجرا شده‌اند.

دستاوردهای

نویسنده در ادامه می‌گوید: «این اقدام برای تغییر رژیم نیست. هدف، مهار استراتژیک جمهوری اسلامی از طریق برتری هوایی است. [رژیم] ایران باید بفهمد که بهای اقداماتش فقط انفجار سانتریفیوژها یا تخریب ساختمان‌ها نیست، بلکه از دست دادن حاکمیت، توقف برنامه‌های نظامی، و تضعیف کنترل داخلی نیز هست. خاورمیانه به جنگی دیگر نیاز ندارد. آنچه نیاز دارد، ابزارهایی است برای بازدارندگی بدون تشدید، فشار بدون تحریک، و مهار بدون اعزام نیروی زمینی. منطقه پرواز ممنوع بر فراز شرق و غرب ایران، دقیقاً با این نیاز همخوان است: قانونی، قابل اجرا، و مؤثر؛ البته اگر اراده سیاسی برای اجرای آن وجود داشته باشد.»

در ادامه این مقاله آمده: «اگر درباره توقف برنامه هسته‌ای [رژیم] ایران و حفظ صلح منطقه واقعا جدی هستیم، باید از اقدامات مقطعی فراتر برویم. باید استراتژیک فکر کنیم. و باید آماده باشیم تا از ابزار کنترل هوایی نه برای مجازات، بلکه به عنوان اهرم فشار استفاده کنیم. این جنگ نیست بلکه فشار هدفمند در آسمان است برای حفظ جان انسان‌ها و جلوگیری از درگیری‌های بزرگتر روی زمین.»

نویسنده در پایان می‌افزاید: «و شاید، فقط شاید، با تعادلی درست از قدرت و خویشتنداری، این لحظه رویارویی به فرصتی برای ایران، منطقه، و برای نسل‌هایی تبدیل شود که از پایین نظاره‌گرند.»

-می‌توانی بدون پیامد، از شبه‌نظامیان حمایت کنی و همسایگان را بی‌ثبات کنی.

-می‌توانی پشت مرزهای تحت حاکمیتات پنهان شوی و آسمان را به مسیر ناامنی منطقه‌ای تبدیل کنی.»

در بخشی از این مقاله اشاره می‌شود که جمهوری اسلامی با بحران مشروعیت روبروست و به محض آنکه نیرویی خارجی کنترل آسمان ایران را به دست بگیرد، ادعای حاکمیت مطلق آن زیر سؤال می‌رود و فشار بر آن شدت می‌گیرد. این اثر روانی به اندازه‌ی نتایج عملیاتی اهمیت دارد.

علاوه بر آن، منطقه پرواز ممنوع حلقه اقتصادی را تنگ‌تر می‌کند. شرکت‌های هواپیمایی را می‌ترساند، حق بیمه‌ها را افزایش می‌دهد، جریان‌های تجاری را کاهش می‌دهد و همه اینها فشار داخلی بر رژیم را افزایش می‌دهد که پیشاپیش زیر بار تحریم، تورم، نارضایتی داخلی و اعتراضات جوانان در حال فرسایش است.

طبقه متوسط ایران که از بن‌بست‌های ژئوپلیتیک خسته شده، دقیقاً خواهد دانست که با بسته شدن مسیرهای هوایی و انقباض بیشتر اقتصاد، مقصر اصلی کیست.

قابلیت اجرا و سطح ریسک

نویسنده تأکید می‌کند: «منطقه پرواز ممنوع بر فراز خاک ایران اقدامی جسورانه است، اما جسارت لزوماً به معنای بی‌پروایی نیست. این اقدام باید با حمایت‌های ائتلافی اجرا شود؛ ترجیحاً با حضور شرکا در خلیج فارس، اعضای ناتو و بازیگران منطقه‌ای که از کاهش تنش در خاورمیانه سود می‌برند.»

با استفاده از پلتفرم‌های اطلاعاتی، نظارتی و شناسایی (ISR) در ارتفاعات بالا، توسط پهپادها، ماهواره‌ها و هواپیماهای راداری می‌توان تخلفات را به صورت لحظه‌ای شناسایی و رصد کرد.

این سیستم‌ها بدون نیاز به گشت زدن مداوم جنگنده‌های سرنشین‌دار، پوشش هوایی دائمی را فراهم می‌کنند و فشار عملیاتی را کاهش می‌دهند و در عین حال کنترل فضا را حفظ می‌کنند.

● روزنامه «اورشلیم پست» در مقاله‌ای پیشنهاد ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز ایران را مطرح کرده است. در بخشی از این مقاله اشاره می‌شود که جمهوری اسلامی با بحران مشروعیت روبروست و به محض آنکه نیرویی خارجی کنترل آسمان ایران را به دست بگیرد، ادعای حاکمیت مطلق آن زیر سؤال می‌رود و فشار بر آن شدت می‌گیرد. این اثر روانی به اندازه‌ی نتایج عملیاتی اهمیت دارد.

● «علاوه بر آن، منطقه پرواز ممنوع حلقه اقتصادی را تنگ‌تر می‌کند. شرکت‌های هواپیمایی را می‌ترساند، حق بیمه‌ها را افزایش می‌دهد، جریان‌های تجاری را کاهش می‌دهد و همه اینها فشار داخلی بر رژیم را افزایش می‌دهد که پیشاپیش زیر بار تحریم، تورم، نارضایتی داخلی و اعتراضات جوانان در حال فرسایش است.»

● «طبقه متوسط ایران که از بن‌بست‌های ژئوپلیتیک خسته شده، دقیقاً خواهد دانست که با بسته شدن مسیرهای هوایی و انقباض بیشتر اقتصاد، مقصر اصلی کیست.»

● نویسنده تأکید می‌کند: «منطقه پرواز ممنوع بر فراز خاک ایران اقدامی جسورانه است، اما جسارت لزوماً به معنای بی‌پروایی نیست. این اقدام باید با حمایت‌های ائتلافی اجرا شود؛ ترجیحاً با حضور شرکا در خلیج فارس، اعضای ناتو و بازیگران منطقه‌ای که از کاهش تنش در خاورمیانه سود می‌برند... این جنگ نیست بلکه فشار هدفمند در آسمان است برای حفظ جان انسان‌ها و جلوگیری از درگیری‌های بزرگتر روی زمین.»

در جریان جنگ ۱۲ روزه، بخش عمده‌ای از توان پدافندی و دفاعی جمهوری اسلامی منهدم شد و به گفته مقامات اسرائیلی آسمان ایران بطور کامل تحت کنترل نیروی هوایی آن کشور قرار گرفت. همین وضعیت شرایط را برای هماران تأسیسات اتمی نظنر، فردو و اصفهان توسط بمب‌افکن‌های B-2 را با مشارکت نیروی هوایی آمریکا فراهم کرد.

بسیاری از تحلیلگران ایجاد «منطقه پرواز ممنوع» را گزینه‌ای برای پیشبرد روند سرنگونی جمهوری اسلامی می‌دانند، چنانکه در لیبی در دوران سرهنگ معمر قذافی این اتفاق افتاد. روزنامه «اورشلیم پست» در مقاله‌ای پیشنهاد ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز ایران را مطرح کرده اما مدعی شده این اقدام برای «تغییر رژیم» نیست بلکه حکومت ایران را تحت فشار قرار می‌دهد.

در مقدمه این مقاله که ۲۲ ژوئیه (۳۱ تیرماه) منتشر شد، آمده: «بنیامین نتانیاهو از دهه ۱۹۸۰ تا کنون درباره تهدیدات جمهوری اسلامی هشدار داده است، اما بار سیاسی و قطبی‌سازی ناشی از این موضع‌گیری‌ها و همچنین فضای متأثر از جنگ غزه، باعث کاهش اعتبار این هشدارها از سوی بخش‌هایی از جهان عرب و حتی برخی مخاطبان غربی شده است.»

در این مقاله تأکید شده است: «اکنون زمان آن است که ائتلافی جدید از بازیگران معتبر، این پیام را نه با اغراق، بلکه با اقدام هماهنگ منتقل کنند. منطقه پرواز ممنوع این فرصت را فراهم می‌آورد که اقدامی عملی و قابل اجرا که از هر سخنرانی سیاسی گویاتر است، انجام شود.»

نویسنده این مطلب «AJ JAFF» توضیح داده که «منطقه پرواز ممنوع فقط یک ابزار نظامی نیست، بلکه درواقع یک بیانیه سیاسی است که اجرای آن بر فراز خاک ایران یعنی: -می‌توانی بدون نظارت، برنامه هسته‌ای‌ات را ادامه دهی.

در سطح افکار عمومی، رژیم ایران تلاش کرده آتش‌سوزی‌ها را توجیه کند. در برخی موارد، مانند حریق در نزدیکی فرودگاه بین‌المللی مشهد، مقامات اعلام کردند که در حال «سوزاندن کنترل‌شده‌ی علف‌های هرز» بوده‌اند. یک آتش‌سوزی در تهران نیز به آتش گرفتن زباله نسبت داده شد.

اما در بیشتر موارد، مقامات دلیل اصلی را «نشت گاز» اعلام کرده‌اند. قدرت‌الله محمدی مدیرکل سازمان آتش‌نشانی تهران به رسانه‌های دولتی گفت که علت این نشت‌ها «تجهیزات فرسوده، استفاده از وسایل گازسوز بی‌کیفیت و بی‌توجهی به اصول ایمنی» است.

برخی انفجارهای رخ داده در مجتمع‌های مسکونی اما به قدری شدید بودند که دود عظیمی آسمان را فرا گرفت و دیوارها و سقف‌ها بر اثر انفجار فرو ریختند.

در قم، یکی از ساختمان‌ها چنان آسیب دیده که گویا پپی در آن منفجر شده باشد. دیوارهای طبقه همکف تخریب شده، شیشه‌ها شکسته‌اند و تاکسی زردنگی که



انفجار در پالایشگاه آبادان

بیرون ساختمان پارک شده بود، زیر آوار له شد. فیلم‌های منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی و «بی‌بی‌سی فارسی» این صحنه‌ها را نشان داده‌اند. شدت انفجار باعث شد کل بلوک فرو بریزد.

دو مقام جمهوری اسلامی به «نیویورک تایمز» گفتند، انفجار در این واحد ظاهراً توسط عوامل مزدور انجام شده است. آنها پس از باز گذاشتن شیر گاز و اجاق، محل را ترک کرده بودند، گویا هدف‌شان ایجاد حریق عمدی بود.

در موردی دیگر، انفجار در یک از برج‌های مسکونی کارکنان قوه قضائیه رخ داد و دیوارها و پنجره‌ها را تبدیل به آوار کرد. سه مقام جمهوری اسلامی گفتند احتمالاً خرابکاران تلاش کرده‌اند در میان قضاوت و دادستان‌ها وحشت ایجاد کنند، مشابه حملاتی که قبلاً طی آنها دانشمندان هسته‌ای هدف قرار گرفته بودند.

یک عضو سپاه پاسداران به «نیویورک تایمز» می‌گوید، تأثیر کلی این انفجارهای تقریباً روزانه حتی اگر برخی از آنها تصادفی باشند، منجر به افزایش نگرانی در میان مقامات و عموم مردم شده است.

سابقه طولانی حکومت در پنهانکاری

امید معماریان تحلیلگر مسائل ایران به نویسندگان

می‌دهند.

روزنامه «نیویورک تایمز» روز چهارشنبه ۲۳ ژوئیه (اول امرداد) در گزارشی به نقل از چند مقام جمهوری اسلامی نوشت، بسیاری از انفجارها و آتش‌سوزی‌های مرموز که در دو هفته گذشته رخ داده‌اند، اقدامات خرابکارانه از سوی اسرائیل بوده‌اند هرچند که در اظهارات عمومی، مقامات این اتفاقات را تصادفی یا ناشی از فرسودگی زیرساخت‌ها عنوان کرده‌اند.

در این گزارش که یکی از نویسندگان آن «فرناز فصیحی» است، به نقل از سه مقام ایرانی، از جمله یک عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، گفته شده که بسیاری از این آتش‌سوزی‌ها «خرابکاری» است.

بر اساس این گزارش، مقامات جمهوری اسلامی در تأیید علنی دخالت احتمالی اسرائیل محتاط هستند، چرا که به گفته آنها، رژیم ایران نمی‌خواهد خود را در موقعیتی قرار دهد که ناگزیر به پاسخگویی و اقدام متقابل باشد.

نیویورک تایمز: بخشی از آتش‌سوزی‌های زنجیره‌ای در ایران «خرابکاری» است

● روزنامه «نیویورک تایمز» روز چهارشنبه ۲۳ ژوئیه (اول امرداد) در گزارشی به نقل از چند مقام جمهوری اسلامی نوشت، بسیاری از انفجارها و آتش‌سوزی‌های مرموز که در دو هفته گذشته رخ داده‌اند، اقدامات خرابکارانه از سوی اسرائیل بوده‌اند هرچند که در اظهارات عمومی، مقامات این اتفاقات را تصادفی یا ناشی از فرسودگی زیرساخت‌ها عنوان کرده‌اند.

● یک عضو سپاه پاسداران به «نیویورک تایمز» می‌گوید، تأثیر کلی این انفجارهای تقریباً روزانه حتی اگر برخی از آنها تصادفی باشند، منجر به افزایش نگرانی در میان مقامات و عموم مردم شده است.

● مقامات اسرائیلی از اظهار نظر در این زمینه خودداری کرده‌اند اما موساد به صراحت اعلام کرده که حتی پس از آتش‌بس نیز به فعالیت‌های خود در ایران ادامه خواهد داد. دیوید بارنتا رئیس موساد در یک سخنرانی عمومی کم‌سابقه پس از جنگ با رژیم ایران، گفت: «ما آنجا خواهیم بود، همانطور که تا کنون بوده‌ایم.»

● مهدی محمدی مشاور ارشد رئیس مجلس شورای اسلامی، گفته است: «اگر کسی فکر می‌کند با رخدادهایی خطی و قابل پیش‌بینی طرف هستیم، ساده‌لوح است. ما حتی اکنون در وضعیت آتش‌بس هم نیستیم؛ این یک تعلیق‌شکننده است که هر لحظه ممکن است پایان یابد و دوباره وارد جنگ شویم.»

بعد از اعلام آتش‌بس میان جمهوری اسلامی و اسرائیل، موجی از انفجارها و آتش‌سوزی‌های مشکوک زنجیره‌ای در تهران، کرج، قم، مشهد، تبریز، رشت و بندر انزلی به راه افتاد که همچنان ادامه دارد. همچنین چند مورد انفجار در پالایشگاه‌ها و تأسیسات زیرساختی ایران اتفاق افتاد.

مقامات جمهوری اسلامی در واکنش به بیشتر این آتش‌سوزی‌ها ادعا کرده‌اند که انفجارها ناشی از «نشت گاز»، «ترکیدگی لوله گاز»، «اتصال برق» و «اتصال کولر گازی» و «انفجار آبگرمکن» و یا آتش‌سوزی در زباله‌ها و سوزاندن علف‌های خشک بوده است. همچنین در برخی موارد صداهای مهیب یا خفیف انفجارها پیش از آتش‌سوزی در حومه شهرها به عملیات خنثی‌سازی مهمات عمل‌نکرده نسبت داده شده است؛ اما هیچ مدرکی درباره این ادعاها ارائه نشده است.

برخی منابع غیررسمی می‌گویند بخشی از این انفجارها ادامه عملیات اسرائیل و موساد در ایران است و برخی معتقدند این اقدامات خرابکاری مخالفان نظام است و حتا گروهی آن را به تسویه حساب‌های درون حکومت نسبت



حضور پزشکيان در مراسم ختم محمد باقری

از اظهارات مقامات جمهوری اسلامی چنین به نظر می‌رسد که گویا باز هم دچار خطای محاسباتی شده و به این نتیجه رسیده‌اند که «درخواست آتش‌بس از سوی اسرائیل مطرح شد پس این به معنی قدرت جمهوری اسلامی است!» شماری از مسئولان ارشد نظام می‌گویند، زور اسرائیل به جمهوری اسلامی نرسید و آمریکا را به میدان آورد. آنها بر اساس همین برداشت‌های متوهمانه، همچنان رجزخوانی می‌کنند و برای اسرائیل شاخ و شانه می‌کشند. خود مسعود پزشکیان نیز در همین ارتباط می‌گوید: «درخواست آن [اسرائیل] برای توقف جنگ، چیزهای زیادی را نشان می‌دهد.» حال آنکه بسیاری معتقدند این «آتش‌بس» فقط فرصتی است برای ارزیابی و بررسی نتایج جنگ ۱۲ روزه و رصد کردن رفتار و تحرکات جمهوری اسلامی تا اگر لازم شد، چنانکه هم آمریکا و هم اسرائیل با صراحت اعلام کرده‌اند، عملیات نظامی دوباره از سر گرفته شود.

در شرایط کنونی پرتاب ماهواره با موشک «قاصد» توسط نیروی هوافضای سپاه پاسداران در آستانه نشست استانبول که قرار است روز جمعه ۳ مرداد برگزار شود و همچنین توقف همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و خروج بازرسان از عمده مسائلی هستند که نه تنها شانس پیشرفت مذاکرات و رسیدن به یک توافق را کم می‌کند، بلکه به نوبه‌ی خود احتمال شکست «آتش‌بس» را قوت می‌بخشد.

«مکانیسم ماشه» را همین الان فعال کنید!

گیدئون ساعر وزیر خارجه اسرائیل در سفر به اوکراین گفته است که کشورش در عملیات نظامی ۱۲ روزه علیه جمهوری اسلامی آسیب‌های جدی به پروژه هسته‌ای آن وارد کرد و منابع پهبادی را نیز که با ارسال به روسیه علیه اوکراین به کار می‌رود هدف قرار داد.

وزرای خارجه اسرائیل و اوکراین توافق کردند گفتگوی استراتژیک مشترکی را درباره تهدیدات جمهوری اسلامی پیش ببرند.

ساعر اشاره کرد: «با همکاری ایالات متحده، زیرساخت‌های هسته‌ای در ایران را نابود کردیم، مسئولان پیش‌دور آن را کشتیم، و آرزوهای هسته‌ای آنها را سال‌ها به عقب انداختیم.» او افزود: «سامانه‌های پدافند هوایی ایران منهدم شد و نیروی هوایی اسرائیل در آسمان ایران آزادانه عمل کرد.»

ساعر همچنین گفت: «ما نمی‌توانیم اجازه دهیم [رژیم] ایران به جاسطوبی هسته‌ای‌اش ادامه دهد یا تروریسم را تغذیه کند. جامعه جهانی باید قاطعانه عمل کند. از کشورهای اروپایی می‌خواهم مکانیسم بازگشت تحریم‌ها را همین حالا فعال کنند.»

پزشکیان: توقف برنامه هسته‌ای توهم است! وزیر خارجه اسرائیل: «مکانیسم ماشه» را همین حالا فعال کنید

● در شرایطی که دونالد ترامپ اصرار دارد برای یک توافق احتمالی با جمهوری اسلامی باید تمام برنامه‌های غنی‌سازی در ایران برچیده شود، مقامات تهران آن را «خط قرمز» نظام می‌دانند. مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم که هنوز یکساله نشده با انواع بحران‌ها از تحریم و جنگ و کمبود شدید آب و برق روبروست نیز اصرار می‌کند: «صحبت از پایان برنامه هسته‌ای ایران یک توهم است!»

● تا پیش از آغاز جنگ ۱۲ روزه (۲۳ خرداد تا ۳ تیرماه)، روسیه نیز بر «حق غنی‌سازی در ایران» تأکید داشت اما موضع مسکو نیز تغییر کرده و پیشنهاد داده است که اورانیوم‌های غنی شده از ایران خارج شود تا روسیه سوخت مورد نظر در رآکتورهای تحقیقاتی جمهوری اسلامی را تأمین کند.

در شرایطی که دونالد ترامپ اصرار دارد برای یک توافق احتمالی با جمهوری اسلامی باید تمام برنامه‌های غنی‌سازی در ایران برچیده شود، مقامات تهران آن را «خط قرمز» نظام می‌دانند. مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم که هنوز یکساله نشده با انواع بحران‌ها از تحریم و جنگ و کمبود شدید آب و برق روبروست نیز اصرار می‌کند: «صحبت از پایان برنامه هسته‌ای ایران یک توهم است!»

شواهد نشان می‌دهد که اگر جمهوری اسلامی حاضر به برچیدن کامل غنی‌سازی نباشد، در عمل توافقی شکل نخواهد گرفت و در اولین گام «مکانیسم ماشه» فعال خواهد شد. دونالد ترامپ تا دور دوم مذاکرات میان عباس عراقچی و استیو ویتکاف، غنی‌سازی اورانیوم تا ۳/۶۷ درصد را بر اساس توافق اتمی برجام پذیرفته بود؛ اما پس از دیدار با بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل موضع او تغییر کرد و شرط «برچیدن کامل غنی‌سازی» در ایران مطرح شد.

تا پیش از آغاز جنگ ۱۲ روزه (۲۳ خرداد تا ۳ تیرماه)، روسیه نیز بر «حق غنی‌سازی در ایران» تأکید داشت اما موضع مسکو نیز تغییر کرده و پیشنهاد داده است که اورانیوم‌های غنی شده از ایران خارج شود تا روسیه سوخت مورد نظر در رآکتورهای تحقیقاتی جمهوری اسلامی را تأمین کند.

محافل در جمهوری اسلامی هشدار می‌دهند که توافق نکردن با آمریکا به معنای افزایش احتمال اقدام نظامی علیه رژیم خواهد بود؛ هرچند پزشکیان که از یک حمله‌ی موشکی اسرائیل در نشست مخفی سران قوا قسر در رفته تأکید کرده است: «ما برای هرگونه اقدام نظامی اسرائیل آماده‌ایم.»

او حتا از اینهم فراتر رفته و تهدید کرده است: «نیروهای ما آماده هستند تا دوباره به عمق سرزمین‌های اشغالی حمله کنند!»

➡ این مطلب می‌گوید: «سابقه طولانی حکومت ایران در پنهانکاری و عدم شفافیت، همراه با پاسخ‌های مبهم، تنها ترس و تردید عمومی را بیشتر کرده است. مردم می‌دانند که رژیم اغلب حملات اسرائیلی را کوچک جلوه می‌دهد یا انکار می‌کند.»

در غیاب باور افکار عمومی، چیزی که برای بسیاری از مردم ایران مانند حملات هماهنگ احساس می‌شود، برخی از خود می‌پرسند آیا جنگ واقعاً به پایان رسیده است؟ فردی به نام محمد که صاحب کافه و گالری هنری در کاشان است، گفت: «خیلی از ما فکر می‌کنیم کار اسرائیل است و اینکه جنگ دوباره شروع می‌شود.» او افزود که احساس «ترس و بدبینی» دارد، مخصوصاً به این دلیل که کاشان، در مرکز ایران، نزدیک به سایت‌های هسته‌ای و پایگاه‌های موشکی قرار دارد.

بسیاری از ایرانیان همچنین در مورد مرگ هفته گذشته سرتیپ غلامحسین غیب‌پرور فرمانده سابق سپاه پاسداران و مسئول یکی از پایگاه‌های نظامی در تهران، ابراز تردید کرده‌اند؛ پایگاهی که مسئول سرکوب اعتراضات مردم در سال ۲۰۲۱ بود.

به ادعای رسانه‌های حکومتی، او بر اثر عوارض ناشی از مصدومیت‌های شیمیایی دوران جنگ ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰ درگذشت. گفته شده که این عوارض در نتیجه فشارهای روانی ناشی از جنگ اخیر با اسرائیل شدت یافته بود.

مقامات جمهوری اسلامی برای کاستن از نگرانی عمومی روش‌های مختلفی در پیش گرفته‌اند.

شرکت ملی گاز آماری منتشر کرده و مدعی شده که امسال نسبت به سال گذشته افزایش قابل توجهی در تعداد انفجارهای ناشی از نشت گاز وجود نداشته است.

شورای اسلامی شهر تهران نیز از شرکت گاز و وزارت نیرو دعوت کرد تا گزارش‌هایی درباره «اقدامات و تحولات اخیر» ارائه دهند و این اقدامات را به عنوان بررسی «وضعیت در شرایط عادی» توصیف کرد.

برای مقابله با استرس، بسیاری از ایرانیان به طنز پناه برده‌اند. در شبکه‌های اجتماعی، تصاویر دستکاری‌شده‌ای از بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل در لباس شرکت ملی گاز ایران به اشتراک گذاشته شده است.

در گزارش «نیویورک تایمز» همچنین به نقل از یک مقام اروپایی که در امور ایران فعالیت دارد و درخواست نامش فاش شود، آمده است که او نیز این حملات را خرابکاری دانسته و مظنون است که اسرائیل پشت این آتش‌سوزی‌ها قرار دارد.

موساد می‌گوید به فعالیت در ایران ادامه خواهد داد

این ادعاها پس از جنگ ۱۲ روزه میان حکومت ایران و اسرائیل مطرح شده‌اند؛ جنگی که در پی آن، موساد وعده داده به عملیات اطلاعاتی خود در داخل ایران ادامه دهد؛ موضوعی که باعث شده برخی مقامات جمهوری اسلامی اسرائیل را عامل این حوادث بدانند.

یک حساب کاربری فارسی در شبکه «ایکس» که خود را وابسته به موساد معرفی کرده، در پستی درباره انفجارها نوشته است: «انفجار پشت انفجار. یکی باید بررسی کنه اونجا چه خبره. خیلی اتفاق تصادفی داره می‌افته.»

مهدی محمدی مشاور ارشد رئیس مجلس شورای اسلامی گفته است: «اگر کسی فکر می‌کند با رخدادهایی خطی و قابل پیش‌بینی طرف هستیم، ساده‌لوح است. ما حتی اکنون در وضعیت آتش‌بس هم نیستیم؛ این یک تعلیق شکننده است که هر لحظه ممکن است پایان یابد و دوباره وارد جنگ شویم.»

نماینده سوسیال دموکرات هامبورگ از کارزار حامیان دموکراسی خواه شاهزاده رضا پهلوی استقبال می‌کند: پیش از آنکه دریچه فرصت بسته شود باید اقدام کرد!



شاهزاده رضا پهلوی / نشست خبری پاریس / فرانسه / ۲۳ ژوئن ۲۰۲۵ / رویترز

● یکشنبه ۲۲ تیرماه برابر با ۱۳ ژوئیه ۲۰۲۵
بیانیه‌ای از سوی ۱۳۴ تن از ایرانیان دموکراسی خواه از طیف‌های مختلف سیاسی با عنوان «حمایت گروهی از دموکراسی خواهان از آقای رضا پهلوی برای مدیریت دوران گذار» به چهار زبان فارسی، انگلیسی، آلمانی و فرانسوی در اختیار کیهان لندن قرار گرفت که بلافاصله منتشر شد.

● یک هفته بعد در روز یکشنبه ۲۹ تیرماه (۲۰ ژوئیه) شمار امضاکنندگان این بیانیه که همگی دارای شخصیت حقیقی و حقوقی بوده و عمدتاً جمهوریخواه و در کشورهای مختلف به ویژه اروپایی ساکن هستند به نزدیک ۴۰۰ تن رسید. گفتگو و جمع‌آوری امضا به گفته‌ی مبتکران این کارزار همچنان ادامه دارد.

● دانیال ایلخانی پور حقوقدان و نماینده ایرانی‌تبار پارلمان هامبورگ از حزب سوسیال دموکرات آلمان با استقبال از این کارزار معتقد است: «موقعیت ایران پس از جنگ ۱۲ روزه به شدت تغییر کرده و دریچه‌ی تازه‌ای برای تغییر رژیم باز شده که پیش از این هرگز به این شکل وجود نداشته است».

● از نظر این سیاستمدار آلمانی- ایرانی، این فرصت واقعی اما به عامل زمان مشروط است: «به همین دلیل استراتژی شاهزاده رضا پهلوی دقیقاً درست است چرا که این تغییر وضعیت را در نظر گرفته و باید از آن استقبال کرد و مهم است کارزاری وجود داشت باشد که شهروندان از جناح‌های مختلف سیاسی که بطور سنتی حامی شاهزاده نبوده‌اند، امروز در این موقعیت ویژه از جنبش آزادیخواهی، آمادگی خود را برای حمایت از وی جهت گذار به دموکراسی اعلام کنند».

● این سیاستمدار آلمانی- ایرانی با اشاره به پیام میرحسین موسوی که به تازگی خواهان «برگزاری رفراندوم برای تأسیس مجلس مؤسسان قانون اساسی» شده، در مقایسه با نقشه راه عملی که شاهزاده رضا پهلوی ارائه کرده، می‌گوید: «ما دیگر نباید بگذاریم در این مرحله نیز موضوع «پادشاهی» یا «جمهوری» ما را از هم جدا نگذارد. بلکه مسئله بر سر این است که آیا با رضا پهلوی خواهان سرنگونی رژیم و استقرار دموکراسی هستیم یا اینکه مثلاً با میرحسین موسوی می‌خواهیم رژیم دوباره احیاء شود؟!»

یکشنبه ۲۲ تیرماه برابر با ۱۳ ژوئیه ۲۰۲۵ بیانیه‌ای از سوی ۱۳۴ تن از ایرانیان دموکراسی خواه از طیف‌های مختلف سیاسی با عنوان «حمایت گروهی از دموکراسی خواهان از آقای رضا پهلوی برای مدیریت دوران گذار» به چهار زبان فارسی، انگلیسی، آلمانی و فرانسوی در اختیار کیهان لندن قرار گرفت که بلافاصله منتشر شد.

مبتکران و امضاکنندگان این بیانیه کارزاری را علیه تفرقه و برای اتحاد گسترده ایرانیان با هدف سرنگونی «رژیم جنایتکار و ویرانگر جمهوری اسلامی» آغاز کرده‌اند.

در این بیانیه از جمله آمده است: «اگر امروز به این حقیقت مشترک رسیده‌ایم، دیگر مجال سکوت و تردید نیست. دیگر نمی‌توان در حاشیه ماند. زیرا اکنون این رژیم

فرزندان وفادارش خواهد بود از هر زبان و رنگ، دین و عقیده، تبار و تجربه.»

در میان امضاکنندگان شماری از حامیان قدیمی شاهزاده رضا پهلوی و طرفدار نظام پادشاهی نیز دیده می‌شوند، اما تلاش مبتکران این کارزار، بر جلب حمایت ایرانیانی متمرکز است که الزاماً در چارچوب گروه‌های سیاسی ایرانی حضور و فعالیت ندارند اما عشق میهن دارند و مایل به تأثیرگذاری بر سرنوشت کشورشان هستند.

دانیال ایلخانی پور حقوقدان و نماینده ایرانی‌تبار پارلمان هامبورگ از حزب سوسیال دموکرات آلمان سیاستمداری است که از این کارزار استقبال کرده و چه در سال‌های گذشته و چه در روزهای اخیر در رابطه با مسائل ایران در صحنه‌ی سیاسی آلمان از جمله پارلمان سخن گفته، مصاحبه کرده و در برنامه‌های زنده‌ی رسانه‌های اجتماعی به روشنگری درباره واقعیت‌های ایران و حمایت از آزادی و حقوق ایرانیان و همچنین نقش شاهزاده رضا پهلوی در گذار از این رژیم به سوی استقرار دموکراسی در کشور پرداخته است.

این سیاستمدار با استقبال از بیانیه‌ی حمایت دموکراسی خواهان از شاهزاده رضا پهلوی به کیهان لندن می‌گوید: «در سیاست بسیار مهم است که مرتب به بررسی و رصد موقعیت پرداخت تا بتوان به نتایجی بر اساس فکت‌های مبتنی بر واقعیت رسید. موقعیت ایران نیز پس از جنگ ۱۲ روزه به شدت تغییر کرده و رژیم هرگز قبلاً تا این اندازه تضعیف نشده بود. به همین دلیل دریچه‌ی تازه‌ای برای تغییر رژیم باز شده که پیش از این هرگز به این شکل وجود نداشته است».

با اینهمه او هشدار می‌دهد که اگر این دریچه بسته شود، اوضاع دوباره به زیان مردم ایران تغییر خواهد کرد: «اگر این فرصت به هر دلیلی از جمله معامله با غرب از بین

در ضعیف‌ترین، بی‌پشتوانه‌ترین و متزلزل‌ترین موقعیت خود در چهار دهه گذشته ایستاده است. و ما در آستانه‌ی یک تصمیم تاریخی.»

امضاکنندگان تأکید کرده‌اند: «اگر در این لحظه سرنوشت‌ساز متحد نشویم، اگر اراده خود را به عمل بدل نکنیم، این حکومت پوسیده دوباره خود را بازسازی می‌کند... باید یک صدا شویم، یک خواست شویم، یک اراده شویم. اختلافات فردی، حزبی، ایدئولوژیک را کنار بگذاریم و با آگاهی، شجاعت و همدلی، راه رهایی را هموار کنیم. این ندای ماست به همه‌ی آنان که هنوز به نور ایمان دارند: به آنان که آزادی را بر هر مصلحتی ترجیح می‌دهند. به آنان که ایران را نه در گذشته، بلکه در آینده‌ای روشن باز می‌جویند. پیشنهاد ما روشن است: حمایت از آقای رضا پهلوی».

یک هفته بعد در روز یکشنبه ۲۹ تیرماه (۲۰ ژوئیه) شمار امضاکنندگان این بیانیه که همگی دارای شخصیت حقیقی و حقوقی بوده و در کشورهای مختلف به ویژه اروپایی ساکن هستند به نزدیک ۴۰۰ تن رسید. گفتگو و جمع‌آوری امضا به گفته‌ی مبتکران این کارزار همچنان ادامه دارد. نکته قابل توجه اینکه بیشتر امضاکنندگان این بیانیه از نظر موضع سیاسی جمهوریخواهان دموکراسی خواه هستند که به ضرورت همبستگی و اتحاد مدافعان دموکراسی و حقوق بشر زیر چتر فراگیر شاهزاده رضا پهلوی رسیده‌اند و «وظیفه‌ی سنگین» مخاطبان از جمله «دموکراسی خواهان، روشنفکران و فعالان مدنی» را به آنان یادآوری کرده و تأکید می‌کنند که با بر عهده گرفتن مسئولیت در گسترش این همبستگی، «فقط نظاره‌گر نباشند، بلکه سازنده‌ی فردا شوند». آنها با یادآوری شرایط کنونی و اینکه «این لحظه، لحظه‌ی گذار از تماشای کنش است: لحظه‌ی برخاستن است» اطمینان می‌دهند که: «ایران آزاد، خانه‌ی تمام

بارش

عرق سگی!

خبراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۱۵۲) اردیبهشت ۱۳۸۶



داشت که جنس سالم کسی را نمی‌کشد. این هروئین مخلوط و ناسالم است که مصرف آن مرگ می‌آفریند و در حقیقت، فروشندگان بی وجدانی که مواد ناخالص به مصرف‌کننده می‌فروشند مسؤول واقعی این جنایاتند. تعقیب و مجازات قاچاقچیان مشکلی را حل نمی‌کند. دولت باید با گذراندن یک قانون خاص، قاچاق در قاچاق را ریشه‌کن سازد و با مرتکبین این جنایت به‌عنوان عاملان قتل عمد برخورد کند! در خبر «بازتاب» دو نکته بود که نگارنده را به یاد آن ماجرا و آن مقاله انداخت:

یکی عنوان «عرق سگی» و دیگر، واژه «لاابالی». عرق سگی، اصطلاحی است که از گذشته‌ها، از روزگاری که مردم عرقشان را در عرق‌فروشی سر کوچه می‌خوردند و نمازشان را در خانه می‌خواندند (نه مثل حالا که نمازشان را در کوچه می‌خوانند و عرقشان را در خانه می‌خورند) بر جای مانده است. عرق سگی را عرق‌خورها به عرقی می‌گفتند که در تهیه آن نکات بهداشتی رعایت نشده بود. عرق‌خور حرفه‌ای، همین که لب به پیاله می‌زد و بوی تند عرق غیر بهداشتی به مشامش می‌رسید بر سر عرق‌فروش فریاد می‌زد «قاراپط، باز که عرق سگی جلوی ما گذاشتی!» عرق سگی، آن وقتها بدمستی می‌آورد و باعث دل به‌هم‌خوردگی و بالا آوردن یا به‌قول اهل میخانه «غثیون» و شکوفه کردن می‌شد اما نمی‌کشت. حالا، به‌برکت انقلاب شکوهمند، عرق سگی هم خونریز و کشنده شده است. برای اجتناب از خطر کور شدن یا روانه بیمارستان و قبرستان شدن، قبل از لب زدن به پیاله باید هشیار بود. لاابالی نبود. هر عرقی را زهر مار نکرد. تنها به عرق‌هایی با مارک «سپاه» باید اطمینان کرد که به‌لطف وجود اسکله‌های اختصاصی و مرزهای تحت حراست از منابع مطمئن خارجی تهیه و به میهن اسلامی، خصوصاً شهرهای مقدس مذهبی، وارد شده باشد.

خرش را خواندید که در شهر مقدس قم، ده نفر بر اثر نوشیدن «عرق سگی» جان باخته و تعداد دیگری هم دچار کوری چشم و مشکلات کلیوی شده‌اند. منبع خبر، سایت «بازتاب» وابسته به سردار سرلشکر محسن رضایی فرمانده پیشین سپاه پاسداران و دبیر کنونی مجمع تشخیص مصلحت نظام است که وصله شایعه‌پراکنی و ضدیت با انقلاب و اسلام با هیچ سریشمی به دامان «سرداری» او نمی‌چسبد.

در خبر آمده بود: «به‌گزارش خبرنگار بازتاب، در روزهای منتهی به ۱۳ فروردین امسال، یک محموله بزرگ مشروبات الکلی، موسوم به عرق سگی در قم توزیع شده که تعدادی افراد لاابالی با مصرف آن روانه بیمارستان شده و برخی از آنان نیز جان خود را از دست داده‌اند».

خبر، همچنین هشدار می‌دهد که «در کنار قاچاق مشروبات الکلی از خارج به داخل کشور، بتازگی تهیه و توزیع مشروب موسوم به سگی رو به افزایش است».

سالها پیش از این، یکی از بااستعدادترین و خوش‌صداترین خوانندگان ایران، شادروان داریوش رفیعی، بر اثر «اورور دوز» درگذشت. او به هنگام مرگ ۳۲ سال داشت و در اوج محبوبیت بود. مرگ او تأثیر عمیقی در جامعه برانگیخت و تبلیغات گسترده‌ای را علیه هروئین به دنبال آورد. مقالات متعددی در مطبوعات به چاپ رسید که همگی بر این بلای خامنه‌سوز لعنت می‌فرستادند و خواستار ریشه‌کنی آن بودند و برخورد بیرحمانه با تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان هروئین.

در میان آن همه مقالات تند و آتشین، یکی از آنها که ناله اهل درد را منعکس می‌کرد، اثر دیگری داشت. یک نویسنده قوی‌دست، که خود مصرف‌کننده آن ماده لعنتی بود و با شادروان رفیعی نیز دوستی نزدیک داشت، ضمن بیان تأثیرات عمیق خود از درگذشت هنرمند محبوب، نوشت «باید توجه

→ برود و این رژیم بماند، آنوقت موقعیت برای مردم و جنبش آزادیخواهی بسیار وخیم خواهد شد و حکومتی که در سیاست خارجی مضحکه شده است، در سیاست داخلی به سرکوب بیشتر روی خواهد آورد تا قدرت خود را حفظ کند».

از نظر این سیاستمدار آلمانی- ایرانی، این فرصت واقعی اما به عامل زمان مشروط است و تغییر وضعیت در ایران با جنگ ۱۲ روزه می‌بایست در همه استراتژی‌ها در نظر گرفته شود: «به همین دلیل استراتژی شاهزاده رضا پهلوی دقیقاً درست است چرا که این تغییر وضعیت را در نظر گرفته و باید از آن استقبال کرد و مهم است کارزاری وجود داشته باشد که شهروندان از جناح‌های مختلف سیاسی که بطور سنتی حامی شاهزاده نبوده‌اند، امروز در این موقعیت ویژه از جنبش آزادیخواهی، آمادگی خود را برای حمایت از وی جهت گذار به دموکراسی اعلام کنند».

از نظر ایلخانی پور، چنین اقدامی یک نکته و «لحظه‌ی کلیدی در جنبش آزادی ایران» است چرا که «بجای درگیری و مناقشه بر سر تفاوت‌ها و اختلافات ایدئولوژیک و دیدگاه‌های سیاسی، بر اساس یک ارزیابی واقعی به طرح و برنامه‌هایی توجه می‌شود که شانس آزاد کردن ایران را دارند و می‌توانند کشور را به سوی دموکراسی هدایت کنند».

به دلیل تغییر وضعیت ایران و شرایط موجود است که زمان اتحاد بر اساس مضمون و یک زیربنای مستحکم فرا می‌رسد. موضوعی که برای مرحله کنونی بسیار اهمیت دارد. ایلخانی پور می‌گوید: «کسانی که به این مسیر با بدبینی نگاه می‌کنند، دست‌کم باید از خود بپرسند بر اساس شرایط کنونی چه انتخاب دیگری دارند و چه امکانی را می‌شناسند که بتوان در عمل و بطور واقعی ایران را آزاد ساخت؟!»

او تأکید می‌کند: آنچه جامعه سیاسی ایرانیان کمتر به آن عمل می‌کند، سیاست واقع‌گراست. بجایش مرتب به مباحثات آرمان‌گرایانه می‌پردازند. ولی دیگر هیچ فرصتی برای چنین مباحثی وجود ندارد!

این سیاستمدار آلمانی- ایرانی با اشاره به پیام میرحسین موسوی که به تازگی خواهان «برگزاری رفراندوم برای تأسیس مجلس مؤسسان قانون اساسی» شده، در مقایسه با نقشه راه عملی که شاهزاده رضا پهلوی ارائه کرده، می‌گوید: «ما دیگر نباید بگذاریم در این مرحله نیز موضوع «پادشاهی» یا «جمهوری» ما را از هم جدا نگه‌دارد. بلکه مسئله بر سر این است که آیا با رضا پهلوی خواهان سرنگونی رژیم و استقرار دموکراسی هستیم یا اینکه مثلاً با میرحسین موسوی می‌خواهیم رژیم دوباره احیا شود؟!»

در حالی که شماری از اصلاح‌طلبان مذهبی و ملی- مذهبی و چپ‌گرا از این پیام موسوی حمایت کرده و بر اساس آن خواستار «دموکراسی و حقوق بشر» نیز شده‌اند که اساساً این پیام حرفی از آنها نزنده، شاهزاده رضا پهلوی در روز شنبه ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۵ در مونیخ میزبان نشستی با عنوان «همکاری ملی برای نجات ایران» خواهد بود که شمار زیادی از ایرانیان از عرصه‌های مختلف به آن دعوت شده‌اند.

کارزار جمع‌آوری امضا و جذب ایرانیانی که دل‌شان برای ملت و میهن می‌تپد برای جمع شدن زیر چتر فراگیر همبستگی به رهبری رضا پهلوی جهت نجات و آزادی ایران ادامه دارد و قصد دارد در مراحل بعدی و پیش از آنکه درپچه‌ی فرصت کنونی بسته شود، به جلب توجه و حمایت سیاستمداران غربی بپردازد.

باز نشر

گوشه ای
از خاطرات
دکتر محمد علی
مجتهدی

(۴)

ویراستار: حبیب الله
لاجوردی | ناشر کتابفروشی
ایران - مرینند

دانشگاه صنعتی آریامهر چگونه تاسیس شد؟

گفتگوی شاه و دانشجویان در سر میز ناهار

از شاه و شهبانو که برای گشایش دانشگاه آمده بودند دعوت کردیم در سلف سرویس» با
دانشجویان غذا بخورند و این دعوت پذیرفته شد

(تاریخ نشر در کیهان لندن: فروردین تا خرداد ماه ۱۳۸۰ - از شماره ۸۵۲ تا شماره ۸۵۷)

نام دکتر مجتهدی با نام دبیرستان البرز چنان آمیخته است که هرچند مجتهدی استاد دانشکده فنی بود و بعدها مقامات دیگری از جمله ریاست دانشگاه شیراز و دانشکده پلی تکنیک تهران و دانشکده صنعتی آریامهر و دانشگاه ملی را عهده دار شد شهرتش همواره همان دکتر مجتهدی البرز باقی ماند. بعد از دکتر جردن پایه گذار آمریکایی کالج البرز هرگز کسی به اندازه دکتر مجتهدی عاشقانه برای اداره و پیشرفت این مدرسه نمونه ایران کار نکرده است. دکتر مجتهدی در دوران طولانی اداره دبیرستان البرز توانست یک مکتب تربیتی در حوزه مدیریت خود به وجود آورد و کسانی که در این مکتب پرورش یافتند اکثراً در شماره مردان موفق

و کارآمد و سازندگان ایران در دوران رشد و توسعه درآمدند. محمد علی مجتهدی در مهرماه سال ۱۲۸۷ سپتامبر ۱۹۰۸ (در لاهیجان به دنیا آمد و در تیرماه ۱۳۷۶ ژوئیه ۱۹۹۷) در شهر نیس - جنوب فرانسه - درگذشت. او در تهران و سپس در فرانسه تحصیل کرد در مهرماه ۱۳۱۷ به اتفاق همسر فرانسوی خود به ایران بازگشت و تدریس ریاضی را در دانشکده علوم و دانشسرای عالی آغاز کرد از مهر ماه ۱۳۲۰ به دانشکده فنی دانشگاه تهران منتقل گشت و همزمان مسئولیت شبانه روزی دبیرستان البرز را بر عهده گرفت. سه سال بعد به ریاست دبیرستان البرز منصوب شد و به مدت ۳۴ سال در این سمت خدمت کرد مشاغل

آمدیم سرنظام وظیفه فکر کردم که اینها اگر مثل من گرفتار بشوند ممکن است جامه دان شان را جمع کنند و برگردند. حالا من پوست کلفت بودم جامه دانم را جمع نکردم و برنگشتم یک روز شرفیاب شدم و جریان ما وقع رفتن به اهواز و زندانی شدن در ایستگاه راه آهن و مامور درختکاری شدن را گفتم و حتی گفتم درختها را سربازها می دزدیدند و در زمین شوره زار که یک هفته هم دوام نمی کرد می کاشتند.

همه اینها را به عرض اعلیحضرت رساندم. گفتم می توانستند از لحاظ « ماثماتیک (mathematique)» [ریاضیات]، مکانیک تیراندازی، بالستیک که در توپخانه و جدول تیر بسیار مهم است از وجود من استفاده کنند ولی نکردند. مرا مامور یک کاری کرده بودند که امروز هم چیزی از آن بلد نیستم. اما اعلیحضرت میخواند اینهایی که من آوردم این هفتاد نفری که آوردم - همین طوری بشوند؟ ایشان با صدای خیلی قوی گفتند. ابد! گفتم چه امر می فرمائید قربان؟ گفت: «اینها تابستان سالی یک ماه نظام وظیفه شان را انجام بدهند.

همان دقیقه دستور داد که استادهای دانشگاه آریامهر تابستانها نظام وظیفه شان را انجام می دهند. مزاحمشان نشوید. این قانون عمومیت پیدا کرد حتی در شهرداری افتضاح به جایی رسید که شهردار هم سپور را با همین خاصیت استخدام کرد که بعد لغو شد.

دانشگاه آریامهر از سال اولش چاپخانه داشت کتابها و جزوه های مورد لزوم را در آن چاپخانه چاپ می کردند و در اختیار دانشجویان می گذاشتند.

روزهای جمعه ای که داشتند ساختمان میکردند. گاهی از اوقات از دربار به من تلفن میکردند که اعلیحضرت همین حالا می آید به دانشگاه آریامهر.

این را نگفتم در دانشکده فنی که درس می دادم ششصد نفر شاگرد داشتم چون به دانشجویان رشته برق و مکانیک سال دوم درس می دادم درس من هم مشکل بود. آنالیز بود. چون خودم شهرستانی بودم می دانستم این محصلین برای این که ساعت هشت در دانشکده باشند اولاً ساعت هفت مجبور هستند از اتاقی که کرایه کرده اند بیایند و به علاوه تا ساعت شش بعد از ظهر در دانشکده فنی هستند. خوب



اینها وقتی که ساعت شش بر می گشتند. باید شامشان را تهیه کنند یا صبحانه شان را بخرند. اتاقشان را تمیز کنند چه موقع به درسشان برسند؟

همه استادها آخر سال امتحان می کردند. من نه روز اول مهر می رفتم سرکلاس و می گفتم که من هر ماه چهار مسأله به شما می دهم که حل کنید. من اوراق را تصحیح می کنم قبل از دومین امتحان می آورم و می دهم به دست شما و دومی را تصحیح میکنم قبل از سومین. تا آخرین ماه امتحانات من هم اولی ضریبش یک خواهد بود. دومی ضریبش دو، سومی ضریبش سه، چهارمی ضریبش چهار. چون هر چه جلو می رفتم امتحانات مشکلتر میشد.

پنجمی ضریبش پنج و سپس معدل میگیرم این را می دهم به جای نمره امتحان آخر سال به دانشکده.

البته این گرفتاریش ششصد برگ هر ماه تصحیح کردن بود. این اوراق را روزهای جمعه در دبیرستان البرز تصحیح

دیگر دکتر مجتهدی از این قرار بود مدیر کل اداری و آموزشی وزارت فرهنگ (۲۶ - ۱۳۲۵) رئیس دانشگاه شیراز (۴۱ - ۱۳۴۰) ریاست دانشکده پلی تکنیک تهران (۴۴ - ۱۳۴۱) پایه گذار و رئیس دانشگاه صنعتی آریامهر (۴۶ - ۱۳۴۴) رئیس دانشگاه ملی (۱۳۴۶) خاطرات دکتر مجتهدی را طرح تاریخ شفاهی ایران - مرکز مطالعات خاور میانه دانشگاه هاروارد ضبط و اخیراً بوسیله کتابفروشی ایران در مرینند - واشنگتن انتشار داده است. از این خاطرات بخشی را که به داستان شنیدنی تاسیس دانشگاه صنعتی آریامهر اختصاص دارد برای مطالعه شما برگزیده ایم که در چند شماره خواهید خواند.

میکردم چون کسی سروقت من نمی آمد. بعد هم اوراق را به محصلین می دادم و به آنها می گفتم که نگاه کنید. اگر من اشتباه کردم. هر چند نمره ای که اشتباه کردم شما بیائید ثابت کنید. من دو برابر به شما می دهم. اما اگر آمدید اعتراض کردید که مثلاً دو نمره من اشتباه کردم و ثابت شد که شما اشتباه میکنید. آن دو نمره را من از نمره تان کم میکنم البته من هیچ وقت کم نکردم ولی این حرف را می زدم از لحاظ این که بیخودی نیابند مزاحم بشوند!

به این طریق آنها که فرصت نداشتند درس مرا درست مطالعه بکنند و تمرین بکنند. در عرض این پنج تا شش ماه تا فروردین - بیست مسأله با من حل کرده بودند. همین کافی بود برای این که مطالب را درک بکنند. این روش کار من بود. اوراق را که عرض کردم در دبیرستان البرز تصحیح می کردم مطلب کجا بود؟ حل خبر دادند شاه می خواهد از دانشگاه دیدن کند.

م.م: بله روزهای جمعه که اتاقم بودم تلفن صدا میکرد که اعلیحضرت همین الان می آید به دانشگاه بعد هم یک جیب می آمد. دو تا افسر در آن بودند. بنده را وسطشان سوار می کردند - یعنی مرا جلب می کردند. می رفتم آنجا. با وجود این ساعت ده روز ۱۱ آبان سال ۱۳۴۵ ۲ نوامبر ۱۹۶۶ [به عنوان افتتاح دانشگاه با وزیر دربار و با رؤسای مجلس سنا و مجلس شورای ملی و عده ای آمدند برای این که دانشگاه را ویزیت کنند. همه جا را ویزیت کردند و ظهر شد. من زیر گوش اعلیحضرت گفتم که اگر اعلیحضرت اجازه بفرمایند ناهار با محصلین صرف بفرمائید. خیلی به جا خواهد بود. ایشان قبول کردند گفتند فلانی فکر خوبی است و به ایادی یک چیزی گفتند زیر گوش لایب دوا خواستند. من هم دستور دادم یک میزی تهیه کنند تا شاه با ملکه و مادر شهبانو روی آن میز جدا بنشینند. دستور داده بودم که مهمانهایی که به دانشگاه می آمدند هر دو دانشجویی یکی از این مهمانها را بین خودشان بنشانند چون ششصد نفر دانشجو بودند سیصد نفر را بین خودشان می نشاندند. این طریقه ای بود که در شبانه روزی دبیرستان البرز ما میکردیم هر وقت مهمان داشتیم مهمانان بین محصلین که می رفتند هر چه دلشان میخواست می پرسیدند. در صورتی

کن. با سر می روم اداره می‌کنم - موسسه آموزشی نه چیز دیگری - و خیانت نمی‌کنم. همه شان به من لطف داشتند.

من مخالف تمام احزاب بودم و هیچ وقت عضو هیچ حزبی نبودم هیچ وقت این هم از چیزهای اختصاصی من است برای این که معتقد بودم که این احزابی که در ایران تشکیل می شود به علت عدم رشد کافی اکثریت مردم اغلب وابسته به شمال و جنوب هستند. به این جهت هیچ وقت جزو هیچ دار و دسته ای نبودم و بنا براین بیطرف بودم افراد احزاب مختلف هم اگر بچه هایشان در دبیرستان البرز بودند یا در دانشگاه بودند. چون می دیدند من بیطرفم اهل دسته خاصی نیستم آنها هم یا ملاحظه مرا میکردند یا احترام مرا در نظر می گرفتند.

به هر حال از ترس نبود چون من معتقدم با ترس نمی شود هیچ جایی را اداره کرد مخصوصا جوانان را با ترس و وحشت هر کسی هر کجا را بخواهد اداره کند موقتی است و دائم نخواهد بود. من اهل این صحبتها نبودم. البته هر کسی خلاف میکرد شدیداً و پدرانۀ تنبیه میکردم آن را هم ملاحظه نمی کردم به چه کسی وابسته بود. ولی وقتی خلاقی نبود تقی را بر علی ترجیح نمی دادم به علت این که پسر وزیر یا پسر وکیل است یا پسرمن یا فلان حزب و فلان دسته است. تصور میکنم روی اصل این ششصد نفر دانشجوی آن روز دانشگاه آریامهر ساکت بودند. حتی اگر مال احزاب مختلف

نشستم و آن طرف میز هم مادر شاه نشسته
ح.ل: مادر شهبانو

م.م: بله این طرفش خالی است. شاه گفت: چه قدر خوب است که یک دختر و یک پسر دانشجو هم بیایند در اینجا با ما ناهار بخورند. من بلند شدم که صدا کنم شاه گفت چه جوری انتخاب میکنی؟ جواب ندادم و داد کشیدم گفتم اعلیحضرت امر کردند یک دانشجوی پسر یک دانشجوی دختر افتخار این را داشته باشند که امروز سرمیز اعلیحضرت غذا بخورند. در این موقع دانشجویان شروع کردند به دویدن آن پسر و دختری که از همه زودتر رسیدند. آمدند نشستند. خوشبختانه پسر فارغ التحصیل دبیرستان البرز نبود. حالا چرا نبود. یادم نیست.

شاه از دانشجوی پسر پرسید چه انگیزه ای باعث شد که شما در دانشگاه آریامهر اسمتان را نوشتید؟ این نمی دانم از کدام شهرستان بود. به هر حال تهرانی نبود. همین طوری لری، برگشت گفت: من در دانشکده فنی قبول شدم. پلی تکنیک قبول شدم. دانشگاه تبریز هم قبول شدم ولی چون شنیده بودم اینجا را یک کسی اداره می کند که خیلی علاقمند به جوانهاست حالا این جمله اوست که بنده عرض میکنم - «خیلی علاقمند به جوانهاست و به علاوه این دانشگاه تحت نظر اعلیحضرت است به این جهت اینجا را ترجیح دادم.»

➡ که پهلوی من که می نشستند و از من می پرسیدند. خوب من یک چیزهایی میگفتم شاید باورشان نمی شد. بهتر بود از خود دانشجو بپرسند.

شاه و دانشجویان

ناهار خوری را آقای محمود خلیلی به من کمک کرد. وسائلی آنجا درست کرد که دوهزار نفر به صورت سلف سرویس غذا می خوردند. شاه رفت و سینی برداشت و بشقاب آن روز مرغ پلو داشتیم عین غذای معمولی هیچ تغییری نداده بودم - یعنی اصلاً اطلاع نداشتم که شاه ناهار می ماند. فکر من صبح این نبود؛ چون ظهر شده بود یک دفعه به فکرم رسید.

ح.ل: مسأله امنیتی مطرح نبود؟

م.م: هیچ اصلاً مطرح نبود امنیتی را راه نمی دادم آقا من امنیتی ها را - سازمان امنیتی ها را در مؤسساتی که اداره میکردم راه نمی دادم چون میدانید دلیل راه ندادن آنها برای من چه بود؟ یا من مسئول بودم - یعنی مسئول آن مؤسسه بودم - یا نبودم اگر من مسئول بودم خودم هم بایست معایبش را مرتفع کنم - اگر معایبی داشت - سازمان امنیتی از تعلیمات چه می فهمد؟ از طرز فکر دانش آموزان چه می فهمد؟ او می آمد دخالت میکرد. کار را خراب میکرد. به علاوه اصلاً من نمی خواستم جاسوس داشته باشم. دیگر



(گروهی از کادر آموزش دبیرستان البرز) ردیف نشسته از راست: آقایان گلبابائی پڑهان - افشار - موسوی ماکوئی - دکتر مجتهدی - بارسقیان - خسروی - خان محمدی
ردیف ایستاده از راست: آقایان تفنگچی - سرپرست - مجتهدی - بهمنیار - مکرری - شریعت زاده رفیع - محلی - کهمالی نیا

بودند. ساکت بودند. هیچ اظهار نظر و صحبتی هیچ حرفی از دهان اینها در نیامد. خود به خود این حسادت عده ای را تحریک کرد. مخصوصاً آقای دکتر جهانشاه صالح رئیس دانشگاه تهران را و آقای ریاضی را - چنانچه پلی تکنیک حسادتش را تحریک کرده بود آنجا هم تحریک کرد.

زیر گوش اعلیحضرت گفتم چه قدر خوبست که نصایحی بفرمائید و ایشان شروع کردند به سخنانی که چرا این دانشگاه را تشکیل دادند و بعدش هم اظهار لطفی کردند و فرمودند که ماکسی را برای شما انتخاب کردیم که تمام عمرش غیر از آموزش کار دیگری نکرده و به هر حال خیلی اظهار لطف فرمودند.

دنباله دارد

شاه مثل گل شکفته شد. خوشحال شد از این جمله. از این جهت من میگویم خوشحال شدم که این پسر البرزی نبود. برای این که اگر البرزی بود، شاه خیال میکرد من به او یاد داده ام. بعدش غذا که تمام شد من زیرگوش شاه گفتم «چه قدر خوبست که یک نصایحی به دانشجویانی که حالا اینجا هستند بفرمائید» هیچ دانشگاهی در ایران و هیچ دانشکده ای، هیچ مؤسسه آموزشی، هیچ اجتماعی جرات نداشتند که شاه را بیاورند آنجا و این کاری بود که من کردم بدون این که سازمان امنیت و دستگاههای امنیتی دخالتی داشته باشند ولی من ایمان داشتم به کار خودم. من می دانستم به این جوانها خیانت نمی کردم. نکردم ببخشید در این سن هم که هستم اگر امروز هم به من بگویند بیا فلان مؤسسه را اداره

راهشان نمیدادم معذرت میخواهم نمی دانم چه قدرتی من داشتم و غیر از قدرت روحی هیچ چیز نداشتم به هیچ کسی متکی نبودم هیچ کس جرأت نمی کرد. حتی در دبیرستان البرز یا در پلی تکنیک که شاه دخالتی نداشت. آنجا هم سازمان امنیتی جرات نمی کرد بیاید. یا نمی آمد به احترام من یا جرأت نداشت یا دستور داشتند دخالت نکنند.

عرض کنم که همه مدعوین سینی گرفتند و غذا گرفتند. البته من فوری رفتم سینی شاه را گرفتم و معاون من هم مال شهبانو را گرفت و یکی دیگرش هم مال مادر شهبانو را گرفت و آوردیم روی میز میز اختصاصی شان مدعوین هم خودشان غذایشان را گرفتند و آمدند نشستند. شمال میز شاه نشسته دست راستش شهبانوست دست چپش من

والاستریت ژورنال: گروه هکری «گنجشک درنده» ۹۰ میلیون دلار رمزارز سپاه پاسداران را از دسترس خارج کرد



در نخستین روزهای جنگ ۱۲ روزه برخی منابع از وجود اختلال در سیستم خودپرداز چند بانک از جمله بانک «سپه» خبر دادند

● روزنامه «والاستریت ژورنال» گزارش داد که جنگ ۱۲ روزه‌ی اسرائیل با رژیم ایران، میدان یک کارزار بی‌سابقه‌ی سایبری علیه نظام مالی جمهوری اسلامی نیز بود. در گذشته، حملات سایبری حمایت‌شده از سوی دولت‌ها با هدف سرقت داده‌ها، به گروگان گرفتن دارایی‌ها یا ایجاد اختلال در فعالیت عادی نهادها انجام می‌شد. اما اسرائیل دست به اقدامی بسیار رادیکال‌تر زد: این کشور دارایی‌های دیجیتال و سوابق بانکی را از بین برد تا پایه‌های رژیم را تضعیف کند.

● «با گسترش وحشت عمومی، هجوم سپرده‌گذاران به همه بانک‌ها آغاز شد. بزرگترین بانک تجاری ایران، بانک ملی، با آنکه هدف حمله سایبری قرار نگرفته بود، نتوانست پاسخگوی تقاضاهای نقدی مشتریان باشد. بانک مرکزی تلاش کرد بحران را مهار کند و با چاپ پول و تزریق ذخایر به نظام بانکی واکنش نشان داد».

● در بخشی از این گزارش به سقوط بورس تهران و کاهش ۱۲ درصدی ارزش ریال همزمان با جنگ اشاره و ادعا شده اینها پیامد حمله هکرای «گنجشک درنده» به زیرساخت‌های اقتصادی جمهوری اسلامی بود.

● در این گزارش همچنین به هدف قرار گرفتن «یک زیرساخت مالی موازی مبتنی بر رمزارزهای پایدار با پشتوانه مالی غیردیجیتال» اشاره شده و آمده است: «گنجشک درنده با شناسایی دارایی‌هایی که سپاه از آنها برای عملیات روزانه‌اش استفاده می‌کرد، حدود ۹۰ میلیون دلار از این کیف پول‌ها خارج کرد و با انتقال آنها به آدرس‌هایی غیرقابل بازیابی، کیف پول‌های سپاه را نابود کرد».

● نویسندگان این گزارش بر این باورند که در حال حاضر «زیرساخت مالی جمهوری اسلامی تنها تا زمانی پابرجاست که دولت اسرائیل اجازه دهد». آنها تأکید کرده‌اند عملیات اخیر «گنجشک درنده» چارچوب دیپلماسی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی را دگرگون کرده و به دولت ترامپ امکان داده است تا رهبر جمهوری اسلامی را در برابر یک دوگانه روشن قرار دهد: یا از برنامه هسته‌ای عقب‌نشینی کن یا با فروپاشی اقتصادی روبرو شو!

روزنامه «والاستریت ژورنال» گزارش داد که جنگ ۱۲ روزه‌ی اسرائیل با رژیم ایران، میدان یک کارزار بی‌سابقه‌ی سایبری علیه نظام مالی جمهوری اسلامی نیز بود. در گذشته، حملات سایبری حمایت‌شده از سوی دولت‌ها با هدف سرقت داده‌ها، به گروگان گرفتن دارایی‌ها یا ایجاد اختلال در فعالیت عادی نهادها انجام می‌شد. اما اسرائیل دست به اقدامی بسیار رادیکال‌تر زد: این کشور دارایی‌های دیجیتال و سوابق بانکی را از بین برد تا پایه‌های رژیم را تضعیف کند. در این گزارش که ۲۰ ژوئیه (۲۹ تیرماه) منتشر شده، با اشاره به از کار افتادن دستگاه‌های خودپرداز در میانه‌ی جنگ ۱۲ روزه، این عملیات بخشی از «یک کارزار بی‌سابقه سایبری علیه سیستم مالی جمهوری اسلامی» با هدف «نابود کردن دارایی‌های دیجیتال و سوابق بانکی برای تضعیف حکومت ایران» توصیف شده است.

نخستین هدف اسرائیل، بانک سپه بود، قدیمی‌ترین و بزرگترین بانک دولتی ایران. بانک سپه به عنوان نهاد مالی مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، خدمات مالی نیروهای

نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی را بر عهده دارد؛ از پرداخت حقوق و مستمری گرفته تا تأمین مالی موشک‌هایی که برای دور زدن تحریم‌ها طراحی شده‌اند. گروه هکری «گنجشک درنده» که به دولت اسرائیل نسبت داده می‌شود، مسئولیت حذف داده‌های بانکی بانک سپه و از کار انداختن آن را بر عهده گرفت.

به دنبال این حمله هکری، دستگاه‌های خودپرداز، حتی خودپردازهایی خارج از سیستم بانک سپه از کار افتاد و خدمات بانکی آنلاین و حضوری، همچنین پرداخت حقوق و مستمری نیروهای نظامی و امنیتی که به وسیله بانک سپه انجام می‌شد، متوقف شد.

در این گزارش آمده است: «با گسترش وحشت عمومی، هجوم سپرده‌گذاران به همه بانک‌ها آغاز شد. بزرگترین بانک تجاری ایران، بانک ملی، با اینکه هدف حمله سایبری قرار نگرفته بود، نتوانست پاسخگوی تقاضاهای نقدی مشتریان باشد. بانک مرکزی تلاش کرد بحران را مهار کند و با چاپ پول و تزریق ذخایر به نظام بانکی واکنش نشان داد». در بخشی از این گزارش به سقوط بورس تهران و کاهش ۱۲ درصدی ارزش ریال همزمان با جنگ نیز اشاره و ادعا شده است که اینها پیامد حمله هکرای «گنجشک درنده» به زیرساخت‌های اقتصادی جمهوری اسلامی بود.

در این گزارش همچنین به هدف قرار گرفتن «یک زیرساخت مالی موازی مبتنی بر رمزارزهای پایدار با پشتوانه مالی غیردیجیتال» اشاره شده و آمده است: «گنجشک درنده با شناسایی دارایی‌هایی که سپاه از آنها برای عملیات روزانه‌اش استفاده می‌کرد، حدود ۹۰ میلیون دلار از این کیف پول‌ها خارج کرد و با انتقال آنها به آدرس‌هایی غیرقابل بازیابی، کیف پول‌های سپاه را نابود کرد».

این حملات با قطع دسترسی نیروهای امنیتی به پول‌هایشان، مشروعیت حکومت ایران نزد نیروهای

وفادارش را هدف قرار داد.

نویسندگان این گزارش بر این باورند که در حال حاضر «زیرساخت مالی جمهوری اسلامی تنها تا زمانی پابرجاست که دولت اسرائیل اجازه دهد». آنها تأکید کرده‌اند عملیات اخیر «گنجشک درنده» چارچوب دیپلماسی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی را دگرگون کرده و به دولت ترامپ امکان داده است تا رهبر جمهوری اسلامی را در برابر یک دوگانه روشن قرار دهد: یا از برنامه هسته‌ای عقب‌نشینی کن یا با فروپاشی اقتصادی روبرو شو!

دو هدف عمده عملیات سایبری

آنها تحقق اهداف این فشار را در گرو دو راهکار کلیدی می‌دانند:

نخست، ادامه تحریم‌ها برای سوق دادن منابع مالی رژیم ایران به سوی شبکه‌های غیررسمی و رمزارز، جایی که آمریکا و اسرائیل می‌توانند از طریق حملات سایبری نقاط آسیب‌پذیر جمهوری اسلامی را هدف قرار دهند.

راهکار دوم نیز تغییر رویکرد ایالات متحده از «حمایت غیرمستقیم» به «مشارکت فعال» در اجرای عملیات سایبری تهاجمی همراه با اسرائیل علیه زیرساخت‌های مالی جمهوری اسلامی است.

نویسندگان این گزارش، این مسیر را مؤثر و کم‌هزینه و به لحاظ سیاسی قابل‌پذیرش می‌دانند، به ویژه در شرایطی که آمریکا مایل به درگیری مستقیم نظامی نیست.

در پایان گزارش بر این موضوع تأکید شده است که جنگ سایبری، مانند جنگ نظامی، نیازمند «آزمون میدانی» است. همکاری عملیاتی مداوم واشنگتن و تل‌آویو نه تنها باعث تقویت اتحاد آنها می‌شود، بلکه در رقابت با رژیم‌های حاکم بر کشورهایی مانند چین، روسیه، ایران و کره شمالی، برتری میدان را برای آنها تضمین می‌کند.

هشدار مجدد اروپایی‌ها به جمهوری اسلامی: اگر تا پایان تابستان «توافق» نکنید «مکانیسم ماشه» فعال می‌شود



دیدار وزرای خارجه آلمان، بریتانیا، فرانسه و کابا کالاس مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا / رویترز

اورانیوم غنی‌شده خود اعمال کند. با اینهمه وزیر خارجه آلمان روز جمعه با لحنی شدید هشدار داد در صورت عدم دستیابی به توافق تا پایان تابستان، «مکانیسم ماشه» فعال خواهد شد. یوهان وادفول در اینباره گفت: «ما مصمم هستیم که اولاً همه تلاش خود را برای دستیابی به راه حل دیپلماتیک و مورد مذاکره (درباره برنامه هسته‌ای ایران) به کار بندیم، اما در عین حال، اگر این تلاش‌ها شکست بخورد، به همان اندازه مصمم هستیم که مکانیسم ماشه را فعال کنیم.»

پیشتر وزیران خارجه بریتانیا، فرانسه و آلمان در مورد فعال شدن «مکانیسم ماشه» در صورت عدم توافق و بازگشت خودکار همه تحریم‌های بین‌المللی که طبق قطعنامه سازمان ملل در سال ۲۰۱۵ تعلیق شده بودند، به رژیم ایران هشدار داده بودند. پایگاه خبری آکسیوس همزمان گزارش داد که دیپلمات‌های ارشد جمهوری اسلامی و سه کشور اروپایی قرار است هفته آینده احتمالاً در وین یا ژنو دیدار و گفتگو کنند. طبق این گزارش که به نقل از منبعی آگاه منتشر شده، انتظار می‌رود حکومت ایران در این مذاکرات با حضور معاونان وزیر امور خارجه، کاظم غریب‌آبادی و مجید تخت‌روانچی، نمایندگی شود.

خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز به نقل از منابعی گزارش داد که ایران در حال بررسی درخواست سه کشور اروپایی برای از سر گرفتن مذاکرات هسته‌ای است. با این حال، زمان و محل احتمالی مذاکرات هنوز مشخص نشده است. «تسنیم» تأیید کرده که این مذاکرات قرار است در سطح معاونان وزیر خارجه برگزار شود.

پایان تابستان می‌بایست پیشرفتی واقعی، قابل‌راست‌آزمایی و پایدار در مذاکرات حاصل شود.

در واکنش به این تهدید، عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی گفت که کشورهای اروپایی باید از «سیاست فرسوده تهدید و فشار» دست بردارند.

عراقچی در پستی در «ایکس» نوشت: «این ایالات متحده بود که از توافقی که طی دو سال و با هماهنگی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۵ حاصل شده بود، خارج شد- نه ایران؛ و این آمریکا بود که در ژوئن امسال میز مذاکره را ترک کرد و بجای آن گزینه نظامی را برگزید- نه ایران.» اتفاقاً این سخنان نشان می‌دهد که با وجود حتماً ترک توافق و اقدام نظامی، این جمهوری اسلامی است که به مذاکره و معامله نیاز دارد- نه آمریکا!

او در ادامه با اشاره به تهدید وزرای اتحادیه اروپا در ارتباط با فعال ساختن مکانیسم ماشه که به صورت خودکار تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی را بدون رای شورای امنیت سازمان ملل بر می‌گرداند، نوشت: «اگر اتحادیه اروپا و سه کشور اروپایی می‌خواهند نقشی ایفا کنند، باید مسئولانه رفتار کنند و از سیاست فرسوده تهدید و فشار، از جمله تهدید به اجرای مکانیسم ماشه که فاقد هرگونه مبنای اخلاقی و حقوقی برای آن هستند، دست بردارند.»

لارنس نورمن خبرنگار روزنامه «والاستریت ژورنال» گزارش داده، اتحادیه اروپا به جمهوری اسلامی پیشنهاد تهدید مهلت فعال ساختن «مکانیسم ماشه» را ارائه داده است مشروط بر اینکه تهران همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را از سر بگیرد و محدودیت‌های مشخصی را بر ذخایر

● بر اساس بیانیه وزارت خارجه فرانسه، وزرای خارجه انگلیس، فرانسه، آلمان و مقام مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به عباس عراقچی هشدار داده‌اند که اگر در مهلت تعیین شده (تا پایان اوت ۲۰۲۵ برابر با نهم شهریورماه) تکلیف «احیای برجام» یا توافق اتمی روشن نشود، «مکانیسم ماشه» را فعال خواهند کرد.

● عراقچی در پستی در «ایکس» نوشت: «این ایالات متحده بود که از توافقی که طی دو سال و با هماهنگی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۵ حاصل شده بود، خارج شد- نه ایران؛ و این آمریکا بود که در ژوئن امسال میز مذاکره را ترک کرد و بجای آن گزینه نظامی را برگزید- نه ایران.» اتفاقاً این سخنان نشان می‌دهد که با وجود حتماً ترک توافق و اقدام نظامی، این جمهوری اسلامی است که به مذاکره و معامله نیاز دارد- نه آمریکا!

● وزیر خارجه آلمان روز جمعه با لحنی شدید هشدار داد در صورت عدم دستیابی به توافق تا پایان تابستان، «مکانیسم ماشه» فعال خواهد شد.

بر اساس بیانیه وزارت خارجه فرانسه، وزرای خارجه انگلیس، فرانسه، آلمان و مقام مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به عباس عراقچی هشدار داده‌اند که اگر در مهلت تعیین شده (تا پایان اوت ۲۰۲۵ برابر با نهم شهریورماه) تکلیف «احیای برجام» یا توافق اتمی روشن نشود، «مکانیسم ماشه» را فعال خواهند کرد.

بر اساس گزارش «فرانس ۲۴»، اروپایی‌ها از رژیم ایران خواسته‌اند هرچه سریع‌تر به مسیر دیپلماتیک بازگردد و تا

سرنوشت نامشخص ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی؛ احتمال حمله مجدد در صورت عدم همکاری جمهوری اسلامی با آژانس

● یک ماه پس از حملات ایالات متحده و اسرائیل به سه سایت اصلی هسته‌ای در ایران، پیامدهای این حملات هوایی، به دلیل برآوردهای متناقض از میزان ضربه، هنوز مشخص نیست. صحبت درباره وضعیت جمهوری اسلامی و ایران از محورهای اصلی دیدار و گفتگوی اخیر وزرای دفاع آمریکا و اسرائیل بود.

● رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از جمهوری اسلامی خواسته است در مورد وضعیت تأسیسات بعد از بمباران و محل اورانیوم‌های منتقل شده همکاری کند، اما سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه هشدار داد: «هیچ تضمینی درباره درز نکردن دوباره اطلاعات از آژانس اتمی نیست».

یک ماه پس از حملات ایالات متحده و اسرائیل به سه سایت اصلی هسته‌ای در ایران، پیامدهای این حملات هوایی، به دلیل برآوردهای متناقض از میزان ضربه، هنوز مشخص نیست. صحبت درباره وضعیت جمهوری اسلامی و ایران از محورهای اصلی دیدار و گفتگوی اخیر وزرای دفاع آمریکا و اسرائیل بود.

در این حملات که بخشی از عملیات «چکش نیمه‌شب» بودند، تأسیسات هسته‌ای در شهرهای فردو، نطنز و اصفهان را هدف قرار گرفتند. در این عملیات ۱۲۵ هواپیما، از جمله بمب‌افکن‌های ویژه B-2 مجهز به بمب‌های سنگین برای نابودی تأسیسات زیرزمینی مأموریت داشتند.

بر اساس گزارش منابع غربی، خسارت به فردو حاصل شدیدترین حمله بود. این سایت درواقع مستحکم‌ترین تأسیسات هسته‌ای ایران است و در عمق زمین ساخته شده تا در برابر حملات احتمالی محافظت شود. دقیقاً مشخص نیست جمهوری اسلامی ایران چه زمانی ساخت این سایت را آغاز کرد؛ اما در سال ۲۰۰۹ و در دولت دوم محمود احمدی‌نژاد فعالیت آن لو رفت. گفته می‌شود این تأسیسات برای فعالیت حدود سه هزار سانتریفیوژ طراحی شده‌اند.

طبق توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ موسوم به «برجام»، تهران پذیرفت که از این سایت فقط برای اهداف تحقیقاتی استفاده کند و تا ۱۵ سال در آن به غنی‌سازی اورانیوم نپردازد. اما پس از خروج یکجانبه رئیس‌جمهور وقت آمریکا، دونالد ترامپ، از توافق اتمی در هشتم ماه مه ۲۰۱۸، رژیم ایران فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم در فردو را از سر گرفت.

در حال حاضر، در این سایت اورانیوم ۶۰ درصدی تولید می‌شود، که بسیار بیشتر از نیاز برای تولید برق و مصارف تجاری در نیروگاه‌های غیرنظامی است. تهران همچنین اعلام کرده برنامه‌هایی برای افزایش ظرفیت غنی‌سازی این سایت دارد. پیشتر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارش داده بود که بازرسان آثار اورانیوم با غلظت ۸۳/۷ درصد در فردو پیدا کردند که بسیار نزدیک به غلظت ۹۰ درصدی مورد نیاز برای ساخت سلاح هسته‌ای است.

حمله به نطنز و اصفهان

هدف دیگر حملات ایالات متحده، تأسیسات نطنز بود که بزرگترین مرکز غنی‌سازی اورانیوم در ایران به شمار می‌رود و در حدود ۲۲۵ کیلومتری جنوب تهران واقع شده است. نطنز نیز مانند فردو در زیر زمین قرار دارد و احتمال می‌رود



دیدار وزرای دفاع آمریکا و اسرائیل در پنتاگون / تیرماه ۱۴۰۴

نابودی تأسیسات اتمی کلیدی در ایران زمینه برای موج دوم حملات را فراهم می‌کند.

دیدار هگست و کاتز

برخی از تحلیلگران بر این باورند که از اگر حملات اسرائیل و آمریکا موج دوم داشته باشد، یکی از دلایل اصلی آن تردید در مورد سرنوشت اورانیوم‌هایی است که امکان ساخت سلاح اتمی را به تهران می‌دهد. این موضوع از محورهای اصلی گفتگوهای پیت هگست وزیر دفاع آمریکا و یسارئیل کاتز وزیر دفاع اسرائیل بود که روز جمعه ۲۶ تیرماه در پنتاگون با یکدیگر دیدار کردند.

در طول این دیدار، کاتز تأکید کرد که اسرائیل و ایالات متحده بطور مشترک برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و ظرفیت تولید موشک تهران را نابود کردند. او توضیح داد: «هدف مشترک ما این است که مانع برنامه هسته‌ای و تولید موشک توسط جمهوری اسلامی ایران شویم».

کاتز همچنین بر نقش کلیدی دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا در جنگ ۱۲ روزه میان اسرائیل و رژیم ایران تأکید کرد و تصمیم او را اقدامی شجاعانه دانست.

هگست نیز در این دیدار به همتای اسرائیلی خود گفت: «پیروزی اسرائیل در جنگ ۱۲ روزه علیه جمهوری اسلامی ایران، [شرایط] منطقه و جهان را تغییر داده است».

به گفته هگست، اگر تهران مسیر صلح را انتخاب کند، خاورمیانه اکنون فرصت بزرگی در پیش رو دارد. وزیر دفاع آمریکا به همباران سایت‌های هسته‌ای در فردو، نطنز و اصفهان اشاره و سخنان ترامپ را تکرار کرد: «آنها کاملاً نابود شدند و ما پیام مهمی به تمام جهان فرستادیم. این حمله به خوبی نشان داد که ایالات متحده می‌تواند مخفیانه ۳۷ ساعت پرواز کند و داخل یک کشور متخاصم شود، مهمات قوی و دقیقی را که فقط آمریکا دارد شلیک کند و در امنیت کامل بازگردد».

حدود ۵۰ هزار سانتریفیوژ دیگر در آن مستقر باشند. فردو و نطنز پیشتر نیز هدف قرار گرفته بودند. به گفته مقامات جمهوری اسلامی، از حمله سایبری «استاکسنت» در سال ۲۰۱۰ گرفته تا قطع برق در فردو و انفجار کنترل‌شده از راه دور در نطنز در چهار سال پیش، حملات مختلفی باعث تخریب گسترده و آسیب جدی به توان غنی‌سازی اورانیوم این سایت‌ها شده‌اند.

سومین سایت هسته‌ای هدف‌گیری شده توسط آمریکا، سایت اصفهان بود. گفته می‌شود ایران در این سایت سوخت هسته‌ای مورد استفاده برای تولید سلاح‌های هسته‌ای را ذخیره می‌کند. در اصفهان، اورانیوم طبیعی به گاز هگزافلورید اورانیوم (UF6) تبدیل می‌شود که سپس در سانتریفیوژهای نطنز و فردو برای غنی‌سازی استفاده می‌گردد.

نیروگاه بوشهر و سوخت روسی

سایت‌های فردو، نطنز و اصفهان تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم هستند. کارشناسان تخمین می‌زنند ایران بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم با غلظت بالا در اختیار دارد. با وجود خسارات وارده به این سه سایت، سرنوشت این اورانیوم غنی‌سازی‌شده همچنان نامشخص است.

درباره وضعیت حدود ۴۰۵ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی در ایران اظهارات متناقض بیان می‌شود. دونالد ترامپ ادعا می‌کند این اورانیوم‌ها زیر خاک مدفون شدند اما مقامات تهران مدعی‌اند قبل از حمله آنها را به مکان‌های امن منتقل کرده‌اند. چند رسانه به نقل از منابع اسرائیلی گفته‌اند که این اورانیوم بین سه سایت تقسیم شده بود و به جای دیگری «منتقل نشده» است. بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل نیز در یک مصاحبه گفت: «خبر داریم اورانیوم‌ها کجا هستند». شماری از تحلیلگران حکومتی در ایران، نزدیک به سپاه پاسداران هشدار داده‌اند تناقض‌گویی در مورد تخریب یا

تیراندازی مرگبار بسیجی‌ها به دو ماشین در خمین؛ چهار نفر کشته شدند



استقرار نیروهای بسیج در یک ایست بازرسی

ایست‌های بازرسی در شهرهای مختلف در جریان جنگ ۱۲ روزه تقویت شده تا به گفته مقامات نظام با «عوامل اسرائیل» مقابله شود. در حالی که مأموران بسیجی مستقر در این ایستگاه‌ها شهروندان را با سلاح گرم مورد هدف قرار می‌دهند!

تیراندازی بی‌ضابطه نیروهای نظامی به شهروندان طی سال‌های اخیر بارها برای جان شهروندان بیگناه شده است، اما نه تنها نهادهای مسئول فکری برای آن نکرده‌اند بلکه در بالاترین سطح به وضع راهکارهای قانونی پرداختند تا دست نیروهای امنیتی برای استفاده از سلاح بیش از پیش باز شود.

رضا تمیزکار از پرسنل سابق نیروی انتظامی خبر داده چند بسیجی ۱۷-۱۸ ساله در رفسنجان نیز، پنجم تیرماه به یک جوان ۲۰ ساله تیراندازی کرده‌اند.

آنها در حالی در جاده به سمت یک ماشین تیراندازی کردند که گلوله به پهلوی آن جوان اصابت کرده و در نهایت به علت شدت خونریزی جان خود را از دست می‌دهد.

جنایت بسیجی‌ها در خمین خشم مردم را برانگیخته است به ویژه آنکه یک کودک پنج ساله نیز در میان کشته‌شدگان است.

بسیاری نوشته‌اند بسیجی‌ها مزدور حکومت و قاتل مردم ایران هستند. یکی از شعارهایی که مردم در اعتراضات ملی ۴۰۱ سر می‌دادند «بسیجی سپاهی، داعش ما شمائین!» بود.

اکنون نیز مقامات و نهادهای مسئول هراسان از وضعیت جنگی که خودشان به راه انداخته و به جامعه تحمیل کرده‌اند به بسیجی‌ها و «آتش‌باختارها» اسلحه می‌دهند تا با برقرار کردن فضای رعب و وحشت، از اعتراضات مردمی علیه خودشان جلوگیری کنند.

● در تیراندازی بسیجی‌های مستقر در یک ایست بازرسی در شهر خمین به دو ماشین که شامگاه پنجشنبه ۲۶ تیرماه ۱۴۰۴ اتفاق افتاد، دست‌کم چهار نفر از شهروندان کشته شدند.

● به گفته وحید براتی‌زاده فرماندار خمین، «نیروهای حفاظت یکی از مراکز نظامی استان در شهرستان خمین به دو خودروی عبوری مشکوک شدند و به آنها تیراندازی کردند».

● جنایت بسیجی‌ها در خمین خشم مردم را برانگیخته است به ویژه آنکه یک کودک پنج ساله نیز در میان کشته‌شدگان است. بسیاری نوشته‌اند بسیجی‌ها مزدور حکومت و قاتل مردم ایران هستند. یکی از شعارهایی که مردم در اعتراضات ملی ۴۰۱ سر می‌دادند «بسیجی سپاهی، داعش ما شمائین!» بود.

در تیراندازی بسیجی‌های مستقر در یک ایست بازرسی در شهر خمین به دو ماشین که شامگاه پنجشنبه ۲۶ تیرماه ۱۴۰۴ اتفاق افتاد، دست‌کم چهار نفر از شهروندان کشته شدند.

دهم تیرماه نیز نیروهای بسیج در همدان سرنشینیان یک ماشین آفرود را به رگبار بسته بودند که دو نفر کشته و یک نفر زخمی بر جای گذاشت.

به گفته وحید براتی‌زاده فرماندار خمین، «نیروهای حفاظت یکی از مراکز نظامی استان در شهرستان خمین به دو خودروی عبوری مشکوک شدند و به آنها تیراندازی کردند».

او افزود: «پرونده قضایی در این خصوص تشکیل شده و ابعاد موضوع در حال بررسی است».

برخ منابع به نقل از نیروی انتظامی گزارش دادند که «عوامل این حادثه هم‌اکنون در بازداشت هستند».

او در این دیدار بار دیگر بر حمایت از اسرائیل تاکید کرد و گفت: «ما قاطعانه در کنار اسرائیل ایستاده‌ایم و از حق دفاع این کشور از خود حمایت می‌کنیم.» از سوی دیگر، بر اساس گزارش شبکه «ان‌بی‌سی»، حمله به فردو موفق بوده اما سایت‌های نطنز و اصفهان می‌توانند بعد از چند ماه فعالیت خود را از سر بگیرند. این در حالیست که برخی کارشناسان درستی این گزارش را زیر سؤال برده‌اند. دیوید آلبرایت کارشناس تسلیحات در این زمینه می‌گوید: «اصفهان سایت غنی‌سازی نیست. دو مپ جی‌پی‌یو ۵۷- روی تاسیسات زیرزمینی غنی‌سازی نطنز انداخته شده‌اند. ممکن است کسی که این اطلاعات اشتباه را داده، درواقع منظور مجمع کوهستانی اصفهان باشد که ورودی تونل‌هایش مسدود شده‌اند، و همچنین مجمع کوهستانی نطنز که ایالات متحده آن را هدف قرار نداده است. گزارش شده که هیچک از این دو با مپ‌های جی‌پی‌یو ۵۷- قابل نابودی نیستند. جالب است که ارزیابی‌ها می‌گویند حمله به فردو موفق بوده است.»

پنتاگون نیز در واکنش به این گزارش تاکید کرده است که هر سه سایتی که آمریکا به آنها حمله کرده به شدت آسیب دیده‌اند. در روزهای نخست پس از حمله، شبکه «سی‌ان‌ان» گفته بود به فردو نیز خسارت چندانی وارد نشده و ممکن است ظرف چند ماه فعالیت‌اش را از سر بگیرد. دونالد ترامپ این گزارش را نادرست خواند و بر نابود شدن تاسیسات فردو تاکید کرد.

مانع‌تراشی روس‌ها

در این میان، رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از جمهوری اسلامی خواسته است در مورد وضعیت تاسیسات بعد از بمباران و محل اورانیوم‌های منتقل شده با این آژانس همکاری کند. اما سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه با انتقاد از نقش مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در زنجیره حملات آمریکا و اسرائیل به تاسیسات اتمی در ایران، گفته بود: «اکنون رافائل گروسی درخواست کرده است که اطلاعات مربوط به محل نگهداری اورانیوم غنی‌شده ایران ارائه شود؛ حال آنکه هیچ تضمینی درباره درز نکردن دوباره اطلاعات از آژانس اتمی نیست».

آخرین مهلت به جمهوری اسلامی

باراک راوید خبرنگار «آکسیوس» با انتشار پیامی در «ایکس» از احتمال برگزاری دور جدید مذاکرات میان جمهوری اسلامی و تروئیکای اروپایی (آلمان، فرانسه، انگلستان) در هفته آینده خبر داده است.

راوید به نقل از یک منبع آگاه نوشت: «به نظر می‌رسد دیپلمات‌های ارشد سه کشور اروپایی و ایران در هفته آینده برای بحث در مورد توافق هسته‌ای احتمالی در اروپا دیدار خواهند کرد.»

خبرنگار «آکسیوس» مکان احتمالی این مذاکرات وین یا ژنو اعلام کرد و افزود: «احتمالا از سوی ایران معاونان وزارت خارجه، مجید تخت‌روانچی و کاظم غریب‌آبادی، در این جلسه حضور داشته باشند.»

سه قدرت اروپایی تا پایان تابستان به جمهوری اسلامی مهلت داده‌اند تا با آمریکا به توافق اتمی برسد وگرنه «مکانیسم ماشه» را فعال خواهند کرد. پیشتر برخی مقامات جمهوری اسلامی از جمله عباس عراقچی تهدید کرده بودند در صورت فعال ساختن «مکانیسم ماشه» و بازگشت تحریم‌های بین‌المللی، جمهوری اسلامی به سوی ساختن مپ اتم خواهد رفت. این تهدید مربوط به پیش از جنگ ۱۲ روزه و کشته شدن شمار زیادی از فرماندهان سپاه پاسداران و دانشمندان هسته‌ای و بمباران و تخریب تاسیسات اتمی در ایران است.

واکنش به ارسال پول برای حزب الله بجای جبران خسارات «جنگ ۱۲ روزه»: حداقل اول «دیه» آنهایی را که به کشتن دادید پرداخت می‌کردید!



یک محموله شامل بیش از ۷۵۰ تن مهمات و تجهیزات نظامی پیشرفته از جمله صدها موشک کروز، ضد کشتی و ضد هوایی، کلاهک جنگی و سامانه‌های هدایت، موتور پهناد، سامانه‌های پدافندی، رادار و تجهیزات ارتباطی بود

«لبنانی‌هایی که خانه‌های آنها کاملاً ویران شده است، اگر در بیروت و ضاحیه جنوبی باشند، ۱۴ هزار دلار برای خرید اثاثیه و اجاره مسکن یک سال و اگر خارج از بیروت باشند ۱۲ هزار دلار دریافت خواهند کرد.»

قاسم همچنین با اشاره به هدیه جمهوری اسلامی، اعلام کرد حدود ۵۰ میلیون دلار به بخشی از ۲۳۳ هزار و ۵۰۰ خانوار آواره ثبت نام شده پرداخت شده است که در صورت کمک به کل این جمعیت، مبلغ کمک‌ها به ۷۷ میلیون دلار خواهد رسید. او توضیح داد پرداخت‌ها بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ دلار به ازای هر نفر بوده است.

کمک‌های چشمگیر به مردم لبنان برای جبران خسارات ناشی از جنگی که توسط حزب‌الله به آنها تحمیل شده در حالیست که حکومت برای کمک به افرادی که در جنگ ۱۲ روزه خسارت دیده‌اند فقط ۷۰ میلیون تومان (حدود ۸۵۰ دلار) و در موارد خاص ۲۵۰ میلیون تومان کمک می‌کند.

در واکنش به ارسال پول برای حزب‌الله، شهرام سبزواری از پرسنل سابق ارتش در «ایکس» نوشته است «هنوز خیلی از مراکز نظامی و پادگان‌ها که در جنگ ۱۲ روزه تخریب شدند، آواربرداری نشدند اونوقت پول فرستادند برای لبنان؛ حداقل پول دیه مردم و سربازها و نظامی‌هایی که به کشتن دادید پرداخت می‌کرد بعد به تروریست‌ها پول می‌رسوندید.»

ملیسا امیرخیزی فعال سیاسی ساکن بلژیک با اشاره به ارسال پول توسط جمهوری اسلامی برای حزب‌الله نوشت: «اینها دلسوز مردم ایران نیستند، چون اساساً دشمن ایران و ایرانی‌اند، وسط اینهمه بدبختی، جیب لبنانی‌ها و تروریست‌های حزب‌الله باید پر باشه، مردم خودمون چی؟»

منابع مطلع در ایران می‌گویند، در بعضی شهرها حکومت با همکاری شهدای هتل‌های درجه سه و مسافرخانه‌ها و برخی اقامتگاه‌های درجه دو و سه را معرفی کرده

منابع امنیتی منطقه‌ای گزارش می‌دهند که جمهوری اسلامی با وجود دریافت ضربات سنگین و مرگبار و متحمل شدن خسارات شدید در حملات اسرائیل طی «جنگ ۱۲ روزه»، همچنان به تقویت شبه‌نظامیان «محور مقاومت» ادامه می‌دهد که به نوبه خود باز هم ادامه‌ی جنگ را به مردم ایران تحمیل خواهد کرد.

یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید: «بعد از آتش‌بس حکومت از طریق چند صرافی کریپتو (رمزارز) و همچنین صرافی‌هایی در کشورهای حاشیه خلیج فارس و ترکیه اقدام به ارسال پول برای حزب‌الله لبنان کرده است.»

هرچند بعد از عملیات تروریستی «هفت اکتبر»، نظارت‌های قانونی بر شبکه‌های تأمین مالی و کانال‌های انتقال پول توسط جمهوری اسلامی به گروه‌های شبه‌نظامی شدیدتر شد و تعداد زیادی از عوامل، نهادها و شرکت‌های صوری و حقیقی مرتبط با این شبکه‌ها تحریم شدند اما مسیرهای جدیدی برای انتقال پول به نیابتی‌ها بطور ویژه برای ارسال به عوامل حزب‌الله ایجاد شده است.

اینکه حکومت با وجود کمبود مالی و گسترش نارضایتی‌های داخلی به دلیل مسائل اقتصادی به ویژه پس از جنگ با اسرائیل همچنان اقدام به تأمین مالی حزب‌الله می‌کند، نشان می‌دهد برای مقامات تا چه اندازه تنگناها و مشکلات مردم ایران بی‌اهمیت است.

علی نصیری رئیس سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران ۱۶ تیرماه اعلام کرد که ۴۴ یا ۴۵ خانه در پایتخت خسارت دیده است.

نعیم قاسم دبیرکل حزب‌الله لبنان اواسط آذرماه ۱۴۰۳ در یک سخنرانی با قدردانی از جمهوری اسلامی، علی‌خامنه‌ای، دولت و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به دلیل «پشتیبانی سخاوتمندانه» از حزب‌الله و مردم لبنان گفته بود:

● منابع امنیتی منطقه‌ای گزارش می‌دهند که جمهوری اسلامی با وجود دریافت ضربات سنگین و مرگبار و متحمل شدن خسارات شدید در حملات اسرائیل طی «جنگ ۱۲ روزه»، همچنان به تقویت شبه‌نظامیان «محور مقاومت» ادامه می‌دهد که به نوبه خود باز هم ادامه‌ی جنگ را به مردم ایران تحمیل خواهد کرد.

● یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید: «بعد از آتش‌بس حکومت از طریق چند صرافی کریپتو (رمزارز) و همچنین صرافی‌هایی در کشورهای حاشیه خلیج فارس و ترکیه اقدام به ارسال پول برای حزب‌الله لبنان کرده است.»

● علی نصیری رئیس سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران ۱۶ تیرماه اعلام کرد که ۴۴ یا ۴۵ خانه در پایتخت خسارت دیده است.

● نعیم قاسم دبیرکل حزب‌الله لبنان اواسط آذرماه ۱۴۰۳ با تشکر از «پشتیبانی سخاوتمندانه» خامنه‌ای و سپاه گفته بود: «لبنانی‌هایی که خانه‌های آنها کاملاً ویران شده است، اگر در بیروت و ضاحیه جنوبی باشند، ۱۴ هزار دلار برای خرید اثاثیه و اجاره مسکن یک سال و اگر خارج از بیروت باشند ۱۲ هزار دلار دریافت خواهند کرد» این در حالیست که حکومت به افرادی که در جنگ ۱۲ روزه خسارت دیده‌اند فقط ۷۰ میلیون تومان (حدود ۸۵۰ دلار) و در موارد خاص ۲۵۰ میلیون تومان اختصاص داده است.

● در واکنش به ارسال پول برای حزب‌الله، شهرام سبزواری از پرسنل سابق ارتش در «ایکس» نوشته است «هنوز خیلی از مراکز نظامی و پادگان‌ها که در جنگ ۱۲ روزه تخریب شدند، آواربرداری نشدند اونوقت پول فرستادند برای لبنان؛ حداقل پول دیه مردم و سربازها و نظامی‌هایی که به کشتن دادید پرداخت می‌کرد بعد به تروریست‌ها پول می‌رسوندید.»

آزمایش موشک بالستیک «قاصد» توسط سپاه پاسداران در آستانه برگزاری نشست استانبول



آزمایش موشک «قاصد»

خبرگزاری «ایسنا» می‌نویسد که «قاصد» نه تنها از نظر فناوری، بلکه از لحاظ «راهبردی» اهمیت بالایی دارد و ایران را «زمینه‌ساز توسعه نسل‌های جدید ماهواره‌برهای تاکتیکی و نظامی» می‌کند.

همزمان حسن سالاریه رئیس سازمان فضایی ایران از ساخت موشک‌های ماهواره‌بر سنگین خبر داد و اعلام کرد که جمهوری اسلامی طراحی و ساخت ماهواره‌برهای سنگین چون «سریر» و «قائم ۱۰۵ و ۱۲۰» را در دستور ساخت دارد.

مقامات و تحلیلگران غربی مدام هشدار می‌دهند که جمهوری اسلامی در پوشش پرتاب ماهواره‌بر اقدام به آزمایش موشک‌های بالستیک برد بلند می‌کند.

پرتاب این موشک آنهم در شرایطی که یکی از شروط دونالد ترامپ برای توافق با جمهوری اسلامی توقف تولید موشک‌های بالستیک است، احتمال عدم دستیابی به یک توافق را بیش از پیش تقویت می‌کند.

پرتاب این موشک، با استقبال هواداران حکومت مواجه شده است.

برخی از آنها تهدید می‌کنند: «در صورت فعال شدن مکانیسم ماشه، ایران هیچکدام از ملاحظات امنیتی تروئیکای اروپایی را رعایت نخواهد کرد».

روزنامه «آرمان ملی» نیز گزارش می‌دهد پرتاب این موشک «نشان‌دهنده ورود سپاه به عرصه فناوری‌های فضایی مستقل از وزارت دفاع است».

آزمایش موشک بالستیک در آستانه برگزاری نشست استانبول بسیار معنادار است. قرار است روز جمعه سوم مرداد نمایندگان جمهوری اسلامی و سه قدرت اروپایی گفتگو کنند هرچند از سوی محافل قدرت در جمهوری اسلامی پیشاپیش چنین تبلیغ می‌شود که مذاکرات بی‌نتیجه خواهد بود.

● یک ماه بعد از اعلام «آتش‌بس» میان جمهوری اسلامی و اسرائیل، نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز دوشنبه ۳۰ تیرماه ۱۴۰۴ موشک «قاصد» را تحت عنوان «نخستین ماهواره‌بر ترکیبی سوخت جامد- مایع» آزمایش کرد.

● خبرگزاری «ایسنا» می‌نویسد «قاصد» نه تنها از نظر فناوری، بلکه از لحاظ «راهبردی» اهمیت بالایی دارد و ایران را «زمینه‌ساز توسعه نسل‌های جدید ماهواره‌برهای تاکتیکی و نظامی» می‌کند.

● پرتاب این موشک، با استقبال هواداران حکومت مواجه شده. برخی از آنها تهدید کرده‌اند: «در صورت فعال شدن مکانیسم ماشه، ایران هیچکدام از ملاحظات امنیتی تروئیکای اروپایی را رعایت نخواهد کرد».

● روزنامه «آرمان ملی» نیز گزارش می‌دهد پرتاب این موشک «نشان‌دهنده ورود سپاه به عرصه فناوری‌های فضایی مستقل از وزارت دفاع است».

یک ماه بعد از اعلام «آتش‌بس» میان جمهوری اسلامی و اسرائیل، نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز دوشنبه ۳۰ تیرماه ۱۴۰۴ موشک «قاصد» را تحت عنوان «نخستین ماهواره‌بر ترکیبی سوخت جامد- مایع» آزمایش کرد.

منابع داخلی گزارش دادند این موشک نخستین بار در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹ ماهواره نظامی «نور ۱» را در مدار زمین قرار داد و اکنون تکمیل شده و ترکیب سوخت این موشک به جمهوری اسلامی «این امکان را می‌دهد تا در کنار افزایش بُرد و دقت، قابلیت پرتاب سریع‌تر و چابک‌تری را نسبت به ماهواره‌برهای کاملاً سوخت مایع فراهم کند».

است تا افرادی که خانه آنها در جنگ ۱۲ روزه آسیب دیده برای سکونت موقت به آنجا مراجعه کنند. مراکز ضعیف و ارزان‌قیمت که کمترین امکانات را حتا به مسافران معمولی خود ارائه می‌دهند.

بر اساس گزارش منابع غیررسمی بخشی از این پول‌ها به صورت چمدانی، از طریق عراق به دست عوامل حزب‌الله می‌رسد.

در واکنش به ارسال پول برای حزب‌الله، شهرام سبزواری پرسنل سابق ارتش در «ایکس» نوشته است: «هنوز خیلی از مراکز نظامی و پادگان‌ها که در جنگ ۱۲ روزه تخریب شدند، آواربرداری نشدند اونوقت پول فرستادند برای لبنان؛ حداقل پول دیه مردم و سربازها و نظامی‌هایی که به کشتن دادید پرداخت می‌کرد بعد به تروریست‌ها پول می‌رسوندید.»

پشتیبانی از حزب‌الله در شرایطی صورت می‌گیرد که در ایران به ویژه پس از جنگ ۱۲ روزه مشکلات و بحران‌های عمومی شدت پیدا کرده است. حکومت برای تأمین منابع مالی پروژه‌های داخلی مرتبط به زندگی مردم با کمبود مالی مواجه است، اما منابع کلان سرازیر لبنان، عراق و یمن می‌شود.

در همین ارتباط روزنامه «والاستریت ژورنال» گزارش داد جمهوری اسلامی پس از تحمل ضربات سنگین امنیتی از سوی اسرائیل و آمریکا، فعالیت‌های خود را برای تجهیز مجدد متحدان شبه‌نظامی‌اش در منطقه شدت بخشیده است. در تازه‌ترین تحولات، چندین محموله تسلیحاتی پیشرفته از مبدأ ایران برای حوثی‌های یمن توقیف شد.

نیروهای مقاومت ملی یمن وابسته به دولت رسمی این کشور اعلام کرده‌اند که یکی از بزرگترین محموله‌های تسلیحاتی قاچاق را توقیف کرده‌اند. این محموله حاوی بیش از ۷۵۰ تُن تجهیزات نظامی شامل موشک‌های کروز، موشک‌های ضدکشتی و ضدهوایی، کلاهک‌های جنگی، قطعات هدف‌گیری، و موتورهای پهنابنده بوده است.

فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) این توقیف را بزرگترین عملیات موفق در جلوگیری از انتقال سلاح‌های متعارف پیشرفته ایرانی به نیروهای نیابتی در یمن توصیف کرده است. توقیف این محموله در سواحل دریای سرخ، ضربه‌ای جدی به روند تسلیحاتی حوثی‌ها قلمداد می‌شود. دولت جدید سوریه می‌گوید تعدادی محموله سلاح از جمله موشک‌های گراد- برای استفاده در سیستم‌های پرتاب چندگانه نصب شده بر روی کامیون‌ها- را در امتداد مرزهای خود با عراق و لبنان توقیف کرده است. در همین حال، ارتش لبنان محموله‌هایی را که از طریق مرز خود با سوریه وارد شده بودند، توقیف کرده است که شامل موشک‌های ضدتانک روسی مورد علاقه حزب‌الله است.

کارشناسان امنیتی معتقدند تهران تلاش دارد ذخایر نظامی متحدانش را که طی ماه‌های اخیر بر اثر حملات هوایی آمریکا و اسرائیل تخلیه شده‌اند، مجدداً بازیابی کند. محمد الباشا تحلیلگر امور دفاعی و بنیانگذار شرکت «باشاریپورت» مستقر در ایالات متحده، در اینباره می‌گوید که رژیم «ایران» به سرعت در حال بازسازی ظرفیت‌های رزمی حوثی‌هاست. این نشان‌دهنده تمایل تهران برای حفظ سرعت عملیاتی بالا در هدف قرار دادن منافع اسرائیل و ترافیک دریایی تجاری است.»

مجموعه این تحولات در حالی رخ می‌دهد که ایران همچنان با فشارهای بین‌المللی، تحریم‌های شدید، و محدودیت در تأمین قطعات نظامی مواجه است. با این حال، روند توقیف‌های اخیر گواهی است بر اینکه تهران هنوز توانمندی بالایی در شبکه‌سازی تسلیحاتی فرامرزی خود دارد.

نشست استانبول بین جمهوری اسلامی و اروپا نمی‌تواند به توافق بیانجامد



گرافیک از کیهان لندن

در رابطه با پرونده اتمی‌اش بین دو سوی آتلانتیک شکاف بیاندازد، در حالی که با وجود اختلاف نظرهای فراوان بین اروپا و آمریکا، در مورد فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی و سیاست‌هایش در منطقه اتفاق نظر وجود دارد و اگرچه با روش‌های متفاوت ولی هر دو سوی آتلانتیک در یک جهت حرکت می‌کنند و گسترش برنامه هسته‌ای، نفوذ منطقه‌ای و تهدید به کاهش همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را خطری جدی برای امنیت جهانی می‌دانند.»

در اشاره به اسرائیل، این مقام اروپایی می‌افزاید: «آخرین تلاش تروئیکای اروپایی برای متقاعد ساختن جمهوری اسلامی جهت متوقف ساختن رویای اتمی‌اش و اعمال فشارهای جدی مانند فعال کردن «مکانیسم ماشه» در توافقی ضمنی با دولت بنیامین نتانیاهو انجام می‌گیرد.»

بسیاری معتقدند که اسرائیل یکی از اعضای پنهان مذاکرات استانبول خواهد بود، چنانکه در پنج دور گفتگوهای اخیر واشنگتن و تهران نیز حضوری تاثیرگذار ولی نامرئی داشت. یکی دیگر از عواملی که اسرائیل به مذاکرات استانبول برای فشار به تهران با دید مثبتی نگاه می‌کند، عدم حضور سایه روسیه بر این مذاکرات است.

اروپا برخلاف آمریکای دونالد ترامپ در بحرانی‌ترین دوره از روابط با مسکو قرار دارد و به خاطر جنگ اوکراین حاضر نیست هیچگونه نقشی برای ولادیمیر پوتین در این مذاکرات قائل شود. دونالد ترامپ اما در جریان پنج دور گفتگو با تهران، مسکو را در جریان این مذاکرات قرار می‌داد و حتی خواسته بود کرملین در آنها دخالت مستقیم از طریق فشار بر علی خامنه‌ای داشته باشد.

دهد و حمله نظامی دوباره از سوی اسرائیل را برای مدتی به تعویق بیاندازد. این در حالیست که عباس عراقچی اعلام کرده جمهوری اسلامی با «دستان پر» بر سر میز مذاکره خواهد نشست. البته مشخص نیست تهران چه می‌تواند روی میز مذاکره برای معامله قرار دهد که طرف اروپایی را مجبور به عقب‌نشینی کند. برعکس، این سه کشور اروپایی عضو برجام هستند که با تهدید به فعال ساختن «مکانیسم ماشه»، که به معنای بازگرداندن خودکار تمامی تحریم‌های بین‌المللی است که با برجام تعلیق شده بودند، به استانبول خواهند رفت.

یک مقام اروپایی که در جریان تهیه مقدمات نشست استانبول بوده به کیهان لندن می‌گوید: «ما به هیچ وجه به نتیجه این مذاکرات خوشبین نیستیم ولی خواستیم فرصت آخری به جمهوری اسلامی قبل از فعال کردن «مکانیسم ماشه» داده باشیم.» همین مقام اروپایی تأیید می‌کند که یکی از اهداف اصلی نشست استانبول «کاهش تنش در حدی است که بتواند در این مقطع مانع حمله جدیدی از سوی اسرائیل بشود.»

کشورهای اروپایی معتقدند که با فعال شدن «مکانیسم ماشه» جمهوری اسلامی بیش از پیش با انزوای بین‌المللی روبرو خواهد شد. همین مقام اروپایی در ادامه گفتگو با کیهان لندن می‌افزاید: «در مقطع کنونی که آمریکا گویا دیگر تمایلی به ادامه گفتگو با تهران را ندارد و نمی‌خواهد از فشار دیپلماتیک استفاده کند، تنها امکان فشار بر جمهوری اسلامی در اختیار اروپا قرار دارد و آنهم استفاده از ابزاری قانونی مانند «مکانیسم ماشه» است که مورد تأیید شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز قرار دارد.»

این مقام اروپایی معتقد است: «جمهوری اسلامی با پذیرفتن مذاکره با اروپایی‌ها این امید را دارد که بتواند

● جمعه ۲۵ ژوئیه برابر با سوم امرداد نمایندگان سه کشور اروپایی عضو برجام با هیأتی از جمهوری اسلامی در استانبول دیدار خواهند داشت. این اولین نشست جمهوری اسلامی با کشورهای غربی پس از جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل و شکست مذاکرات دوجانبه با آمریکا پس از پنج دوره گفتگو است.

● بعید به نظر می‌آید که مذاکرات استانبول بین سه کشور اروپایی فرانسه، آلمان و بریتانیا بتواند شرایط را برای دستیابی به توافق جدیدی مهیا سازد. در بهترین حالت این نشست می‌تواند سطح کنونی تنش‌ها را کاهش دهد و حمله نظامی دوباره از سوی اسرائیل را برای مدتی به تعویق بیاندازد.

● یک مقام اروپایی در گفتگو با کیهان لندن می‌گوید: «در مقطع کنونی که آمریکا گویا دیگر تمایلی به ادامه گفتگو با تهران را ندارد و نمی‌خواهد از فشار دیپلماتیک استفاده کند، تنها امکان فشار بر جمهوری اسلامی در اختیار اروپا قرار دارد و آنهم استفاده از ابزارهای قانونی مانند «مکانیسم ماشه» است.»

● وی همچنین می‌گوید: «ما به هیچ وجه به نتیجه این مذاکرات خوشبین نیستیم ولی خواستیم فرصت آخری به جمهوری اسلامی قبل از فعال کردن «مکانیسم ماشه» داده باشیم.»

احمد رأفت - جمعه ۲۵ ژوئیه برابر با سوم امرداد نمایندگان سه کشور اروپایی عضو برجام با هیأتی از جمهوری اسلامی در استانبول دیدار خواهند داشت. این اولین نشست جمهوری اسلامی با کشورهای غربی پس از جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل و شکست مذاکرات دوجانبه با آمریکا پس از پنج دوره گفتگو است.

نشانه‌ای از دور ششم مذاکرات مستقیم تهران و واشنگتن هم در افق دیده می‌شود. دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا می‌گوید در حال حاضر علاقه‌ای به ادامه مذاکرات با جمهوری اسلامی ندارد. جمهوری اسلامی نیز بازگشت به میز مذاکرات با واشنگتن را مشروط به ضمانت‌هایی مانند عدم حمله دوباره اسرائیل کرده است.

ابهامات و پرسش‌های بسیاری در رابطه با نشست استانبول وجود دارد از جمله اینکه آیا این گفتگوها خواهند توانست مانع حمله مجدد اسرائیل شوند یا نه. مقامات اسرائیلی صحبت از لزوم حمله جدید می‌کنند. سخنان مسعود پزشکیان و عباس عراقچی مبنی بر اینکه ادامه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی قابل مذاکره نیست، این پرسش را مطرح می‌کند که مذاکرات استانبول حول چه محوری خواهند بود و کدام بخش از پرونده اتمی جمهوری اسلامی روی میز قرار خواهد گرفت.

بعید به نظر می‌آید که مذاکرات استانبول آنهم در سطحی پایین‌تر از وزرای خارجه بین سه کشور اروپایی فرانسه، آلمان و بریتانیا بتواند شرایط را برای دستیابی به توافق جدیدی مهیا سازد.

در بهترین حالت، بر مبنای پیش‌بینی‌های کشورهای اروپایی، این نشست می‌تواند سطح کنونی تنش‌ها را کاهش

دوران محمدرضا شاهی؛ ۲۵ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



ویدئو

مملکت و رفاه ملت. اما نیروهایی که این آرمان‌ها را در تعارض با منافع خود می‌دیدند از هیچ تلاشی برای سنگاندازی در برنامه‌های پیشرفت مملکت فروگذار نمی‌کردند.

شاهنشاهی پهلوی برای ساختن ایران نوین مسیری رامی‌پیمود که رضاشاه آن را آغاز کرده بود؛ انسجام مملکت، کوتاه کردن دست بیگانه و خان و ملا از مال مردم، سازندگی و آبادانی

همایون هنرپیشه معروف سینمای ایران درگذشت



محمدعلی تبریزیان «همایون»

● همایون در اردیبهشت سال ۱۳۱۶ در شهر مشهد به دنیا آمد و از اواخر دهه ۳۰ خورشیدی وارد سینمای ایران شد. یکی از معروف‌ترین فیلم‌هایی که همایون در آن ایفای نقش کرد فیلم «سلطان قلب‌ها» بود که در کنار فردین به ایفای نقش پرداخت.

● همایون در سال‌های پس از انقلاب ۵۷ مانند بسیاری دیگر از هنرمندان از کار و فعالیت هنوری ممنوع و خانه‌نشین شد.

محمدعلی تبریزیان با نام هنری «همایون» از بازیگران معروف و قدیمی سینمای ایران روز جمعه ۲۷ تیرماه ۱۴۰۴ در سن ۸۳ سالگی و پس از یک دوره بیماری به علت کهولت درگذشت.

همایون در اردیبهشت سال ۱۳۱۶ در شهر مشهد به دنیا آمد و از اواخر دهه ۳۰ خورشیدی وارد سینمای ایران شد. نخستین ایفای نقش او در فیلم «داماد میلیونر» ساخته سال ۱۳۳۸ به کارگردانی و نویسندگی سالار عشقی بود. یکی از معروف‌ترین فیلم‌هایی که همایون در آن ایفای نقش کرد فیلم «سلطان قلب‌ها» بود که در کنار فردین به ایفای نقش پرداخت. ایفای نقش او در فیلم‌های کمدی به شدت مورد توجه مخاطبان قرار داشت. او در بیش از ۱۰۰ فیلم سینمایی از جمله «دروازه تقدیر»، «خروس جنگی»، «چرخ بازیگر»، «لیلی و مجنون»، «تپلی»، «عمو یادگار» و «سرنوشت و ایمان» به ایفای نقش پرداخته بود.

فیلم «تپلی» از رضا میرلوحی که در سال ۱۳۵۱ ساخته شد و مضمونی ملودرام داشت، مخاطبان و علاقمندان را که این هنرمند در عمدتاً در نقش‌های طنز و کمدی دیده بودند، با چهره دیگری از هنر وی آشنا کرد.

همایون در سال‌های پس از انقلاب ۵۷ مانند بسیاری دیگر از هنرمندان از کار و فعالیت هنری ممنوع و خانه‌نشین شد اما ایران را ترک نکرد.

دوران محمدرضا شاهی؛ حق مسلم ملت ایران (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



ویدئو

ایلات و عشایر کرد. دولت مرکزی مدرن با وزارت‌خانه‌های کارآمد، راه‌آهن سراسری، نظام آموزشی سکولار و دادگستری مدرن پدید آمد. این نهادهای جدید در دهه‌های بعد، پایه‌های بروز ناسیونالیسم نوین، از جمله «جنبش نفتی» شدند.

سال‌هاست که دوست و دشمن به خدمات دو پادشاه پهلوی به کشور اذعان دارند.

یرواند آبراهامیان مورخ و نویسنده چپ‌گرای منتقد پهلوی در کتاب «ایران بین دو انقلاب» می‌نویسد: رضاشاه ارتش ملی منظم و تحت کنترل مرکز را جایگزین ساختار پراکنده

روابط استراتژیک جمهوری اسلامی و روسیه پس از جنگ ۱۲ روزه



کشورها مانند روسیه گره بخورد، به ویژه در دوران بحران. به باور آنان، باید مفهوم «منافع ملی» بازتعریف شود، چرا که رابطه با مسکو نه تنها موجب تقویت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران نشده، بلکه گاه باعث کند شدن پیشرفت داخلی در برخی بخش‌های نظامی شده است.

دوگانگی رفتار روسیه با رژیم ایران نشان می‌دهد که مسکو ترجیح می‌دهد روابط خود را با بازیگران بزرگتری مانند چین، هند و حتی آمریکا متعادل نگه دارد، حتا اگر به قیمت کم‌عمق ماندن همکاری با تهران تمام شود. فروش گسترده سلاح به هند، در حالی که رژیم ایران به شدت به بازسازی توان نیروی هوایی خود نیاز دارد- به ویژه پس از حملات اسرائیل که پدافند هوایی آن را تضعیف کرده- نشانگر همین واقعیت است. این در حالیست که حکومت ایران اکنون به تغییر در سامانه‌های دفاعی‌اش نیاز دارد و صحبت از خرید سامانه‌های هوایی چینی مشابه آنچه به پاکستان داده شد، شدت گرفته است.

بعلاوه، تأخیرهای مکرر در پروژه‌های ساخت نیروگاه هسته‌ای، بدقولی در اجرای قراردادهای تسلیحاتی، و بی‌تفاوتی در پرونده‌های منطقه‌ای مانند سوریه و قفقاز، همه و همه باعث شده‌اند برخی در تهران روسیه را شریکی غیرقابل‌اعتماد بدانند.

در حالی که دوباره ززمه‌هایی از سیاست «نه شرقی، نه غربی» شنیده می‌شود، تهران به خوبی می‌داند که حتی اگر روسیه شریک قابل‌اعتمادی نباشد، دشمن اصلی همچنان ایالات متحده و غرب هستند. اما در عین حال، رژیم ایران به این واقعیت رسیده است که مسکو و پکن از آن به عنوان «کارت بازی» در برابر غرب، به ویژه آمریکا استفاده می‌کنند و هرگز در هیچ جنگی علیه غرب از جمهوری اسلامی حمایت نخواهند کرد. با این حال، رژیم تهران چاره‌ای ندارد جز اینکه همچنان با آنان همکاری کند، تا نشان دهد که گویا در صحنه بین‌المللی تنها نیست.

*منبع: ایندپندنت عربی

*نویسنده: هدی رؤوف

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

از سوی دیگر، چین نفت ایران را خریداری می‌کند که به سود هر دو طرف است، و جمهوری اسلامی در جنگ اوکراین پهنادهایی به روسیه ارسال کرد. مسکو به شدت حملات آمریکا و اسرائیل را محکوم و از رژیم ایران دفاع کرده که در راستای منافع مشترک آنها بود. همچنین، چین و روسیه از رژیم ایران در شورای امنیت سازمان ملل پشتیبانی می‌کنند، اما در نهایت این روابط، اگرچه «برد-برد» به نظر می‌رسد، اما هیچکدام از این دو کشور حمایت واقعی از نظام ایران در زمان جنگ ارائه نکردند.

روابط میان رژیم ایران، چین و روسیه بازتاب تمایل آنها به گسترش چندقطبی شدن در نظم جهانی و مقابله با سلطه غرب است. جمهوری اسلامی ایران نیز در تلاش است نقش خود را در این نظم جدید بازتعریف کند. سه دولت در سال‌های اخیر همکاری‌های نظامی، فناورانه و اطلاعاتی خود را گسترش داده‌اند و تلاش کرده‌اند ضعف‌های یکدیگر را جبران کنند.

با اینکه طی سال‌های اخیر بارها درباره توافق‌های استراتژیک، همکاری دفاعی، هماهنگی منطقه‌ای و همکاری ژئوپلیتیک میان تهران و مسکو سخن گفته شده، و روابط با روسیه در سایه تحریم‌های آمریکایی به عنوان «پشتوانه استراتژیک» معرفی می‌شد، اما رفتار مسکو در جریان جنگ اسرائیل- جمهوری اسلامی از نظر برخی محافل ایرانی، چیزی جز بی‌تفاوتی، تعلل و رفتار دوگانه نبود. در نتیجه، پس از جنگ و حمله آمریکا به تأسیساتی در ایران، برخی از آنها روسیه را نه یک شریک استراتژیک، بلکه کشوری دانستند که منافع ملی خود را به هر چیز دیگری ترجیح می‌دهد.

نمونه آشکار این نگرش، مسئله خرید جنگنده‌های سوخو-۳۵ است. با وجود مذاکرات چندساله میان تهران و مسکو، و اعلام توافق اولیه و حتی برخی گزارش‌ها درباره تولید محدود این هواپیماها برای ایران، روسیه از تحویل این جنگنده‌ها به جمهوری اسلامی خودداری کرده است. در مقابل، مسکو مجوز فروش ۱۱۷ فروند جنگنده سوخو-۳۵ به هند را صادر کرده است.

این موضوع موجب شده برخی محافل ایرانی تأکید کنند که نباید امنیت و توسعه نظامی آنها به اراده سیاسی دیگر

● در حالی که بار دیگر ززمه‌هایی درباره بازگشت به سیاست «نه شرقی، نه غربی» شنیده می‌شود، تهران به خوبی می‌داند حتی اگر مسکو شریک قابل‌اعتمادی هم نباشد، ایالات متحده و غرب در مجموع دشمن اصلی برای نظام جمهوری اسلامی باقی می‌مانند.

● مسکو و پکن از جمهوری اسلامی به عنوان «کارت بازی» در برابر غرب، به ویژه آمریکا استفاده می‌کنند و هرگز در هیچ جنگی علیه غرب از آن حمایت نخواهند کرد. با این حال، رژیم تهران چاره‌ای ندارد جز اینکه همچنان با آنان همکاری کند، تا نشان دهد که گویا در صحنه بین‌المللی تنها نیست.

هدی رؤوف (ایندپندنت عربی) - بحث درباره ماهیت رابطه جمهوری اسلامی با روسیه در ایران موضوع تازه‌ای نیست و نگاه نسبت به میزان تمایل روسیه برای تقویت توان نظامی رژیم ایران یا اثرگذاری بر روابط آن با غرب، همواره با تردید همراه بوده است. در تهران دو جریان اصلی وجود دارد: یکی بر این باور است که رابطه با روسیه برای مقابله با غرب ضروری است، حتی اگر منافع نظام را بطور کامل تأمین نکند؛ جریان دیگر معتقد است که روسیه در هر توافقی با غرب ممکن است جمهوری اسلامی را قربانی کند. جنگ ۱۲ روزه اخیر میان رژیم ایران و اسرائیل بار دیگر این جدال داخلی را شعله‌ور کرد و پرسش‌هایی درباره استحکام روابط استراتژیک میان ایران و روسیه پدید آورد؛ به ویژه اینکه موضع مسکو در جریان این جنگ، به اندازه‌ای که روابط دوجانبه اقتضا می‌کرد، حمایتی نبود.

این موضوع به ویژه درباره چین و روسیه مطرح شد که هیچکدام عملکردی در سطح یک «ائتلاف استراتژیک» از خود نشان ندادند. با این حال، این بدان معنا نیست که باید روابط با آنها کاهش یابد. روابط خوب با چین و روسیه همچنان برای رژیم ایران مفید است، اما رفتار این کشورها در طول جنگ، میزان انزوای جمهوری اسلامی را با وجود تلاش‌هایش برای به نمایش گذاشتن روابط گسترده با این دو کشور بیش از پیش آشکار کرد.

مرگ در سکوت؛ پرسش‌هایی درباره حذف علی طائب



عکس منسوب به علی طائب پیش از کشته شدن قاسم سلیمانی در میان پاسداران و امنیتی‌ها

● کیهان لندن در ارتباط با مرگ مشکوک علی طائب از چهره‌های امنیتی جمهوری اسلامی که احتمال حذف وی می‌رود، با محمد غفوریان خوش‌بین روحانی سابق و فعال سیاسی گفتگو کرده است.

● «بر اساس اطلاعات درز کرده از یکی از بخش‌های حفاظت اطلاعات سپاه، علی طائب در شب ۱۸ تیر ۱۴۰۴ در خانه مسکونی خود واقع در شهرک دژبان، میزبان دو نفر از فرماندهان ارشد بود. حوالی ساعت ۴:۱۰ صبح، جسد او در اتاق کارش پیدا شد.»

● «نقطه قوت و البته خطرناک علی طائب، تلفیق ساختار نظامی با فعالیت اطلاعاتی بود. او از طراحان اولیه «پایگاه‌های نفوذ مردمی» بود؛ گروه‌هایی از نیروهای بسیجی که در قالب فروشنده، راننده تاکسی یا کارگر در محیط‌های عمومی مستقر می‌شدند و هدف آنها از تشکیل این گروه‌ها شناسایی زودهنگام تحرکات اعتراضی بود.»

● «او در سال ۱۳۹۹ پروژه‌ای به نام «رخنه» را با همکاری شرکت‌هایی مانند «افق توسعه صبا» پایه‌گذاری کرد که هدف آن شوند و تحلیل پیامک‌ها و تماس‌های موبایل در تهران بود.»

حفاظت اطلاعات سپاه، علی طائب در شب ۱۸ تیر ۱۴۰۴ در خانه مسکونی خود واقع در شهرک دژبان، میزبان دو نفر از فرماندهان ارشد بود. حوالی ساعت ۴:۱۰ صبح، جسد او در اتاق کارش پیدا شد. بر اساس اطلاعات همان منابع، کالبدشکافی غیررسمی از جنازه وی، آثار نوعی سم عصبی را نشان داده، اما نشانه‌ای از درگیری یا ورود اجباری به خانه وی دیده نشده است.

نکته مهم‌تر، پاکسازی سریع صحنه بود: پیش از ظهر، تیمی از حفاظت اطلاعات سپاه، خانه علی طائب را پاکسازی کرده و لپ‌تاپ‌ها، تلفن‌های همراه، اسناد و وسایل رمزنگاری شده او را ضبط کردند. تا عصر همان روز، خانه وی بطور کامل تخلیه شد. هیچ تصویری از مراسم خاکسپاری یا تشییع منتشر نشد و حتی از سوی دفتر رهبری نیز پیام تسلیتی عمومی صادر نشد.

● با توجه به این اطلاعات آیا ممکن است عامل خارجی مثل اسرائیل در مرگ علی طائب نقش داشته باشد؟

-این احتمال را نمی‌توان رد کرد. علی طائب دسترسی وسیعی به اطلاعات نیروی قدس، شبکه‌های نفوذ منطقه‌ای و فعالیت‌های حساس داشت. با توجه به سوابق موساد در هدف قرار دادن چهره‌های کلیدی جمهوری اسلامی، برخی منابع درون‌ساختاری هم این احتمال را مطرح کرده‌اند. البته برخی دیگر حذف او را نتیجه تضادهای شدید درون‌سازمانی می‌دانند؛ به ویژه با نیروهای جوان‌تری که در ساختارهای تازه سازمان اطلاعات سپاه (ساس) نفوذ کرده‌اند.

● اگر دخالت اسرائیل را نادیده بگیریم، آیا حذف علی طائب می‌تواند نشانه‌ای از شکاف قدرت در ساختار سپاه و حکومت باشد؟

-قطعاً. در نظام‌های توتالیتر نظیر جمهوری اسلامی، حذف بی‌سر و صدای یک چهره وفادار، آتیم از نزدیک‌ترین‌ها به رأس نظام، نشان‌دهنده افزایش بی‌اعتمادی در بالاترین سطوح است. در حال حاضر، سپاه پاسداران، به ویژه شاخه اطلاعاتی آن، درگیر بازسازی داخلی است. حذف طائب ممکن است به علت جلوگیری از درز اطلاعات یا بازتوزیع قدرت بین حلقه‌های جدید امنیتی انجام شده باشد.

وی در رسانه‌های داخلی منتشر شد. این مدل اطلاع‌رسانی از مرگ یک چهره امنیتی، الگویی کاملاً آشناست؛ معمولاً در حذف‌های کنترل‌شده امنیتی همین‌گونه اطلاع‌رسانی می‌شود. علی طائب یکی از چهره‌های اصلی مدیریت امنیت داخلی در تهران و مشاور رده‌بالای ولی‌فقیه در قرارگاه ثارالله بود. حذف چنین شخصیتی با سکوت خبری، خود یک پیام است.

● موقعیت واقعی او در ساختار قدرت چه بود؟ فقط نماینده رهبری در «قرارگاه ثارالله»؟

-جایگاه علی طائب بسیار فراتر از عنوان‌های رسمی‌اش بود. او از دهه ۶۰، در «قرارگاه رمضان» فعال بود؛ جایی که به نوعی سنگ بنای نیروی قدس سپاه شد. در همان سال‌هایی که در پاکستان، ترکیه و حتی در اروپا ترورهای انجام می‌شد، رد پای علی طائب به چشم می‌خورد. در دهه ۹۰ با تشدید اعتراضات مردمی، او به یکی از معماران سرکوب شهری تبدیل شد. بسیاری از طرح‌های مقابله با اعتراضات خیابانی و برنامه‌ریزی «پیشگیرانه» برای خاموش ساختن اعتراضات مردم، زیر نظر مستقیم او اجرا شد.

● به این ترتیب، آیا علی طائب فقط فرمانده‌ای نظامی بود یا کارکرد اطلاعاتی هم داشت؟

-ببینید، نقطه قوت و البته خطرناک علی طائب، تلفیق ساختار نظامی با فعالیت اطلاعاتی بود. او از طراحان اولیه «پایگاه‌های نفوذ مردمی» بود؛ گروه‌هایی از نیروهای بسیجی که در قالب فروشنده، راننده تاکسی یا کارگر در محیط‌های عمومی مستقر می‌شدند و هدف آنها از تشکیل این گروه‌ها شناسایی زودهنگام تحرکات اعتراضی بود.

در سال ۱۳۹۹، او پروژه‌ای به نام «رخنه» را با همکاری شرکت‌هایی مانند «افق توسعه صبا» پایه‌گذاری کرد که هدف آن شنود و تحلیل پیامک‌ها و تماس‌های موبایل در تهران بود. این پروژه بعدها به «مرکز فناوری اطلاعات سپاه» منتقل شد و با استفاده از هوش مصنوعی، الگوهای نارضایتی عمومی را پیش‌بینی می‌کرد.

● آیا شما اطلاعاتی از جزئیات مرگ علی طائب در دست دارید؟

-بر اساس اطلاعات درز کرده از یکی از بخش‌های

فیروزه نوردستروم- منابع داخلی در ایران پنجشنبه ۱۹ تیرماه ۱۴۰۴ از مرگ ناگهانی علی طائب نماینده پیشین علی خامنه‌ای در قرارگاه امنیتی «ثارالله» خبر دادند. هرچند علت مرگ طائب اعلام نشد اما همزمانی مرگ وی با وقوع چند رشته انفجار در خانه‌های امن متعلق به عوامل حکومتی به شدت مشکوک به نظر می‌رسد و حدس و گمان‌های مختلفی را در پی داشته است.

احتمال کشته شدن علی طائب وقتی تقویت شد که مراسم تشییع جنازه او روز جمعه ۲۰ تیرماه ۱۴۰۴ در مقابل «گلزار شهدا» در «بهشت زهرا»ی تهران برگزار شد.

در همین حال، محمد پاکپور فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پیام تسلیت خود به خانواده طائب آرزو کرد که او «همنشین سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین» باشد و برای برادران طائب آرزوی «صبر، شکیبایی و ثبات قدم در خیمه ولایت» کرد.

نام علی طائب نسبت به دو برابر دیگر خود (حسین و مهدی) کمتر در فضای عمومی مطرح بود اما او سال‌ها در واحدهای اطلاعاتی و امنیتی سپاه پاسداران سمت‌های کلیدی داشت. سرشناس‌ترین آنها حسین طائب است که فرمانده حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. او تا پیش از کشته شدن حسین طائب، به عنوان مشاور فرمانده کل سپاه پاسداران فعال بود. مهدی یکی دیگر از برادران طائب نیز رئیس شورای «قرارگاه راهبردی عمار» است. این قرارگاه پس از اعتراضات سال ۱۳۸۸ برای مقابله با جنگ نرم تشکیل شد.

در همین ارتباط، کیهان لندن برای بررسی ابعاد کمتر شنیده شده از زندگی، عملکرد و مرگ علی طائب با محمد غفوریان خوش‌بین روحانی سابق و فعال سیاسی گفتگوی کوتاهی انجام داده است.

● آقای خوش‌بین، مرگ مشکوک علی طائب بدون انتشار تصویر یا جزئیات این چهره امنیتی توجه بسیاری را به خود جلب کرده. تحلیل شما از این مرگ مشکوک چیست؟

-خبر مرگ علی طائب صرفاً در حد چند خط و بدون انتشار آخرین تصاویر وی یا توضیحی در مورد علت مرگ

لُرد داود آلیانس، متولد کاشان، «پادشاه نساجی بریتانیا»، چشم از جهان فرو بست



● بازرگان برجسته، نیکوکار و کارآفرین ایرانی- بریتانیایی، با چهارده پوند سرمایه کار خود را آغاز کرد و با موفقیت در اقتصاد به کسب عضویت مجلس لُردها (اعیان) در بریتانیا نیز رسید.

● شرکت‌های تحت مدیریت داود آلیانس بیش از ۷۵ هزار کارگر و کارمند در صدها کارخانه داشت که در بیش از ۶۰ کشور جهان پراکنده بودند. این موفقیت‌ها اما پایان راه نبود. ● به باور داود آلیانس «پیشرفت و تکامل یک اقتصاد سالم»، اقتصادی که توان رقابت و حضور در سطح جهانی را داشته باشد، نیازمند «امنیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی» است.

داود (دیوید) آلیانس در سال ۱۳۱۱ خورشیدی (برابر با ۱۹۳۲ میلادی)، در خانواده‌ای کلیمی، در محله زیبا و قدیمی درب زنجیر شهر کاشان پای به عرصه وجود نهاد. پدرش، الياهو (الیاس) آلیانس، بازرگانی خوشنام در بازار کاشان بود که روزگار خود را از راه صنعت رنگرزی پشم و کتان می‌گذرانید.

داود آلیانس تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه آقا یغوثیل، که یکی از شعب وابسته به نظام آموزشی اتحاد اسرائیلی (Alliance Israélite) در کاشان بود، به پایان رساند. هنگامی که به سن سیزده سالگی رسید، پدرش او را به تهران فرستاد تا هم در مدارج علمی بالاتری گام بگذارد و هم اینکه با کسب درآمد، یاری‌رسان خانواده در گذران معیشت باشد.

تا واپسین سال‌های دهه بیست خورشیدی، داود جوان در کاروانسرای امیر در دل بازار پرهیاهوی تهران، در خدمت الياهو ستاره، بازرگانی آزموده در عرصه پارچه و پوشاک، به شاگردی مشغول بود. هوش و نبوغ فوق‌العاده او، به ویژه در فن دفترداری و حسابداری، وی را در همان آغاز راه، از دیگران متمایز و پیش‌تاز ساخت. در همین ایام، اوقات فراغت شبانه‌اش را صرف تحصیل و مطالعه در حوزه‌های علمی می‌نمود. سرانجام در سال ۱۳۲۹ هجری خورشیدی (۱۹۵۰ میلادی)، به توصیه یکی از دوستان مورد اعتمادش، رهسپار منچستر انگلستان شد، به امید آنکه در آن دیار، روزگار روشن‌تری در عرصه بازرگانی و آینده شغلی پیش روی او باز شود.

داود آلیانس در هفده سالگی، با دل در گرو رؤیایی بزرگ و همتی استوار، از دوست و همکار وفادارش، یوسف بروخیم، مبلغی معادل چهارصد پوند وام گرفت؛ سرمایه‌ای اندک اما سرنوشت‌ساز، که نه تنها خرج فراهم آوردن گذرنامه و روادید او گشت، بلکه چراغ آغاز راهی نو در دیاری بیگانه شد.

چندی نگذشت که به خاک مه‌آلود منچستر گام نهاد. با آنکه آشنایی‌اش با زبان این سرزمین اندک بود، اما عزم راسخ‌اش درنگ نمی‌پذیرفت. بیشتر روزهای نخستین را صرف گردآوری نمونه‌های پوشاک کرد و با شتابی وصف‌ناپذیر، آنها را برای بازاریابی، به ایران فرستاد؛ گویی می‌خواست فاصله میان دو جهان را با تلاش و تدبیر خویش از میان بردارد.

اندک زمانی پس از اقامت در انگلستان، در کارخانه‌ای ساده اما پرجنب و جوش که به بافندگی حوله اشتغال داشت، به کار مشغول شد. کوشش بی‌وقفه، اخلاق نیک، و تدبیر کم‌مانندش، دیری نپایید که دل صاحبان صنعت را

ربود و زمام اداره آن واحد صنعتی به وی سپرده شد.

پس از گذشت چند سال و با سامند شدن مالک کارخانه، آلیانس جوان با درایت و اعتماد به نفس، پیشنهادی جسورانه ای مطرح کرد که خود کارخانه را به اجاره گیرد و به تنهایی بار مدیریت و پیشرفت آن را بر دوش بکشد. این پیشنهاد با رضایت صاحب کارخانه روبرو شد و از آن پس بود که جوانی مهاجر، فرمانروای خردمند کارخانه‌ای شد که روزی در آن شاگردی می‌کرد.

پس از هشت سال مدیریت، مالکیت کارخانه را نیز از آن خود کرد. اما افق نگاه او فراتر از دیوارهای آن کارگاه بود. دیری نپایید که با بینشی دوراندیشانه، شرکی بزرگ به نام «ان. براون» (N. Brown) را تأسیس کرد؛ نهادی نوآور در عرصه بازرگانی، که بیشتر فعالیت خود را از طریق سفارش‌های پستی کالاهای نساجی سامان می‌داد، بدینگونه، نام او در عرصه تجارت انگلستان خوش درخشید.

در این زمان داود آلیانس ریاست و مالکیت عمده یکی از بزرگترین شرکت‌های فروش مستقیم در سرتاسر بریتانیا کبیر را بر عهده داشت. این شرکت، با گستره‌ای چشمگیر، بیش از بیست هزار نوع کالا را از طریق سفارش پستی به مشتریان عرضه، و خدمات آن زندگی بیش از هفت میلیون خانواده را در این سرزمین دربر گرفت.

داود آلیانس میان فعالیت‌های گوناگونش، در زمانی دشوار برای صنعت نساجی، واحدی صنعتی به نام کوتس وییلا (Coats Viyella PLC) را نیز پایه‌گذاری کرد. آن روزها، بازار پوشاک و پارچه با بحران سختی روبرو بود، اما نگاه دوراندیشانه و مدیریت سنجیده‌اش، کاری کرد که این مجموعه نه تنها دوام بیاورد، بلکه رشد کرده و جان تازه‌ای

بگیرد. در کمتر از ده سال، این شرکت چنان پیشرفت کرد که به بزرگترین واحد تولید پارچه در انگلستان تبدیل شد. این موفقیت، نتیجه اعتماد به نفس، پشتکار، و تدبیر مدیری بود که از هیچ، آینده‌ای روشن ساخت.

تا پایان قرن بیستم، شرکت تحت مدیریت داود آلیانس بیش از ۷۵ هزار کارگر و کارمند در صدها کارخانه داشت که در بیش از ۶۰ کشور جهان پراکنده بودند. این موفقیت‌ها اما پایان راه نبود. با گذشت زمان، او دامنه فعالیت‌های اقتصادی خود را فراتر برد و شرکت‌هایی در زمینه بیمه، بانکداری، ساخت و ساز و مهندسی بنیان نهاد. هر یک از این مجموعه‌ها به گونه‌ای در رشد و شکوفایی اقتصاد بریتانیا نقش داشتند و نام داود آلیانس را در میان تأثیرگذارترین چهره‌های بازرگانی این سرزمین به ثبت رساندند.

بدینسان، داود آلیانس با خرید کارخانه‌های ورشکسته و تبدیل آنها به مراکز بزرگ صنعتی و تجاری، جایگاه ویژه‌ای در صنعت بریتانیا پیدا کرد. او نه تنها چرخ تولید را در بسیاری از واحدهای متوقف شده دوباره به حرکت درآورد، بلکه روحی تازه به کالبد صنعت نساجی در این کشور بخشید. در نتیجه، او را «پادشاه نساجی بریتانیا» نامیدند؛ چهره‌ای نمادین و نجات‌بخش، که صنعت نساجی منچستر را از ورطه رکود رهایی بخشید و دوباره به آن جان داد.

موفقیت داود آلیانس در صنعت نساجی به حدی رسید که در دهه ۱۹۸۰ میلادی، هنگامی که اعتصابات کارگری سراسر بریتانیا را فرا گرفته بود، هیچیک از کارخانه‌هایی که زیر نظر او اداره می‌شدند، دست از کار نکشیدند. این امر، نشانه‌ای روشن از مدیریت انسانی و کارآمد او ←

نام خود را به عنوان چهره‌های نیکوکار و ماندگار در تاریخ این جامعه ثبت کرده است. از دیگر اقدامات خیرخواهانه او، می‌توان به مشارکت در بازسازی شهر بم پس از زمین‌لرزه ویرانگر آن اشاره کرد؛ اقدامی که نشان داد پیوند قلبی او با سرزمین مادری‌اش، ایران، همچنان برقرار است.

لرد آلیانس، به عنوان فردی آگاه در عرصه اقتصاد، سیاستمداری فرهیخته، و بازرگانی کارآزموده و با تجربه، و نیز با در نظر گرفتن خصلت‌های انسان‌دوستانه‌اش، بارها مورد تقدیر نهادهای علمی، فرهنگی و بشردوستانه بسیاری در سراسر جهان قرار گرفته است. وی در طول سالیان، چندین درجه افتخار از دانشگاه‌های معتبر دریافت کرد و جوایز فرهنگی و انسانی بسیاری را از سوی مؤسسات بین‌المللی، به پاس خدمات ارزشمندش به جامعه و انسانیت، کسب نمود. این افتخارات، بازتابی است از تلاش‌های او نه فقط در دنیای تجارت، بلکه در خدمت به فرهنگ، مردم و صلح.

لُرد داود آلیانس پس از بازنشستگی همچنان به عنوان مشاور آگاه و دلسوز، در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی نقش‌آفرینی کرد. او، با وجود سال‌ها دوری از وطن، هرگز ریشه‌های خود را از یاد نبرد.

نشانه‌ای از این پیوند درونی، نگهداری لباسی است که در هفده سالگی، هنگام ورود به انگلستان بر تن داشت. او باور داشت که نگاه کردن به آن لباس، یادآور گذشته‌ای است که هیچگاه نباید فراموش شود: مردم، میهن، و ریشه‌های خود. با گذر از دهه نود زندگی، وی همچنان شخصاً بسیاری از مسائل اقتصادی و سیاسی را دنبال می‌کرد. در کنار او، پسر جوانش با انگیزه، توانایی و تلاش بسیار، بخش بزرگی از مسئولیت‌ها را بر عهده گرفت و آنها را با موفقیت به انجام می‌رساند.

در سال ۲۰۱۵، لُرد داود آلیانس با نوشتن زندگینامه خود کتابی با عنوان A Bazar Life به نگارش درآورد. اثری خواندنی که روایتگر فراز و نشیب‌های زندگی اوست. از کودکی در کوچه پس‌کوچه‌های کاشان و سال‌های تحصیل در مدرسه آقا یغوئیل، تا رسیدن به مجلس اعیان بریتانیا. این کتاب، که در آغاز به زبان انگلیسی نوشته شد، بعدها با کوشش خود او، به زبان فارسی با عنوان «بچه کاشی؛ از بازار تهران تا مجلس لردها» نیز ترجمه و منتشر گردید تا بازتابی باشد از خاطرات، کوشش‌ها، شکست‌ها و کامیابی‌های مردی که از دل بازار برخاست و به بلندای سیاست، صنعت و انسان‌دوستی رسید.

لُرد آلیانس که یکی از برجسته‌ترین صنعتگران بریتانیا و اروپا در بیش از نیم قرن گذشته به شمار می‌رود، در کنار فعالیت‌های اقتصادی، از نهادهای خیریه و آموزشی در بریتانیا، ایران و اسرائیل نیز حمایت نمود. قرار شده برای قدردانی و بزرگداشت این پشتیبانی پایدار، اسم مدرسه بازرگانی منچستر که آوازه‌ای جهانی دارد، به نام او تغییر یافته و از این پس با عنوان Alliance MBS شناخته شود.

او که در منچستر و لندن زندگی می‌کرد و پیوسته با اندیشه‌ای روشن و نگاهی جهانی، در مسیر توسعه، آموزش و نیکوکاری گام برمی داشت، روز جمعه ۱۸ ژوئیه در سن ۹۳ سالگی در لندن چشم از جهان فرو بست.

از وی سه فرزند، یک دختر به نام سارا و دو پسر به نام های جاشوا و گراهام باقی مانده است.

کیهان لندن درگذشت لُرد داود آلیانس را به خانواده، دوستان، بستگان و جامعه کلیمیان از صمیم قلب تسلیت می‌گوید. روانش شاد و قرین آرامش و یاد خود و خدمات ارزنده‌اش پیوسته ابدی و گرامی باد.

در نگاه او، کسب و کار تنها وسیله‌ای برای منفعت شخصی نبود؛ بلکه فرصتی بود برای خدمت به جامعه و تقویت بنیان‌های اقتصادی کشور. به بیان دیگر، آنچه داود آلیانس در زندگی، به ویژه در دنیای تجارت، انجام داد، صرفاً بر پایه سود فردی نبود، بلکه در دل آن، اندیشه‌ای بلند برای پیشرفت جمعی و مسئولیت اجتماعی نهفته بود. او پیوسته



بر این باور بود که «پیشرفت و تکامل یک اقتصاد سالم»، اقتصادی که توان رقابت و حضور در سطح جهانی را داشته باشد، نیازمند «امنیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی» است. به نظر او، تنها در سایه ثبات و اطمینان در این سه حوزه است که می‌توان پایه‌های یک اقتصاد پویا را استوار ساخت. افزون بر این، لُرد آلیانس تأکید داشت که «نقش‌آفرینان واقعی در عرصه توسعه اقتصادی»، همان کسانی هستند که فرصت‌های شغلی می‌آفرینند: «تجار با تجربه، کارشناسان و کارآفرینان». این افراد با دانش، جسارت و تدبیر خود، نه تنها چرخ‌های صنعت و بازار را به حرکت درمی‌آورند، بلکه آینده اقتصادی یک کشور را نیز رقم می‌زنند.

لُرد داود آلیانس در سال ۱۹۶۰ با دخترخاله اش، آما جوزفی، ازدواج کرد. اما این پیوند، پس از هفت سال، به جدایی انجامید. در سال ۱۹۸۷، او با هما ساسانی ازدواج کرد. از این ازدواج پسری به دنیا آمد، اما این زندگی مشترک نیز سرانجام با طلاق پایان یافت. او در کنار فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی گسترده‌اش، همواره دل در گرو کارهای نیکوکارانه و انسان‌دوستانه داشت و کمک به انسان‌ها را در اولویت قرار می‌داد. به باور او مسئولیت اجتماعی، بخشی جدایی‌ناپذیر از موفقیت واقعی است. در سال ۲۰۰۱، وی مبلغ ۵۰ هزار دلار به انجمن کلیمیان تهران اهدا کرد. این کمک، با تلاش‌های آقاجان شادی و همکاری شهرداری کاشان، زمینه‌ساز بازسازی آرامگاه موشه لویی (Moshe Ha-Levy) در شهر باستانی کاشان شد. آرامگاهی که از آن پس، زیارتگاهی آبرومند برای زائران یهودی گردید.

لُرد داود آلیانس به خاطر اینگونه حمایت‌های مالی از مراکز فرهنگی، درمانی و اجتماعی جامعه کلیمیان ایران،

بود. مدیری که تنها به سود فکر نمی‌کرد، بلکه رفاه کارگران و ثبات محیط کار را در اولویت قرار می‌داد. او پیشتر در دهه ۱۹۷۰، به یکی از مهره‌های کلیدی اقتصاد بریتانیا بدل شده بود. تصمیمات هوشمندانه و حرکت‌های اقتصادی موفق اش، باعث شد که نه تنها به عنوان تاجری موفق شناخته شود، بلکه نامش در عرصه

سیاست نیز بدرخشد؛ تا آنجا که به عنوان چهره‌ای برجسته در حزب لیبرال-دموکرات جای گرفت.

در سال ۱۹۸۴ میلادی، داود (دیوید) آلیانس به پاس خدمات ارزنده‌اش به صنایع بریتانیا، مفتخر به دریافت نشان فرمانده امپراتوری بریتانیا (CBE) شد. پنج سال بعد، در سال ۱۹۸۹، ملکه الیزابت دوم به پاس دستاوردهای چشمگیر او در بازرگانی و نقش تأثیرگذارش در صنعت نساجی، به وی لقب شوالیه (Sir) اعطا کرد.

اما افتخارات او به همینجا ختم نشد. در سال ۲۰۰۴، داود آلیانس با عنوان بارون آلیانس منچستر (Baron Alliance of Manchester) به مقام لُردی مادام‌العمر (Life Peer) (نائل آمد و به عنوان نخستین ایرانی، وارد مجلس اعیان بریتانیا (House of Lords) شد. مقامی که با پذیرش او در حزب لیبرال-دموکرات، بطور رسمی تثبیت گردید.

او در نخستین سخنرانی‌اش در مجلس اعیان، با صداقتی عمیق از خود به عنوان نمونه‌ای از یک مهاجر یاد کرد؛ کسی که در سال ۱۹۵۰، با تنها چهارده پوند در جیب وارد خاک انگلستان شد، اما با تلاش بی‌وقفه و موفقیت در تجارت، در طول سالیان، میلیاردها پوند مالیات به خزانه بریتانیا پرداخت کرد. به گفته او، «یکی از ویژگی‌های همیشگی‌اش این بوده که هرگز کاری را به کسی نسپرده، مگر آنکه خود یا فرزندانش توان انجام آن را داشته باشند». این اصل، نه فقط نشانی از فروتنی، بلکه جلوه‌ای از مسئولیت‌پذیری و صداقت در رهبری او بود.

وی در مسیر موفقیت، هدفش تنها گردآوری ثروت نبود؛ بلکه همواره می‌کوشید تا در هر عرصه‌ای که وارد می‌شد، به برتری و شکوفایی برسد، آنهم در کوتاه‌ترین زمان ممکن.

کارشناس اسرائیلی: موساد همچنان در ایران فعال است



ستون دود در تهران ناشی از وقوع آتشسوزی در مناطق مرکزی حوالی خیابان «انقلاب» / تیرماه ۱۴۰۴

او همچنین اشاره می‌کند که ادامه فعالیت‌های پنهانی ممکن است با تهدید مداوم حوثی‌ها نیز مرتبط باشد، کسانی که با وجود آتش‌بس گسترده‌تر، همچنان به شلیک موشک به سوی اسرائیل ادامه داده‌اند.

او افزود: «اسرائیل در حال آموختن از این تهدیدات جدید است. واقعیت این است که بازیگران نامتعارف مانند حوثی‌ها معادلات امنیتی را تغییر داده‌اند. اکنون اطلاعات و بازدارندگی غیرمتعارف از همیشه حیاتی‌تر شده‌اند.»

در ادامه گزارش «وای نت» آمده است، در کنار وقوع انفجارهای بی‌توضیح، جمهوری اسلامی ایران آشکارا در حال تجدید قواست. سامانه‌های موشکی زمین به هوای ساخت چین اخیراً وارد ایران شده‌اند و مذاکرات تسلیحاتی با کره شمالی نیز در جریان است. اگرچه گمانه‌زنی‌هایی در مورد ارسال سلاح از روسیه مطرح شده، اما تا کنون هیچ موردی تأیید نشده است. ایران و روسیه در اوایل سال ۲۰۲۴ یک معاهده مشارکت جامع استراتژیک امضا کردند. تحلیلگران می‌گویند با اینکه همکاری‌های استراتژیک در حال تعمیق است، اما تعهدات نظامی روسیه در مناطق دیگر و ملاحظات دیپلماتیک ممکن است انتقال تجهیزات را به تأخیر انداخته باشد.

رژیم ایران همچنین موشک بالستیک میان‌برد «قاسم بصیر» را رونمایی کرده که نشانه‌ای از عزم تهران برای ارتقاء توان تهاجمی خود، با وجود تحریم‌ها، محسوب می‌شود.

با این حال، برخی کارشناسان در کنار این رُست‌های نظامی، نشانه‌هایی از خویشتنداری می‌بینند. یاناروچاک می‌گوید: «جمهوری اسلامی در جنگ ۱۲ روزه تحقیر شد، اما می‌داند که دور دوم درگیری می‌تواند خودکشی باشد. حملات هوایی اسرائیل برتری هوایی و اطلاعاتی این کشور را به وضوح نشان داد. رهبران رژیم ایران می‌دانند که یک تقابل مستقیم دیگر می‌تواند زیرساخت‌ها، اقتصاد و نفوذ بین‌المللی‌شان را نابود کند.»

این اخراج ناگهانی اکنون ممکن است واکنش‌های غیرمنتظره به همراه داشته باشد.

او توضیح می‌دهد: «این کارگران دسترسی داشتند. محل‌ها، سیستم‌ها و نقاط کور را می‌شناختند. اکنون روایت‌هایی در برخی محافل شکل گرفته که آنچه می‌بینیم نوعی خرابکاری تلافی‌جویانه از سوی عوامل داخلی است.»

به گفته بهلی، در درگیری‌های قبلی، رژیم جامعه افغان‌ها را به عنوان ستون پنجم اسرائیل مظنون می‌دانست. اما او تأکید می‌کند که اینبار انگیزه متفاوت به نظر می‌رسد: «اتفاقاتی که اکنون در حال وقوع است بیشتر به انتقام شبیه است تا همکاری با اطلاعات خارجی. این افراد با خشونت اخراج شده، از حقوق خود محروم شده و تحقیر شده‌اند. اگر پشت این حوادث باشند، اقداماتشان نشان‌دهنده خشم نسبت به جمهوری اسلامی است، نه هماهنگی با اسرائیل.»

دکتر حی ایتان کوهن یاناروچاک پژوهشگر مرکز موشه دایان برای مطالعات خاورمیانه و آفریقا و مؤسسه اورشلیم برای استراتژی و امنیت، احتمال دیگری را رد می‌کند: اینکه عملیات‌های موساد همچنان در ایران فعال‌اند.

او می‌گوید: «دقت برخی از این حملات - اینکه مکان‌های خاص و حساسی را هدف قرار داده‌اند - به امضای عملیاتی موساد شباهت دارد. موساد در جریان درگیری اخیر عملکرد موفقی داشت، و به نظر من تمام توانایی‌های اطلاعاتی اسرائیل افشا نشده‌اند. بسیار محتمل است که اسرائیل همچنان امکاناتی در داخل ایران داشته باشد.»

یاناروچاک توضیح می‌دهد که این عملیات‌ها، در صورت ادامه، بخشی از دگرینه اطلاعاتی اسرائیل هستند. او می‌گوید: «اسرائیل تنها به قدرت هوایی تکیه نمی‌کند. عملیات‌های زمینی - هدفمند، بی‌صدا، جراحی‌گونه - اغلب در شکل دادن رفتار دشمن بیشتر مؤثرند، بدون آنکه درگیر آغاز جنگی گسترده‌تر شد.»

● وبسایت «وای نت» روز جمعه ۲۷ تیرماه ۱۴۰۴ به نقل از یک کارشناس امنیتی نوشت که رشته انفجارهای متداوم در ایران برخلاف ادعای مقامات تهران «نقص فنی مرتبط با گاز» نیست.

● نیما بهلی تحلیلگر سیاسی ایرانی می‌گوید: «اینها نقص‌های فنی نیستند. یک الگو وجود دارد. این انفجارهای پی در پی و سکوت بیش از حد حکومت می‌تواند تصادفی باشد.»

● بهلی به یک عامل کمتر مورد توجه اشاره می‌کند که «نقش کارگران مهاجر افغان در ایران است.» او می‌گوید، «پس از جنگ ۱۲ روزه در ماه ژوئن، ایران هزاران افغان فاقد مدارک را که در بخش‌های ساخت و ساز، زیرساخت و حتی مراکز لجستیک حساس کار می‌کردند، اخراج کرد.» به گفته بهلی، این اخراج ناگهانی اکنون ممکن است واکنش‌های غیرمنتظره به همراه داشته باشد.

● دکتر حی ایتان کوهن یاناروچاک پژوهشگر مرکز موشه دایان برای مطالعات خاورمیانه و آفریقا و مؤسسه اورشلیم برای استراتژی و امنیت، احتمال دیگری را رد می‌کند: اینکه موساد همچنان در ایران فعال است.

● او می‌گوید: «دقت برخی از این حملات - اینکه مکان‌های خاص و حساسی را هدف قرار داده‌اند - به امضای عملیاتی موساد شباهت دارد. موساد در جریان درگیری اخیر عملکرد موفقی داشت، و به نظر من تمام توانایی‌های اطلاعاتی اسرائیل افشا نشده‌اند. بسیار محتمل است که اسرائیل همچنان امکاناتی در داخل ایران داشته باشد.»

اگرچه اعلام آتش‌بس میان جمهوری اسلامی و اسرائیل، آرامشی نسبی و موقت در پی داشت، اما شماری از کارشناسان می‌گویند انفجارهای زنجیره‌ای در شهرهای مختلف ایران که حکومت ادعا می‌کند «نشت گاز» است، نشان می‌دهد که موساد همچنان در ایران فعال است.

وبسایت «وای نت» روز جمعه ۲۷ تیرماه ۱۴۰۴ به نقل از یک کارشناس امنیتی نوشت که رشته انفجارهای متداوم در ایران برخلاف ادعای مقامات تهران «نقص فنی مرتبط با گاز» نیست.

در این گزارش آمده آتش‌بس شکننده‌ای که جنگ آشکار بین جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل را متوقف کرده، نتوانسته ثبات واقعی به همراه آورد. پس از اعلام آتش‌بس، مجموعه‌ای از انفجارهای مرموز در داخل ایران رخ داده، در حالی که درگیری‌های تازه‌ای در مرز شمالی اسرائیل شعله‌ور شده‌اند که نشانه‌ای از ادامه ناآرامی‌ها در منطقه است.

در این گزارش با اشاره به انفجارهایی در پردیسان قم، تهران، کرج و دیگر شهرها، آمده هرچند مسئولان در تهران می‌گویند این انفجارها ناشی از ترکیدن لوله گاز است اما تردیدهای مردم در حال افزایش است.

نیما بهلی تحلیلگر سیاسی ایرانی می‌گوید: «اینها نقص‌های فنی نیستند. یک الگو وجود دارد. این انفجارهای پی در پی و سکوت بیش از حد حکومت می‌تواند تصادفی باشد.»

بهلی به یک عامل کمتر مورد توجه اشاره می‌کند که «نقش کارگران مهاجر افغان در ایران است.» او می‌گوید، «پس از جنگ ۱۲ روزه در ماه ژوئن، ایران هزاران افغان فاقد مدارک را که در بخش‌های ساخت و ساز، زیرساخت و حتی مراکز لجستیک حساس کار می‌کردند، اخراج کرد.» به گفته بهلی،

زیباسازی نظم ناعادلانه؛ دعوت به گفتگو از دل ساختار سرکوب!

ریشه‌کن کردن همان ساز و کارهایی است که امروز صدای منتقدان را خفه می‌کنند.

اخلاق کاربردی: پیامد نه نیت؟

از منظر اخلاق کاربردی، دعوت به گفتگو در شرایط نابرابر نه تنها بی‌فایده بلکه مضر است؛ زیرا انرژی و امید معترضان را به فرآیندی هدایت می‌کند که نه قصد تغییر دارد و نه توان آن را. چنین گفتگویی صرفاً به تثبیت وضعیت موجود کمک می‌کند.

اخلاق کاربردی به صراحت از ما می‌خواهد بجای تمرکز بر شکل گفتگو با عاملان سرکوب، به نتایج واقعی آن نگاه کنیم. تا وقتی ساختاری که خود سازنده‌ی نابرابری، سرکوب و خشونت بوده از میان نرفته، هرگونه گفتگو درون آن، تنها امتداد همان نابرابری‌هاست، نه راه حلی برای آنها.

تناقض بزرگ: گفتگو با مخالفان در دل ایدئولوژی حذفی!

در نهایت، یک پرسش اساسی باقی می‌ماند: آیا ساختاری که مشروعیت خود را از یک ایدئولوژی بسته می‌گیرد، و مخالفان ایدئولوژیک خود را نه رقیب، بلکه دشمن می‌داند، می‌تواند واقعاً گفتگوی برابر را ممکن سازد؟

پاسخ روشن است. هر ساختار ایدئولوژیک که مخالف را به چشم تهدید نگاه می‌کند، گفتگو را نه برای تفاهم، بلکه برای خلع سلاح روانی، سیاسی و اجتماعی او به کار می‌گیرد. چنین گفتگویی بیشتر شبیه به اعتراف‌گیری با دستکش مخملی است تا تلاش برای عدالت.

*بنیامین دیلم کوتلی دانش‌آموخته‌ی ادبیات و فلسفه و پژوهشگر حوزه علوم انسانی



مسعود پزشکیان در نخستن نشست مطبوعاتی / تهران / ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۴

می‌داند، اصول عادلانه چگونه می‌توانند مجال ظهور بیابند؟ دعوت به گفتگو از سوی چنین ساختاری، در عمل فاقد مشروعیت اخلاقی است. زیرا ساختاری که گفتگو را تهدیدی برای هویت و بقای خود تلقی می‌کند، نمی‌تواند میدان آزاد و برابری برای گفتگو فراهم آورد. گفتگوی واقعی نیازمند

● در جامعه‌ای که در آن عدالت ساختاری، قانونی و رسانه‌ای نابود شده، دعوت به گفتگو بیشتر به یک ژست اخلاقی توخالی شباهت دارد. آنچه تحت عنوان «اخلاق گفتگو» مطرح می‌شود، درواقع تقلیل اعتراض به ادب است؛ و این همان نکته‌ایست که باید نقد شود.

● دعوت به گفتگو از سوی چنین ساختاری، در عمل فاقد مشروعیت اخلاقی است. زیرا ساختاری که گفتگو را تهدیدی برای هویت و بقای خود تلقی می‌کند، نمی‌تواند میدان آزاد و برابری برای گفتگو فراهم آورد. گفتگوی واقعی نیازمند ریشه‌کن کردن همان ساز و کارهایی است که امروز صدای منتقدان را خفه می‌کنند.

● اخلاق کاربردی به صراحت از ما می‌خواهد بجای تمرکز بر شکل گفتگو با عاملان سرکوب، به نتایج واقعی آن نگاه کنیم. تا وقتی ساختاری که خود سازنده‌ی نابرابری، سرکوب و خشونت بوده از میان نرفته، هرگونه گفتگو درون آن، تنها امتداد همان نابرابری‌هاست، نه راه حلی برای آنها.

بنیامین دیلم کوتلی - در روزهایی که واژه‌ها از معنا تهی شده‌اند، رئیس دولت چهاردهم جمهوری اسلامی از «گفتگو با اپوزیسیون» بر مبنای انصاف و عدالت سخن می‌گوید. اما این دعوت، بر بستر ساختاری صورت می‌گیرد که خود بنیاد نابرابری، سرکوب و حذف را شکل داده و بازتولید کرده است. در چنین شرایطی، هر نوع گفتگو نه اقدامی برای ترمیم، بلکه حرکتی برای زیباسازی نظم ناعادلانه است.

در جامعه‌ای که در آن عدالت ساختاری، قانونی و رسانه‌ای نابود شده، دعوت به گفتگو بیشتر به یک ژست اخلاقی توخالی شباهت دارد. آنچه تحت عنوان «اخلاق گفتگو» مطرح می‌شود، درواقع تقلیل اعتراض به ادب است؛ و این همان نکته‌ایست که باید نقد شود.

هابرماس، گالتونگ، و بازی اخلاق در زمین نابرابر

یورگن هابرماس فیلسوف سرشناس آلمانی گفتگوی اخلاقی را وابسته به شرایطی می‌داند از جمله برابری در دسترسی به سخن، آزادی از تهدید، و امکان استدلال عقلانی. اما وقتی گروهی ابزار رسانه، قانون، قضاوت و زور را در اختیار دارد و گروه دیگر حتی از ابتدایی‌ترین حقوق محروم است، گفتگو بدل به بازی قدرت می‌شود، نه تبادل نظر.

در این بستر، نظریه «خشونت ساختاری» یوهان گالتونگ سیاستمدار و شخصیت دانشگاهی روژی به خوبی نشان می‌دهد که چگونه بی‌عدالتی نه فقط در رفتار، بلکه در خود ساختارهای توزیع قدرت، صدا و منابع رخنه کرده است. در این وضعیت، تأکید بر ادب، فقط یک ابزار کنترل است: از معترضان خواسته می‌شود در برابر ظلم، با لحنی محترمانه پاسخ و واکنش نشان دهند. نتیجه‌اش دعوت به سکوت محترمانه است، نه گفتگوی عادلانه.

راولز و پرسش از انصاف در ساختار ایدئولوژیک

جان راولز فیلسوف آمریکایی و نظریه‌پرداز عدالت با مفهوم «پردۀ جهل» بر این نکته تأکید می‌کند که تصمیم‌گیری منصفانه تنها زمانی ممکن است که افراد ندانند در کدام طبقه یا جایگاه قدرت خواهند بود. در چنین شرایطی است که قواعد منصفانه‌ای انتخاب می‌شود. حال باید پرسید: در نظامی که بنیاد خود را بر ایدئولوژی تثبیت‌شده نهاده و بقای خود را در گرو سرکوب مخالفان

نسرین روشن شهروند ایرانی- بریتانیایی از دستگیری ۱۴۰۲ و زندان دهه شصت و دیدار و پوزش از شهبانو فرح می‌گوید



ویدئو

انتقال به زندان اوین، بازجویی‌ها و روزهای بازداشت در بند ۲۰۹ را روایت می‌کند. او همچنین به خاطراتی از هم‌بند بودن با وریشه مرادی در آن دوران می‌پردازد. نسرین روشن در مورد بازداشت خود در دهه ۱۳۶۰ که به اتهام هواداری از سازمان مجاهدین خلق بازداشت و زندانی شد نیز توضیح می‌دهد. او از شرایط طاقت‌فرسای آن سال‌ها، رفتار مأموران و در نهایت دیدار و پوزش خود از شهبانو فرح پهلوی سخن می‌گوید. روشن پس از تحمل ۵۵۰ روز حبس در زندان اوین روز ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۴ آزاد شد و به بریتانیا بازگشت.

نسرین روشن شهروند دوتابعیتی ایرانی- بریتانیایی روز ۲۵ آبان ۱۴۰۲ هنگام تلاش برای خروج قانونی از ایران و سفر به بریتانیا- محل اقامت دائمی‌اش- در فرودگاه بین‌المللی «خمینی» تهران توسط نیروهای وزارت اطلاعات بازداشت شد. او پس از بازداشت به سلول انفرادی در بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد؛ بخشی از بازداشتگاهی که تحت نظارت مستقیم وزارت اطلاعات اداره می‌شود. در نخستین بخش از گفتگوی اختصاصی با نازنین انصاری، نسرین روشن جزئیاتی از روند بازداشت خود در فرودگاه،

اتحادیه اروپا حسین شمشانی را به دلیل دور زدن تحریم‌های نفتی روسیه تحریم کرد



حسین شمشانی پسر علی شمشانی مشهور به «هکتور» دلال نفت ایران

● اتحادیه اروپا دوشنبه ۲۱ ژوئیه (۳۰ تیرماه ۱۴۰۴) حسین شمشانی فرزند علی شمشانی مشاور ارشد علی خامنه‌ای را به دلیل ایفای نقش کلیدی در دور زدن تحریم‌های روسیه با هدایت «ناوگان سایه» جمهوری اسلامی برای دور زدن تحریم‌های آمریکا، در فهرست جدید تحریم‌های خود قرار داده است.

● خبرگزاری بلومبرگ با اعلام این خبر نوشت: «شرکت‌های ادمیرال و میلوس که متعلق به حسین شمشانی هستند نیز در فهرست این تحریم‌ها گنجانده شده‌اند».

● بلومبرگ در دی‌ماه سال ۱۴۰۳ گزارش داده بود که حسین شمشانی از بازیگران اصلی در فروش تسلیحات جمهوری اسلامی به روسیه است و شبکه شرکت‌های او، نقشی کلیدی در انتقال تسلیحات میان تهران و مسکو و ارسال موشک، قطعات پهپاد و کالاهای دو منظوره دارد.

اتحادیه اروپا دوشنبه ۲۱ ژوئیه (۳۰ تیرماه ۱۴۰۴) حسین شمشانی، فرزند علی شمشانی مشاور ارشد علی خامنه‌ای را به دلیل ایفای نقش کلیدی در دور زدن تحریم‌های روسیه با هدایت «ناوگان سایه» جمهوری اسلامی برای دور زدن تحریم‌های آمریکا، در فهرست جدید تحریم‌های خود قرار داده است.

خبرگزاری بلومبرگ با اعلام این خبر نوشت: «شرکت‌های ادمیرال و میلوس که متعلق به حسین شمشانی هستند، نیز در فهرست این تحریم‌ها گنجانده شده‌اند».

در بیانیه اتحادیه اروپا آمده است: «حسین شمشانی در بخشی از اقتصاد فعالیت می‌کند که منبع درآمد قابل‌توجهی برای دولت روسیه فراهم می‌کند».

نام حسین شمشانی نخستین بار چهار سال پیش در رسانه‌های غربی مطرح شد. او که اکنون در دهه چهارم زندگی‌اش قرار دارد، در خارج از ایران با نام مستعار «هکتور» شناخته می‌شود.

دو دهه پیش، علی شمشانی همراه پسرش در برنامه

عراقچی: غنی‌سازی «غرور ملی» ماست، از آن چشم‌پوشی نمی‌کنیم! ترامپ: لازم باشد دوباره حمله می‌کنیم

● وزیر خارجه جمهوری اسلامی شامگاه دوشنبه ۲۱ ژوئیه (۳۰ تیرماه) در مصاحبه با «فاکس نیوز» وارد شدن خسارات جدی به تأسیسات هسته‌ای در ایران را تأیید کرد و گفت: «در حال حاضر برنامه غنی‌سازی متوقف شده، چرا که خسارات جدی و شدید هستند».

● عباس عراقچی تأکید کرد: «جمهوری اسلامی از غنی‌سازی اورانیوم چشم‌پوشی نخواهد کرد». وی تأکید کرد که در این مسئله «غرور ملی مطرح است».

● دونالد ترامپ با مداد سه‌شنبه در شبکه اجتماعی خودش «تروث سوشال» نوشت: «عباس عراقچی وزیر خارجه ایران در مورد تأسیسات هسته‌ای ایران گفت: خسارت‌ها بسیار شدید است و تخریب شده‌اند... البته، همانطور که گفته بودم، تخریب شده‌اند و اگر لازم باشد دوباره این کار را خواهیم کرد».

وزیر خارجه جمهوری اسلامی شامگاه دوشنبه ۲۱ ژوئیه (۳۰ تیرماه) در مصاحبه با «فاکس نیوز» وارد شدن خسارات جدی به تأسیسات هسته‌ای در ایران را تأیید کرد و گفت: «در حال حاضر برنامه غنی‌سازی متوقف شده، چرا که خسارات جدی و شدید هستند».

عباس عراقچی تأکید کرد: «جمهوری اسلامی از غنی‌سازی اورانیوم چشم‌پوشی نخواهد کرد». وی تأکید کرد که در این مسئله «غرور ملی مطرح است».

او بار دیگر عنوان کرد: «هر توافق هسته‌ای که حاصل شود باید دربرگیرنده حق غنی‌سازی اورانیوم برای ایران باشد».

جمهوری اسلامی پس از جنگ ۱۲ روزه اعلام کرد که همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را متوقف کرده و در شرایطی که آسمان ایران به علت تهدیدات امنیتی بسته بود، بازرسان آژانس، به صورت زمینی از ایران خارج شدند. از سوی دیگر نامشخص بودن سرنوشت بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده یک تهدید محسوب می‌شود، به ویژه آنکه برخی عوامل حکومت در مورد ضروری بودن ساخت «سلاح اتمی تاکتیکی» صحبت می‌کنند.

عراقچی در بخش دیگری از مصاحبه با «فاکس نیوز» در پاسخ به اینکه اورانیوم غنی‌سازی‌شده ایران با وجود حملات آمریکا محفوظ مانده‌اند یا نه، پاسخ نداد و گفت که «اطلاعات دقیقی» در اینباره ندارد، اما سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی در تلاش است که مشخص کند «بر سر اورانیوم غنی‌سازی شده چه آمده است».

وزیر خارجه جمهوری اسلامی درحالی از سرنوشت اورانیوم‌ها ابراز بی‌خبری کرده که مقامات نظام قبلاً ادعا کرده بودند پیش از بمباران تأسیسات فردو، نطنز و اصفهان، اورانیوم‌ها و تجهیزات را به نقطه‌ای «امن» منتقل کرده‌اند! همچنین پیشتر از سوی منابع حکومتی مطرح شده بود که جمهوری اسلامی پس از جنگ به سمت «ابهام»

تلویزیونی «مثلت شیشه‌ای» صداوسیما جمهوری اسلامی حضور یافت و گفت: «به او توصیه کردم از هر شغلی که به دولت مربوط می‌شود، فاصله بگیرد».

در سال‌های اخیر، چند گزارش درباره فساد مالی و رانتخواری فرزندان و خانواده علی شمشانی منتشر شده است.

بلومبرگ در دی‌ماه سال ۱۴۰۳ گزارش داده بود که حسین شمشانی از بازیگران اصلی در فروش تسلیحات جمهوری اسلامی به روسیه است و شبکه شرکت‌های او، نقشی کلیدی در انتقال تسلیحات میان تهران و مسکو و ارسال موشک، قطعات پهپاد و کالاهای دو منظوره دارد.

این خبرگزاری همچنین نهم شهریورماه ۱۴۰۴ گزارش داد: «گروه میلادوس» مستقر در دوی بی با همکاری مخفیانه‌ی پسر شمشانی بخشی از نفت ایران را به صورت قاچاق به فروش می‌رساند.

بلومبرگ حسین شمشانی را یک میلیارد نفتی توصیف کرد که توانسته به صورت مخفیانه خود را در قلب سیستم مالی غرب جای دهد.

اظهارات بیش از ۱۲ مقام آمریکایی، بریتانیایی اروپایی و افراد مطلع نشان می‌دهد که او به عنوان بازرگان، انتقال تسلیحات از طریق دریای کاسپین به روسیه را مدیریت کرده و به مسکو در جنگ اوکراین کمک می‌کند.

در بخشی از این گزارش آمده: «حسین شمشانی پسر علی شمشانی از مقامات نزدیک به علی خامنه‌ای، از برنامه‌های شهروندی از طریق سرمایه‌گذاری در دومینیک و همچنین از یک شرکت لابی در شهر واشنگتن با هدف دور زدن تحریم‌ها و بهره بردن از سودهای کلان اقتصادی، از جمله خرید املاک در خارج از ایران، استفاده کرده است».

او از طریق دریافت شهروندی دومینیک به نظام بانکی بین‌المللی دسترسی پیدا کرد و از طریق کانال‌هایی که در امارات و واشنگتن ایجاد کرد، دسترسی خود را به نظام بانکی بین‌المللی حفظ نمود.

سوخت اتمی و موشکی جمهوری اسلامی: ایران!

ایران با خشکسالی و بی‌آبی و اقتصادی ویران و فقر و فلاکتی که گریبان میلیون‌ها تن از شهروندان را گرفته، در حالی همچنان شیر جانش کشیده می‌شود که جمهوری اسلامی از آن به عنوان سوخت برنامه‌های اتمی و موشکی خود استفاده می‌کند تا جز زمین سوخته از آن باقی نماند.



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

→ هسته‌ای» حرکت خواهد کرد. ابهام در سرنوشت چندصد کیلو اورانیوم غنی‌شده نیز در چارچوب همین سیاست است تا شاید توانست اینبار از «ابهام» به عنوان کارت بازی در مذاکرات استفاده کرد.

دونالد ترامپ با مدام سه‌شنبه ۲۱ ژوئیه در شبکه اجتماعی خودش «ترتو سوشال» نوشت: «عباس عراقچی وزیر خارجه ایران در مورد تأسیسات هسته‌ای ایران گفت: خسارت‌ها بسیار شدید است و تخریب شده‌اند... البته، همانطور که گفته بودم، تخریب شده‌اند و اگر لازم باشد دوباره این کار را خواهیم کرد.»

عدم همکاری جمهوری اسلامی با آژانس و توقف مذاکرات با آمریکا وضعیت را برای تهران پیچیده‌تر می‌کند. به ویژه آنکه اروپایی‌ها اعلام کردند که ایران فقط تا پایان تابستان برای توافق مهلت دارد و پس از آن «مکانیسم ماشه» را فعال خواهند کرد.



عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران

مکانیسم ماشه و قمار هسته‌ای علی خامنه‌ای



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

قرار است روز جمعه (سوم امرداد) نمایندگان جمهوری اسلامی و آلمان، فرانسه و بریتانیا در استانبول دیدار کنند. این نشست در سطح معاونان وزارت خارجه برگزار می‌شود و گفته شده که در آن اولاف اسکوگ معاون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و مجید تخت‌روانچی و کاظم غریب‌آبادی معاونان عراقچی حضور خواهند داشت.

در حال حاضر تمام تلاش جمهوری اسلامی برای روی این موضوع متمرکز شده که راهی برای فعال نشدن «مکانیسم ماشه» پیدا کند. این در حالیست که احتمال فعال شدن «مکانیسم ماشه» زیاد است. با اینهمه سردار پاسدار اسماعیل کوثری عضو کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی می‌گوید: «ایران از مذاکره هیچ ابایی ندارد.» او اگرچه تأکید می‌کند که مذاکره با آمریکا و اروپا هم نتیجه‌ای نخواهد داشت، اما گزینه‌ی دیگری هم برای خروج نظام از بحران ارائه نداده و صرفاً تهدید کرده است که خروج از NPT می‌تواند یکی از گزینه‌ها باشد.

شماری از عوامل حکومت ادعا می‌کنند که «خسارت تهدید مکانیسم ماشه از فعال شدن آن بیشتر است»؛ اما روزنامه «جمهوری اسلامی» هشدار داده است: «جدی نگرانی مکانیسم ماشه مانند همان حرف احمدی نژاد است که قطعنامه‌های ضد ایرانی را کاغذپاره می‌خواند.»

در همین ارتباط، لارنس نورمن خبرنگار روزنامه «والاستریت ژورنال» گزارش داده بود، اتحادیه اروپا به رژیم ایران پیشنهاد تهدید مهلت فعال‌سازی «مکانیسم ماشه» را ارائه داده است مشروط بر اینکه تهران همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را از سر بگیرد و محدودیت‌های مشخصی را بر ذخایر اورانیوم غنی‌شده خود اعمال کند.

جنگ‌های فرهنگی در میدان نبرد و پرده سینما؛ از «تاپ گان» تا عملیات هوایی اسرائیل: جنسیت، قدرت و جنگ روانی



تام کروز در فیلم «تاپ گان» و یک خلبان زن اسرائیلی

● کوئنتین تارانتینو کارگردان شورشی و تحلیلگر سینما در گفتگویی به فیلم (۱۹۸۶) Top Gun به چشم‌اندازی اشاره می‌کند که کمتر مورد توجه عام قرار گرفته است. به باور او، این فیلم صرفاً نبردی میان خلبانان آمریکایی و دشمن فرضی نیست، بلکه روایت زیرپوستی یک مبارزه فرهنگی است.

● چهار دهه پس از «تاپ گان»، اینبار نه بر پرده سینما بلکه در آسمان‌های خاورمیانه، نمونه‌ای واقعی از جنگ روانی فرهنگی رخ داد.

● همانطور که قهرمان فیلم «تاپ گان» با هویت مردانه اما متفاوت، ارتش مردسالار شوروی را به چالش کشید، خلبانان زن اسرائیلی نیز پیام روشنی به سردمداران جمهوری اسلامی فرستادند: زنانی که شما تحقیرشان می‌کنید، توانسته‌اند با تسلیحات نقطه‌زن بر فراز شما پرواز کنند، فرماندهان مذکر شما را از بین ببرند و ساختار امنیتی پوشالی شما را در هم بشکنند!

بهزاد پرنیان - در جهان سیاست، هیچ چیزی تصادفی نیست. آنچه در میدان جنگ یا بر پرده نقره‌ای ظاهر می‌شود، اغلب بازتابی از تقابل‌های فرهنگی، ایدئولوژیک و روانی میان ملت‌هاست. در این مقاله، به دو نمونه برجسته از این نبردهای فرهنگی خواهیم پرداخت: یکی از دل پرده سینما و دیگری از آسمان نبرد واقعی.

«تاپ گان»: روایتی پنهان از شکست فرهنگی شوروی
کوئنتین تارانتینو کارگردان شورشی و تحلیلگر سینما در گفتگویی به فیلم (۱۹۸۶) Top Gun به چشم‌اندازی اشاره می‌کند که کمتر مورد توجه عام قرار گرفته است. به باور او، این فیلم صرفاً نبردی میان خلبانان آمریکایی و دشمن فرضی نیست، بلکه روایت زیرپوستی یک مبارزه فرهنگی است.

این خبر و شادباش به همه قربانیان سرکوب و تروریسم و بازماندگان و خانواده‌های هزاران جانبازخته رژیم تروریست اسلامی در ایران و منطقه» در «ایکس» نوشت: «سرانجام پس از چندین سال تلاش پیگیر، قطعنامه پیشنهادیم در مورد شناسایی سپاه پاسداران به عنوان یک سازمان تروریست که دو هفته پیش به تایید کمیسیون خارجی مجلس رسیده بود در ساعت ۲ و نیم بامداد جمعه ۱۸ جولای با ۱۳۵ رأی مثبت، ۱۴ رأی ممتنع و بدون رأی مخالف در صحن مجلس بلژیک مطرح و به تصویب رسید. تنها کمونیست‌ها به این قطعنامه رأی ممتنع دادند.»

او افزوده: «اکنون دولت بلژیک شناسایی سپاه به عنوان یک سازمان تروریست را در سطح اتحادیه اروپا پیگیری خواهدکرد تا دیگر دولت‌های اروپایی را با خود همراه کند.»

این نخستین بار است که یکی از پارلمان‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا با اکثریت قاطع، سپاه را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار می‌دهد. پیشتر پارلمان بریتانیا قطعنامه مشابهی را تصویب کرده بود. این مصوبات پارلمان‌ها می‌بایست نخست به تأیید دولت‌ها برسند تا

پارلمان بلژیک با اکثریت آراء طرح «تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران» را تصویب کرد؛ دریا صفایی: فقط کمونیست‌ها رأی ممتنع دادند



رژه نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در خیابان‌های تهران

● پارلمان بلژیک روز جمعه ۱۸ ژوئیه (۲۷ تیرماه ۱۴۰۴) با اکثریت آراء طرح قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی را تصویب کرد.

● دریا صفایی نماینده ایرانی‌تبار پارلمان بلژیک در «ایکس» نوشت، این قطعنامه با ۱۳۵ رأی مثبت، ۱۴ رأی ممتنع و بدون رأی مخالف در صحن مجلس بلژیک مطرح و به تصویب رسید. تنها کمونیست‌ها به این قطعنامه رأی ممتنع دادند.

● این نخستین بار است که یکی از پارلمان‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا با اکثریت قاطع، سپاه را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار می‌دهد. این قطعنامه می‌بایست نخست به تأیید دولت برسد تا بتواند اجرا شود.

پارلمان بلژیک روز جمعه ۱۸ ژوئیه (۲۷ تیرماه ۱۴۰۴) با اکثریت آراء طرح قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی را تصویب کرد. دریا صفایی نماینده ایرانی‌تبار پارلمان بلژیک که نقش مهمی در طرح و تصویب این قطعنامه داشت، با اعلام

بتوانند اجرا شوند. در شرایطی که سه قدرت اروپایی اعلام کرده‌اند آماده فعال ساختن «مکانیسم ماشه» هستند، تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران در پارلمان بلژیک، فشار حقوقی و دیپلماتیک بر حکومت ایران را افزایش می‌دهد و می‌تواند زمینه‌ساز اقدامات مشابه در سایر کشورهای اتحادیه اروپا شود، هرچند که قطعنامه پارلمان بلژی نیز باید برای اجرا توسط دولت بلژیک تأیید شود.

پیشتر نمایندگان مجلس ملی فرانسه ۳۰ ژانویه ۲۰۲۴ (۱۰ بهمن ۱۴۰۲) به اتفاق آراء قطعنامه‌ای را تصویب کردند که در آن از دولت فرانسه و اتحادیه اروپا خواسته شد تا «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای وابسته به آن از جمله بسیج و نیروی قدس» را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهند.

روزنامه «تلگراف» ۱۴ بهمن گزارش داد شماری از نمایندگان مجلس فرانسه هشدار داده بودند که در میان درگیری‌های رو به افزایش در خاورمیانه، رژیم تهران «سر مار» است و از سپاه پاسداران برای گسترش «تروریسم» و جلوگیری از صلح استفاده می‌کند.

«مرسی اسرائیل»؛ گزارش مجله فرانسوی «لو پوآن» از واکنش ایرانی‌ها به «زدن سر مار»



تابوت فرماندهان ارشد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و چند متخصص اقی که در حملات اسرائیل کشته شدند

دریافت کردم. چهره‌اش پنهان بود و صدایش عمداً تغییر داده شده بود. او می‌گفت: حتی زیر بمباران اسرائیل، تهدید واقعی برای من جمهوری اسلامی، نه اسرائیل.»

در این گزارش که هفته دوم ژوئیه (تیرماه) منتشر شده، استقبال برخی از ایرانی‌ها از اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی به عنوان نشانه‌هایی از دگرگونی عمیق در نگاه بخشی از مردم ایران توصیف شده است.

در این گزارش در پیام‌هایی ناشناس، برخی شهروندان ایرانی از معلمان و دانشجویان گرفته تا سربازان از اقدامات نظامی اسرائیل علیه نهادهای جمهوری اسلامی قدرانی کرده‌اند. نویسندگان با استناد به این پیام‌ها آن را یک شکاف عمیق در افکار عمومی و نماد تزلزل در روایت رسمی جمهوری اسلامی معرفی کرده است.

نویسندگان در گزارش خود خاطرنشان می‌کنند که ناکارآمدی دستگاه‌های رسمی در دوران بمباران‌ها- اعم از نبود پناهگاه، قطع اینترنت، و عدم اطلاع‌رسانی- چنانکه یکی از مخاطبان نوابی گفته، به این می‌انجامد که «حتی اسرائیل بیش از رهبران ما نگران جان ماست.»

در بخشی از این گزارش آمده، اسرائیل موفق شده آنچه را که مردم در اعتراضات سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ بدان دست نیافتند، در عرصه نظامی تحقق بخشد: زدن «سر مار»! در حملات هدفمند اخیر، بنا به گزارش منابع غربی، بیش از سی تن از فرماندهان عالی‌رتبه سپاه و نیروی قدس کشته شدند؛ حملاتی که نه با قطعنامه و هشتک، بلکه با پهیاد و موشک صورت گرفته است.

در پایان، نویسندگان عنوان کرده است، با سقوط جمهوری اسلامی، نه تنها تروریسم نیابتی و برنامه هسته‌ای ملایان فرو می‌باشد، بلکه فرصت بازگشت ایران به جایگاه طبیعی‌اش در منطقه و جهان فراهم می‌شود. به گفته‌ی نویسندگان، یکی از مخاطبان ایرانی در پیامی نوشته: «با رفتن این رژیم، ایران و اسرائیل می‌توانند صلح را به خاورمیانه بازگردانند.»

● **مجله فرانسوی «لو پوآن» در گزارشی با عنوان «مرسی اسرائیل» صدای آن گروه از ایرانی‌های داخل کشور را بازتاب داده است که با وجود تمام تهدیدات و خطرات ناشی از جنگ، از اقدام نظامی اسرائیل علیه جمهوری اسلامی حمایت می‌کنند.**

● **آرمین نوابی نویسنده در مقدمه آورده: «در ۱۷ ژوئن ۲۰۲۵ [۲۷ خرداد] ویدیویی از زنی در تهران دریافت کردم. چهره‌اش پنهان بود و صدایش عمداً تغییر داده شده بود. او می‌گفت: حتی زیر بمباران اسرائیل، تهدید واقعی برای من جمهوری اسلامی، نه اسرائیل.»**

● **در این گزارش در پیام‌هایی ناشناس، برخی شهروندان ایرانی از معلمان و دانشجویان گرفته تا سربازان از اقدامات نظامی اسرائیل علیه نهادهای جمهوری اسلامی قدرانی کرده‌اند. نویسندگان با استناد به این پیام‌ها آن را یک شکاف در افکار عمومی و نماد تزلزل در روایت رسمی جمهوری اسلامی معرفی کرده است.**

● **در بخشی از این گزارش آمده، اسرائیل موفق شده آنچه را که مردم در اعتراضات سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ بدان دست نیافتند، در عرصه نظامی تحقق بخشد: زدن «سر مار»! در حملات هدفمند اخیر، بنا به گزارش منابع غربی، بیش از سی تن از فرماندهان عالی‌رتبه سپاه و نیروی قدس کشته شدند؛ حملاتی که نه با قطعنامه و هشتک، بلکه با پهیاد و موشک صورت گرفته است.**

مجله فرانسوی «لو پوآن» در گزارشی با عنوان «مرسی اسرائیل» صدای آن گروه از ایرانی‌های داخل کشور را بازتاب داده است که با وجود تمام تهدیدات و خطرات ناشی از جنگ، از اقدام نظامی اسرائیل علیه جمهوری اسلامی حمایت می‌کنند.

آرمین نوابی نویسنده در مقدمه‌ی این گزارش آورده: «در ۱۷ ژوئن ۲۰۲۵ [۲۷ خرداد] ویدیویی از زنی در تهران

تارانتینو مدعی است که شخصیت اصلی فیلم، ماوریک (با بازی تام کروز)، نماینده نسلی از مردان آمریکایی است که با مردانگی سنتی تفاوت دارند. ظاهری جذاب، روابط عاطفی پیچیده، و نشانه‌هایی از تمایلات همجنس‌خواهانه که در زیرلایه‌های فیلم نمایان است.

وی می‌افزاید که این نمایش زیرپوستی از «همجنس‌خواهی نهان» در واقع یک سلاح روانی است که هدفش تحقیر ارتش شوروی بوده. ارتشی که به مردانگی سختگیرانه، کنترل جنسی، و سرکوب فرهنگی شهره بود.

از نگاه تارانتینو، پیروزی ماوریک بر دشمن، صرفاً تکنولوژیک یا تاکتیکی نیست، بلکه پیروزی «فرهنگ باز و غیرسنتی آمریکایی» بر «نظام خشک، مردسالار و بسته شوروی» است.

اسرائیل و جمهوری اسلامی: نبردی با حضور زنان خلبان
چهار دهه پس از «تاپ گان»، اینبار نه بر پرده سینما بلکه در آسمان‌های خاورمیانه، نمونه‌ای واقعی از جنگ روانی فرهنگی رخ داد.

در یکی از حملات هوایی دقیق و مرگبار ارتش اسرائیل علیه زیرساخت‌های نظامی جمهوری اسلامی، رسانه‌های غربی و اسرائیلی تأکید کردند که خلبانان این عملیات زن بوده‌اند.

در نگاه اول، این انتخاب شاید صرفاً عملیاتی و تصادفی به نظر برسد، اما با در نظر گرفتن زن‌ستیز بودن نظام جمهوری اسلامی که در آن زنان از حقوق انسانی محرومند، می‌توان این اقدام را نوعی نبرد نمادین و روانی دانست.

همانطور که ماوریک «تاپ گان» با هویت مردانه اما متفاوت، ارتش مردسالار شوروی را به چالش کشید، خلبانان زن اسرائیلی نیز پیام روشنی به سردمداران جمهوری اسلامی فرستادند:

زنانی که شما تحقیرشان می‌کنید، توانسته‌اند با تسلیحات نقطه‌زن بر فراز شما پرواز کنند، فرماندهان مذکر شما را از بین ببرند و ساختار امنیتی پوشالی شما را در هم بشکنند!

هم تحقیر تکنولوژیک هم تحقیر فرهنگی

در هر دو نمونه گذشته از نمایش برتری تکنولوژیک، موضوع اما صرفاً برتری نظامی نیست. در «تاپ گان» پیروزی از طریق چرخش فرهنگی نیز رقم می‌خورد. در عملیات هوایی اسرائیل، پیروزی با نبرد زنان خلبان به عنوان حاملان پیام شکست ایدئولوژیک همراه است. این بدان معناست که غرب (و متحدان آن) نه تنها سلاح به دست می‌گیرند، بلکه فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی خود را نیز چون سلاحی علیه دشمن به کار می‌برند.

نتیجه‌گیری: سلاح‌هایی فراتر از موشک

در نبرد میان ملت‌ها، سلاح‌هایی چون بمب و موشک تنها ابزارهای جنگ نیستند. سینما، جنسیت، و روان انسان نیز به میدان نبرد وارد شده‌اند. Top Gun، فیلمی که از نگاه نخست یک فیلم سرگرم‌کننده و «اکشن» معمولی به نظر می‌رسد اما در تحلیل عمیق‌تر می‌تواند پیامدهای فرهنگی و روانی دوران جنگ سرد را بازتاب دهد. همانگونه که اکنون عملیات هوایی اسرائیل می‌تواند تحقیر یک رژیم زن‌ستیز را نه با صرفاً تسلیحات و برتری تکنولوژیک بلکه با حضور زنان خلبان به نمایش بگذارد.

در پایان باید گفت، جنگ‌ها در هزاره سوم، پیش و بیش از آنکه در میدان نبرد خاتمه یابند، در ذهن‌ها آغاز می‌شوند.

رد ادعای «چراغ سبز به بخش خصوصی واقعی»: یک شعار تکراری در بستر مدیریت ضدتوسعه و اقتصاد کارتلی



● در ادبیات اقتصادی، بخش خصوصی واقعی یعنی فعالانی مستقل از دولت و نهادهای امنیتی، دارای دسترسی برابر به بازار، شفافیت مالی، و فاقد رانت. اما آنچه امروز در ایران «بخش خصوصی» خوانده می‌شود، در واقع بخشی از ساز و کار حکومت بر عرصه‌های سیاسی-اقتصادی است و نه بخشی مستقل.

● طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۲)، بیش از ۸۵٪ شرکت‌های واگذار شده، همچنان توسط مدیران یا نهادهای حکومتی و شبه‌حکومتی اداره می‌شوند. ● در سال‌های اخیر، بازار سرمایه ایران نیز نه تنها به رشد تولید کمک نکرده، بلکه با سیاست‌زدگی، عدم شفافیت و بی‌ثباتی، باعث از بین رفتن سرمایه میلیون‌ها ایرانی شده است. ● آنچه به عنوان «حمایت از بخش خصوصی واقعی» معرفی می‌شود، در واقع ادامه همان الگوی بازتوزیع رانت و قدرت در ساختاری است که نه تنها از مبانی اقتصاد آزاد فاصله دارد، بلکه برخلاف اصول مدیریت توسعه‌گرا، به گونه‌ای طراحی شده که رقابت را خنثی، بازار را وابسته، و سرمایه اجتماعی را تحلیل ببرد.

پائولا متکی - در تیرماه ۱۴۰۴ علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد دولت چهاردهم در نشست شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی اعلام کرد که دولت قصد دارد مالکیت و مدیریت بنگاه‌های اقتصادی را به «بخش خصوصی واقعی» واگذار کند. این ادعا در نگاه اول امیدوارکننده به نظر می‌رسد، اما در بستر ساختار اقتصادی و سیاسی فعلی ایران، بیشتر به یک شعار تبلیغاتی شبیه است تا یک برنامه عملی. تحلیل پیش رو، با اتکا به اسناد رسمی و مطالعات نهادی، پنج مؤلفه اصلی ادعای واگذاری به «بخش خصوصی واقعی» را در چارچوب ساختار حکومت موجود، به صورت انتقادی بررسی می‌کند.

۱. بخش خصوصی واقعی؟ کجاست؟

در ادبیات اقتصادی، بخش خصوصی واقعی یعنی فعالانی مستقل از دولت و نهادهای امنیتی، دارای دسترسی برابر به بازار، شفافیت مالی، و فاقد رانت. اما در ایران امروز:

- بیش از ۷۰٪ واگذاری‌های اصل ۴۴ به نهادهای خصولتی، شبه‌دولتی، سپاه، بنیادها و نهادهای امنیتی واگذار شده‌اند (طبق گزارش دیوان محاسبات و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی).

- حدود ۲۵۰ شرکت بزرگ کشور در حوزه‌هایی چون پتروشیمی، فولاد، بانک و اتومبیل، مستقیماً یا از طریق شرکت‌های واسطه در اختیار نهادهای حاکمیتی قرار دارند.
- اتاق بازرگانی ایران که باید نهاد نماینده بخش خصوصی باشد، پس از سال ۱۴۰۰ به شدت تحت نفوذ نیروهای امنیتی و دولتی قرار گرفته و عملاً استقلال خود را از دست داده است.

آنچه امروز در ایران «بخش خصوصی» خوانده می‌شود، در واقع بخشی از ساز و کار حکومت بر عرصه‌های سیاسی-اقتصادی است و نه بخشی مستقل.

۲. تکرار تجربه‌های شکست‌خورده خصوصی‌سازی
واگذاری مالکیت و مدیریت شرکت‌ها، شعاری نیست که

روبروست، موضوع واگذاری بنگاه‌ها و شرکت‌ها به مردم، عملاً بی‌معناست:

- تورم نقطه‌ای تیرماه ۱۴۰۴ طبق گزارش رسمی ۵۲.۵٪ و در اقلام خوراکی تا ۹۳٪ گزارش شده است.
- خط فقر خانوار چهارنفره در تهران به حدود ۳۵ میلیون تومان رسیده؛ در حالی که حداقل حقوق رسمی ۱۰ میلیون تومان است.
- بیش از ۵۰٪ خانوارها دچار فقر انرژی هستند؛ یعنی توانایی تأمین برق، آب، گاز یا سوخت پایدار را ندارند.
- در چنین شرایطی، مردم نیاز به حمایت فوری برای تأمین حداقل معیشت دارند، نه واگذاری صوری بنگاه‌هایی که ممکن است ماه‌ها بعد تعطیل شوند.

۵. ساختار حکومت؛ ضد توسعه، ضد بازار آزاد

در نهایت، حتی اگر اراده‌ای برای اصلاح باشد، ساختار حکومت فعلی مانع اصلی توسعه اقتصادی واقعی است:

- طبق داده‌های بانک جهانی (WGI, 2024)، ایران در شاخص‌هایی چون اثربخشی دولت، شفافیت قانونگذاری و پاسخگویی در میان ۱۰٪ کشورهای انتهای جهان قرار دارد.
- در چنین فضایی، با نبود رقابت آزاد، فساد سیستماتیک، و حاکمیت امنیتی بر اقتصاد، خصوصی‌سازی نه تنها کمکی به توسعه نمی‌کند، بلکه به تعمیق بحران‌ها می‌انجامد.

در مجموع، آنچه به عنوان «حمایت از بخش خصوصی واقعی» معرفی می‌شود، در واقع ادامه همان الگوی بازتوزیع رانت و قدرت در ساختاری است که نه تنها از مبانی اقتصاد آزاد فاصله دارد، بلکه برخلاف اصول مدیریت توسعه‌گرا، به گونه‌ای طراحی شده که رقابت را خنثی، بازار را وابسته، و سرمایه اجتماعی را تحلیل ببرد. در چنین چارچوبی، هیچ واگذاری‌ای به مردم نمی‌رسد و هیچ بخش خصوصی‌ای، مستقل نمی‌ماند

برای اولین بار مطرح شده باشد. از دولت احمدی‌نژاد تا روحانی و رئیسی، همه همین وعده را داده‌اند:

- طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۲)، بیش از ۸۵٪ شرکت‌های واگذار شده، همچنان توسط مدیران یا نهادهای حکومتی و شبه‌حکومتی اداره می‌شوند.
- نمونه‌های آشنای واگذاری رانتی مانند هپکو، آذرآب، نیشکر هفت‌تپه، پالایشگاه کرمانشاه و ایران‌پرتور، به بحران‌هایی چون تعطیلی، اعتراضات کارگری، فساد مالی و سوء مدیریت منجر شدند.
- در نتیجه واگذاری در این ساختار، بجای انتقال قدرت اقتصادی به مردم، صرفاً جابجایی آن در میان حلقه‌های قدرت است.

۳. بورس؛ ابزار سیاست، نه بازار شفاف

در سال‌های اخیر، بازار سرمایه ایران نیز نه تنها به رشد تولید کمک نکرده، بلکه با سیاست‌زدگی، عدم شفافیت و بی‌ثباتی، باعث از بین رفتن سرمایه میلیون‌ها ایرانی شده است:

- از ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۳، بیش از ۶ میلیون سرمایه‌گذار خرد دچار زیان شدند؛ به دلیل دستکاری شاخص‌ها، عرضه بی‌ضابطه اوراق و مداخلات دولتی.
- طبق گزارش‌های سازمان بورس در سال ۱۴۰۳، بیش از ۴۰٪ معاملات توسط حقوقی‌های وابسته به دولت و نهادهای امنیتی انجام می‌شود.
- در نیمه اول ۱۴۰۴، خروج سرمایه حقیقی از بازار بطور میانگین روزانه بین ۵۰۰ تا ۸۰۰ میلیارد تومان بوده است.
- وعده «حمایت از بورس» بدون اصلاح ساختار مالکیت و حذف بازیگران سیاسی، بی‌اعتبار است.

۴. معیشت مردم؛ بحرانی عمیق‌تر از مالکیت

در وضعیتی که اکثریت جامعه با بحران معیشتی

*پائولا متکی کارشناس توسعه پایدار

تولید انبوه موشک‌های «پیکان» در اسرائیل؛ بیشترین موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی با «پیکان» منهدم شدند



سیستم دفاعی «آرو»/ عکس از وزارت دفاع اسرائیل

● در گزارش «جوئیش نیوز سندیکا» که ۲۴ ژوئیه ۲۰۲۵ (دوم امرداد) منتشر شده آمده است، وزارت دفاع اسرائیل اعلام کرده که قراردادی بزرگ با صنایع هوافضای اسرائیل برای تولید فوری موشک‌های «پیکان» امضاء کرده است.

● با اعلام آتش‌بس در جنگ ۱۲ روزه، تحلیلگران به بررسی درس‌های تاکتیکی این نبرد موشکی پرداخته‌اند. روزنامه «والاستریت ژورنال» در گزارشی مدعی شد که رژیم ایران تاکتیک‌های موشکی خود را در میانه جنگ تغییر داد تا سامانه دفاعی اسرائیل را دور بزند. اما دکتر اوزی روبین پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات استراتژیک بگین-سادات و بنیانگذار و مدیر سابق پروژه دفاع موشکی «آرو» می‌گوید: «گزارش والاستریت ژورنال، حتی اگر داده‌های آن درست باشد، در نتیجه‌گیری اما اشتباه می‌کند. به نظر من، تغییر الگوی شلیک رژیم ایران در طول جنگ برای کاهش نرخ نابودی پرتابگرهایشان توسط اسرائیل بود، نه برای نفوذ به سامانه دفاعی این کشور.»

پایگاه خبری «جوئیش نیوز سندیکا» (JNS) گزارش داده است که پس از جنگ ۱۲ روزه با جمهوری اسلامی ایران، اسرائیل تصمیم گرفته است موشک‌های رهگیر «پیکان» (Arrow) را که در جریان این درگیری بیشترین موشک‌های بالستیک سپاه پاسداران را با موفقیت منهدم کردند، به صورت انبوه تولید کند.

در این گزارش که ۲۴ ژوئیه ۲۰۲۵ (دوم امرداد) منتشر شده آمده است، وزارت دفاع اسرائیل اعلام کرده که قراردادی بزرگ با صنایع هوافضای اسرائیل برای تولید فوری موشک‌های «پیکان» امضاء کرده است.

سرلشکر امیر بارام از مقامات ارشد وزارت دفاع اسرائیل می‌گوید: «سامانه‌های دفاعی اسرائیل بطور کلی، و سامانه «آرو» بطور خاص، در جریان جنگ عملکرد فوق‌العاده‌ای از خود نشان دادند. رهگیری‌های متعدد این سامانه جان انسان‌های زیادی را نجات داد و خسارات اقتصادی را به شکل چشمگیری کاهش داد.»

او افزود: «تسریع در نرخ تولید آرو و سایر سامانه‌های حیاتی، بخش مرکزی از استراتژی این وزارتخانه برای افزایش ظرفیت تولید و ارتقای آمادگی عملیاتی برای ادامه جنگ و کارزارهای آبی است.»

دانیل گلد رئیس اداره پژوهش و توسعه دفاعی اسرائیل نیز می‌گوید: «تسریع در تولید موشک‌های آرو بخشی از چشم‌انداز تولید انبوه پیشرفته ما برای صنایع دفاعی است. هدف ما افزایش چشمگیر عرضه تجهیزات نظامی با کیفیت بالا-هم دفاعی و هم تهاجمی- به ارتش اسرائیل است.» او اضافه کرد: «جنگ کنونی نشان داده است که نیاز حیاتی به افزایش ظرفیت تولید وجود دارد، و فناوری‌های نوین به ما امکان می‌دهند که این هدف را بطور کارآمد تحقق بخشیم. باید برتری کیفی و کمی خود را نسبت به دشمنان حفظ کنیم.»

همزمان با افزایش تولید سامانه‌های موجود، اسرائیل در حال توسعه نسل بعدی موشک‌های رهگیر نیز هست. بر اساس آمار وزارت دفاع اسرائیل، در جریان جنگ اخیر، ۸۶ درصد از موشک‌های بالستیک که از ایران به سمت خاک اسرائیل شلیک شدند، رهگیری شدند. در ماه‌های اخیر،

سامانه «پیکان ۳» موشک‌های بالستیک را در آسمان رهگیری می‌کند، در حالی که «پیکان ۲» در لایه بالایی جو به رهگیری می‌پردازد، و این تنوع در ارتفاع، فرصت‌های متعددی برای رهگیری فراهم می‌کند.

در بیانیه وزارت دفاع اسرائیل آمده، «از آغاز جنگ، ما با حداکثر ظرفیت کار کرده‌ایم تا نیازهای امنیتی اسرائیل را در هوا، دریا، خشکی و فضا پاسخ دهیم، و در عین حال توسعه سامانه‌های جدید از جمله آرو ۴ را برای چالش‌های آینده ادامه داده‌ایم.»

اوزی روبین مدیر سابق پروژه دفاع موشکی «آرو» در این رابطه گفت: «پیکان ۴ قرار است جایگزین پیکان ۲ برای رهگیری در همان ارتفاع سابق شود، اما با سامانه‌های مدرن‌تر و قیمتی به‌مراتب پایین‌تر.»

وبسایت رسمی نیروی هوایی اسرائیل نیز اخیراً فاش کرد که سامانه دفاع هوایی «باراک» نیز در جریان جنگ فعال بوده و در نخستین روزهای عملیاتی‌اش ده‌ها تهدید موشکی و پهپادی از سوی جمهوری اسلامی را خنثی کرده است. به‌گفته مقامات نیروی هوایی کشور اسرائیل، «ماموریت اصلی سامانه باراک، خنثی‌سازی تهدیدات هوایی از جمله پهپادها و موشک‌های دوربرد با زمان واکنش بسیار کوتاه است. این سامانه اکنون بخشی از چتر دفاع هوایی و موشکی اسرائیل است و بطور قابل توجهی حس امنیت زمینی را تقویت می‌کند.»

شرکت «رافائل» در ژوئن ۲۰۲۳ از موشک رهگیر «Sky Sonic» رونمایی کرد؛ نخستین سامانه از نوع خود که برای مقابله با موشک‌های هایپرسونیک طراحی شده؛ موشک‌هایی که در لایه بالایی جو با قابلیت مانورهای پیچیده حرکت می‌کنند. طبق اعلام شرکت «رافائل»، موشک‌های «اسکای سونیک» علاوه بر قدرت مانور بی‌سابقه از سرعت بالا نیز برخوردار است که به آن امکان می‌دهد تهدیدات هایپرسونیک را که سامانه‌های دفاع هوایی کنونی برای مقابله با آن طراحی نشده‌اند، خنثی کند.

نسخه‌های ارتقاءیافته‌ای از سامانه «آرو» مورد استفاده قرار گرفتند از جمله یکی از آنها تنها یک هفته پیش از آغاز عملیات «طلوع شیران» وارد مدار استفاده شد.

همچنین به‌روزرسانی‌هایی در سامانه‌های «گنبد آهنین» و «فلاخن داوود» که تهدیدات سطح پایین‌تر را رهگیری می‌کنند، انجام شده است. وزارت دفاع اسرائیل برآورد کرده که سامانه‌های دفاع هوایی اسرائیل از وارد آمدن خسارتی تا هفت برابر آنچه واقعاً رخ داد جلوگیری کرده‌اند.

برآورد می‌شود در طول جنگ، حدود ۵۵۰ موشک بالستیک از خاک ایران علیه آن کشور شلیک شده که منجر به کشته شدن ۳۰ نفر و زخمی شدن چند صد نفر در نقاط مورد اصابت شده‌اند. این در حالیست که همزمان بیش از ۹۹ درصد از پهپادهای هدایت شده از خاک ایران نیز رهگیری و منهدم شدند.

با اعلام آتش‌بس در جنگ ۱۲ روزه، تحلیلگران به بررسی درس‌های تاکتیکی این نبرد موشکی پرداخته‌اند. روزنامه «والاستریت ژورنال» در گزارشی مدعی شد که رژیم ایران تاکتیک‌های موشکی خود را در میانه جنگ تغییر داد تا سامانه دفاعی اسرائیل را دور بزند. اما دکتر اوزی روبین پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات استراتژیک بگین-سادات و بنیانگذار و مدیر سابق پروژه دفاع موشکی «آرو»، دیدگاه متفاوتی دارد. او به JNS گفت: «گزارش والاستریت ژورنال، حتی اگر داده‌های آن درست باشد، در نتیجه‌گیری اما اشتباه می‌کند. به نظر من، تغییر الگوی شلیک رژیم ایران در طول جنگ برای کاهش نرخ نابودی پرتابگرهایشان توسط اسرائیل بود، نه برای نفوذ به سامانه دفاعی این کشور.»

روبین همچنین نرخ اعلام‌شده ۸۶ درصدی رهگیری را معتبر دانست و گفت: «این میزان به نظر من منطقی است، با این توضیح که منظور، ۸۶ درصد از کل موشک‌های شلیک‌شده نیست، بلکه ۸۶ درصد از موشک‌هایی است که رهگیری شده و مورد هدف قرار گرفتند. در زمان من، نیاز عملیاتی برای سامانه پیکان ۲ برابر با ۸۰ درصد بود.»

رهبری در آینه مسئولیت و واقعیت: شاهزاده رضا پهلوی و اپوزیسیون



پهلوی انجام داده باشند و یا به تحولات ذهنی و سیاسی شخص رضا پهلوی در چهار دهه اخیر توجه شود.

هراس از کاریزما و تمرکز رهبری

در فضای اپوزیسیون ایران، نوعی وسواس جمعی نسبت به تمرکز قدرت یا کاریزمای شخصی وجود دارد. تجربه جمهوری اسلامی، بسیاری از کنشگران سیاسی را نسبت به هر شکل از رهبری متمرکز یا فردمحور بدبین کرده است. این بدبینی، هرچند ریشه در تجربه تلخ انقلاب دارد، اما گاه به موانعی غیرعقلانی در برابر شکل‌گیری رهبری مؤثر تبدیل می‌شود.

رقابت‌ها و منافع گروهی

اپوزیسیون ایران صحنه‌ای آشفته و شلوغ از گروه‌ها و شخصیت‌های گوناگون است که هر یک روایتی متفاوت از راه برون‌رفت از وضعیت موجود دارند. در این فضا، ظهور یک چهره با مقبولیت عمومی، نظیر رضا پهلوی، می‌تواند برخی از جریان‌ها را نگران کند؛ نگران از دست رفتن جایگاه گفتمانی، وزن سیاسی یا منافع گروهی و یا ایدیولوژیک آنها.

تأثیرات رسانه‌ای و عملیات روانی جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی طی دهه‌ها، تلاش هدفمندی برای تخریب چهره خاندان پهلوی در ذهن نسل‌های پس از انقلاب انجام داده است. این مهندسی ذهنیت، در کنار ضعف جریان‌های مستقل در معرفی روایت‌های جایگزین، موجب شده بخشی از کنشگران حتی بدون دلیل منطقی و مشخصی، با ذهنیتی منفی به رضا پهلوی بنگرند.

مسئله نپذیرفته‌شدن، مسئله‌ای سیاسی است نه اخلاقی. رضا پهلوی در مسیر بازتعریف نقش رهبری در ایران، نه با کمبود ویژگی شخصی، بلکه با واقعیتی سیاسی-اجتماعی مواجه است که ترکیبی از تاریخ، روانشناسی جمعی،

کند و زندگی شخصی خود را دنبال کند. اما او مسئولانه انتخاب کرد که بجای عافیت‌طلبی، با تعهدی تاریخی و اخلاقی، نقش خویش را در کمک به بازسازی ایران ایفا کند.

الگوی نو برای رهبری ملی

شاهزاده رضا پهلوی در مقام یک شخصیت سیاسی که نه در پی قدرت شخصی بلکه در پی نجات یک ملت است، مدلی متفاوت از رهبری در فضای سیاسی ایران امروز ارائه داده است. او نه ناجی است، نه پیشوا، بلکه یک رهبر ملی با روحیه‌ای مسئول، خط مشی روشن، و صداقتی کم‌نظیر در فضای سیاست‌زده ایران است.

چرا با وجود همه ویژگی‌های رهبری، رضا پهلوی از سوی همه اپوزیسیون پذیرفته نمی‌شود؟

با همه آنچه پیشتر گفته شد، از مسئولیت‌پذیری کم‌نظیر تا ریسک‌پذیری سیاسی، از مرزبندی صریح تا وفاداری بلندمدت به مردم، این پرسش همچنان باقیست: چرا شاهزاده رضا پهلوی، با وجود این سرمایه‌های نمادین و عملی، هنوز از سوی همه نیروهای سیاسی (حتی برخی از دلسوزان صادق وطن) به عنوان رهبر دوران گذار پذیرفته نمی‌شود؟

پاسخ به این پرسش، درک عمیق‌تری از وضعیت روانی، سیاسی و تاریخی جامعه سیاسی ایرانی می‌طلبد. در اینجا می‌توان چند عامل کلیدی را بازشناسی کرد:

زخم‌های تاریخی و میراث انقلاب

بخشی از مخالفت‌ها با رضا پهلوی نه برخاسته از ارزیابی عملکرد امروز او، بلکه محصول گره‌های حل‌نشده تاریخی است. برای برخی از نسل انقلابیون و روشنفکران چپ‌گرا، «پهلوی» همچنان یادآور یک دوره اقتدارگرایانه است، بی‌آنکه بازنگری واقع‌بینانه‌ای نسبت به کارنامه حکومت

امیر دها - در تاریخ پر فراز و نشیب ایران، مسئله رهبری همواره موضوعی مناقشه‌برانگیز و سرنوشت‌ساز بوده است. در دوره‌ای که جامعه ایران گرفتار استبداد دینی، بحران‌های اجتماعی و فروپاشی سرمایه اعتماد عمومی است، بار دیگر نگاه‌ها به سوی پرسشی بنیادین دوخته شده: چه کسی می‌تواند رهبری دوران گذار را بر عهده گیرد؟ پاسخ به این پرسش صرفاً در قالب شعار و محبوبیت خلاصه نمی‌شود، بلکه مستلزم بررسی دقیق ویژگی‌های یک رهبر سیاسی در تراز ملی است. در میان نیروهای مخالف جمهوری اسلامی، چه در داخل و چه در خارج کشور، تنها شخصیتی که به دور از هر گونه منزه‌طلبی و یا محافظه‌کاری، با پذیرفتن همه انگ‌ها و خدنگ‌ها، پا به میدان گذاشته، و به وظیفه ملی و تاریخی خود برخاسته، شاهزاده رضا پهلوی است؛ شخصیتی که با رفتار سیاسی متفاوت خود، شایسته تأمل جدی است.

برخلاف بسیاری از کنشگران سیاسی که یا به خاطر ترس از «انگ قدرت‌طلبی»، خود را از معادلات سیاسی کنار می‌کشند یا منزه‌طلبانه در موضع منتقد صرف باقی می‌مانند، رضا پهلوی از همان ابتدا مسیر دشوار اما صادقانه‌ای را برگزیده است. او در طول بیش از چهار دهه، با همه فشارهای سیاسی، رسانه‌ای و شخصی، نه تنها از مسئولیت‌پذیری در برابر سرنوشت ایران شانه خالی نکرده، بلکه بارها اعلام کرده که هدفش نه بازگشت سلطنت، بلکه استقرار یک نظام مردم‌سالار سکولار بر اساس اراده ملت است.

ریسک‌پذیری در مسیر نجات ملی

ویژگی مهم دیگر رضا پهلوی، ریسک‌پذیری سیاسی اوست. او در شرایطی که بسیاری از چهره‌های سیاسی از اتخاذ مواضع صریح می‌گریزند، نه تنها مسئولیت رهبری دوران گذار را پذیرفته، بلکه با جسارت، از صلح کوروش و برقراری روابط دیپلماتیک آینده ایران با اسرائیل سخن گفته است. چنین موضعی در یک فضای پر از شعار، نیازمند شهامت است؛ شهامتی که کمتر سیاستمداری در صحنه امروز ایران دارد.

مرزبندی با گذشته، همگرایی با آینده

رضا پهلوی همواره تأکید کرده که از همکاری با همه نخله‌های سیاسی که خواهان یک ایران آزاد، سکولار و یکپارچه هستند، استقبال می‌کند. اما در عین حال، از مرزبندی با کسانی که در بقای نظام جمهوری اسلامی شریک بوده‌اند یا به نوعی برادارمه وضع موجود اصرار می‌ورزند، نیز ابایی ندارد. او به روشنی می‌گوید که گفتگو و همکاری باید بر اساس اصول مشخصی چون گذار از جمهوری اسلامی، تمامیت ارضی، جدایی دین از حکومت، و التزام به آراء مردم باشد.

وفاداری بلندمدت به ایران، نه واکنش کوتاه‌مدت به تاریخ

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شاهزاده رضا پهلوی، وفاداری‌اش به مردم ایران در طول زمان است. او می‌توانست، مانند بسیاری دیگر از چهره‌های تاریخی، پس از فروپاشی حکومت پدرش، از صحنه سیاست کناره‌گیری

رفراندوم قانون اساسی در حکومت اسلامی؟! درخواستی که امکان انجام ندارد!

ایران با توسل به باستانشناسی خرابه‌های تخت جمشید از خاک بیرون کشیده می‌شد و تاریخی ساخته می‌شد تا ملت ما اجباراً به آن تاریخ افتخار کند، در حالی که آن تاریخ کاملاً بیگانه‌ای از اسلام بود، تاریخ پیش از اسلام و ارزش‌های آن هزاران سال بود که مرده بود و به این ترتیب دوباره احیا گشت. هنرمندان ایرانی از هنرها و ادبیات ایران صحبت می‌کردند لکن در تمام مجموعه‌های کارهایشان یک کلمه‌ای از داستان کربلا نبود.

همان روز، میرحسین موسوی در مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان گفت: «... من به عنوان یک فرد و شهروند جمهوری اسلامی عقیده دارم که دانشگاه محل یک متخصص نیست، محل یک فرد مکتبی است که در ضمن تخصص را هم در آنجا فرا می‌گیرد. آنچیزی که در جامعه، مخصوصاً رسانه‌ها باید مواظب باشند این است که ما مسئله مکتبی بودن دانشگاه را نمی‌توانیم فدای هیچ چیز دیگری بکنیم. ما نمی‌توانستیم ارزش‌های غربی را به خاطر اینکه نیروهای متخصص کم داریم، یا اصلاً نداریم، در دانشگاه‌ها احیاء بکنیم. الان برای برنامه پنجم حدود ۲۶۰۰۰ نفر نیروی انسانی کم داریم. برای دولت بطور طبیعی این سوال مطرح است که چکار کنیم این نیروی انسانی را از دانشگاه بگیریم. ولی از دانشگاهی که در خط مکتب باشد.»

این اظهار نظر میرحسین موسوی در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی ۱۹ مهر ۲۵۴۳ (۱۳۶۳ هجری) نیز شاید به شناخت وسعت دید سیاسی و مدیریتی او کمک کند: «... سر و صدایی که درباره توزیع بد هندوانه به راه افتاده ناشی از انگیزه‌های سیاسی است. تقارن برپایی این مسائل با توطئه‌های وسیع ابرقدرت‌ها و ایادی آنان در خلیج فارس بسیار جالب توجه است.»

همسرش، زهره کاظمی، با نام تشکیلاتی زهرا رهنورد، هم دست کمی از همسر انقلابی‌اش ندارد. او درباره دلیل تغییر نامش در ۱۸ خرداد ۲۵۶۸ (۱۳۸۸ هجری) یعنی سی سال پس از وقوع انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، به وبسایت خبری «عصر ایران» گفت: «من پیش از ورود به مسائل مذهبی، تمام حس‌های مبارزاتی را تجربه کرده‌ام اما پس از انتخاب راه مذهب و لباس مذهبی نام خود را از زهره به زهرا و نام خانوادگی‌ام را از کاظمی به رهنورد که به معنای رهنورد در مسیر اسلام، قرآن و پیروزی اسلام بود، تغییر دادم.»

زهرا رهنورد در مرداد ۲۵۴۳ (۱۳۶۳ هجری) در دیدار با گروهی از بانوان عرب، گفته بود: «... ابرقدرت‌ها می‌دانند که حجاب اساس حکومت اسلام است، و برای تصرف خلیج فارس و غارت منابع نفتی آن نخست باید حجاب را از میان ببرند.»

برای شناخت میرحسین موسوی و همسرش از این نمونه‌ها بسیار می‌توان آورد. شاه‌نیت آن شاید همان شعاری باشد که در جریان مبارزات انتخاباتی سال ۲۵۶۸ (۱۳۸۸ هجری) مطرح کرد: «بازگشت به دوران طلایی امام». ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، مدیریتی و حقوق بشری «دوران طلایی امام» در ایران از هر توضیحی بی‌نیاز است.

اجازه بدهید همه گذشته‌ها و کند و کاو در

● برای تازه کردن حافظه امضاکندگان بیانیه، میرحسین موسوی همان کسی‌ست که در مقاله‌ای با عنوان «هنر و ناسیونالیسم» در ۲۶ شهریور ۲۵۴۱ (۱۳۶۱ هجری) در روزنامه جمهوری اسلامی نوشت: «... برگزاری هزاره فردوسی در سال ۱۳۱۳ و پیراستن زبان فارسی از کلمات عربی که بر اساس ناسیونالیسم صورت می‌گرفت توطئه‌ای از سوی غربی‌ها برای نابودی اسلام بود.»

● در بیانیه‌ای که به مناسبت جنگ ۱۲ روزه جمهوری اسلامی با اسرائیل منتشر کرد، پس از تکرار ادعاهای پوچ خامنه‌ای درمورد همبستگی مردم با رژیم، درخواست «برگزاری رفراندوم برای تأسیس مجلس موسسان قانون اساسی» را برای چندمین بار تکرار کرده است.

● تنها انگیزه موسوی برای صدور بیانیه، محکوم کردن «جنایات اخیر آمریکا و اسرائیل»، تکرار ادعای خامنه‌ای درمورد همبستگی مردم با رژیم و تسلیت به خانواده‌های داغدار و آسیب‌دیده است؛ بی‌آنکه هیچ اشاره‌ای به سیاست‌های جنگ‌افروزان علی خامنه‌ای شده باشد.

● امضاکندگان بیانیه پشتیبانی از میرحسین موسوی نیز عمدتاً از دو گروه هستند: اصلاح‌طلبان حکومتی و کمونیست‌های پیشین، که در رودربایستی گیر کرده و اکنون خود را «سوسیال دموکرات» معرفی می‌کنند. آنها از حکومت اسلامی انتقادهایی دارند و خواستار اصلاح برخی از نادرستی‌ها هستند ولی هیچیک از این دو گروه سرنگونی حکومت اسلامی را نمی‌خواهند. پهلوی‌ستیزی فصل مشترک همه آنهاست.

آرمان مستوفی - در آن نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، وقتی ماهیت حکومت آیت‌الله روح‌الله خمینی در عمل آشکار شد، هواداران به اصطلاح «روشنفکر» آیت‌الله، از حقوق‌دان و استاد دانشگاه گرفته تا نویسندگان و روزنامه‌نگار، در برابر این پرسش قرار گرفتند که مگر شما نوشته‌های خمینی، به ویژه کتاب‌های «کشف الاسرار» و «ولایت فقیه» را نخوانده بودید؟ خمینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی همان کاری را می‌کند که از سال‌ها پیش درباره‌اش گفته و نوشته بود. اگر نخوانده بودید و خمینی را نمی‌شناختید و آنگونه زیر علم وی سینه زدید، پس گناه از خودتان است. و اگر خوانده بودید و می‌دانستید که اگر خمینی، و آخوندها بطور کلی، به قدرت برسند چه خواهند کرد، پس شکایت و آه و ناله امروزتان از چیست؟

همین پرسش امروز در برابر کسانی قرار دارد که بیانیه پشتیبانی از بیانیه اخیر میرحسین موسوی را امضاء کرده‌اند؛ هرچند امروز موسوی در جایگاه خمینی سال ۲۵۳۷ ایرانی (۱۳۵۷ هجری) نیست و، چنانکه توضیح داده خواهد شد، امکانی برای پیروزی او بر علی خامنه‌ای وجود ندارد.

برای تازه کردن حافظه امضاکندگان بیانیه، میرحسین موسوی همان کسی‌ست که در مقاله‌ای با عنوان «هنر و ناسیونالیسم» در ۲۶ شهریور ۲۵۴۱ (۱۳۶۱ هجری) در روزنامه جمهوری اسلامی نوشت: «... برگزاری هزاره فردوسی در سال ۱۳۱۳ و پیراستن زبان فارسی از کلمات عربی که بر اساس ناسیونالیسم صورت می‌گرفت توطئه‌ای از سوی غربی‌ها برای نابودی اسلام بود. همان موقعی که در

➔ منافع گروهی و عملیات تخریبی نظام جمهوری اسلامی ست. نپذیرفته‌شدن کامل او از سوی همه نیروها، به معنای ضعف در رهبری نیست، بلکه نشان از عمق بحران در فرهنگ سیاسی ایران دارد.

اما اکنون دیگر این تنها یک بحث نظری یا اختلاف سلیقه سیاسی صرف نیست؛ بلکه به گرهی و شاید مانعی در مسیر نجات ایران بدل شده است. در چنین لحظه‌ای از تاریخ، هم خود شاهزاده رضا پهلوی و هم منتقدان و مخالفان او، مسئولیتی خطیر در برابر مردم، سرنوشت ایران و آینده فرزندان این سرزمین دارند.

راه چاره چیست؟ مسئولیت دوگانه شاهزاده رضا پهلوی و مخالفان او

با وجود عملکرد مسئولانه و صداقت‌محور شاهزاده رضا پهلوی در چهار دهه گذشته، وی همچنان می‌تواند برای تقویت اعتماد عمومی و جذب طیف‌های بیشتری از جامعه و اپوزیسیون، اقدامات عملی بیشتری انجام دهد. از جمله: ایجاد یک ساختار مشورتی گسترده متشکل از شخصیت‌های معتبر سیاسی، مدنی و دانشگاهی از طیف‌های مختلف فکری، برای شکل دادن به یک جبهه وحدت ملی.

• ارائه نقشه راه عملیاتی برای دوران گذار، با جزئیات نهادی، حقوقی و سیاسی.

• افزایش گفتگوهای عمومی با منتقدان دلسوز و حتی مخالفان معتدل، با هدف کاهش سوء تفاهم‌ها و کاستن از جو بی‌اعتمادی.

• فراخوان به گفتگوی ملی، با تمرکز بر اصول مشترک: تمامیت ارضی، سکولاریسم، دموکراسی، و عدالت انتقالی.

این گام‌ها می‌تواند به تدریج ذهنیت‌های سخت را نرم کند و نشان دهد که رضا پهلوی نه تنها گزینه‌ای یگانه برای رهبری دوران گذار، بلکه آماده شراکت در یک حرکت ملی است.

مسئولیت مخالفان: از انکار فرد به پذیرش منافع جمعی
در نقطه مقابل، منتقدان و مخالفان رضا پهلوی به‌ویژه آنان که صادقانه به آزادی ایران باور دارند با یک دو راهی جدی روبرو هستند: یا باید همچنان بر کینه‌های تاریخی و مخالفت‌های هویتی پافشاری کنند، یا به سوی راه حلی مبتنی بر منافع ملی و عقلانیت سیاسی گام بردارند.
• بازنگری شجاعانه در مواضع گذشته، با تمایز میان نقد واقع‌بینانه گذشته‌ها و بررسی منصفانه عملکرد و مرام سیاسی رضا پهلوی.

• پذیرش این واقعیت که ایران بیش از هر چیز نیازمند وحدت در اصول بنیادین است، نه توافق بر سر شخصیت‌ها یا گذشته‌ها.

• استفاده از فضای مشارکت پیشنهادی رضا پهلوی (همکاری ملی) بجای ایستادن عافیت‌طلبانه در حاشیه یا تکرار کلیشه‌های فرسوده.

جمع‌بندی نهایی: اگر ایران برای ما مهم است

هیچ فرد یا گروهی به تنهایی نمی‌تواند ایران را نجات دهد. اما گاه تاریخ، یک چهره را به عنوان کاتالیزور همبستگی ملی فرا می‌خواند. این وظیفه تاریخی، امروز به دلایلی که اشاره شد بر دوش شاهزاده رضا پهلوی گذاشته شده، نه فقط به خاطر اینکه او سرمایه ملی ست، بلکه به دلیل باورها، عملکرد، و مسئولیت‌پذیری شخصی‌اش نیز.

اگر نجات ایران واقعاً هدف مشترک ماست، زمان آن رسیده که از هر سو گام‌های اعتماد‌آفرین برداشته شود، فرصت‌های تاریخی کوتاه و زودگذر هستند و ایران در آتش!

→ شخصیت انقلابی اسلامی میرحسین موسوی را به کنار بگذاریم و حتی ادعای او درباره بی‌خبری از قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۲۵۴۷ (۱۳۶۷ هجری) را هم باور کنیم و به زمان حال بپردازیم.

امسال ۱۵ سال است که موسوی، به سبب اعتراض به تقلب در انتخابات سال ۲۵۶۸ (۱۳۸۸ هجری) در زندان خانگی (حصر) بسر می‌برد. ولی او تظاهرات میلیونی ایرانی‌ها، و به ویژه مردم تهران، را نمی‌تواند به حساب محبوبیت خود بگذارد. در آن سال، مردم بیشتر برای ابراز نفرت از علی خامنه‌ای و نظام به خیابان آمده بودند تا برای نشان دادن محبوبیت میرحسین موسوی. به گفته خود آخوندها، آن تظاهرات نه لُجَب میرحسین، بَل لُجُض خامنه‌ای بود.

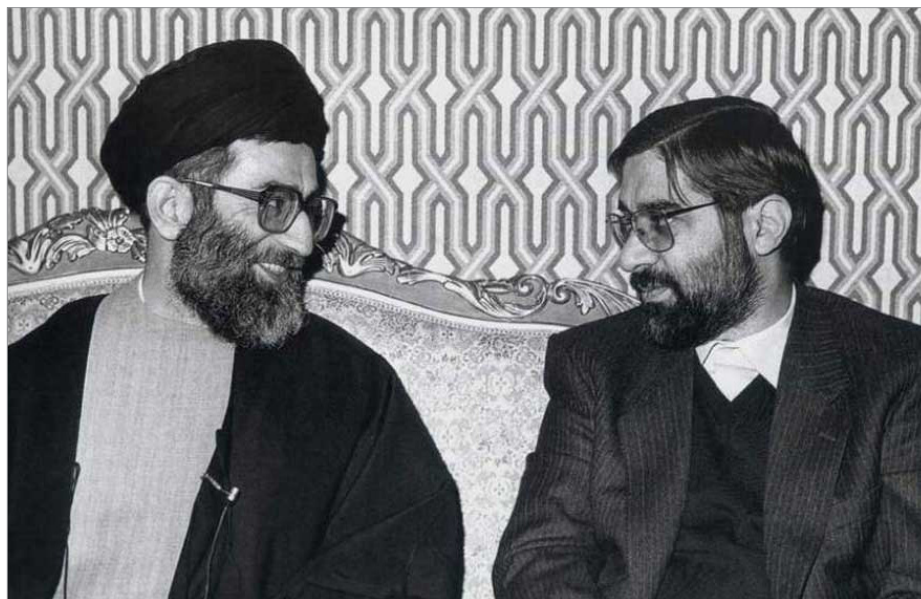
اخیرا موسوی در بیانیه‌ای که به مناسبت جنگ ۱۲ روزه‌ی جمهوری اسلامی با اسرائیل منتشر کرد، پس از تکرار ادعاهای پوچ خامنه‌ای درمورد همبستگی مردم با رژیم، درخواست «برگزاری رفراندوم برای تاسیس مجلس موسسان قانون اساسی» را برای چندمین بار تکرار کرده است. نمی‌توان باور کرد که میرحسین موسوی قانون اساسی رژیمی را که نخست وزیرش بوده نخوانده، یا نفهمیده، باشد. او برگزاری رفراندوم را از چه شخص یا مقامی درخواست کرده است؟ تا زمانی که این رژیم بر سر کار باشد، به موجب بند ۳ اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی، «رهبر»، یعنی علی خامنه‌ای، تنها مقامی‌ست که صلاحیت دارد فرمان برگزاری همه‌پرسی را صادر کند. حتی اگر برپایه اصل ۵۹ قانون اساسی دوسوم نمایندگان مجلس شورای اسلامی هم خواستار برگزاری همه پرسی باشند، فقط می‌توانند «درخواست» مراجعه به آراء عمومی را تصویب کنند؛ درخواستی که برای اجرا، باید به تأیید رهبر برسد. به این ترتیب، تا زمانی که این رژیم بر سر کار است، برگزاری رفراندوم مورد نظر میرحسین موسوی فقط با فرمان علی خامنه‌ای میسر است، و لاغیر. تنها انگیزه موسوی برای صدور بیانیه، محکوم کردن «جنایات اخیر آمریکا و اسرائیل»، تکرار ادعای خامنه‌ای درمورد همبستگی مردم با رژیم و تسلیت به خانواده‌های داغدار و آسیب‌دیده است؛ بی‌آنکه هیچ اشاره‌ای به سیاست‌های جنگ‌افروزان علی خامنه‌ای شده باشد. در چنین شرایطی، تکرار درخواست برگزاری رفراندوم فقط برای خالی نبودن عریضه است و نه چیزی بیش از آن؛ زیرا موسوی بهتر از هرکس می‌داند که خامنه‌ای هرگز با چنین درخواستی موافقت نخواهد کرد.

کسانی که برای ابراز پشتیبانی از بیانیه میرحسین موسوی امضاء گردآوری و منتشر کردند نیز آیا نمی‌دانند که تا این رژیم بر سر کار باشد، برگزاری رفراندوم فقط در اختیار علی خامنه‌ایست؟ اگر هم این رژیم بraftند یا فرو پاشد، که دیگر برگزاری رفراندوم برای تغییر قانون اساسی موضوعیت نخواهد داشت زیرا قانون اساسی حکومت اسلامی خود به خود ملغی می‌شود و انتخابات جرگه بنیادگذار (مجلس مؤسسان) برای تدوین قانون اساسی رژیم بعدی برگزار خواهد شد. حال مانند که در میان این امضاها، نام نعمت احمدی دوبار (نعمت و نعمت‌الله) تکرار شده در حالی که نعمت احمدی نزدیک به دو سال پیش درگذشته است. یا مهدی مظفری استاد دانشگاه در داهمارک که اعلام کرد اصلاً چنین بیانیه‌ای را امضاء نکرده و آن را تأیید هم نمی‌کند.

با نگاهی به دیگر نام‌ها در فهرست امضاکنندگان بیانیه پشتیبانی از میرحسین موسوی درمی‌یابیم که آنها عمدتاً از دو گروه هستند: اصلاح‌طلبان حکومتی و کمونیست‌های پیشین، که در رودربایستی گیر کرده و اکنون خود را

«سوسیال دموکرات» معرفی می‌کنند. آنها از حکومت اسلامی انتقادهایی دارند و خواستار اصلاح برخی از نادرستی‌ها هستند ولی هیچیک از این دو گروه سرنگونی حکومت اسلامی را نمی‌خواهند. پهلوی‌ستیزی فصل مشترک همه آنهاست.

در میان آنان، نام استادان دانشگاه، پژوهشگران،



علی خامنه‌ای رئیس‌جمهور و میرحسین موسوی نخست وزیر وقت در دهه شصت خورشیدی

و ارتش اسرائیل حساب مردم ایران را از حساب حکومت اسلامی جدا کنند و سعی کنند حملاتشان را بسیار هدفمند و با کمترین میزان تلفات مردم عادی انجام دهند. اگر تهران بیروت نشد، به لطف روابط دوستانه شاهزاده رضا پهلوی با زمامداران اسرائیل بود وگرنه آنها عاشق چشم و ابروی هیچکس نیستند و فقط به تأمین امنیت کشور و ملت خود می‌اندیشند.

از سودمندی‌های ناراسته جنگ ۱۲ روز حکومت اسلامی و اسرائیل یکی این است که هواداران پنهان حکومت اسلامی، از قبیل تلویزیون‌دار لس آنجلسی، فعال پیشین دانشجویی یا کارمند اندیشکده واشنگتنی ناگزیر شدند نقاب از چهره بیفکنند و آشکارا در کنار اصلاح‌طلبان و حکومت قرار گیرند و اکنون با گرد آوردن امضاء برای پشتیبانی از بیانیه‌ای که، به معنای ریاضی کلمه، هیچ بختی برای عملی شدن ندارد، از علی خامنه‌ای بخواهند برای برکناری خودش رفراندوم برگزار کنند.

آشکار شدن نهاد و سرشت این هواداران، هرچند منتقد حکومت اسلامی، فرصت تازه‌ای در برابر اپوزیسیون قرار می‌دهد تا مبارزه برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی را سازمانیافته‌تر و با انگیزه بیشتر به رهبری شاهزاده رضا پهلوی به سرانجام برسانند و میهن را از چنگ دشمنان اشغالگر رها سازند. آندسته از امضاکنندگان بیانیه که پاکدلانه و به راستی خواهان تشکیل مجلس مؤسسان برای تدوین قانون اساسی تازه‌ای برای ایران هستند، بهتر است بجای انجام کارهای بیپوده، مانند امضای بیانیه‌هایی از این دست، به انقلاب ملی ایران به رهبری شاهزاده رضا پهلوی بپیوندند و واقعا برای آزادی میهن و «نجات ایران» بکوشند.

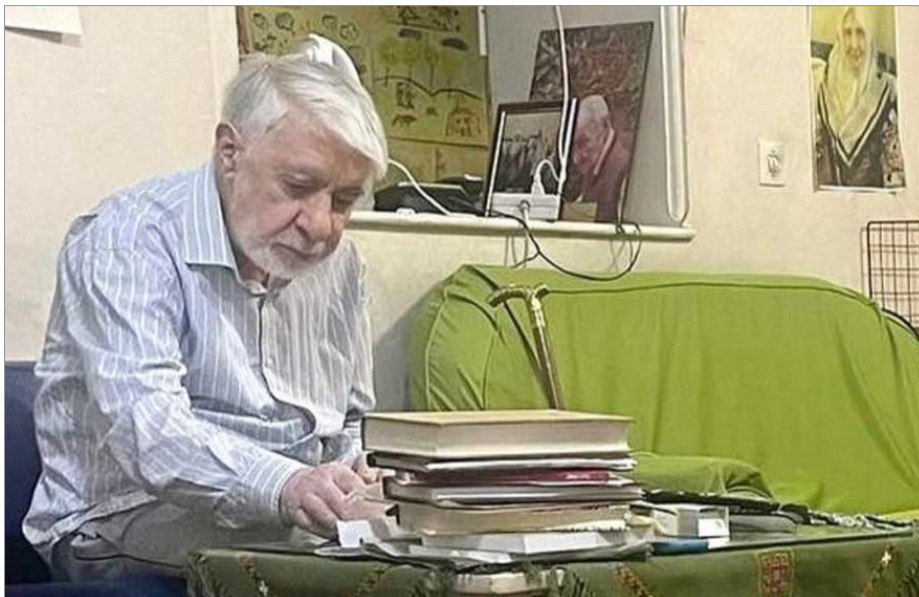
*آرمان مستوفی تحلیلگر سیاسی و عضو جمعیت جمهوریخواهان حامی شاهزاده رضا پهلوی

روزنامه‌نگاران و نویسندگان نیز دیده می‌شود. آنها نمی‌توانند ندانند که تا وقتی این رژیم وجود داشته باشد، فقط علی خامنه‌ای (ولی فقیه) می‌تواند درباره برگزاری رفراندوم تصمیم بگیرد و نه هیچ مقام دیگری. و خامنه‌ای، و حتی جانشین او، هرگز فرمان برگزاری رفراندومی را صادر نمی‌کنند که نتیجه آن، برکناری، محاکمه و مجازات خود آنهاست. تنها انگیزه این «فرهیختگان» برای امضای چنین درخواستی می‌تواند تلاش برای ایجاد وزنه تعادلی در برابر اپوزیسیون ملی و دموکراسی‌خواه باشد.

اپوزیسیون (مخالفان واقعی حکومت اسلامی)، متشکل از جمهوریخواهان ملی و هواداران پادشاهی، که حکومت اسلامی را در کلیت آن نفی می‌کند و به حفظ یکپارچگی ایران (تمامیت ارضی) پایبند است و برای جایگزینی حکومت اسلامی با رژیمی دموکراتیک، بر پایه جدایی دین از دولت و رعایت حقوق بشر، مبارزه می‌کند، امروزه متحد و متشکل شده و رهبری شاهزاده رضا پهلوی را، در این مرحله از مبارزه و برای مدیریت دوران گذار، تا تشکیل جرگه بنیادگذار (مجلس مؤسسان) و تصویب و اجرای قانون اساسی آینده، پذیرفته است. و این دقیقاً همان سناریویی است که «هواداران دستاوردهای انقلاب شکوهمند» را می‌ترساند.

از این روست که در هفته‌های گذشته به کارزار تبلیغات علیه اپوزیسیون و مشخصاً شاهزاده رضا پهلوی شدت داده‌اند. آنها، از جمله، رضا پهلوی را متهم می‌کنند که اسرائیل را به حمله به ایران برانگیخته است. این تهمت را فقط کسانی باور می‌کنند که آن را خوش دارند و دوست دارند باور و بازگو کنند وگرنه کسانی که خبرها را اندکی پیگیری کرده باشند نیک می‌دانند که اولاً جنگ با اسرائیل را حکومت اسلامی ایران از ۴۵ سال پیش آغاز کرد. ثانیاً برنامه عملیاتی اسرائیل برای حمله به تأسیسات اتمی و موشکی حکومت اسلامی از سال‌ها پیش تهیه و تمرین شده است.

حمایت «مسعود رجوی» از میرحسین موسوی با حمله به شاهزاده رضا پهلوی



میرحسین موسوی نخست وزیر دولت جمهوری اسلامی در دوران روح‌الله خمینی

در پایان این بیانیه تأکید شده است: «همانند ۱۶ سال گذشته، بر حقوق موسوی در برابر ظلم و ستم خامنه‌ای پافشاری می‌کنم و خواهان تأمین امنیت او و همسرش در برابر تهدیدات ولی‌فقیه، و آزادی آنها از حصر خانگی طولانی‌مدت هستم.»

در حالی که بیش از یک دهه است گفته می‌شود مسعود رجوی مُرده و در هیچ محیط عمومی دیده نشده، سازمان مجاهدین همچنان به نام او بیانیه صادر می‌کند.

وحدت خامنه‌ای در درون رژیم وارد کرده، قابل کتمان نیست و نباید نادیده گرفته شود.»

در بخش دیگری از بیانیه، انتقادات تند علیه شاهزاده رضا پهلوی مطرح شده است. در این قسمت آمده: «همانگونه که خدمات فرزند شاه به رژیم، به‌ویژه نقش او در تفرقه‌افکنی از طریق ترویج شاه‌پرستی و وابسته- به نفع خامنه‌ای، سپاه پاسداران و نیروهای امنیتی و اطلاعاتی تمام شده، این واقعیت قابل انکار نیست.»

● وبسایت سازمان مجاهدین خلق روز دوشنبه ۳۰ تیرماه ۱۴۰۴، در بیانیه‌ای به امضای مسعود رجوی، با حمایت از میرحسین موسوی نخست‌وزیر دولت علی خامنه‌ای در زمان ریاست جمهوری در دوران خمینی و دهه شصت، اعلام کرد، «لگد زدن و نیش‌زدن به موسوی در این شرایط مشخص و در این مورد خاص، به سود خامنه‌ای است.»

● در این بیانیه با اشاره به درخواست موسوی برای «برگزاری رفراندوم به‌منظور تأسیس مجلس مؤسسان قانون اساسی» آمده است: «ضربه‌ای که پیام موسوی به بساط ادعایی وحدت خامنه‌ای در درون رژیم وارد کرده، قابل کتمان نیست و نباید نادیده گرفته شود.»

● در بخش دیگری از بیانیه، انتقادات تند علیه شاهزاده رضا پهلوی مطرح شده است. در این قسمت آمده: «همانگونه که خدمات فرزند شاه به رژیم، به‌ویژه نقش او در تفرقه‌افکنی از طریق ترویج شاه‌پرستی ارتجاعی و وابسته- به نفع خامنه‌ای، سپاه پاسداران و نیروهای امنیتی و اطلاعاتی تمام شده، این واقعیت قابل انکار نیست.»

وبسایت سازمان مجاهدین خلق روز دوشنبه ۳۰ تیرماه ۱۴۰۴، در بیانیه‌ای به امضای مسعود رجوی، با حمایت از میرحسین موسوی نخست‌وزیر دولت علی خامنه‌ای در زمان ریاست جمهوری در دوران خمینی و دهه شصت، اعلام کرد، «لگد زدن و نیش‌زدن به موسوی در این شرایط مشخص و در این مورد خاص، به سود خامنه‌ای است.»

در این بیانیه با اشاره به درخواست موسوی برای «برگزاری رفراندوم به‌منظور تأسیس مجلس مؤسسان قانون اساسی» آمده است: «ضربه‌ای که پیام موسوی به بساط ادعایی

آخرین مهلت اروپا به جمهوری اسلامی



جمعه آینده قرار است نمایندگان سه کشور اروپائی فرانسه، آلمان و بریتانیا طی نشست با فرستادگان جمهوری اسلامی در استانبول به بررسی پرونده اتمی تهران بپردازند. این سه کشور عضو توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ میلادی تهدید کرده‌اند که در صورت ادامه غنی‌سازی اورانیوم و عدم پایبندی جمهوری اسلامی به تعهدات برجامی، از حق خود برای فعال سازی «مکانیسم ماشه» در شورای امنیت سازمان ملل متحد استفاده خواهد کرد. با فعال شدن «مکانیسم ماشه» کلیه تحریم‌های بین‌المللی که پس از امضای توافق هسته‌ای تعلیق شده بودند، به صورت خودکار باز خواهند گشت. این نشست آخرین فرصت جمهوری اسلامی برای جلوگیری از فعال شدن «مکانیسم ماشه» است.

احمد رأفت با مجید گلپور مشاور مشاوران اروپائی در رابطه با اهداف این نشست گفتگو کرده است.

از «ترس و لرز» تا «خوشه‌های خشم»؛ و اکنون: کارزار امید...



تظاهرات ایرانیان در ژنو همزمان با سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی در هفدهمین اجلاس ژنو برای حقوق بشر و دموکراسی/ سه‌شنبه ۱۷ فوریه ۲۰۲۵/ ۳۰ بهمن ۱۴۰۳

که انقلاب را تحلیل می‌کنند، اما در آن شرکت نمی‌جویند. اندیشمندانی که در خلوت روشنفکرانه، فاجعه را تماشا می‌کنند. مخالفانی که چهل سال است بیش از آنکه راه بیابند، شک می‌کنند. و این حقیقتی است که فرهنگ ترس، فرهنگ بی‌عملی است.

این فرهنگ، هرچند گاه به نام تعقل، گاه به نام اخلاق، و گاه با نقاب «بی‌طرفی»، لباس مشروعیت بر تن می‌کند، اما در نهایت به همانجایی می‌رسد که کی‌یر کگور خود را دید: تنهایی باشکوه، اما بی‌ثمر.

اشتاین‌یک و قدرت اراده جمعی

در سوی دیگر، جان اشتاین‌یک نویسنده بزرگ آمریکایی در رمان جاودانه خود به نام «خوشه‌های خشم»، داستانی را به روایت می‌نشیند که نه تنها درباره یک خانواده مهاجر، بلکه روایتی از هزاران خانواده محروم است. خانواده «جاد» که خانه و کار و امید خود را در دوران رکود بزرگ از دست داده، نماد مردمی است که با فقر و تحقیر، وادار به مهاجرت، آوارگی، و گرفتار گرسنگی شده‌اند.

اما داستان، داستانی تسلیم نیست. «جاد» و خانواده او، در مسیر پرخطر و پرفراز و نشیب خود، از ترس عبور می‌کنند، آگاهی می‌یابند، و یاد می‌گیرند که تنها با اتحاد، سازماندهی، و مقاومت می‌توانند آینده‌ای برای خود بسازند.

اشتاین‌یک در «خوشه‌های خشم»، روح عدالتخواهی و خشم سازمان‌یافته را به تصویر می‌کشد. او هشدار می‌دهد، آنکس که در برابر ظلم سکوت کند، دیر یا زود قربانی آن خواهد شد. و آنکس که از تغییر می‌هراسد، حتی آنچه را دارد نیز از دست خواهد داد.

و اینک این پرسش بنیادین در برابر ما قد علم کرده ←

بهزاد پرنیان - غالباً جهان ما، به‌ویژه در بزنگاه‌های تاریخی، میان دو گونه از زیستن و اندیشیدن تقسیم می‌شود. آنان که از ترس، به سکوت و نظاره پناه می‌برند؛ و آنان که با خشم، آگاهی، و اراده، مسیر آینده را تغییر می‌دهند.

ادبیات، پسان آینه روان و فرهنگ، بارها این دوگانگی را برای ما به تصویر کشیده است. از «ترس و لرز» سورن کی‌یر کگور تا «خوشه‌های خشم» جان اشتاین‌یک، دو سر طیف روان انسان در برابر رنج و بی‌عدالتی، به زیبایی قابل مشاهده‌اند.

و امروز، جامعه ایران درست در میانه‌ی این دو ایستاده! نه چنان که در اضطراب فلسفی خود را گم کند، و نه چنان که با نیروی جمعی بپا خیزد.

در این میان، کارزار «همکاری ملی» که به همت شه‌ریار ایران آغاز شده، می‌تواند نقش حلقه‌ی اتصال را ایفا کند با نقش پلی میان بیداری و اقدام، میان خشم و سازمان‌یافتگی.

کی‌یر کگور و فرهنگ اضطراب تنهایی

سورن کی‌یر کگور متفکری ژرف‌اندیش و بنیانگذار مکتب اگزیستانسیالیسم مسیحی، در قرن نوزدهم در دل اروپای مسیحی‌زده، دست به کشف تضاد درونی انسان با خود، خدا و هستی زد. در اثر ست‌رگ او، Fear and Trembling (ترس و لرز)، خواننده با ذهنیتی مواجه می‌شود که بجای کنش، به تأمل پناه می‌برد؛ بجای فریاد، آه می‌کشد؛ و بجای سازماندهی، در خلوت وجودی خود غرق می‌گردد.

کی‌یر کگور دامنارکی با وجود ستایش دلدادگی و ایمان، عزلت را به مبارزه، و تسلیم را به تغییر ترجیح می‌دهد. زیستن در ترس، فرو رفتن در تأمل، و سازش با اضطراب هستی، گوهر تفکر اوست. در جامعه امروز ایران، این نوع از نگاه به گونه‌ای ناگفته گسترش یافته است. نظاره‌گرانی

کی‌یر کگور فیلسوف دامنارکی و نویسنده‌ی «ترس و لرز» با وجود ستایش دلدادگی و ایمان، عزلت را به مبارزه، و تسلیم را به تغییر ترجیح می‌دهد. زیستن در ترس، فرو رفتن در تأمل، و سازش با اضطراب هستی، گوهر تفکر اوست. در جامعه امروز ایران، این نوع از نگاه به گونه‌ای ناگفته گسترش یافته است. نظاره‌گرانی که انقلاب را تحلیل می‌کنند، اما در آن شرکت نمی‌جویند. اندیشمندانی که در خلوت روشنفکرانه، فاجعه را تماشا می‌کنند. مخالفانی که چهل سال است بیش از آنکه راه بیابند، شک می‌کنند. و این حقیقتی است که فرهنگ ترس، فرهنگ بی‌عملی است.

جان اشتاین‌یک نویسنده آمریکایی اما در «خوشه‌های خشم»، روح عدالتخواهی و خشم سازمان‌یافته را به تصویر می‌کشد. او هشدار می‌دهد، آنکس که در برابر ظلم سکوت کند، دیر یا زود قربانی آن خواهد شد. و آنکس که از تغییر می‌هراسد، حتی آنچه را دارد نیز از دست خواهد داد.

اپوزیسیون ایرانی، در برابر آزمون تاریخ، بارها مردود شده. نه به دلیل ضعف نیروی فکری، بلکه به خاطر ناتوانی در همکاری، در گذشت از منافع فردی، و در فهم لحظه تاریخی... در چنین بزنگاهی، رهبر جنبش ملی ایرانیان، با اعلام کارزار همکاری ملی برای آزادی ایران، فرصتی تاریخی پدید آورده است. نه برای یک انقلاب پراکنده‌ی دیگر، نه برای قهرمان‌سازی، بلکه برای هم‌افزایی ملت. برای بنای ساختاری که بتواند خشم را تبدیل به نیرو، ترس را بدل به شجاعت، و واگرایی را به همگرایی و پراکندگی را به همکاری بدل کند. این کارزار، نه از جنس اتحادهای کاغذی و نشست‌های بی‌حاصل، بلکه دعوتی است برای: یک، عبور از خود؛ دو، پذیرش دیگری. و در این میان، عنصر اصلی این دعوت، گوهریست به نام ایران و دغدغه‌ی نجات آن.



فاجعه آتش سوزی نخلستان‌های منیوچی؛ نشانه‌ای آشکار از فروپاشی مدیریت محیط زیست و غیبت مدیریت بحران و مدیریت اضطرار

۱. عدم لایروبی و خاکی بودن کانال‌های آبیاری که منجر به گسترش نيزارهای خشک در حاشیه نخلستان‌ها شده؛ این پوشش گیاهی خشک در فصل گرم بسیار مستعد شعله‌وری است.
۲. کاهش شدید یا قطع کامل جریان آب در ماه‌های گذشته که به خشکی خاک، افت رطوبت نسبی و افزایش توده‌های آلی خشک قابل اشتعال منجر شده است.
این ناکارآمدی در مدیریت منابع آب، نه تنها برخلاف اصول آب برای کشاورزی پایدار است، بلکه ناقض تعهدات در چارچوب:

• SDG 6.6: حفاظت و احیای اکوسیستم‌های مرتبط با آب
• SDG 15.3: مقابله با بیابان‌زایی و تخریب زمین نیز محسوب می‌شود.

بخش دیگری از ناکارآمدی و فساد در چارچوب مدیریت بد جمهوری اسلامی، ترک فعل نهادها و نبود نظارت مؤثر در اینگونه حوادث است.

عملکرد ضعیف و گاه منفعلانه نمایندگان مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه آبادان، یکی دیگر از حلقه‌های بحرانی این ماجراست. با وجود تکرار سالانه بحران در نخلستان‌ها، تا کنون هیچ طرح مؤثری برای ایمن‌سازی منطقه، پیگیری حقوق کشاورزان یا الزام نهادهای اجرایی به اصلاح زیرساخت‌ها به سرانجام نرسیده است.

این سکوت و بی‌تفاوتی، مصداق بارز ترک فعل قانونی از سوی نمایندگان و تخطی از اصول:

• SDG 16.6: ایجاد نهادهای پاسخگو، شفاف و کارآمد
• SDG 16.7: تضمین مشارکت مؤثر و مسئولانه مردم در مدیریت و امور کشور است، که به شدت اعتماد عمومی به ساختار به اصطلاح نمایندگی در مجلس را از بین برده است.
فاجعه منیوچی نمایانگر شکاف عمیق میان ساختارهای رسمی کشور و واقعیت‌های زیست محیطی در ایران است. در این حادثه، فقدان مدیریت پیشگیرانه، نبود زیرساخت‌های اضطراری، بحران مدیریت منابع آب، و ضعف نهادهای نمایندگی و نظارتی، به شکلی نظام‌مند زمینه‌ساز خسارتی عظیم شده‌اند.

این رخداد، نمونه‌ای بارز از فروپاشی ظرفیت نهادی برای تاب‌آوری سرزمینی در برابر بحران‌های محیط زیستی است؛ مسئله‌ای که در ادبیات توسعه، به عنوان یکی از موانع کلیدی در مسیر تحقق توسعه پایدار ملی شناخته می‌شود. (UNDP, 2023; OECD, 2021).

*پائولا متکی کارشناس توسعه پایدار

● در فقدان مدیریت اضطرار در سطح محلی، فروپاشی زیرساخت‌های ایمنی در این حادثه نمایان است.
● بر اساس گزارش‌های میدانی و اظهارات کشاورزان، سازمان آب و برق استان خوزستان یکی از عوامل اصلی این فاجعه شناخته می‌شود.
● بخش دیگری از ناکارآمدی و فساد در چارچوب مدیریت بد جمهوری اسلامی، ترک فعل نهادها و نبود نظارت مؤثر در اینگونه حوادث است.

پائولا متکی - در یکی از سهمگین‌ترین حوادث زیست محیطی سال‌های اخیر، بیش از سیصد اصله نخل بارور در دهستان منیوچی از توابع شهرستان آبادان، در روستاهای نهر کوت، ابوشکر، کوت شنوف و ابوغلان طعمه آتش شدند. این فاجعه نه تنها یک رخداد طبیعی یا تصادفی نیست، بلکه نتیجه مستقیم زنجیره‌ای از مدیریت ضد توسعه، سوء مدیریت نهادی، ترک فعل، ناکارآمدی نظام تأمین آب و کشاورزی و غیبت مدیریت پیشگیرانه بحران است.

در فقدان مدیریت اضطرار در سطح محلی، فروپاشی زیرساخت‌های ایمنی در این حادثه نمایان است. دهستان منیوچی با وجود جمعیت قابل توجه و نقش مهم آن در تولید کشاورزی منطقه، فاقد یک ایستگاه آتش‌نشانی فعال و تجهیز شده است. اگرچه ساختمانی برای این منظور در گذشته احداث شده، اما به دلیل اختلاف نظر میان شهرداری و بخشداری بر سر مسئولیت اجرایی و بودجه، این مرکز عملاً تعطیل باقی‌مانده است. در غیاب این زیرساخت پایه‌ای، آتش‌سوزی در مدت کوتاهی گسترش یافت و مهار آن از کنترل خارج شد.

این وضعیت مغایر با اصول مدیریت تاب‌آوری محلی و مقابله با بحران‌های اقلیمی و طبیعی است، که در اهداف توسعه پایدار، به ویژه:

• SDG 11.5: کاهش خسارات بلایا برای جوامع آسیب‌پذیر
• SDG 13.1: تقویت ظرفیت انطباق با مخاطرات اقلیمی
صراحتاً مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

موضوع دیگر، بحران منابع آب و نقش سازمان آب و برق خوزستان است.

بر اساس گزارش‌های میدانی و اظهارات کشاورزان، سازمان آب و برق استان خوزستان یکی از عوامل اصلی این فاجعه شناخته می‌شود. دو مؤلفه کلیدی در عملکرد این نهاد به صورت مستقیم در افزایش خطر آتش‌سوزی نقش داشته‌اند:

➡ که ما زیر نام جامعه ایرانی، میان تفرقه و فرصت کدام را انتخاب خواهیم کرد. ما در چهل و چند سال گذشته، بارها لحظه‌های خشم را تجربه کرده‌ایم. از انقلاب‌های نافرجام، اعتراضات سراسری، تا خیزش‌های خونین. اما در اغلب موارد، این خشم، چون خوشه‌های بی‌نظم، در خاک نامناسب افتاده، و به ثمر ننشسته است.
اما به راستی چه چیزی مانع شده؟ پاسخ روشن است:

نبود رهبری مورد اعتماد و ملی تفرقه در میان نیروهای مخالف ترس از آینده و از «دیگری» بی‌برنامگی، و در بسیاری از مواقع، بی‌عملی کامل

اپوزیسیون ایرانی، در برابر آزمون تاریخ، بارها مردود شده. نه به دلیل ضعف نیروی فکری، بلکه به خاطر ناتوانی در همکاری، در گذشت از منافع فردی، و در فهم لحظه تاریخی. و اینک کارزار «همکاری ملی برای نجات ایران» به مثابه آزمونی برای محک بلوغ سیاسی اپوزیسیون ایرانی، و سنجشی بر میهن‌پرستی و ایرانگرایی همه مدعیان عاشق ایران در برابر آنها قرار دارد.

در چنین بزنگاهی، رهبر جنبش ملی ایرانیان، با اعلام کارزار همکاری ملی برای آزادی ایران، فرصتی تاریخی پدید آورده است. نه برای یک انقلاب پراکنده دیگر، نه برای قهرمان‌سازی، بلکه برای هم‌افزایی ملت. برای بنای ساختاری که بتواند خشم را تبدیل به نیرو، ترس را بدل به شجاعت، و واگرایی را به همگرایی و پراکندگی را به همکاری بدل کند. این کارزار، نه از جنس اتحادهای کاغذی و نشست‌های بی‌حاصل، بلکه دعوتی است برای:

یک- عبور از خود
دو- پذیرش دیگری

و در این میان، عنصر اصلی این دعوت، گوه‌ریست به نام ایران و دغدغه‌ی نجات آن.

اما چنین دعوتی با دغدغه‌ای به قیمت جان، رهبری می‌طلبد از جنس ازخودگذشتگی، عشق، مسئولیت و مدارا. شه‌ریار ایران، نه با داعیه تاج و تخت، بلکه با مسئولیت ملی، این کارزار را آغاز کرده است. او برخلاف بسیاری، از «من» آغاز نکرد، بلکه به «ما» دعوت کرد. و این تفاوت بنیادین، آن را از هر طرح پیشین جدا می‌سازد. اکنون انتخاب با ماست که حاملان «خوشه‌های خشم» اشتاین بک باشیم، یا «ترس و لرز» کی‌پر کگور!

آیا همچنان می‌خواهیم نظاره گر همانیم؟ تحلیلگرانی خسته، دلشکسته و بی‌اثر؟ یا می‌خواهیم همچون خانواده «جاد» در «خوشه‌های خشم»، در میانه‌ی توفان، دست یکدیگر را بگیریم و حرکت کنیم؟

کارزار همکاری ملی، تنها یک فراخوان سیاسی نیست؛ میدانی‌ست برای آزمون بلوغ ما.

اگر این کارزار شکست بخورد، نه شه‌ریار ایران زیر نام «رهبر جنبش ملی» شکست خورده، نه اپوزیسیون، بلکه فرصتی سوزانده شده آ‌هم با عاملیت «ما» که پیامدهای این شکست را که دامنگیر همه «ما» خواهد شد با رویگردانی از ملت ایران ندیده‌ایم.

فرصت امروز، به آسانی و زود به‌دست نیامده. نهال این کارزار را ملت با خون جانباختگان ایستادگی‌ها و خیزش‌های مداوم از همان ۵۷ تا به امروز آبیاری کرده است. اکنون نوبت ماست که این نهال را به درختی تنومند بدل سازیم.

پزشکیان به دنبال تصویب لایحه «مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی»



● طبق این لایحه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است سامانه‌ای طراحی و راه‌اندازی کند که در آن، اطلاعات سکوها و درگاه‌های نشر و موسسات مجاز راست‌آزمایی محتوا را ثبت کند.

● هرگاه «کاربر یا مدیر سکو یا درگاه نشر» عمداً محتوای خلاف واقع در فضای مجازی منتشر کند، علاوه بر الزام به جبران خسارت و نشر اصلاحیه یا تکذیبیه به حبس درجه شش با جزای نقدی درجه چهار و محرومیت از فعالیت با اشتغال در امور مرتبط با نشر محتوا به مدت سه ماه تا دو سال محکوم می‌شود.

دولت مسعود پزشکیان لایحه «مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی» را به مجلس شورای اسلامی ارائه کرد. این لایحه ابزاری برای سرکوب شهروندان به ویژه روزنامه‌نگاران، اینفلوئنسرهای و کارکنان دولت خواهد بود.

مسعود پزشکیان روز سه‌شنبه ۳۱ تیرماه لایحه دو فوریتی «مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی» را برای تصویب به مجلس شورای اسلامی فرستاد. هدف از تصویب این لایحه «جلوگیری از تبعات منفی ناشی از نشر و بازنشر محتوای خبری تحریف شده و خلاف» عنوان شده که با هدف ضربه زدن به حیثیت اشخاص آسیب به امنیت روانی، عوام فریبی، بی‌اعتبارسازی نهادهای حاکمیتی و گزارش‌های رسمی و رفع خلاهای قانونی موجود است.

طبق این لایحه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است سامانه‌ای طراحی و راه‌اندازی کند که در آن، اطلاعات سکوها و درگاه‌های نشر و موسسات مجاز راست‌آزمایی محتوا را ثبت کند.

همچنین باید ساز و کار لازم را پیش‌بینی کند تا دستگاه‌های اجرایی و موسسات مجاز به راست‌آزمایی بتوانند نسبت به اصلاح، تکذیب یا پاسخ محتوای خلاف واقع را به صورت شفاف، مستند و در زمان مناسب اقدام کنند.

طبق این لایحه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از



ریزمهمات موشک بالستیک ایرانی که پس از اصابت به تل‌آویو کشف شده است / مشرق

استفاده قرار گیرند. استفاده نیروهای جمهوری اسلامی از این تسلیحات در نزدیکی مناطق مسکونی، بی‌اعتنایی آشکار به جان غیرنظامیان و نقض صریح حقوق بین‌الملل بشردوستانه است.

پیشتر، روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اول تیرماه ۱۴۰۴ در اطلاعیه رسمی شماره ۱۶ استفاده از «موشک بالستیک چند کلاهک خیرشکن» را تأیید کرده بود. سرهنگ پاسدار تاجیک سخنگوی عملیات موشکی سپاه پاسداران علیه اسرائیل نیز دوم تیرماه ۱۴۰۴ اعلام کرد: «برای نخستین بار از موشک بالستیک چند کلاهک خیر (قدر H) استفاده شده است».

در ایران نیز منابع امنیتی تأیید می‌کنند که در ششمین روز جنگ از «موشک‌های خوشه‌ای» علیه اسرائیل استفاده شده است.

بر اساس آمار وزارت دفاع اسرائیل، در جریان جنگ ۱۲ روزه، حدود ۵۵۰ فروند موشک بالستیک از خاک ایران به سمت کشور اسرائیل شلیک شدند. خبرگزاری دولتی «ایرنا» مدعی شد فرمانده پدافند هوایی اسرائیل بعد از این جنگ استعفا داده است، اما در منابع رسمی گزارشی درباره درستی یا نادرستی این ادعا وجود ندارد. خبرگزاری ایرنا پیشتر نیز ادعای برکناری احتمالی رئیس موساد را مطرح کرده بود.

حکومت تلاش می‌کند علاوه بر پخش اخبار جعلی و دروغ با لاپوشانی صدمات شدیدی را که در جنگ ۱۲ روزه به آن وارد آمده، چنین القاء کند که گویا توان دفاعی خود را ترمیم کرده است. در همین ارتباط، محمود موسوی معاون عملیات ارتش جمهوری اسلامی مدعی شده است «سامانه‌های آسیب‌دیده پدافند هوایی جایگزین شده‌اند». رژیم ایران در حالی با تبلیغات و دروغ قصد «قدرت‌نمایی» دارد که آمار و واقعیت‌های میدانی کاملاً ناقض آن هستند. سعید لیلاز فعال سیاسی اصلاح‌طلب عضو حزب «کارگزاران سازندگی» نزدیک به باند رفسنجانی‌ها گفته ۱۵۰ لانچر موشک در لحظه استارت منفجر شده است. او با اشاره به اینکه «اعتمادی به نیروهای امنیتی ندارم» اعتراف می‌کند: «ضربه‌ای که خوردیم در تاریخ نظامی جهان بی‌سابقه است». جمهوری اسلامی برای جبران شکست‌های سنگین و ضربات پی در پی که مقاماتش از آن کاملاً مطلع هستند، از موشک‌های خوشه‌ای استفاده کرده تا به خیال خودش ضربات بیشتری علیه اسرائیل وارد کند.

سازمان عفو بین‌الملل: جمهوری اسلامی در حمله به مناطق مسکونی اسرائیل از بمب خوشه‌ای استفاده کرده است

● سازمان عفو بین‌الملل با انتشار گزارش تازه‌ای اعلام کرد که جمهوری اسلامی در جریان جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل از مهمات خوشه‌ای در حملات موشکی به مناطق مسکونی استفاده کرده است؛ اقدامی که به گفته این سازمان، نقض آشکار حقوق بین‌الملل بشردوستانه و به احتمال زیاد مصداق «جنایت جنگی» است.

● اریکا گوته‌وارا روساس مدیر ارشد پژوهش و کارزارهای عفو بین‌الملل در این گزارش گفته است: «بمب‌های خوشه‌ای ذاتاً جزو سلاح‌های نامتعارف هستند و نباید هرگز مورد استفاده قرار گیرند. استفاده نیروهای جمهوری اسلامی از این تسلیحات در نزدیکی مناطق مسکونی، بی‌اعتنایی آشکار به جان غیرنظامیان و نقض صریح حقوق بین‌الملل بشردوستانه است».

● روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اول تیرماه ۱۴۰۴ در اطلاعیه رسمی شماره ۱۶ استفاده از «موشک بالستیک چند کلاهک خیرشکن» را تأیید کرده بود. سرهنگ پاسدار تاجیک سخنگوی عملیات موشکی سپاه علیه اسرائیل نیز دوم تیرماه ۱۴۰۴ اعلام کرد: «برای نخستین بار از موشک بالستیک چند کلاهک خیر (قدر H) استفاده شده است».

سازمان عفو بین‌الملل با انتشار گزارش تازه‌ای اعلام کرد که جمهوری اسلامی در جریان جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل از مهمات خوشه‌ای در حملات موشکی به مناطق مسکونی استفاده کرده است؛ اقدامی که به گفته این سازمان، نقض آشکار حقوق بین‌الملل بشردوستانه و به احتمال زیاد مصداق «جنایت جنگی» است.

در گزارش تازه عفو بین‌الملل که بامداد پنجشنبه دوم مرداد ۱۴۰۴ منتشر شده، آمده است که طبق بررسی‌های کارشناسان تسلیحاتی این سازمان، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در ۱۹ ژوئن ۲۰۲۵ (۲۲ خرداد ۱۴۰۴) موشک‌هایی حامل بمب‌های خوشه‌ای به منطقه شهری «گوش دان» در اطراف تل‌آویو شلیک کردند. تصاویر و ویدیوهای منتشرشده نشان می‌دهد که این مهمات در مناطق مسکونی فرود آمده‌اند و جان غیرنظامیان، به ویژه کودکان را به خطر انداخته‌اند.

اریکا گوته‌وارا روساس مدیر ارشد پژوهش و کارزارهای عفو بین‌الملل در این گزارش گفته است: «بمب‌های خوشه‌ای ذاتاً جزو سلاح‌های نامتعارف هستند و نباید هرگز مورد

دوران محمدرضا شاهی؛ باز شدن گره نفت

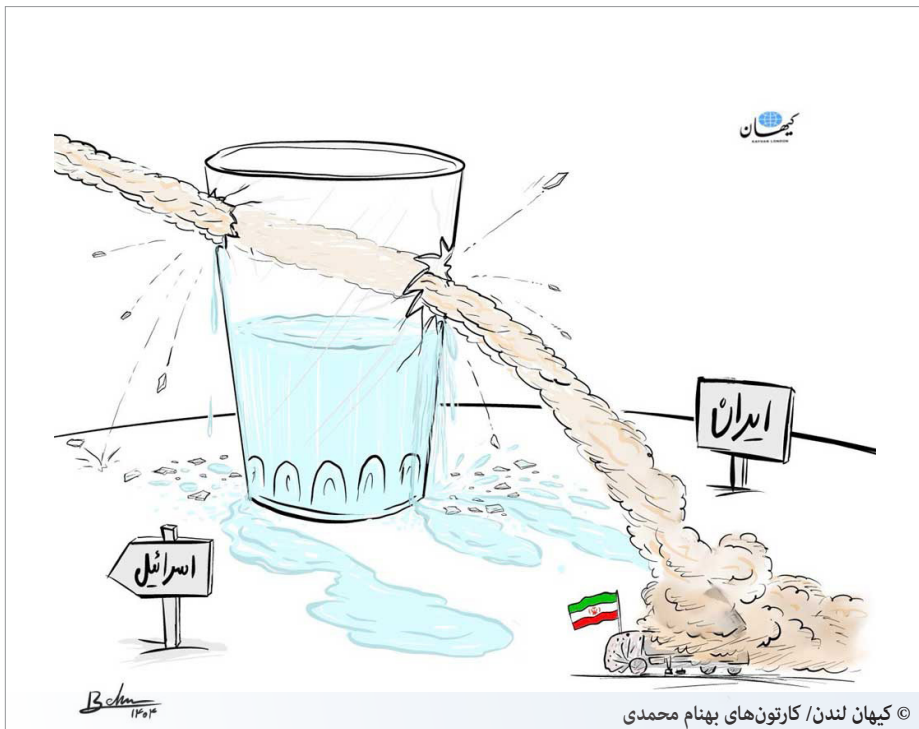
(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



نفتی ایران و نبود بودجه کافی، پروژه‌های آبادانی مملکت بسیار کند پیش می‌رفت. همچنین با ترک معامله شرکت‌های غربی با ایران، چاره‌ای جز خرید کالاهای مورد نیاز از شوروی باقی نمانده بود. دولت زاهدی بی‌درنگ مذاکرات با غرب را از سر گرفت و...

پس از آنکه سرپیچی مداوم محمد مصدق و یاران او از قانون که در ۲۵ مرداد به اوج خود رسیده بود به جایی نرسید، مطابق فرمان شاه فضل‌الله زاهدی نخست وزیر شد و با تشکیل کابینه کنترل اوضاع را به دست گرفت. مهمترین برنامه و هدف دولت بازکردن گرهی نفت بود؛ دست انگلیس از نفت ایران کوتاه شده بود و با کمبود درآمد

مدیریت جهادی بحران آب!



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

→ طریق هیئت نظارت بر مطبوعات نسبت به تذکر با اخطار کتبی یا رایانامه‌ای به سکو و درگاه نشر متخلف یا انتشار عمومی تخلف آنها در سامانه اقدام خواهد کرد. در این لایحه آمده در صورت ارجاع متخلفین به مراجع قضایی توسط وزارت فرهنگ و ارشاد، این مراجع می‌توانند «حساب کاربری درگاه نشر در سکو متبوع» را به مدت یک ماه تا یک سال به حالت تعلیق درآورد. همچنین می‌تواند از پنج روز تا سه ماه در جذب کاربر جدید محدودیت‌هایی اعمال کند. بر اساس این لایحه مراجع قضایی اختیار دارند هرگونه فعالیت تبلیغاتی و کسب درآمدهای تبلیغاتی را به مدت سه ماه تا شش ماه ممنوع کند.

بر اساس این لایحه، هرگاه «کاربر یا مدیر سکو یا درگاه نشر» عمداً محتوای خلاف واقع در فضای مجازی منتشر کند، علاوه بر الزام به جبران خسارت و نشر اصلاحیه یا تکذیبیه به حبس درجه شش با جزای نقدی درجه چهار و محرومیت از فعالیت با اشتغال در امور مرتبط با نشر محتوا به مدت سه ماه تا دو سال محکوم می‌شود. همچنین «اگر محتوای خلاف واقع منتشر شده علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد یا موجب اخلاص در نظم و سلامت عمومی شود اگر به در سایر قوانین شامل مجازات شدیدتری نباشد مرتکب به مجازات حبس با جزای نقدی درجه پنج و محرومیت از فعالیت با اشتغال در امور مرتبط با نشر محتوا به مدت دو تا شش سال محکوم می‌شود. اخلاص و موضعگیری علیه روابط کشور با دولت‌های خارجی یا سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی نیز شامل این بند می‌شود.» چنانچه شورای عالی مدیریت بحران مجلس شورای اسلامی و شورای عالی «امنیت ملی» تشخیص دهند که محتوایی خلاف واقع در مواقع بحرانی یا شرایط اضطراری یا وضعیت جنگی منتشر شده است، اگر از مصادیق افساد فی‌الارض نباشد، مجازات مرتکب یک درجه تشدید می‌شود. در بخش دیگری از این لایحه آمده اگر هر یک از مقامات یا کارکنان دستگاه‌های اجرایی تکذیبیه‌ای را با علم به خلاف واقع بودن آن منتشر کند، علاوه بر جبران خسارت در حق متضرر باید آن تکذیبیه را اصلاح یا تکذیب کند و به جزای نقدی و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه پنج موضوع ماده (۲۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محکوم می‌شود. انفصال از خدمات دولتی و عمومی به مدت یک تا سه سال نیز در انتظار او خواهد بود.

از سوی دیگر اگر اشخاصی که مسئولیت حفاظت از سامانه یا داده‌های آن را بر عهده دارند تدابیر یا دستورالعمل‌های امنیتی صادره توسط مرکز تبادل و امنیت داده‌ها را نقض کنند یا نسبت به آنها مرتکب تقصیر شوند به جزای نقدی درجه شش یا انفصال از خدمات دولتی و عمومی به مدت سه ماه تا یک سال و یا ممنوعیت از فعالیت مرتبط با امنیت سامانه‌های رایانه‌ای تا دو سال محکوم می‌شوند. این لایحه تأکید کرده «کلیه سکویهای نشر داخلی و خارجی، کلیه درگاه‌های نشر موجود در سکویهای فوق اعم از داخلی یا خارجی و کلیه اتباع ایرانی و خارجی مشمول این قانون می‌شوند.»

لایحه «مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی» یکی دیگر از طرح‌های حکومت در جهت قانونی کردن سرکوب شهروندان است که بر فعالان رسانه‌های و فعالان در شبکه‌های اجتماعی متمرکز دارد. مسعود پزشکیان برخلاف وعده‌های انتخاباتی درباره کاهش سرکوب‌ها و باز کردن فضای اجتماعی، لوایحی برای تشدید فضای امنیتی به مجلس شورای اسلامی فرستاده و برخی مصوبات پیشین را نیز به اجرا درآورده است. راه‌اندازی اینترنت طبقاتی از جمله این اقدامات است که اگرچه به صورت غیررسمی و مقطعی انجام می‌شد اما اکنون ساز و کار قانونی و اجرای رسمی آن نیز فراهم شده است.

مشکلات دولت پزشکیان برای «امیدآفرینی» در بحران‌های عظیم اقتصادی



افزایش تقریباً دو برابری رقم سید معیشت در بازه‌های کمتر از شش ماه تنها یکی از آثار آشفتگی‌های اقتصاد ایران است. اقتصاد ایران با بحران‌های مختلفی روبروست؛ از بحران کمبود شدید انرژی تا فساد ساختاری و تورم فزاینده. اینهمه سبب شده سطح تولید روندی نزولی پیدا کند و از سوی دیگر موجی از سبب افزایش قیمت کالاها شود و از سوی دیگر موجی از اخراج نیروی کار به علت زیان انباشته واحدهای تولیدی، صنعتی و خدماتی ایجاد شود.

گزارش‌ها حاکی از آنست که طی ماه گذشته و پس از اعلام آتش‌بس میان جمهوری اسلامی و اسرائیل، قیمت کالاهای اساسی به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش یافته و سفره‌های مردم روز به روز کوچک‌تر می‌شود. با آنکه بارها وعده کنترل تورم داده شده، اما همچنان در بسیاری از اقلام خوراکی، رشد قیمت‌ها حتی فراتر از آمار رسمی است. مثلاً افزایش ۵۲ درصدی قیمت نان در مراکز استان‌ها طی هفته‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی و اجتماعی کشور تبدیل شده است. برخی فعالان کارگری نسبت به حذف نان از سفره خانوارهای کم‌درآمد هشدار داده‌اند.

همچنین موج جدیدی از افزایش قیمت‌ها نیز به سنت هر ساله از اوایل تابستان در حال رقم خوردن است. از جمله قیمت گوشت که گزارش شده با کاهش واردات و حذف ارز ترجیحی برای واردات، و کاهش تولید در داخل به دلیل خشکسالی با افزایش روبرو خواهد شد.

در کنار تورم، رکود نیز بیدار می‌کند. بازارها کسادتر شده و فروشندگان در بازارهای مختلف از لوازم خانگی تا پوشاک و تکنولوژی می‌گویند فروش ندارند و درآمدهایشان به حداقل رسیده است.

بحران معیشتی مردم به ویژه پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و جمهوری اسلامی به شکل برجسته‌ای تشدید شده است. بسیاری از فعالان اقتصادی امیدی به تداوم آتش‌بس یا به بیان بهتر «شرایط نه جنگ، نه صلح» میان جمهوری اسلامی و اسرائیل ندارند و معتقدند احتمال آغاز دوباره درگیری نظامی بیش از تداوم آتش‌بس است.

در چنین شرایطی مدیران واحدهای تولیدی،

پزشکیان با اقدامات نخبه‌ها شده و مسکن‌وار، امید و رضایت را به مردم تزریق کند.

فرامرز توفیقی فعال کارگری اعلام کرده در تیرماه ۱۴۰۴ رقم سید معیشت حداقلی به مرز ۵۰ میلیون تومان رسیده است. این رقم در اسفندماه ۱۴۰۳ حدود ۲۸ میلیون تومان محاسبه شده بود.

این فعال کارگری توضیح داده که گرانی‌ها محدود به برنج و حبوبات نیست؛ اقلام غذایی همه گران شده‌اند، از لبنیات گرفته تا کالاهای پروتئینی همه گران شده‌اند؛ از سوی دیگر، سایر هزینه‌های زندگی مثل تعرفه‌های برق، که نرخ آن ۱/۸ تا ۳/۲ برابر شده، هزینه ارتباطات، هزینه‌های حمل و نقل و هزینه‌های دارو و درمان به شدت گران شده‌اند.

فرامرز توفیقی افزوده در مجموع، سید معیشت از اسفند ۱۴۰۳ که آخرین مصوبه دستمزد صادر شده، دچار یک تکانه شدید ۱/۸ برابری شده است.

او تأکید کرده «توجه داشته باشیم که هزینه‌های واقعی مسکن و نرخ واقعی کرایه‌خانه‌ها در این محاسبات دخیل نشده است چون نرخ این شاخص‌ها قابل محاسبه نیست». خبرگزاری «ایلنا» در گزارشی درباره افزایش رقم سید معیشت به ۵۰ میلیون تومان نوشته کارگری که ماهی ۱۴ یا ۱۵ میلیون تومان حقوق می‌گیرد یا بازنشسته‌ای که بعد از سی سال عرق ریختن، دریافتی‌اش ۱۳ میلیون تومان است و لنگ انجام متناسب‌سازی یا چندرغاز وام است، برای گذران امور یک خانواده ۳ یا ۴ نفره باید چیزی حدود ۵۰ میلیون تومان داشته باشد. کارگر جوان با دو شیفت کار هم به اندازه سید معیشت حداقلی درآمد ندارد!

این گزارش افزوده این معادله به شدت نابرابر است و هیچ‌جوری ارقام آن با هم نمی‌خواند؛ در این میان شورای عالی کار، به عنوان نهادی که قانون وظیفه تعیین مزد و مستمري را بر عهده‌اش گذاشته، از اسفندماه در خواب خرگوشی فرورفته؛ نه نشستی برگزار شده و نه صادی از نمایندگان این شورا بیرون آمده آن هم در حالیکه حداقل مزد و مستمري طبقه کارگر به پایین‌ترین سطح در دهه‌های اخیر نزول کرده است.

● در تیرماه ۱۴۰۴ رقم سید معیشت حداقلی به مرز ۵۰ میلیون تومان رسیده است. این رقم در اسفندماه ۱۴۰۳ حدود ۲۸ میلیون تومان محاسبه شده بود.

● رقم حداقل دستمزد کارگران در صورت دریافت همه مزایای شغلی حدود ۱۶ میلیون تومان است. بسیاری از کارگران نیز با حقوق عقب‌افتاده روبرو هستند و چند ماه است حقوق دریافت نکرده‌اند.

● بحران معیشتی مردم به ویژه پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و جمهوری اسلامی به شکل برجسته‌ای تشدید شده است. بسیاری از فعالان اقتصادی امیدی به تداوم آتش‌بس یا به بیان بهتر «شرایط نه جنگ، نه صلح» میان جمهوری اسلامی و اسرائیل ندارند و معتقدند احتمال آغاز دوباره درگیری نظامی بیش از تداوم آتش‌بس است.

● قطع برق منازل مسکونی در استان‌های مختلف ادامه دارد و قطع برق در شهرک‌های صنعتی به چهار روز در هفته رسیده است؛ به بیان دیگر واحدهای تولیدی و صنعتی در بسیاری از شهرک‌های صنعتی تنها دو تا سه روز در هفته امکان فعالیت دارند!

● مشکلات اقتصادی حادث‌تر از آنست که دولت در ماه‌های آینده حتی بتواند با اقدامات مسکن‌وار و نخبه‌ها شده یا با وعده و وعید اقشار حقوق‌بگیر را تحت تأثیر قرار دهد و رضایت و امید به آنان تزریق کند.

● دولت مسعود پزشکیان برخلاف وعده‌های انتخاباتی نه تنها طی سال نخست فعالیت نتوانست گشایشی در گره کور تحریم‌ها ایجاد کند بلکه ایران را در رویارویی با جنگ تمام عیار نظامی قرار دارد و بی‌ثباتی‌های اقتصادی را تشدید کرد.

روشنک آسترکی - رقم سید حداقل معیشت که شامل هزینه حداقل اقلام ضروری معیشتی می‌شود به ۵۰ میلیون تومان در ماه رسیده است. رقم حداقل دستمزد کارگران در صورت دریافت همه مزایای شغلی حدود ۱۶ میلیون تومان است. بحران‌های اقتصادی خانوارهای حقوق‌بگیر بعد از جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل تشدید شده و بعید است دولت

ادعای فرمانده یگان ویژه «فراجا»: در مقابله با جاسوس‌ها نمره قبولی گرفتیم!



مسعود مصدق فرمانده یگان‌های ویژه فراجا

رویارویی با اسرائیل تعریف و تمجید می‌کنند اما در واقعیت بیش از ۳۰ فرمانده ارشد نیروهای مسلح در ضربه سنگین اطلاعاتی و رزمی در همان روز نخست جنگ کشته شدند. اقدامی که در تاریخ جنگ‌های دنیا بی‌نظیر است.

ضعف و ناتوانی حکومت در شناسایی و مقابله با جاسوسی البته بسیار منحصر به فرد است. غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی در یک سخنرانی گفته در جریان جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل و پس از آن، «حدود دو هزار نفر دستگیر شدند اما بسیاری از آنها در فاصله کوتاهی آزاد شدند چون نه جاسوس بودند نه با اسرائیل همکاری داشتند.» وی در طول دو هفته اخیر مرتب اصرار می‌کرد که به پرونده دستگیرشدگان سریع رسیدگی و احکام لازم علیه «جاسوسان» صادر و اجرا شود.

اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی نیز از بازداشت گسترده شهروندان متهم به جاسوسی به عنوان «دستاورد» نام برده بود!

نتیجه آنچه مقامات انتظامی و امنیتی نظام به آن «دستاورد» و «موفقیت» می‌گویند قتل دست‌کم شش نفر از شهروندان بیگناه پس از جنگ ۱۲ روزه در اثر تیراندازی مأموران امنیتی مستقر در ایست‌های بازرسی به اتومبیل‌های عبوری بود.

در تیراندازی بسیجی‌های مستقر در یک ایست بازرسی در شهر خمین به دو ماشین که شامگاه پنجشنبه ۲۶ تیرماه ۱۴۰۴ اتفاق افتاد، دست‌کم چهار نفر کشته شدند. یکی از جانب‌باختگان دختر بچه‌ای خردسال به اسم رها شیخی بود. پیش از آنهم سه جوان سوار بر ماشین آفرود در همدان توسط بسیجی‌ها هدف قرار گرفتند که دو نفر از آنها کشته شدند.

ادعای فرمانده یگان‌های ویژه «فراجا» درباره «نمره قبولی» در مقابله با جاسوس‌ها در حالی مطرح می‌شود که اصلی‌ترین مراکز فرماندهی و ستادی «فراجا» شامل دفتر مرکزی فرمانده، ساختمان اطلاعات نیروی انتظامی، ساختمان عقیدتی، پادگان پلیس تهران بزرگ و بسیاری از پایگاه‌های مرتبط با نیروی انتظامی هدف حمله اسرائیل قرار گرفتند که ساختمان‌ها تخریب و شماری در آنها کشته شدند.

● مصدق فرمانده یگان‌های ویژه «فراجا» که از حملات اسرائیل قسر در رفته، ادعا کرده است که در جنگ ۱۲ روزه «در مبارزه با کسانی که جاسوسی می‌کردند نمره قبولی گرفتیم».

● ضعف و ناتوانی حکومت در شناسایی و مقابله با جاسوسی البته بسیار منحصر به فرد است. غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی در یک سخنرانی گفته در جریان جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل و پس از آن، «حدود دو هزار نفر دستگیر شدند اما بسیاری از آنها در فاصله کوتاهی آزاد شدند چون نه جاسوس بودند نه با اسرائیل همکاری داشتند.»

● نتیجه آنچه مقامات انتظامی و امنیتی نظام به آن «دستاورد» و «موفقیت» می‌گویند قتل دست‌کم شش نفر از شهروندان بیگناه پس از جنگ ۱۲ روزه در اثر تیراندازی مأموران امنیتی مستقر در ایست‌های بازرسی به اتومبیل‌های عبوری بود.

فرمانده یگان‌های ویژه «فراجا» که از حملات اسرائیل قسر در رفته، ادعا کرده است که در جنگ ۱۲ روزه «در مبارزه با کسانی که جاسوسی می‌کردند نمره قبولی گرفتیم».

سردار مسعود مصدق دوم امرداد در مصاحبه با ایلنا گفت: «فراجا توانست در دستگیری و در مقابله به بهترین نحو ممکن عمل کند و مانع تحرک کسانی شود که می‌خواستند امنیت جامعه را بهم بزنند و با قدرت برخورد کرد و همچنان هم در صحنه هستیم.»

او همچنین مدعی شد، تدابیری که یگان ویژه در مقابله با جریان نفوذ در سطح شهرها انجام داده «با مدیریت صحیح فرماندهان و تلاش و زحمت همکاران باعث امنیتی پایدار شده است.»

مصدق افزود: «فراجا همچنان هم در صحنه است و مطمئن باشید تا زمانی که همه دستگاه‌های امنیتی همه نیروها مسلح هستند کسی نمی‌تواند کوچک‌ترین گزند به امنیت کشور وارد کند.»

فرماندهان و رؤسای دستگاه‌های امنیتی، نظامی و انتظامی جمهوری اسلامی مدام از عملکرد نهادهای تحت امر خود در

صنعتی و خدماتی باید مقدماتی را فراهم کنند تا در صورت تشدید بحران‌های نظامی و سیاسی، بتوانند حیات کسب‌وکار خود را حفظ کنند. یکی از ابتدایی اقدامات در چنین شرایطی «کاهش هزینه» است. برای واحدهایی که با جیره‌بندی انرژی، مشکل تأمین نقدینگی، کاهش سفارشات و افزایش محدودیت‌های تجارت خارجی به علت شرایط جنگی روبرو هستند، کاهش نیروی کار از جمله مهمترین راهکارها برای کاهش هزینه است؛ به ویژه اینکه سطح فعالیت و تولید نیز با کاهش روبرو شده است. موج اخراج نیروی کار از کارگران تا کارمندان بخش خصوصی، در کنار گرانی و افزایش هزینه زندگی مشکلاتی جدی برای خانوارهای حقوق‌بگیر ایجاد کرده است. گرانی، تورم و درآمدهای ناکافی تنها بخشی از مسائل است؛ کمبود شدید انرژی از بی‌برقی و تا بی‌آبی به چالشی جدی برای دولت تبدیل شده است. مسعود پزشکیان روز گذشته اعلام کرده که «بحران آب از آنچه امروز درباره آن صحبت می‌شود، جدی‌تر است و اگر از امروز فکری عاجل نکنیم، در آینده با شرایطی مواجه می‌شویم که نمی‌توان هیچ‌علاجی برای آن یافت.»

وزیر نیرو نیز پیشتر هشدار داده بود که پنج استان ایران به بحران جدی برای تأمین آب آشامیدنی روبرو هستند. در تهران مردم با قطع ساعت‌ها آب روبرو هستند و بازه قطع آب در محله‌های جنوب شهر به ۱۲ ساعت در ۲۴ ساعت رسیده است.

برق هم نیست؛ قطع برق منازل مسکونی در استان‌های مختلف ادامه دارد و قطع برق در شهرک‌های صنعتی به چهار روز در هفته رسیده است؛ به بیان دیگر واحدهای تولیدی و صنعتی در بسیاری از شهرک‌های صنعتی تنها دو تا سه روز در هفته امکان فعالیت دارند!

حمله اسرائیل همچنین پهانه‌ای در دست حکومت شد تا اینترنت را با محدودیت‌های بیشتری روبرو کند. اختلال در اینترنت نه تنها شهروندان را سرکوب و استفاده آنها از اینترنت را محدود کرده بلکه خسارتی سنگین در حوزه تجارت الکترونیک ایران ایجاد کرده است. حوزه تجارت الکترونیک در ایران اگرچه نوپا است اما کسب‌وکارها و استارت‌آپ‌های زیادی در این حوزه فعال هستند که با اختلال در اینترنت دچار زیان گسترده و ورشکستگی شده‌اند، بدون اینکه از حمایتی از سوی دولت برخوردار باشند.

کاهش شدید درآمدهای ارزی در هر دو بخش نفتی و غیرنفتی نیز تداوم دارد؛ دولت مسعود پزشکیان برخلاف وعده‌های انتخاباتی نه تنها طی سال نخست فعالیت نتوانست گشایشی در گره کور تحریم‌ها ایجاد کند بلکه ایران را در رویارویی با جنگ تمام عیار نظامی قرار دارد و بی‌ثباتی‌های اقتصادی را تشدید کرد.

همه این مشکلات اقتصادی، نه تنها سفره‌های مردم را بیش از پیش کوچک کرده بلکه موج تازه‌ای از بی‌اعتمادی و ناامیدی را نیز به سطوح مختلف جامعه تزریق کرده است. آلبرت بغزبان، اقتصاددان، نیز با هشدار نسبت به مشکلات معیشتی جامعه گفته «گرانی نان، لبنیات و دیگر اقلام مصرفی مردم در شرایط فعلی هیچ توجیهی ندارد و یکسره به زیان همبستگی اجتماعی است. اکنون زمان مناسبی برای دستکاری‌های قیمتی و گران‌سازی کالاها و خدمات نیست. نمی‌شود از مردم بابت صوری آنها در جنگ تشکر کرد و بعد با یکسری اقدامات از این دست آنها را تنبیه کرد.»

مشکلات اقتصادی اما حادث از آنست که دولت پزشکیان در ماه‌های آینده حتی بتواند با اقدامات مُسکن‌وار و نَخ‌ها شده یا با وعده و وعید اقشار حقوق‌بگیر را تحت تأثیر قرار دهد و رضایت و امید به آنان تزریق کند.

تداوم جیره‌بندی آب؛ رئیس دولت می‌گوید شاید دولت‌اش نتواند آب آشامیدنی تهران را تأمین کند!



شده اما در کشور ما چنین چیزی نیست» گفته «به نظر من در چنین شرایطی وزارت نیرو باید مصارف غیرضروری را که در اولویت نیست کنترل کند.»

قطع و جیره‌بندی آب اگر چه به صورت غیررسمی و از پیش اعلام نشده، اما بطور گسترده در جریان است. در بسیاری از محله‌ها نیز فشار آب به شدت کاهش پیدا کرده بطوری که در طبقات دوم به بالای ساختمان‌ها در عمل آب قطع است.

خرگزاری «فارس» در گزارشی از پروتوق شدن بازار فروش پمپ و مخزن آب خبر داده و نوشته بازار پمپ آب در تابستان ۱۴۰۴ به دلیل کاهش فشار آب در تهران و شهرهای دیگر کشور با رشد قیمت و افزایش تنوع مدل‌ها مواجه شده است.

بر اساس این گزارش قیمت پمپ‌های خانگی با توان نیم اسب از حدود ۵/۳ میلیون تومان آغاز می‌شود و در مدل‌های بالاتر تا ۸/۵ میلیون تومان نیز می‌رسد.

این گزارش افزوده خرید مخزن و ست کنترل هم تا ۱۵ میلیون تومان قیمت خواهد داشت. یکی از مشتریان خرید مخزن آب گفته «نصب مخزن، پمپ، لوازم جانبی و دستمزد نصاب برای ما بیشتر از ۲۰ میلیون تومان هزینه برداشت. با نصب پمپ، مشکل حل شد! طوری که تا کنون چنین فشار آبی را تجربه نکرده بودیم و همین مرا نگران کرد! چون اگر بعد از نصب مخزن و پمپ، مردم صرفه جویی را فراموش کنند، خطر بی‌آبی تهران از حالا هم شدیدتر خواهد.»

محسن اردکانی مدیرعامل آب و فاضلاب تهران چند روز پیش با اشاره به کاهش ۴۸ درصدی بارش‌ها و پر نشدن مخازن سدها، از شهروندان خواسته بود برای مقابله با افت فشار و مدیریت کم‌آبی، نسبت به خرید و نصب مخزن و پمپ آب اقدام کنند.

رسیده؛ لباس‌ها و ظرفهای کثیف تلمبار شده و برای مصرف روزانه و آشپزی باید در انتظار ماشین‌های آبرسان باشند که معمولاً با تأخیر و نامنظم به آبرسانی مشغول هستند.

جیره‌بندی گسترده آب بخش خانگی در حال است که عمده آب در ایران در بخش کشاورزی مصرف می‌شود و به گفته محسن اردکانی مدیر آبیای تهران فقط ۹ درصد مصرف آب در بخش خانگی صورت می‌گیرد.

با تشدید بحران کمبود آب در استان‌های مختلف، مقاماتی که در این مدت سکوت کرده بودند ناچار به اظهارنظر و هشدار درباره کمبود آب شده‌اند.

مسعود پزشکیان با اشاره به بحران آب گفته که دولت او «وارث ناترازی‌های گذشته» و «در تمام زمینه‌ها در لبه پرتگاه هستیم».

پزشکیان با تأکید بر تشدید بحران کمبود آب در تهران گفته اگر روند مصرف فعلی ادامه یابد و تصمیمی برای تعطیلی پایتخت گرفته نشود، دولت او قادر به تأمین آب آشامیدنی شهروندان نخواهد بود. معلوم نیست تعطیلی پایتخت چطور باید منابع آب را پرآب و ناکارآمدی مزمن حکومت را حل کند!

مهدی جمالی‌نژاد استاندار اصفهان اعلام کرد که بحران آب در استان جدی است و در کنار خشکی زاینده‌رود، افت شدید منابع زیرزمینی، کشاورزی و صنعت را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرده است.

در حالیکه قطع و جیره‌بندی آب از ماه گذشته در شهرهای مختلف کشور در جریان است اما محمد رشیدی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی گفته «چه آب و چه برق فرقی ندارد اگر منابع تقلیل پیدا کند ممکن است جیره‌بندی رخ دهد.»

عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه «در همه جای دنیا آب شرب از دیگر مصارف جدا و تفکیک

● سخنگوی صنعت آب بار دیگر با ارائه آماری از وضعیت کمبود آب در شهرهای مختلف اعلام کرده «نزدیک به ۵۰ شهر در ۲۴ استان کشور دارای «تنش آبی معنادار» هستند که این شرایط به سادگی قابل عبور نیست.» منظور از «تنش آبی» چیزی جز کمبود و نبود آب نیست!

● جیره‌بندی گسترده آب بخش خانگی در حال است که عمده آب در ایران در بخش کشاورزی مصرف می‌شود و به گفته محسن اردکانی مدیر آبیای تهران فقط ۹ درصد مصرف آب در بخش خانگی صورت می‌گیرد.

در ادامه بحران کمبود آب برخی مقامات ناچار به اعتراف درباره عمق این بحران شده و جیره‌بندی آب را تأیید کرده‌اند.

عیسی بزرگزاده سخنگوی صنعت آب بار دیگر با ارائه آماری از وضعیت کمبود آب در شهرهای مختلف اعلام کرده «نزدیک به ۵۰ شهر در ۲۴ استان کشور دارای «تنش آبی معنادار» هستند که این شرایط به سادگی قابل عبور نیست.» منظور مقامات و رسانه‌های حکومت از «تنش آبی» چیزی جز کمبود و نبود آب نیست!

سخنگوی صنعت آب افزوده که کمبود بارش‌ها، تأثیر مستقیم بر ورودی‌های سدها و همچنین آب‌های زیرزمینی گذاشته است و ورودی‌های سدها بیش از ۴۰ درصد کاهش یافته و مخازن آب نیز با کمبود حدود ۲۰ درصدی مواجه هستند. همچنین ویدئوها و تصاویری از قطع آب شهرها و روستاها در استان‌های مختلف ایران منتشر می‌شود. مردم با دبه و بطری‌های آب در صف طولانی منتظر ماشین‌های آبرسان هستند تا بتوانند برای نیازهای ضروری کمی آب تهیه کنند.

در پایتخت و چند شهر دیگر از جمله بوشهر ساعات قطع آب در شبانه‌روز افزایش یافته است. برخی شهروندان ساکن تهران گزارش داده‌اند که قطع آب به سه تا چهار روز پیوسته

عیسی کلانتری: با تداوم بحران آب، ایران فرو می‌پاشد



مجلس شورای اسلامی با استناد به گفته‌های اعلام مسئولان آب و فاضلاب استان تهران اعلام کرده تا چهل روز آینده در تهران دچار بی آبی یا کم آبی شدید خواهیم بود.

رضا سپهوند، عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، نیز از احتمال گسترش جیره‌بندی آب در ماه‌های آینده خبر داده و گفته «در حال حاضر تنها راه مدیریت این است که قطعی‌ها را کاهش دهیم... متأسفانه احتمالاً در ماه‌های آینده شاهد جیره‌بندی آب در بیشتر نقاط کشور خواهیم بود که در برخی استان‌ها و شهرها شروع شده است.»

مجتبی یوسفی، دیگر نماینده مجلس شورای اسلامی نیز با انتقاد نسبت به قطع برق و آب در استان‌های مختلف گفته «مردم چه باید بکنند؟ این اتفاق مشابه قطع گاز در فصل سرما نیست که بگوئیم اگر وسایل گرمایشی وجود نداشت، مردم از لباس و پوشش گرم استفاده کنند؛ در دما و رطوبت بالا، یک خانواده برای نوزاد خود چه اقدامی می‌تواند انجام دهد؟ گله‌مندیم و از سال گذشته نسبت به این موضوع تذکر داده‌ایم. مقصر این وضعیت مردم نیستند. اینها به خاطر سوءمدیریت است.»

با تشدید بحران کمبود آب و برق ادارات، بانک‌ها و مراکز آموزشی ۲۳ استان ایران امروز چهارشنبه اول مرداد تعطیل شده یا ساعات کار آنها کاهش یافته است.

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت در حاشیه برگزاری نشست خبری روز سه‌شنبه ۳۱ تیرماه ۱۴۰۴ با این ادعا که دولت علاقمند به تعطیلی نیست گفته «اگر واقعاً برای مدیریت مصرف آب لازم باشد این کار انجام شود، ممکن است انجامش دهیم.»

سخنگوی دولت افزوده «بنا شد دولت گزارشی تهیه کند که تعطیل کردن‌ها چقدر صرفه‌جویی ایجاد می‌کند چون ما در استان‌های شمالی مشکل تأمین آب نداریم، اما در استان تهران وضعیت ویژه است.»

در صنعت و شرب و بهداشت حدود ۱۱ میلیارد مترمکعب در سال است که از این مقدار ۹ میلیارد مترمکعب برای شرب و بهداشت و ۲ میلیارد مترمکعب برای صنعت مصرف می‌شود.»

او نسبت به سیاست‌های پوپولیستی نیز هشدار داد و گفت: «با این رفتارهای سیاسی نمی‌توان بحران آب را مدیریت کرد.»

او با تأکید بر اینکه «خشکسالی و بی‌آبی از هر تهدید خارجی، ایران را به نابودی نزدیک‌تر می‌کند» گفته «اگر مصرف آب کشاورزان کاهش یابد، احتمالاً دو میلیون کشاورز بیکار می‌شوند، اما کشور از بحران و ویرانی طبیعت نجات خواهد یافت. مسئله سرزمین آب است و این تهدید به مراتب خطرناک‌تر از حمله اسرائیل به کشور است. ما باید این مسئله را خودمان حل کنیم، زیرا انتقال آب از دریا و حوزه به حوزه راه‌حل نیست.»

گسترده شدن دامنه پیامدهای بحران کم‌آبی در ایران به مسائل امنیتی پیشتر نیز از سوی کارشناسان مطرح شده است. این در حالیست که طی چهار دهه گذشته جمهوری اسلامی چشم بر مدیریت صحیح و موثر منابع آبی بسته و با اقدامات خسارت‌بار سبب تشدید بحران خشکسالی و کم‌آبی در ایران شده است.

اکنون در حالی کمبود آب سبب قطع آب طولانی مدت بخش خانگی شده که به اعتراض مردم را در شهرهای مختلف برانگیخته است.

طی چند شب گذشته ده‌ها تن از شهروندان ساکن سبزوار در استان خراسان «رضوی» با برگزاری تجمع و به صدا درآوردن بوق اتومبیل‌ها نسبت به قطع آب اعتراض کردند.

بحران کمبود آب اما در هفته‌های آینده افزایش خواهد یافت. در همین رابطه زینب قیصری نماینده تهران در

عیسی کلانتری با بیان اینکه «خشکسالی و بی‌آبی از هر تهدید خارجی، ایران را به نابودی نزدیک‌تر می‌کند» گفته: «مسئله سرزمین آب است و این تهدید به مراتب خطرناک‌تر از حمله اسرائیل به کشور است.»

طی چهار دهه گذشته جمهوری اسلامی نه تنها ناتوان از مدیریت صحیح و موثر منابع آبی بوده بلکه با اقدامات خسارت‌بار سبب تشدید بحران خشکسالی و کم‌آبی در ایران شده است.

اکنون در حالی کمبود آب سبب قطع طولانی آب در بخش خانگی شده که اعتراضات مردم را در شهرهای مختلف برانگیخته است.

عیسی کلانتری رئیس پیشین سازمان حفاظت محیط زیست هشدار داده که تداوم بحران کمبود آب به نابودی ایران منجر خواهد شد.

بحران کمبود آب در ایران به اوج رسیده و قطع گسترده آب در بخش خانگی در شهرهای مختلف کشور در جریان است. ذخایر آب پشت سدها به پایین‌ترین سطح رسیده است.

عیسی کلانتری رئیس پیشین سازمان حفاظت محیط زیست در گفتگو با «رویداد۲۴» توضیح داده که «آب مصرفی در بخش صنعت سالانه حدود ۱۰ میلیارد مترمکعب است، اما بخش کشاورزی حدود ۷۷ میلیارد مترمکعب آب مصرف می‌کند که باید کنترل شود. ما بخش کشاورزی را رها کردیم و به جای آن، مصرف آب خانگی را محدود می‌کنیم؛ مثلاً می‌گویند مصرف آب شرب را از دو لیتر به یک لیتر کاهش دهید.»

کلانتری بر اهمیت حفظ منابع آبی تأکید کرد و گفت: «باید سهم آب کشاورزی را محدود کنیم تا این منابع برای حفظ محیط زیست ذخیره شوند. در حالی که آب مصرفی

خطر کمبود آب آشامیدنی برای نیمی از جمعیت شهرنشین ایران



● زنگ خطر درباره کاهش منابع آبی کشور از مدت‌ها پیش به صدا درآمده بود و امسال با کاهش بارندگی‌ها نسبت به سال‌های گذشته، اثرات چند دهه بی‌تفاوتی حکومت به مدیریت منابع آبی نمایان شده است.

● بر اساس داده‌های رسمی هواشناسی تا ۹ تیر ۱۴۰۴، تنها ۵۷/۳۲ درصد منابع آب کشور تأمین شده و میزان بارش از ابتدای سال آبی با کاهش ۴۰/۲ درصدی نسبت به بلندمدت برآورد شده است.

● استان‌های سیستان و بلوچستان، جنوب خراسان، بخش‌هایی از فارس، کرمان، یزد، اصفهان، سمنان و خوزستان در دسته کم‌بارش‌ترین استان‌های کشور در سال آبی جاری قرار گرفته‌اند.

● مقامات دولتی همچنان جیره‌بندی آب را انکار می‌کنند و معتقدند در برخی شهرها فشار آب کاهش یافته اما «قطع برنامه‌ریزی شده» اتفاق نیافتاده است.

جیره‌بندی آب آشامیدنی در شهرهای مختلف ایران آغاز شده اما همچنان مقامات دولتی مدعی هستند قطع برنامه‌ریزی شده آب در دستور کار نیست و فقط فشار آب کاهش یافته است. تازه‌ترین آمارها نشان می‌دهد نیمی از جمعیت شهرنشین ایران با بحران کمبود آب آشامیدنی روبرو هستند.

هاشم امینی مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب کشور در یادداشتی از آخرین وضعیت تأمین آب خبر داده و نوشته است که ۵۲ شهر در ۲۹ استان کشور از جمله تهران، مشهد، اصفهان، اراک، بندرعباس و یزد در وضعیت تنش آبی قرار دارند. این بدان معناست که تقریباً نیمی از جمعیت شهری ایران در معرض بحران ناپایداری تأمین آب آشامیدنی هستند. زنگ خطر درباره کاهش منابع آبی کشور از مدت‌ها پیش به صدا درآمده بود و امسال با کاهش بارندگی‌ها نسبت به سال‌های گذشته، اثرات چند دهه بی‌تفاوتی حکومت به مدیریت منابع آبی نمایان شده است.

کاهش آب ذخیره شده پشت سدهای کشور در نتیجه کاهش بارندگی در سال آبی جاری سبب شده بحران کم‌آبی به اوج برسد. بر اساس داده‌های رسمی هواشناسی تا ۹ تیر ۱۴۰۴، تنها ۵۷/۳۲ درصد منابع آب کشور تأمین شده و میزان بارش از ابتدای سال آبی با کاهش ۴۰/۲ درصدی نسبت به بلند مدت برآورد شده است.

نقشه توزیع بارش نشان می‌دهد که بخش‌های گسترده‌ای از نیمه شرقی، جنوب‌شرقی و نواحی مرکزی کشور همچنان در شرایط کم‌بارش یا بی بارش قرار دارند. در مقابل، نوار شمالی، شمال‌غرب و غرب کشور وضعیت بهتری داشته اما همچنان از نظر مقدار بارش با نرمال فاصله دارد.

همچنین استان‌های سیستان و بلوچستان، جنوب خراسان، بخش‌هایی از فارس، کرمان، یزد، اصفهان، سمنان و خوزستان در دسته کم‌بارش‌ترین استان‌های کشور در سال آبی جاری قرار گرفته‌اند. گزارش دیگری تأکید کرده آذربایجان‌غربی، دومین استان پرآب کشور، این روزها با یکی از جدی‌ترین بحران‌های آبی در دهه‌های اخیر مواجه است؛ بحرانی که ناشی از کاهش شدید بارندگی‌ها، افت محسوس ذخایر سدها و برداشت بی‌رویه از منابع زیرزمینی است.

در برخی استان‌ها کمبود آب نه تنها تأمین آب کشاورزی بلکه تأمین آب آشامیدنی را نیز با مشکل روبرو کرده است. از جمله در استان تهران جیره‌بندی آب آغاز شده و در بسیاری از

فاضلاب کشور بروز پدیده تغییر اقلیم، افزایش دمای هوا، کاهش بارندگی‌های مؤثر و افت منابع تجدیدپذیر آبی در کنار اقلیم ذاتاً خشک و نیمه‌خشک ایران وضعیت تأمین آب شرب و بهداشت شهروندان را به چالشی نگران‌کننده بدل کرده است.

او با تأکید بر اینکه تنش آبی در ۵۲ شهر، نیمی از جمعیت شهرنشین را در معرض بحران کمبود آب آشامیدنی قرار داده، نوشته اگر مدیریت مصرف در سطح خانوار و جامعه نهادینه نشود، حتی بزرگ‌ترین طرح‌های مهندسی نیز نمی‌توانند از بروز بحران جلوگیری کنند. صرفه‌جویی ۱۵ تا ۲۰ درصدی توسط شهروندان، می‌تواند شرایط آبرسانی را در بسیاری از شهرهای دارای تنش آبی به وضعیت پایدار برگرداند.

کورش شیرانی ژوهشگر حوزه زمین‌شناسی و مخاطرات طبیعی و دانشیار پژوهشکده حفاظت خاک و آبخیزداری، نیز با تأکید بر تدوین برنامه فوری برای کاهش برداشت از سفره‌های آب زیر زمینی گفته «مهم‌ترین راه حل برای مقابله با فرونشست، کاهش یا توقف برداشت از سفره‌های آب زیرزمینی است بنابراین باید مناطق بحرانی را با پهنه‌بندی خطر شناسایی و در اولویت‌های بالا برداشت را متوقف شود.» پژوهشگر حوزه زمین‌شناسی و مخاطرات طبیعی افزوده «با وجود کاهش بارش‌ها در سطوح جهانی، ملی و منطقه‌ای، حجم روان‌آب‌های کشور قابل توجه است زیرا با اجرای طرح‌های آبخیزداری می‌توان هم از فرسایش خاک جلوگیری کرد و هم سیلاب‌ها را برای تغذیه مصنوعی سفره‌ها مهار کرد. اگر چه در مرحله اول درصد کمی از نیاز را تأمین می‌کند، اما برای بخشی از جوامع راهگشا خواهد بود.»

کورش شیرانی با تأکید بر حمایت همه‌جانبه از جوامع محلی افزوده «این امر مستلزم همکاری وزارتخانه‌ها برای حل چالش‌های اجتماعی و اقتصادی و تأمین معیشت کشاورزان، ایجاد شغل‌های جایگزین، حمایت‌های مالی و حل چالش‌های اجتماعی - اقتصادی ناشی از کاهش برداشت آب است.» او همچنین افزوده «کشاورزانی که برای معیشت خود به برداشت آب وابسته‌اند، نیازمند شغل‌های جایگزین و حمایت‌های مالی هستند و بدون این حمایت‌ها، اجرای کاهش برداشت عملی نیست.»

مناطق شهروندان ساعت‌ها با قطع آب روبرو هستند.

مناطق جنوبی و حواشی تهران همانند صالحیه، پیشوا، برخی از روستاها در کهریزک و باقرشهر طی هفته‌های اخیر با قطعی آب مواجه شده‌اند و حتی برخی از این مناطق به صورت برنامه‌ریزی شده هر شب با قطع آب مواجه می‌شوند. ویدئوهای منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی اهالی «مهدی‌آباد» استان ایلام هم می‌گویند در شبانه‌روز ۱۳ ساعت آب قطع است. مقامات دولتی همچنان جیره‌بندی آب را انکار می‌کنند و معتقدند در برخی شهرها فشار آب کاهش یافته اما «قطع برنامه‌ریزی شده» اتفاق نیافتاده است.

شرکت آبفای تهران مدعی شده «ذخایر سدهای تأمین‌کننده آب تهران در پایین‌ترین وضعیت در یک قرن اخیر قرار دارد.»

این شرکت همچنین اعلام کرده «قطعی آب برنامه‌ریزی شده نداریم اما افت فشار خواهیم داشت، زیرا با افزایش هر یک درجه دما بیشتر از ۴۰ درجه، تا ۵ درصد میزان مصرف آب افزایش پیدا می‌کند.»

گزارش‌های میدانی اما نشان می‌دهد جیره‌بندی آب در عمل اجرا شده اما فقط محله‌های جنوب شهرها هدف این جیره‌بندی هستند.

در همین رابطه روزنامه «شرق» هفته گذشته گزارش داد در شهر تهران فقط مناطق جنوب و حاشیه‌ای شهر با ساعت‌ها قطع برق روبرو هستند اما در محله‌های شمال شهر قطع آب اتفاق نمی‌افتد. در روند جیره‌بندی برق نیز همواره محله‌های جنوبی و فقیرنشین بیش از محله‌های شمال شهرها با قطع برق روبرو بودند.

روزنامه «جهان صنعت» نیز در شماره امروز شنبه به افزایش قیمت تعرفه آب شهری اشاره کرده و نسبت خطر «طبقاتی شدن آب» هشدار داده است. در این گزارش آمده افزایش نجومی قیمت آب در برخی مناطق ایران، به دو تا سه برابر نرخ قبلی رسیده و نگرانی‌هایی درباره کارایی سیاست‌های مصرف و مدیریت منابع آبی ایجاد کرده است. اینهمه در شرایطی که نیمی از جمعیت شهرنشین ایران در معرض بحران کمبود آب آشامیدنی قرار دارند، قابل توجه است. بر اساس یادداشت هاشم امینی، مدیرعامل شرکت آب و

قطع سیم کارت؛ ابزار جدید سرکوب شهروندان



بودند که به دادستانی مراجعه کنید. بعد از پایان حملات اسرائیل به کشورمان به ساختمان معاونت فضای مجازی دادستانی در خیابان خیام مراجعه کردم. جالب بود که بیش از ۵۰ نفر با شرایطی مشابه من در ساختمان مذکور حاضر شده بودند. در آنجا مسئول مربوطه شماره‌ای به من داد و گفت که از طریق پیام رسان «ایتا» پرونده‌ام را پیگیری کنم. «هدی» گفته با شماره مذکور پیام داده و در نهایت «در پیام‌رسان ای‌تا یک تعهدنامه در اختیارم قرار داده و اعلام کردند که از آن پرینت نگیرم بلکه آن را با دست خودم بنویسم، امضا کنم و در اختیارشان قرار دهم. در بخشی از این تعهدنامه آمده بود: «از این پس هیچگونه فعالیت، محتوا یا اظهار نظری که به منظور برهم زدن امنیت روانی، اجتماعی یا سیاسی کشور در فضای مجازی باشد انجام نخواهم داد. و در صورت هرگونه تخلف و تکرار فعالیت‌های مغرضانه نهادهای ذیربط مجاز به اعمال محدودیت‌های قانونی و پیگرد قضایی خواهند بود...» او گفته «من تعهدنامه را امضا کرده و در اختیار همان شماره قرار دادم. در ادامه از طریق به من اعلام شد که باید توییت‌هایی را که در نقد و اعتراض به سیاست‌ها و رویکردهای مرتبط با مسائل روز نوشته بودم پاک کنم، حتی توییت‌هایی که مربوط به ماجرای «مهسا امینی» بود را هم گفتند پاک کن. همچنین تصویر پروفایلم عبارت «زن، زندگی، آزادی» بود که گفتند تصویر مذکور را هم باید تغییر دهم. در نهایت هم دستور دادند که باید همه پست‌هایم در توییتر را هم پاک کنم. من حدود ۵۰ هزار توییت داشتم که همه آنها را پاک کردم. آخر سر هم گفتند باید ۲۰ توییت حمایتی بزنم.» این شهروند گفته «در طول حملات اسرائیل تا جایی که وضعیت اینترنت اجازه می‌دهد بنا بر احساسات وطن دوستانه خود توییت‌هایی را اعتراض به حملات اسرائیل منتشر می‌کنم؛ نه تنها تعهدنامه را ارسال کردم بلکه توییت‌هایی که در مدت جنگ زده بودم را هم برای‌شان ارسال کردند به این امید که متوجه شوند، من هم یکی از مردمی هستم که قلبش برای کشورش می‌تپد و دلیل پست‌های انتقادی‌ام هم همین دلسوزی بوده اما فایده نداشت و تا امروز خط من همچنان مسدود مانده است.»

خاص» است و موضوع را پیگیری می‌کنند. ۲۴ ساعت بعد از طرف مخابرات با شماره ایرانی‌ای که در اختیارشان قرار داده بودم تماس گرفته و اعلام شد که خط من از سوی «معاونت فضای مجازی دادستانی» قطع شده است. آنها برای پیگیری موضوع شماره‌ای که ظاهراً مربوط به این معاونت بود در اختیارم قرار دادند. او با شماره‌ای که در اختیارش قرار گرفته تماس می‌گیرد و آنها هم شماره دیگری به او می‌دهند که موضوع را پیگیری کند. در نهایت هم شماره‌ای مربوط به پیام‌رسان داخلی «ایتا» در اختیارش قرار می‌گیرد: «این حجم از تماس و پیگیری به جایی نرسید، در نهایت به معاونت فضای مجازی واقع در خیابان خیام مراجعه کردم.» مراجعه به این نهاد هم در نهایت به پیگیری ماجرا از طریق همان شماره «ایتا» ختم شد: «به شماره مذکور پیام دادم و راهکار خواستم. مشخصاتم را گرفتند و در نهایت گفتند با شماره‌ای ۱۱۴ تماس بگیرم. همین کار را کردم و مشخصات مورد نیاز را در اختیار فرد آن طرف خط قرار دادم، بعد هم اعلام شد که با من تماس می‌گیرند.» او گفته در نهایت به او اعلام شده که علت قطع سیم کارت «تولید محتوای مجرمانه» است، بعد هم دستورالعملی برایش ارسال کردند مبنی بر اینکه باید تعهدنامه‌ای را امضا کند: «من تعهدنامه را امضا کردم. در مرحله بعد اعلام کردند که باید برخی از توییت‌های انتقادی‌ام را پاک کنم و من همین کار را کردم. اما بعد تأکید کردند که باید همه توییت‌هایم را پاک کنم. بعد هم گفتند باید ۲۰ پست حمایتی از حاکمیت بزنم.» «هدی» شهروند دیگری است که سیم‌کارت او قطع شده و به «امتداد» گفته «وقتی برای رفع مشکل به دفتر خدمات همراه اول مراجعه کردم، پاسخ دادند که رفع مشکل از عهده آنها خارج است و از اصطلاح «انسداد مدیریتی» استفاده کردند. در فرایند پیگیری موضوع شماره تلفن‌های مختلفی به من داده شد تا اینکه در نهایت شماره یکی از نهادهای خاص به او داده می‌شود. تماس با شماره مذکور هم راه به جایی نمی‌برد.» او افزوده «به توصیه یکی از دوستان وارد بخش خدمات اپلیکیشن همراه اول شدم. در این اپلیکیشن اعلام کرده

● قطع سیم‌کارت موبایل یا محدودسازی دسترسی به حساب‌های کاربری در شبکه‌های اجتماعی داخلی جدیدترین شیوه سرکوب توسط جمهوری اسلامی است.

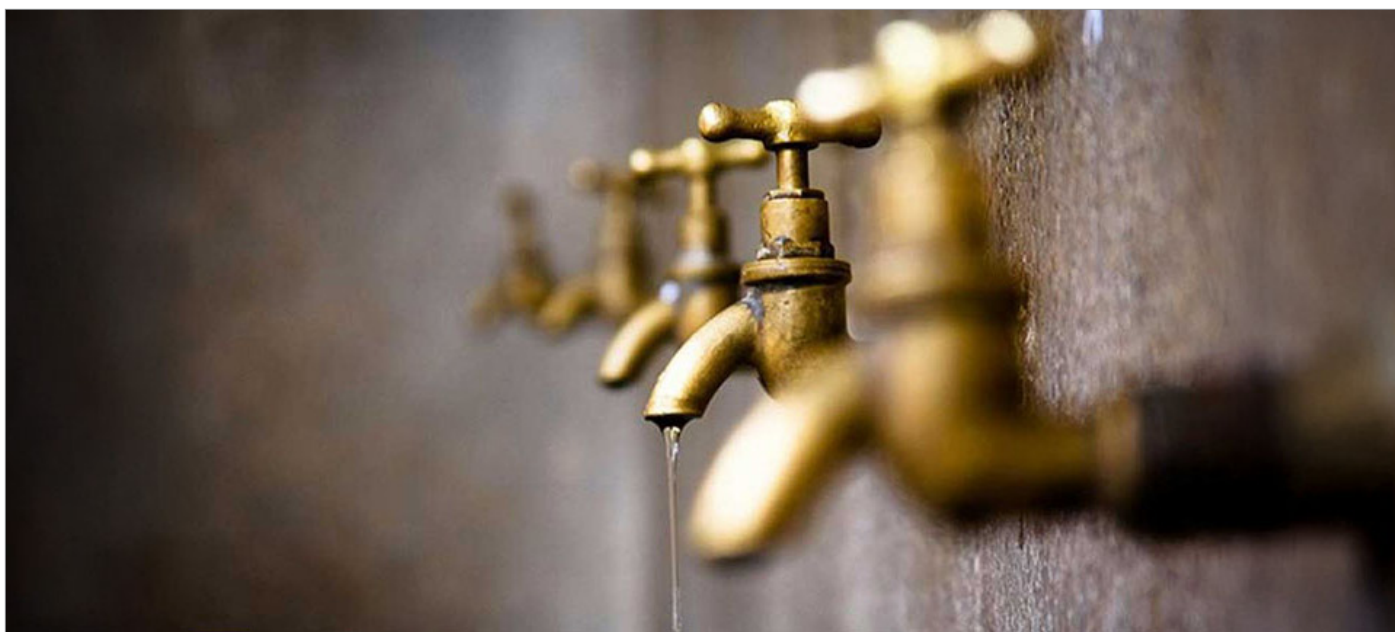
● قطع سیم‌کارت به علت اظهارنظر شهروندان در شبکه‌های اجتماعی انجام می‌شود و یکی از شروط وصل دوباره سیم‌کارت پاک کردن مطالب انتقادی از فضای مجازی و انتشار مطالبی در حمایت از جمهوری اسلامی است.

قطع سیم‌کارت موبایل یا محدودیت دسترسی شهروندان به حساب‌های کاربری در شبکه‌های اجتماعی داخلی جدیدترین ابزار سرکوب شهروندان است که به تازگی از سوی جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد. گزارش‌ها از ایران حاکی از شیوه جدید سرکوب شهروندان از سوی جمهوری اسلامی با قطع سیم‌کارت موبایل یا محدودسازی دسترسی به حساب‌های کاربری در شبکه‌های اجتماعی داخلی است.

برای نمونه سیم‌کارت علی اکبر گرجی ازندریانی یکی از اساتید معروف حقوق اساسی و استاد دانشگاه «بهشتی» در تهران (دانشگاه ملی ایران) قطع شده است. به گزارش روزنامه «شرق» سیم‌کارت این استاد دانشگاه به دلیل طرح مطالب انتقادی در شبکه‌های اجتماعی‌اش، در دوران جنگ ۱۲ روزه میان جمهوری اسلامی و اسرائیل قطع شد. گزارش وبسایت «امتداد» نیز با انتشار گزارشی درباره قطع سیم‌کارت‌ها نوشته علت این اقدام اظهار نظرهای انتقادآمیزی است که افراد نسبت به مسائل روز کشور داشته‌اند. «امتداد» تأکید کرده قطع سیم‌کارت افراد به واسطه رأی هیچ دادگاهی انجام نشده است. رفتاری که حتی منطبق با قوانین جمهوری اسلامی نیست و در هیچیک از قوانین کشور هم حق اظهار نظر شهروندان نسبت به مسائل کشور نه جرم است و نه تخلف.

یکی از شهروندانی که سیم‌کارت‌اش قطع شده به «امتداد» گفته «صبح روز ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۴ با مساله قطعی سیم‌کارت همراه اولم مواجه شدم. وقتی با مخابرات تماس گرفتم اعلام شد که علت این موضوع «قطع مدیریت

یک سوم آب آشامیدنی ایران گم می‌شود!



آب منجر شد. در همین راستا شرکت آب و فاضلاب استان تهران نیز با تأیید این شرایط اضطراری، اعلام کرده ذخایر آبی سدها در پایین‌ترین سطح خود در ۱۰۰ سال گذشته قرار دارند. بحران کمبود آب آنچنان جدی شده که دولت اقدام به تعطیلی نیمی از استان‌های کشور کرده است. استان‌های تهران، یزد، کرمان، مازندران، گیلان، البرز، قم، خوزستان، هرمزگان، بوشهر و خراسان شمالی در روزهای سه‌شنبه یا چهارشنبه تعطیل اعلام شده‌اند.

ساعات کار ادارات و بانک‌ها در استان‌های سمنان، کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه، ایلام، سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی نیز با تغییر و کاهش یافته است.

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت در حاشیه برگزاری نشست خبری روز سه‌شنبه ۳۱ تیرماه ۱۴۰۴ با این ادعا که دولت علاقمند به تعطیلی نیست در ارتباط با تداوم تعطیلی‌ها گفته «اگر واقعاً برای مدیریت مصرف آب لازم باشد این کار انجام شود، ممکن است انجام دهیم».

سخنگوی دولت افزوده «بنا شد دولت گزارشی تهیه کند که تعطیل کردن‌ها چقدر صرفه‌جویی ایجاد می‌کند چون ما در استان‌های شمالی مشکل تأمین آب نداریم، اما در استان تهران وضعیت ویژه است».

عیسی بزرگ‌زاده سخنگوی صنعت آب ایران روز دوشنبه ۳۰ تیرماه اعلام کرد که در حال حاضر ۲۴ استان و ۵۳ شهر کشور کمبود آب دارند که در صدر آنها، تهران و البرز با جمعیتی بیش از ۲۰ میلیون قرار دارند. شهرهای اصفهان، اراک، ساوه، تبریز، بانه و بندرعباس در رده‌های بعدی مشکل کمبود آبی قرار دارند.

عیسی بزرگ‌زاده افزود «درصد پرشدگی سدهای تهران ۲۱ درصد است و اگر مدیریت مصرف نشود بر رفاه مردم در تهران و البرز تأثیر منفی خواهد داشت».

سخنگوی صنعت آب ایران از کاهش ۴۰ درصدی مجموع بارش‌های کشور نسبت به سال گذشته خبر داد و گفت از ابتدای سال آبی جاری تا ۲۸ تیرماه متوسط بارش‌های کشور به ۱۴۷ میلیمتر رسیده است. همچنین میزان بارش‌های امسال نسبت به دوره بلندمدت ۵۷ ساله ۲۸ درصد کاهش دارد.

استان به همراه استان گیلان بیشترین سهم آب بدون درآمد در کشور را در سال ۱۴۰۲ داشته‌اند. بیشتر از ۳۷ درصد آب شرب تولیدی دولت در گیلان، بدون درآمد بود. درمقابل در استان اصفهان تنها ۱۶ درصد از آب شرب تولیدی دولت بدون درآمد بوده است که کمترین میزان در کشور در سال ۱۴۰۲ است. استان‌هایی مانند، قم، قزوین و البرز در رده دوم تا چهارم کمترین سهم از آب بدون درآمد در سال ۱۴۰۲ قرار دارند که سهم آن‌ها به ترتیب ۲۰/۳، ۲۰/۶ و ۲۱/۱ درصد بوده است. نکته جالب توجه این مقایسه حضور استان تهران به عنوان پنجمین استان با کمترین سهم آب بدون درآمد در ایران است که سهم آن تنها ۲۱/۵ درصد بوده است.

روزنامه «فریختگان» در گزارشی با انتشار آمار هدررفت آب، تأکید کرده که بررسی‌های کارشناسی نشان می‌دهد عامل بنیادین بحران آب، بی‌توجهی مزمین به اقتصاد آب و اشتباهات سیاست‌گذاری در دهه‌های گذشته است.

از سوی دیگر سدسازی‌های غیراصولی طی دهه‌های گذشته از دیگر عوامل بروز بحران خشکسالی است که سبب خشک شدن سفره‌های زیرزمینی آب شده است. اینهمه در کنار تغییرات اقلیمی و کاهش بارندگی‌ها در ایران که بطور طبیعی در جغرافیای نیمه‌خشک قرار دارد بحران را به اوج رسانده است.

اکنون در استان‌های مختلف ایران بحران کمبود آب سبب ناتوانی دولت در تأمین آب آشامیدنی شده و شهروندان ساعت‌ها و حتی روزها با قطع آب روبرو هستند. استان تهران در صدر استان‌هایی قرار گرفته که با کمبود آب روبرو هستند. بنفشه زهرایی استاد مدیریت منابع آب دانشگاه تهران هشدار داده با پنج‌مین سال متوالی خشکسالی و کاهش ۴۰ درصدی بارش‌ها، سدهای تأمین‌کننده آب پایتخت به پایین‌ترین سطح خود رسیده‌اند و در حال مصرف آب «کف مخزن» هستند. بر اساس این پیش‌بینی، تهران در شهریورماه سد «ماملو» را از دست خواهد داد و پس از آن، سدهای لار، لتیان و کرج نیز در خطر خواهند بود.

این سناریو مشابه بحرانی است که پیشتر در همدان با اتمام کامل آب سد اکباتان رخ داد و به قطعی‌های طولانی

● بر اساس گزارش‌ها یک سوم از آبی که در زنجیره توزیع در کشور قرار می‌گیرد حین انتقال و به علت فرسودگی زیرساخت‌ها از بین می‌رود.

● آمار تکانه‌دهنده دیگری نشان می‌دهد میزان هدر رفتن آب در دو استان خوزستان و کهگیلویه و بویر احمد ۵۰ درصد است!

هدر رفتن آب در زنجیره فرسوده انتقال آب یکی از عوامل کمبود آب آشامیدنی در روزهای کنونی است. بر اساس گزارش‌ها یک سوم از آبی که در زنجیره توزیع در کشور قرار می‌گیرد حین انتقال و به علت فرسودگی زیرساخت‌ها از بین می‌رود. آمار تکانه‌دهنده دیگری نشان می‌دهد میزان از دست رفتن آب در دو استان خوزستان و کهگیلویه و بویر احمد ۵۰ درصد است!

با افزایش بحران کمبود آب در کشور و ایجاد شرایط اضطراری برای تأمین آب آشامیدنی در چند استان کشور، گزارش‌هایی درباره عوامل تشدید بحران کمبود آب منتشر شده است. مدیریت ناکارآمد و زیانبار منابع آبی کشور در چهار دهه اخیر، تغییرات اقلیمی، کاهش بارندگی، و هدر رفت آب در چرخه توزیع از جمله دلالتی است که در بروز بحران کمبود آب این روزها در ایران موثر بوده است.

وزارت نیرو گزارش داده در تابستان ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳، بیش از ۲۸ درصد از آب توزیعی کشور تحت عنوان «آب بدون درآمد» طبقه‌بندی می‌شود؛ یعنی آب‌هایی که برای دولت درآمدی ندارند، زیرا یا نشسته می‌کنند، یا لوله‌ها فرسوده‌اند، یا کنتورها دست‌کاری شده یا نصب نشده‌اند.

آمار دیگری از «آب بدون درآمد از کل آب شرب شهری» که در واقع همان آب هدر رفته در مسیر توزیع است نشان می‌دهد این سهم از سال ۱۳۹۲ تا مهرماه ۱۴۰۳ حدود ۴ واحد درصد افزایش یافته و از ۲۴/۷ درصد به ۲۸/۳ درصد رسیده است. تا کنون این روند افزایشی ادامه داشته و در برخی مناطق تا حدود ۳۰ درصد نیز گزارش شده است.

تکانه‌دهنده آنکه در دو استان کشور یعنی خوزستان و کهگیلویه و بویر احمد ۵۰ درصد از آب گم می‌شود. این دو

بحران کمبود آب و برق؛ نیمی از ایران تعطیل شد



● استان‌های تهران، یزد، کرمان، مازندران، البرز، قم، خوزستان، هرمزگان، بوشهر و خراسان شمالی در روزهای سه‌شنبه یا چهارشنبه تعطیل اعلام شده‌اند.

● ساعات کار ادارات و بانک‌ها در استان‌های سمنان، کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه، ایلام، سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی نیز با تغییر و کاهش یافته است.

● به نظر می‌رسد علت اصلی تعطیلی‌های گسترده، تشدید بحران انرژی و تلاش دولت برای کاهش مصرف برق و آب است و گرانه گرمای هوا نسبت به سال‌های گذشته افزایش قابل توجهی ندارد!

● کمبود انرژی و آب در ایران به اوج رسیده و با اینکه وزیر نیرو و معاون اول رئیس دولت پیشتر وعده داده بودند تابستان امسال «ناترازی» نخواهیم داشت اما دولت نتوانسته برای جبران کمبود انرژی مورد نیاز کشور اقدامی موثر انجام دهد.

ادارات و بانک‌ها در نیمی از استان‌های ایران در روزهای سه‌شنبه ۳۱ تیرماه و چهارشنبه اول مرداد به علت «افزایش گرمای هوا و مدیریت مصرف آب و انرژی» تعطیل اعلام شده یا با کاهش ساعات فعالیت روبرو شدند.

از روز گذشته مقامات استانداری در نیمی از استان‌های ایران ادارات و سازمان‌های دولتی و بانک‌ها را تعطیل و نیمه‌تعطیل اعلام کردند. در حالی گرمای هوا به عنوان یکی از دلایل اعلام تعطیلی ادارات مطرح شده که دمای هوا نسبت به سال‌های گذشته با افزایش قابل توجهی روبرو نشده است.

به نظر می‌رسد علت اصلی تعطیلی‌های گسترده، تشدید بحران انرژی و تلاش دولت برای کاهش مصرف برق و آب است. استان‌های تهران، یزد، کرمان، مازندران، البرز، قم، خوزستان، هرمزگان، بوشهر و خراسان شمالی در روزهای سه‌شنبه یا چهارشنبه تعطیل اعلام شده‌اند. ساعات کار ادارات و بانک‌ها در استان‌های سمنان، کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه، ایلام، سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی نیز تغییر و کاهش یافته‌اند.

استان تهران فردا چهارشنبه اول مرداد تعطیل اعلام شده است. فاطمه مهاجرانی در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «با تصمیم هیئت دولت و در پی تداوم گرمای شدید و ضرورت صرفه‌جویی در مصرف آب و برق، روز چهارشنبه اول مرداد در استان تهران تعطیل اعلام شد.»

مدیرکل مدیریت بحران استانداری لرستان نیز از تعطیلی این استان در روز سه‌شنبه ۳۱ تیرماه خبر داده و گفته تصمیم به تعطیلی ادارات و مراکز آموزشی استان «با توجه به تداوم موج گرما و لزوم مدیریت مصرف انرژی» صورت گرفته است.

استانداری یزد نیز اعلام کرده روز چهارشنبه اول مرداد به دلیل گرمای هوا و لزوم صرفه‌جویی در مصرف انرژی، همه ادارات استان یزد بجز دستگاه‌های خدمات‌رسان تعطیل است. اداره کل روابط عمومی استانداری کرمان نیز اعلام کرده که «بر اساس تصمیم کارگروه انرژی، همه ادارات و موسسات دولتی، آموزشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی به استثنای مراکز امدادی، درمانی، خدماتی و شعب منتخب بانک‌ها در سراسر استان کرمان در روز چهارشنبه اول مرداد تعطیل خواهند بود.»

معاون توسعه مدیریت و منابع استانداری مازندران هم با اعلام خبر تعطیلی این استان گفته «با توجه به تداوم الگوی مصرف تابستانه، آغاز موج جدید گرما از فردا و ضرورت مدیریت مؤثر انرژی، روز چهارشنبه یکم مرداد، تمامی دستگاه‌های اجرایی، ادارات دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی در سطح استان تعطیل خواهند بود.»

در استان هرمزگان نیز اعلام شده که با توجه به روند افزایشی دمای استان و همچنین درخواست شرکت توزیع برق و در راستای مدیریت ناترازی انرژی و پایداری شبکه برق استان با موافقت استاندار هرمزگان فعالیت ادارات استان طی روز چهارشنبه یک مردادماه تعطیل شد.

مهدی فراهانی معاون توسعه و مدیریت منابع استانداری البرز هم در اطلاعیه‌ای اعلام کرده «کارگروه ناترازی انرژی با هدف مدیریت مصرف انرژی، تعطیلی تمام دستگاه‌های اجرایی و ادارات استان البرز را در روز چهارشنبه تصویب کرده است. این تصمیم شامل مراکز امدادی، اورژانس، آتش‌نشانی و برخی دستگاه‌های خدمات‌رسان نمی‌شود و این مراکز به فعالیت عادی خود ادامه خواهند داد.»

در برخی استان‌ها از جمله قم، بوشهر، سمنان، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه و سیستان و بلوچستان نیز ساعات کار ادارات تغییر کرده و کاهش پیدا کرده است. به گزارش سازمان هواشناسی، در خوزستان و ایلام حداکثر دما به ۵۰ درجه رسیده و در بوشهر، هرمزگان، کرمان و سیستان و بلوچستان نیز دما به بالای ۴۵ و ۴۸ درجه رسید. اداره کل هواشناسی استان تهران با صدور هشدار سطح زرد از موج جدید گرما تا چهارشنبه اول مرداد خبر داد.

کمبود انرژی و آب در ایران به اوج رسیده است و با اینکه وزیر نیرو و معاون اول رئیس‌جمهور پیشتر وعده داده بودند تابستان امسال «ناترازی» نخواهیم داشت اما دولت نتوانسته برای جبران کمبود انرژی مورد نیاز کشور اقدامی موثر انجام دهد.

قطع برق بخش‌های خانگی و صنعتی در استان‌های مختلف کشور در جریان است. با وجود گرمای هوا حتی در استان‌های جنوبی نیز شهروندان بطور روزانه با قطع چند

ساعته برق روبرو هستند.

بحران کمبود آب آشامیدنی نیز سبب قطع آب تا ۲۴ ساعت و حتی چند روز در برخی از شهرهای مختلف از جمله تهران شده و در برخی مناطق تجمعات اعتراضی به قطع طولانی آب برگزار شده است. وزیر نیرو جیره‌بندی آب را انکار اما کاهش فشار آب در برخی دیگر از محله‌ها تأیید کرده و گفته این اقدام در «جهت مدیریت منابع موجود» است و «چاره‌ای جز کاهش فشار آب نداریم. آب نیست و باید با این مسئله مقابله کنیم.»

عیسی بزرگ‌زاده سخنگوی صنعت آب ایران روز دوشنبه ۳۰ تیرماه اعلام کرد که در حال حاضر ۲۴ استان کشور دارای تنش آبی هستند که در صدر آنها، تهران و البرز با جمعیتی بیش از ۲۰ میلیون قرار دارند. شهرهای اصفهان، اراک، ساوه، تبریز، بانه و بندرعباس در رده‌های بعدی تنش آبی قرار دارند.

عیسی بزرگ‌زاده افزود «درصد پرشدگی سدهای تهران ۲۱ درصد است و اگر مدیریت مصرف نشود بر رفاه مردم در تهران و البرز تأثیر منفی خواهد داشت.»

سخنگوی صنعت آب ایران از کاهش ۴۰ درصدی مجموع بارش‌های کشور نسبت به سال گذشته خبر داد و گفت از ابتدای سال آبی جاری تا ۲۸ تیرماه متوسط بارش‌های کشور به ۱۴۷ میلیمتر رسیده است. همچنین میزان بارش‌های امسال نسبت به دوره بلندمدت ۵۷ ساله ۳۸ درصد کاهش دارد.

هاشم امینی مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب نیز تنش آبی را در بیش از ۵۳ شهر کشور اعلام و تأکید کرده که ایران به پنجمین سال خشکسالی متوالی وارد شده است.

کاهش بارندگی و هدر رفت منابع آبی در پی مدیریت ناکارآمد منابع آبی از جمله دلایل اصلی بحران کمبود آب در ایران به شمار می‌رود. حالا تغییرات اقلیمی بیش از پیش سبب پدیدار شدن آثار سوء مدیریت منابع آبی در چهار دهه گذشته شده است.

از سوی دیگر فرسودگی شدید خطوط انتقال آب نیز موجب هدررفت قابل توجه آب شده است و بر کمبود آب آشامیدنی در شهرهای مختلف موثر بوده است.

کاهش ۸۱ درصدی آگهی‌های استخدام پس از جنگ ۱۲ روزه



سخت‌تر و فشرده‌تر شده و بازار کار به سمت اشباع تقاضا پیش می‌رود.

جدا از کاهش آگهی‌های استخدام پس از جنگ اسرائیل و جمهوری اسلامی، موجی از اخراج نیروی کار و بیکاری نیز پس از جنگ به راه افتاده و سبب بیکاری هزاران کارگر و کارمند شاغل در بخش خصوصی شده است.

ستار هاشمی وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی روز سه‌شنبه ۳۱ تیرماه ۱۴۰۴ طی سخنانی در صحن علنی مجلس شورای اسلامی گفت حدود ۱۰ میلیون نفر به شکل مستقیم و غیرمستقیم در حوزه اقتصاد دیجیتال ایران فعال بودند که این رقم در جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل و پس از آن با کاهش ۳۰ درصدی روبرو شده است.

انجمن صنفی کسب و کارهای اینترنتی نیز به تلاژی در نامه‌ای به وزیر ارتباطات و مدیرعامل شرکت ارتباطات زیرساخت هشدار داد که ادامه قطع و اختلال در اینترنت «مرگ اکوسیستم استارت‌آپی» را به یک واقعیت نزدیک تبدیل خواهد کرد.

انجمن صنفی کسب و کارهای اینترنتی به شکل خوشبینانه اعلام کرده که به ازای هر ساعت قطع اینترنت، شاهد زیان بیش از ۱/۵ میلیون دلاری به کسب و کارها هستیم. این انجمن تأکید کرده که بیش از ۴۰۰ هزار کسب و کار کوچک و متوسط که معیشت میلیون‌ها ایرانی به آنها وابسته است، در معرض نابودی کامل قرار گرفته‌اند.

آمارهای ارائه شده از سوی وزیر ارتباطات و انجمن صنفی کسب و کارهای اینترنتی تنها مربوط به بخش اقتصاد دیجیتال ایران است اما در دیگر بخش‌ها نیز موج گسترده‌ای از اخراج نیروی کار و بیکاری در جریان است.

وبسایت «زومیت» در گزارشی از اخراج کارکنان بخش خصوصی نوشته «در همان روزهایی که با بحران‌هایی مانند قطع بودن اینترنت و اضطراب جنگ دست‌وپنجه نرم می‌کردیم، خیلی از افراد با بحران جدیدی مواجه شدند: یک پیام از منابع انسانی و کارفرما با این محتوا که «تعديل» شده‌اید.»

عاطفه رحیمی، کارشناس بازار کار درباره موج

بی‌سابقه مواجه شد؛ بطوری که آگهی‌های استخدامی تا ۸۱ درصد کاهش پیدا کرد. همزمان، تعداد درخواست‌های کارجویان نیز ۶۲ درصد کاهش یافت.

«جاب ویژن» این آمارها را نشانه‌ای از شوک گسترده روانی و اقتصادی ارزیابی کرده که جنگی که جمهوری اسلامی به کشور تحمیل کرده، بر بازار کار ایران وارد آورده است. این گزارش نشان می‌دهد سه صنعت «گردشگری»، «بازاریابی و تبلیغات» و «خدمات عمومی» بیشترین آسیب را از این بحران دیده‌اند. محدودیت‌های ناشی از جنگ، رکود سفر و توقف فعالیت‌های تبلیغاتی و خدماتی باعث افت ناگهانی تقاضا برای نیروی کار در این بخش‌ها شده است.

کاهش تقاضا برای استخدام در گروه‌های شغلی مختلف، متفاوت است. برای نمونه «باریستا»، «مهندسان عمران» و متخصصان «دیجیتال مارکتینگ» در صدر فهرست کاهش فرصت‌های شغلی قرار دارند.

این گزارش تأکید کرده که «احتمالاً تعطیلی کسب و کارهای مرتبط با کافه‌ها، پروژه‌های عمرانی و کمپین‌های بازاریابی از دلایل این افت شدید بوده است.»

از سوی دیگر در حالی که تقریباً همه مشاغل با کاهش تقاضا روبرو هستند، یک شغل با افزایش آگهی استخدام روبرو شده است: نگهبان!

«جاب ویژن» تأکید کرده افزایش تقاضا برای استخدام نگهبان نشان‌دهنده نگرانی‌های امنیتی یا نیاز به حفاظت بیشتر از اموال و فضاهای تجاری در دوران پس از جنگ است که فرصت‌های استخدامی در این حوزه را افزایش داده است.

در حالی که فرصت‌های شغلی پس از جنگ اسرائیل و جمهوری اسلامی کاهش پیدا کرده اما رقابت برای تصاحب این مشاغل افزایش یافته است. بر اساس گزارش «جاب ویژن»، با وجود کاهش شدید تعداد موقعیت‌های شغلی، میزان درخواست‌های ثبت‌شده توسط کارجویان برای همین فرصت‌های محدود، ۸ درصد افزایش یافته است. این روند نشان می‌دهد که در شرایط رکود، رقابت برای یافتن شغل

بر اساس گزارش پلتفرم کاریابی «جاب ویژن» در ایران، در مقایسه با پیش از آغاز جنگی که جمهوری اسلامی به کشور تحمیل کرده، مجموع فرصت‌های شغلی در ایران ۲۴ درصد کاهش یافته است.

در اوج درگیری‌ها، شاخص فرصت‌های شغلی با کاهش بی‌سابقه مواجه شد؛ بطوری که آگهی‌های استخدامی تا ۸۱ درصد کاهش پیدا کرد. همزمان، تعداد درخواست‌های کارجویان نیز ۶۲ درصد کاهش یافت.

کاهش تقاضا برای استخدام در گروه‌های شغلی مختلف، متفاوت است. برای نمونه «باریستا»، «مهندسان عمران» و متخصصان «دیجیتال مارکتینگ» در صدر فهرست کاهش فرصت‌های شغلی قرار دارند.

جدا از کاهش آگهی‌های استخدام پس از جنگ اسرائیل و جمهوری اسلامی، موجی از اخراج نیروی کار و بیکاری نیز پس از جنگ به راه افتاده و سبب بیکاری هزاران کارگر و کارمند شاغل در بخش خصوصی شده است.

وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی روز گذشته اعلام کرد حدود ۱۰ میلیون نفر به شکل مستقیم و غیرمستقیم در حوزه اقتصاد دیجیتال ایران فعال بودند که این رقم در جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل و پس از آن با کاهش ۳۰ درصدی روبرو شده است.

بازار کار ایران پس از جنگ ۱۲ روزه میان اسرائیل و جمهوری اسلامی با رکود عمیقی روبرو شده است. آمارها نشان می‌دهد فرصت‌های شغلی در این بازار با کاهش ۲۴ درصدی روبرو شده و آگهی‌های استخدام نیز ۸۱ درصد نسبت به گذشته کاهش یافته است.

پلتفرم کاریابی «جاب ویژن» در ایران در گزارشی آمارهای مرتبط با آگهی‌های استخدام و تقاضای کار پس از جنگ ۱۲ روزه میان اسرائیل و جمهوری اسلامی را بررسی کرده است. بر اساس این گزارش، در مقایسه با پیش از آغاز جنگ، مجموع فرصت‌های شغلی در کشور ۲۴ درصد کاهش یافته است. این کاهش به‌ویژه برای گروه‌هایی از مشاغل و صنایع خاص، شدیدتر و محسوس‌تر است.

در اوج درگیری‌ها، شاخص فرصت‌های شغلی با کاهش

«گاردین»:

فریاد دختری برای محکومیت پدرش به اعدام



ژینو و پدرش

● ژینو بیگزاده بابامیری: سکوت ما از او محافظت نکرد.
● ژینو بیگزاده بابامیری اکنون بنیانگذار کارزار «دختران دادخواه» است؛ گروهی متشکل از دختران ایرانی که برای آزادی پدران در بند خود می‌جنگند.

ژینو دختر رزگار بیگزاده بابامیری به «گاردین» گفته است: «پدرم نمی‌توانست تماشاگر و شاهد ریختن خون جوانان در خیابان‌ها باشد.» او افزوده: «پدرم و دیگر بازداشت‌شدگان فقط به خاطر گرد بودن تاوان می‌دهند. در زندان به او گفته‌اند که کسی برای او ارزش و اهمیتی قائل نیست و به زودی سر از گور دستجمعی درخواهد آورد.» ژینو بیگزاده بابامیری که اکنون در تبعید و در نروژ زندگی می‌کند، ادامه داده: «وقتی خبر حکم اعدام را شنیدم، سست شدم. مادر بزرگ و خاله‌ام با صدایی بلند گریه می‌کردند؛ چنان گریه‌ای که هرگز از آنان نشنیده بودم.» رزگار بیگزاده بابامیری در نامه‌ای که از زندان بطور مخفیانه به خانواده‌اش فرستاده، از شکنجه‌هایی چون غرق کردن مصنوعی، شوک الکتریکی، اعدام‌های ساختگی و ضرب و جرح شدید که سبب کم‌شنوایی وی شده، پرده برداشته است.

دخترش به «گاردین» گفته: «نخستین بار که نامه را خواندم، بخش‌های مربوط به شکنجه را رد کردم. چون طاقت خواندن آنها را نداشتم.»

رزگار بیگزاده بابامیری کشاورزی ساده و پدر سه فرزند است که در سال ۲۰۲۳ به خاطر امداد رسانی به مجروحان خیزش «زن، زندگی، آزادی» در بوکان دستگیر شد و به گفته خانواده و نهادهای حقوق بشری، زیر شکنجه وادار به اعتراف اجباری شده است.

در واپسین روزهای مهرماه ۱۴۰۱، هنگامی که خیزش مردمی در واکنش به قتل حکومتی مهسا امینی در بازداشتگاه گشت ارشاد، سراسر ایران را فرا گرفته بود، رزگار بابامیری، با دلی پر از درد و داستانی پُر از دارو، در کوچه پس‌کوچه‌های شهر بوکان می‌دوید تا دارو و کمک‌های اولیه را به درمانگاه‌های پنهانی برساند؛ اما کنی که پزشکان در آن، بی‌اعتنا به تهدیدهای حکومتی، جوانان زخمی را مداوا می‌کردند.

او خود را انقلابی نمی‌دانست؛ بلکه انسانی که صرفاً به وظیفه انسانی‌اش عمل می‌کرد. دخترش، ژینو، می‌گوید: «پدرم می‌گفت نمی‌تواند تماشاگر ریختن خون جوانان در خیابان باشد.»

رزگار در فروردین ۱۴۰۲ توسط وزارت اطلاعات در بوکان بازداشت شد. خانواده‌اش گمان می‌بردند بازداشت او موقت است و به زودی آزاد خواهد شد، اما او به سلول انفرادی منتقل شد و برای مدتی نه به وکیل دسترسی داشت و نه به خانواده‌اش. هفته گذشته، وکیل پرونده اطلاع داد که دادگاه، بابامیری و ۴ ایرانی گرد دیگر را به اعدام محکوم کرده است. با اتهاماتی مانند «بغی»، «تشکیل گروه مسلحانه» و «جاسوسی برای اسرائیل.»

از زمان بازداشت، شماری از مردم شهادت داده‌اند که بابامیری در جریان اعتراضات جان آنان را نجات داده است. ژینو می‌گوید: «پدرم تنها یک کشاورز ساده است؛ عاشق خانواده، دوستدار شعر و علاقمند به خبر و ورزش.» در تیرماه ۱۴۰۳، صداسویمای جمهوری اسلامی فیلمی

بیکاری پس از جنگ جمهوری اسلامی و اسرائیل گفته «فقط مساله افراد روزمزد و کارگران و دستفروشان نیستند. متأسفانه بسیاری از افرادی هم که دارای شغلی بوده و حقوق ماهیانه دریافت می‌کردند شامل تعدیل نیرو شده و کارشان را از دست دادند. البته این مسئله تقصیر کارفرما هم نیست در واقع این دولت است که باید با ارائه بسته‌های حمایتی به کارگاه‌ها و شرکت‌ها و... مانع از تعدیل نیرو شود.»

او همچنین به تعطیلی کارگاه‌های کوچک اشاره کرده و گفته «یک سری از افرادی هم که در کارگاه‌های تولیدی کوچک مثل تولید لباس و کفش و... کار می‌کردند به همین بهانه از کار اخراج شده‌اند. آن هم در شرایطی که با توجه به تعطیلی اکثر ادارات و دورکاری کارمندان دولت حتی امکان احقاق حق خود از اداره کار را هم ندارند.»

عاطفه رحیمی گفته «هیچ ساز و کار مشخصی که ضمانت اجرایی محکمی داشته باشد برای چنین شرایطی در نظر گرفته نشده و هر اتفاقی مانند پاندمی کرونا و یا مسئله‌ای مثل جنگ باعث می‌شود تا جمعیت قابل توجهی از کارگران و شاغلان بدون پشتوانه رها شده و شامل طرح‌هایی مانند تعدیل نیرو، عدم پرداخت دستمزد و... شوند.»

احسان سهرابی فعال کارگری نیز در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» گفته «در جنگ‌ها معمولاً اولین قربانی نیروی انسانی و سرمایه انسانی است. این موضوع البته در هر بحرانی در کشور ما صدق می‌کند و هرگاه کارفرما به مشکلی بر بخورد، اولین تصمیم او تعدیل نیروی خود است. اگر کارفرما و صاحب سرمایه‌ای نتواند تسهیلات بانکی بگیرد یا اقساط آن را به موقع پس دهد، اولین اقدام تعدیل نیروست و اگر کارفرما در تولید از نظر فنی به مشکل بر بخورد یا نقدینگی او دچار مشکل شود، باز هم اولین اقدام اخراج نیروهاست.»

احسان سهرابی افزوده «گفته می‌شود کارفرما و کارآفرین و مبدع یک کارخانه یا فن، معمولاً باید از کارگرانش باهوش‌تر باشد تا به این جایگاه رسیده باشد؛ اگر چنین پیش‌فرضی را در نگرش و دنیای لیبرال بپذیریم، این را نیز ناچار باید پذیرفت که کارفرما در شرایط پر ریسک هم باید بتواند خود را نجات داده و صنعت خود را مدیریت کند.»

روزنامه «هم‌میهن» در گزارشی اعلام کرده در دوران پس از آتش‌بس، مدیران بعضی رسانه‌ها، تعدیل نیروهای گسترده انجام دادند و در بعضی موارد، کل خبرنگاران حاضر در رسانه بیکار شدند.

این گزارش تأکید کرده که آمارهای غیررسمی در جامعه مطبوعاتی، از اخراج حدود ۱۵۰ روزنامه‌نگار در این روزها خبر می‌دهند.

بر اساس این گزارش رسانه‌های راه‌پروا، خبرآنلاین، اقتصاد نیوز، تجارت نیوز، دنیای اقتصاد، اقتصاد آنلاین و رسانه تصویری اکوایران، بخشی از رسانه‌هایی هستند که پس از آتش‌بس در جنگ ۱۲ روزه از تعدیل نیرو و پرداخت بخشی از حقوق به‌عنوان راهکاری برای خروج از بحران اقتصادی که گریبان‌شان را گرفته بود، استفاده کردند.

همچنین بعضی از رسانه‌ها هم که از خبرنگاران‌شان تعدیل نکردند، حقوق‌ها را با تأخیر و نصفه‌ونیمه پرداخت کردند. مرتضی کاردر، یکی از اعضای انجمن صنفی روزنامه‌نگاران به «هم‌میهن» گفته که این تازه آغاز ماجراست و به نظر می‌رسد جامعه مطبوعاتی ایران درگیر این مسئله باقی بماند. مدیران رسانه، بحران اقتصادی و پاس نشدن چک‌های بخش بازرگانی روزنامه را علت این تعدیل می‌دانند. حالا در این چرخه بحران، کسی از در بیرون می‌رود که کوچکترین عضو اما اثربخش‌ترین بوده است.

از «اعتراف» بابامیری و دیگر متهمان پخش کرد. گروه‌های حقوق بشری تأکید دارند که این اعترافات تحت شکنجه گرفته شده است.

به گزارش «گاردین»، سازمان عفو بین‌الملل اعلام کرده است که بازداشت بابامیری در چارچوب موج سرکوب و اعدام‌های پس از اعتراضات ۱۴۰۱ صورت گرفته و مثل همیشه پیشبرد سیاستی برای ایجاد وحشت و کنترل در جامعه است. عفو بین‌الملل همچنین بارها بازداشت خودسرانه ایرانیان گرد را تنها به سبب تعلق قومی و اتهامات بی‌اساس به گروه‌های مخالف ثبت کرده است.

ژینو می‌گوید: «پدرم و دیگر بازداشت‌شدگان فقط به خاطر گرد بودن تاوان می‌دهند. به او گفته‌اند کسی برای اهمیتی قائل نیست و سر از گور دستجمعی درمی‌آوری.»

خانواده ژینو در ایران، هراسیده و ساکت‌اند. او که پس از دستگیری پدرش ابتدا سکوت اختیار کرده بود، اکنون خود را سرزنش می‌کند و می‌گوید: «سکوت نه تنها از او محافظت نکرد، بلکه نزدیک بود مرا از درون فرو بپاشد.»

او اکنون بنیانگذار کارزار «دختران دادخواه» است؛ گروهی متشکل از دختران ایرانی که برای آزادی پدران در بندشان می‌جنگند.

در آخرین تماس تلفنی با پدرش، صدایش به گوش بابامیری نمی‌رسید. ژینو می‌گوید: «پدرم پی در پی می‌پرسید: ژینو، هستی؟ هستی؟ صدایم را نمی‌شنید، اما من صدایش را می‌شنیدم. اشک می‌ریختم و آن لحظه هنوز در خاطرم مانده و رها نمی‌کند.»

ژینو اکنون هر روز، در بیم و امید، چشم به راه خبری از سرنوشت پدرش است: «از چک کردن گوشی‌ام می‌ترسم. وحشت دارم صبح از خواب بیدار شوم و نام پدرم را در فهرست اعدام‌شدگان ببینم.»

منبع: نشریه گاردین

نوشته: دیپا پرنث / ترجمه: کیهان لندن

لینک خبر:

<https://www.theguardian.com/global-development/2025/jul/18/iran-human-rights-protest-death-penalty-torture-prison-rezgar-beigza-deh-babamiri-kurds>

کاهش ۳۰ درصدی اشتغال در اقتصاد دیجیتال ایران به دلیل قطع و اختلال اینترنت



● وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی: حدود ۱۰ میلیون نفر به شکل مستقیم و غیرمستقیم در حوزه اقتصاد دیجیتال ایران فعال بودند که این رقم در جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل و پس از آن با کاهش ۳۰ درصدی روبرو شده است.

● قطع اینترنت در جریان جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و جمهوری اسلامی در دستور کار دولت قرار گرفت و پس از اعلام آتش‌بس تا کنون نیز همچنان اختلال در اینترنت و کاهش سرعت آن ادامه دارد.

● بر اساس برآوردهای نهاد ناظر بین‌المللی «نت‌بلاکس» هر ساعت قطع کامل اینترنت در ایران خسارتی بالغ بر ۱/۵ میلیون دلار به اقتصاد کشور تحمیل می‌کند.

وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی کاهش ۳۰ درصدی اشتغال در اقتصاد دیجیتال ایران پس از جنگ ۱۲ روزه جمهوری اسلامی و اسرائیل را به علت اختلال در اینترنت تأیید کرده است. انجمن صنفی کسب و کارهای اینترنتی به تازگی در نامه‌ای سرگشاده به مقامات نسبت به «مرگ اکوسیستم استارت‌آپی» به علت تداوم اختلال در اینترنت هشدار داده است.

ستار هاشمی وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی امروز سه‌شنبه ۳۱ تیرماه ۱۴۰۴ طی سخنانی در صحن علنی مجلس شورای اسلامی گفت حدود ۱۰ میلیون نفر به شکل مستقیم و غیرمستقیم در حوزه اقتصاد دیجیتال ایران فعال بودند که این رقم در جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل و پس از آن با کاهش ۳۰ درصدی روبرو شده است.

وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی افزود در پی قطع اینترنت در طول جنگ اسرائیل و جمهوری اسلامی، در هر دو روز معادل یک هزار میلیارد تومان به اقتصاد دیجیتال خسارت وارد شد که این رقم با بودجه سالانه برخی از وزارتخانه‌ها برابری می‌کند.

ستار هاشمی در اظهاراتی متناقض افزود: «پایداری ارتباطات و استمرار خدمت‌رسانی به مردم و کسب و کارهای فعال و زیست‌بوم اقتصاد دیجیتال کشور با نگاه ایجاد امنیت روانی و حفظ آرامش و رضایت مردم در شرایط بحرانی، در دستور کار وزارت ارتباطات در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه بود.»

قطع اینترنت در جریان جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و جمهوری اسلامی در دستور کار دولت قرار گرفت و پس از اعلام آتش‌بس و تا کنون نیز همچنان اختلال در اینترنت و کاهش سرعت آن ادامه دارد. این روند خسارتی گسترده را برای فعالان حوزه تجارت الکترونیک و اقتصاد دیجیتال ایران در پی داشته است.

همچنین پلتفرم «دیوار» در گزارشی در مورد قطع و اختلال اینترنت اعلام کرده که اختلالات و قطع پی در پی اینترنت جهانی، دیگر یک مشکل فنی ساده نیست؛ بلکه به نظر می‌رسد نتیجه سیاست‌گذاری‌های سیستماتیک است که در حال تخریب زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی کشور است.

پلتفرم «دیوار» در این گزارش با تحلیل پیامدهای عمیق و کمتر مطرح شده در همین ارتباط نوشته قطع اینترنت نه تنها کسب و کارهایی مانند دیوار را به شدت متأثر می‌کند،

می‌کردند، در خط مقدم این آسیب قرار دارند. اما بحران به مراتب بزرگتر از چند فروشگاه آنلاین است. شرکت‌های بزرگ فناوری کشور نیز که سال‌ها برای ایجاد زیرساخت‌های فروش آنلاین، لجستیک و خدمات دیجیتال سرمایه‌گذاری کرده‌اند، با کاهش ترافیک ورودی و ناتوانی در ارائه خدمات پایدار، با فرسایش سرمایه و ریزش نیروی انسانی متخصص مواجه شده‌اند. این وضعیت، به معنای مرگ تدریجی طبقه متوسط دیجیتالی است که خود محصول توسعه اینترنت در دهه گذشته بود.

در این میان، جمهوری اسلامی به دنبال گسترش «اینترنت طبقاتی» در کشور است و در همین راستا در نشست ۲۴ تیرماه ۱۴۰۴ شورای عالی فضای مجازی با حضور سران قوا، آیین‌نامه اجرایی کمیته «تسهیل فعالیت کسب و کارهای اقتصاد دیجیتال» با «اجماع اعضا» به تصویب رسید.

بر اساس این مصوبه طرح «اینترنت طبقاتی» برای قشر خبرنگاران و کسب و کارهای آنلاین به اجرا گذاشته می‌شود. اینترنت طبقاتی اصطلاحی است که در سال‌های اخیر مورد بحث بوده و هدف آن سیاست‌گذاری برای محدود ساختن دسترسی به اینترنت بر اساس شغل، جایگاه اجتماعی یا نهادهای حکومتی بوده است.

بر اساس این طرح «خودی»‌ها و برخی مشاغل می‌توانند به اینترنت بدون فیلتر یا نیمه‌فیلتر دسترسی داشته باشند اما عموم شهروندان همچنان با محدودیت‌های گسترده و فیلترینگ و سانسور روبرو خواهند بود.

اگرچه همچنان در سال‌های گذشته و به موازات فیلترینگ، اینترنت بدون فیلتر در اختیار برخی «خودی»‌ها قرار داشت اما اکنون با مصوبه شورای عالی فضای مجازی، اینترنت طبقاتی بطور رسمی برای همه اقشار اجرا خواهد شد.

بلکه یادگیری، آموزش و پایه‌های رشد سرمایه انسانی کشور را نیز مختل می‌سازد؛ همانایی که ستون‌های اصلی توسعه شرکت‌هایی چون دیوار در سال‌های آتی هستند.

انجمن صنفی کسب و کارهای اینترنتی نیز به تازگی در نامه‌ای به وزیر ارتباطات و مدیرعامل شرکت ارتباطات زیرساخت هشدار داد که ادامه قطع و اختلال در اینترنت «مرگ اکوسیستم استارت‌آپی» را به یک واقعیت نزدیک تبدیل خواهد کرد.

انجمن صنفی کسب و کارهای اینترنتی به شکل خوشبینانه اعلام کرده که به ازای هر ساعت قطع اینترنت، شاهد زیان بیش از ۱/۵ میلیون دلاری به کسب و کارها هستیم. این انجمن تأکید کرده که بیش از ۴۰۰ هزار کسب و کار کوچک و متوسط که معیشت میلیون‌ها ایرانی به آنها وابسته است، در معرض نابودی کامل قرار گرفته‌اند.

این انجمن همچنین از موج اخراج گسترده نیروهای فعال در حوزه تجارت الکترونیک به علت زیان ناشی از قطع اینترنت، توقف سرمایه‌گذاری در اکوسیستم استارت‌آپی و همینطور اعلام توقف فعالیت شرکت‌ها یا به عبارت دیگر ورشکستگی آنها خبر داده بود.

بر اساس برآوردهای نهاد ناظر بین‌المللی «نت‌بلاکس» هر ساعت قطع کامل اینترنت در ایران خسارتی بالغ بر ۱/۵ میلیون دلار به اقتصاد کشور تحمیل می‌کند. روزنامه «شرق» در گزارشی نوشته این آمار، تنها نوک کوه یخ است.

به گزارش «شرق» این عدد، زیان انباشته ناشی از بی‌اعتمادی مشتریان، نابودی کمپین‌های بازاریابی دیجیتال که با هزینه‌های گزاف طراحی شده‌اند و توقف چرخه ارتباط با مشتری را محاسبه نمی‌کند.

«شرق» تأکید کرده که کسب و کارهای مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی که معیشت صدها هزار خانوار را تأمین

قطع چند روزه آب در برخی محله‌های تهران؛ دولت همچنان جیره‌بندی را انکار می‌کند



شهروندان در تهران در صف دریافت آب

● قطع آب در شهرهای مختلف ایران مردم را کلافه کرده و در برخی محله‌های پایتخت به ۱۲ ساعت در شبانه‌روز و در برخی محله‌ها به یک یا چند روز رسیده است.

● وزارت نیرو نه تنها برنامه‌ای برای قطع آب ارائه نمی‌کند بلکه جیره‌بندی آب را انکار کرده و گفته فقط «افت فشار» آب اجرا شده است.

● کاهش بارندگی و هدر رفت منابع آبی در پی مدیریت ناکارآمد منابع آبی از جمله دلایل اصلی بحران کمبود آب در ایران به شمار می‌رود. حالا تغییرات اقلیمی بیش از پیش سبب پدیدار شدن آثار سوء مدیریت منابع آبی در چهار دهه گذشته شده است.

● از سوی دیگر فرسودگی شدید خطوط انتقال آب نیز موجب هدر رفتن قابل توجه آب شده و بر کمبود آب آشامیدنی در شهرهای مختلف مؤثر بوده است.

بحران کمبود آب آشامیدنی سبب قطع آب تا ۲۴ ساعت و حتی چند روز در برخی از محله‌های پایتخت شده و در برخی مناطق تجمعات اعتراضی به قطع طولانی آب برگزار شده است. وزیر نیرو جیره‌بندی آب را انکار اما کاهش فشار آب در برخی دیگر از محله‌ها تأیید کرده و گفته این اقدام در «جهت مدیریت منابع موجود» است و «چاره‌ای جز کاهش فشار آب نداریم. آب نیست و باید با این مسئله مقابله کنیم.»

قطع آب در شهرهای مختلف ایران مردم را کلافه کرده و در برخی محله‌های پایتخت به ۱۲ ساعت در شبانه‌روز و در برخی محله‌ها به یک یا چند روز رسیده است. وزارت نیرو نه تنها برنامه‌ای برای قطع آب ارائه نمی‌کند بلکه جیره‌بندی آب را انکار کرده و گفته فقط «افت فشار» آب اجرا شده است.

تهران و حومه از جمله مناطقی هستند که با بحران شدید کمبود آب روبرو هستند و قطع آب در بسیاری از محله‌های جنوب و غرب تهران زندگی مردم را مختل کرده است.

مهدی چمران رئیس شورای اسلامی شهر تهران در جلسه روز گذشته شورای شهر، از تشدید تنش آبی در پایتخت خبر داد و گفت: «مردم باید در مصرف آب صرفه‌جویی کنند تا افت فشار رخ ندهد. متأسفانه مشکل آبی در تهران در حال تشدید است و امیدواریم یکی از دو پروژه‌ای که در حال اجراست، تا پایان تابستان به نتیجه برسد و وضعیت بهتر شود.»

مهدی چمران افزود: «مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب تهران در تلاش است تا آب پایتخت را تأمین کند. اما همراهی مردم، تعیین‌کننده‌ترین عامل برای عبور از این مرحله حساس است.»

مهدی اقراریان عضو شورای اسلامی شهر تهران درباره تنش آبی در تهران گفته «مدت‌هاست که یک مسئله و چالشی را مطرح و دنبال می‌کنیم که به نظر من عمده‌ا گویی برای شنیدن این چالش وجود ندارد. شهر تهران زیرساخت‌هایی دارد که بخشی از آن مبتنی بر محیط‌زیست است. این زیرساخت‌ها نه تنها امکان اضافه بار جمعیتی را ندارد بلکه جنگ ۱۲ روزه اخیر هم نشان داد که تهران در

آب دارند. او همچنین گفته مردم برق هم ندارند و قطع گسترده برق در دمای ۴۸ درجه و رطوبت ۹۸ درصد نیز جان مردم را به لب رسانده است.

عیسی بزرگ‌زاده سخنگوی صنعت آب ایران امروز دوشنبه ۳۰ تیرماه اعلام کرده که در حال حاضر ۲۴ استان کشور دارای تنش آبی هستند که در صدر آنها، تهران و البرز با جمعیتی بیش از ۲۰ میلیون قرار دارند. شهرهای اصفهان، اراک، ساوه، تبریز، بانه و بندرعباس در رده‌های بعدی تنش آبی قرار دارند.

عیسی بزرگ‌زاده افزوده «درصد پرشدگی سدهای تهران ۲۱ درصد است و اگر مدیریت مصرف نشود بر رفاه مردم در تهران و البرز تأثیر منفی خواهد داشت.»

سخنگوی صنعت آب ایران از کاهش ۴۰ درصدی مجموع بارش های کشور نسبت به سال گذشته خبر داده و گفته از ابتدای سال آبی جاری تا ۲۸ تیرماه متوسط بارش های کشور به ۱۴۷ میلیمتر رسیده است. همچنین میزان بارش‌های امسال نسبت به دوره بلندمدت ۵۷ ساله ۳۸ درصد کاهش دارد.

هاشم امینی مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب نیز تنش آبی را در بیش از ۵۳ شهر کشور اعلام و تأکید کرده که ایران به پنجمین سال خشکسالی متوالی وارد شده است.

کاهش بارندگی و هدر رفت منابع آبی در پی مدیریت ناکارآمد منابع آبی از جمله دلایل اصلی بحران کمبود آب در ایران به شمار می‌رود. حالا تغییرات اقلیمی بیش از پیش سبب پدیدار شدن آثار سوء مدیریت منابع آبی در چهار دهه گذشته شده است.

از سوی دیگر فرسودگی شدید خطوط انتقال آب نیز موجب هدررفت قابل توجه آب شده است و بر کمبود آب آشامیدنی در شهرهای مختلف مؤثر بوده است.

حوزه تاب‌آوری و آسیب‌پذیری با چالش‌های مهمی مواجه است و باید در خصوص تهران و «نجات تهران» فکر اساسی کنیم.»

گزارش‌ها نشان می‌دهد قطع آب برای ساعت‌ها در هر روز و حتی چند روز پی‌پی انجام می‌شود اما محله‌های جنوب شهر با قطع طولانی و هر روزه آب روبرو هستند. در برخی مناطق قطع آب به چند روز رسیده و شرکت آبفا در روندی نامنظم و کند اقدام به آبرسانی به شهروندان می‌کند.

قطع طولانی و تبعیض‌آمیز آب سبب اعتراضاتی از سوی شهروندان شده است.

از جمله شهروندان ساکن «وجه آباد» در «نسیم شهر» در جنوب غربی تهران که بیش از چهار روز است با قطع آب آشامیدنی روبرو هستند، روز دوشنبه ۳۰ تیرماه ۱۴۰۴ تجمع اعتراضی برگزار کردند.

شهروند دیگری ساکن خیابان آزادی به وسایت «شهرما» گفته «ما الان ۱۳ روز هست در این منطقه بی‌آب هستیم و واقعا کلافه شدیم. هیچکس ما و زن و بچه ما را در این شرایط درک نمی‌کند و هیچ راهی هم نداریم. نه می‌توانم به سرویس بهداشتی و حمام برویم، نه آب شرب داریم نه شستشو. کولرآبی هم که بدون آب کار نمی‌کند. آقا کپک زدیم وزیر نیرو کجاست جواب بدهید.»

در دیگر شهرهایی که پیشتر در فهرست شهرهایی با تنش آبی شدید قرار داشتند نیز قطع طولانی آب در جریان است. در استان البرز نیز شهروندان با قطع آب طولانی و حتی در برخی محله‌ها چند روزه روبرو هستند.

جعفر پورکبگانی نماینده پوشهر در مجلس شورای اسلامی نیز تأیید کرده که شهروندان هر ۴۸ ساعت تنها دو ساعت

هشدار دوباره درباره مشکلات انباشته در صنعت دارویی کشور



شده است: «وقتی خدمت دارویی به بیمار ارائه می‌شود، بیمه‌کننده موظف است مطابق قرارداد خرید خدمت، در سررسید مقرر پرداخت انجام دهد. اما متأسفانه در عمل، پرداخت‌ها با تأخیرهای طولانی همراه است. جالب اینکه زمانی که از سازمان برنامه‌بودجه یا مجلس برای این موضوع پیگیری می‌شود، اگر مبلغی پرداخت شود، طوری رفتار می‌کنند که انگار دارند لطف می‌کنند یا صدقه می‌دهند.»

او افزوده «خدمت دارویی به بیمه‌شده ارائه می‌شود، دارو به بیمار می‌رسد اما سازمان بیمه‌گر نه تنها در زمان مقرر پرداخت نمی‌کند بلکه گاهی اساساً خود را متعهد نمی‌داند. در همین حال، شرکت‌ها باید برای ثبت سفارش و تأمین ارز ماه‌ها در صف بمانند و آخر هم به‌خاطر نبود نقدینگی، دست‌شان به خرید مواد اولیه نمی‌رسد.

رئیس سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی با اشاره به تعدد گرہ‌ها در همه حلقه‌های زنجیره تأمین گفته «در حوزه بانکی هم همین آشفتگی وجود دارد. در قیمت‌گذاری هم همین. سازمان غذا و دارو برای تغییر قیمت دارو باید بروی از ستاد تنظیم بازار اجازه بگیرد. همه نگران تورم هستند که درست هم هست اما راه کنترل تورم این نیست که قیمت دارو را به زور نگه دارند؛ باید سازوکاری ایجاد شود که بیمه‌ها حمایت کنند، نه اینکه فشار روی تولیدکننده بماند.»

هادی احمدی عضو هیئت مدیره انجمن داروسازان ایران نیز نیمه تیرماه جاری با اشاره به بحران داروخانه‌داران گفته بود «از شهریور سال گذشته تا خردادماه امسال، رقمی بالغ بر چهار هزار میلیارد تومان چک داروخانه‌ها نزد شرکت‌های توزیع‌کننده برگشت خورده است.»

عضو هیئت مدیره انجمن داروسازان ایران افزوده بود «سازمان‌های بیمه‌گر از جمله تأمین اجتماعی و بیمه سلامت مطالبات داروخانه‌ها را از حدود اسفندماه سال گذشته، تسویه کردند. ولیکن سهم ارزی دارو از اسفندماه همچنان پرداخت نشده است. در حال حاضر حدود چهار ماه است که سازمان‌های بیمه‌گر نسبت به سهم ارزی خود به داروخانه‌ها بدهکار هستند و سازمان نیروهای مسلح نیز حدود یک تا دو ماه از این سازمان‌ها عقب‌تر است.»

در سال جاری حقوق و دستمزد پرسنل تولید دارو بین ۴۰ تا ۵۰ درصد افزایش یافته و بسیاری از هزینه‌های جاری مثل بسته‌بندی، پکیجینگ و مواد داخلی، همگام با تورم رشد کرده‌اند اما همچنان دولت در برابر افزایش قیمت داروهای تولیدشده مقاومت می‌کند.

او توضیح داده شرکت‌هایی که حاشیه سود پایین‌تری داشته‌اند، عملاً وارد زیان‌دهی شده‌اند و تولید برای‌شان صرفه اقتصادی ندارد: «نمونه‌هایی داریم که تولید آنها با زیان قطعی همراه است. تا وقتی مواد اولیه در انبار موجود است تولید ادامه دارد، بعد از آن عملاً توقف یا کاهش ظرفیت ناگزیر می‌شود.»

این تولیدکننده دارو افزوده «وقتی نرخ بهره بانکی از ۳۸ تا ۴۰ درصد است، چگونه می‌توان محصولی تولید کرد که حاشیه سود آن نهایتاً ۳۰ درصد باشد؟ با چنین هزینه مالی، عملاً تولید غیرممکن می‌شود.»

محمد عبده‌زاده افزوده «پنج‌ماه از سال گذشته و ما همچنان باید نامه بنویسیم، التماس کنیم به وزارت بهداشت، ستاد تنظیم بازار، مجلس و دولت که اجازه دهند قیمت داروها حداقل متناسب با هزینه‌ها افزایش یابد تا تولید ادامه پیدا کند. این روند مزمن و فرسایشی، صنعت دارو را زمینگیر کرده است.»

مقاومت دولت در برابر افزایش قیمت دارو یکی از مشکلات مختلفی است که داروسازان با آن روبرو هستند. عدم تخصیص ارز دولتی برای واردات دارو و مواد اولیه نیز یکی دیگر از مشکلات در این صنعت است.

بر اساس گزارش‌ها از ابتدای سال گذشته تا کنون حذف ارز ترجیحی برای واردات دارو و تجهیزات پزشکی در دستور کار قرار گرفته و واردات این اقلام با ارز نیمایی سبب افزایش قیمت بیش از ۹۰۰ قلم دارو و تجهیزات پزشکی شد که بین ۲۰۰ تا ۶۰۰ درصد افزایش قیمت داشته‌اند.

از سوی دیگر شرکت‌های بیمه نیز بدهی خود به داروخانه‌ها پرداخت نکرده و داروخانه‌دارها نیز منابع کافی برای تسویه حساب با داروسازان ندارند.

در همین رابطه محمد عبده‌زاده گفته چرخه ناقص پرداخت مطالبات از سوی بیمه‌ها به معضلی جدی تبدیل

● به گفته رئیس سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی، در سال جاری حقوق و دستمزد پرسنل تولید دارو بین ۴۰ تا ۵۰ درصد افزایش یافته و بسیاری از هزینه‌های جاری مثل بسته‌بندی و مواد داخلی، همگام با تورم رشد کرده‌اند اما همچنان دولت در برابر افزایش قیمت داروهای تولیدشده مقاومت می‌کند.

● از ابتدای سال گذشته تا کنون حذف ارز ترجیحی برای واردات دارو و تجهیزات پزشکی در دستور کار قرار گرفته و واردات این اقلام با ارز نیمایی سبب افزایش قیمت بیش از ۹۰۰ قلم دارو و تجهیزات پزشکی شد که بین ۲۰۰ تا ۶۰۰ درصد افزایش قیمت داشته‌اند.

● شرکت‌های بیمه بدهی خود به داروخانه‌ها را پرداخت نکرده و داروخانه‌دارها نیز منابع کافی برای تسویه حساب با داروسازان ندارند.

هشدارهای فعالان صنعت داروسازی درباره بحران در این صنعت ادامه دارد اما وزارت بهداشت جمهوری اسلامی بی‌اعتنا به این هشدارها ادعای دست کنترل بودن اوضاع و ذخائر مناسب دارویی را مطرح می‌کند.

در ماه‌های گذشته بارها فعالان صنعت دارویی ایران نسبت به مشکلاتی که در حوزه تولید داخلی و واردات داروهای خارجی وجود دارد هشدار داده‌اند. در یکی از تازه‌ترین اظهارنظرها محمد عبده‌زاده رئیس سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی و کمیسیون اقتصاد سلامت اتاق تهران درباره بحران تولیدکنندگان دارو در ایران، از جمله اصرار دولت بر قیمت‌گذاری دستوری با وجود افزایش هزینه‌های تولید توضیح داده است.

محمد عبده‌زاده گفته «دارو هم مثل هر کالای دیگری بهای تمام‌شده دارد. از قیمت مواد اولیه و جانی گرفته تا حقوق و دستمزد و هزینه‌های سربار. نرخ ارز هم که مشخصاً بر قیمت همه این اقلام اثر می‌گذارد. در یک‌سال گذشته بسیاری از مواد اولیه به تالار دوم ارز منتقل شده‌اند و هزینه‌ها به شکل چشمگیری افزایش یافته است. به مرداد نزدیک می‌شویم و هنوز اصلاح قیمتی متناسب با شرایط جدید صورت نگرفته است.»

به گفته رئیس سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی،

وزارت ورزش و جوانان:

مراکز همسریابی نباید وارد کار صیغه‌یابی شوند!

عهده دارد، به خبرگزاری ایلنا می‌گوید: «تا کنون مجوز ۲۲۰ مرکز صادر شده است.»

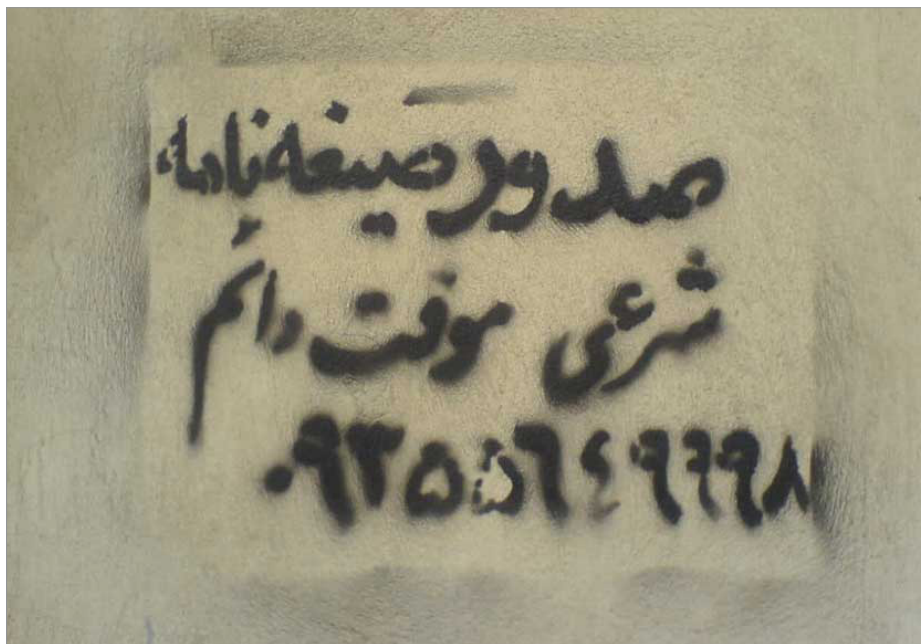
او در عین حال تأکید کرده که وزارت ورزش فقط مجوز این مراکز را صادر می‌کند و گرنه بررسی صلاحیت و نظارت بر آنها به عهده سازمان تبلیغات اسلامی است.

رحیمی افزود که مراکز همسریابی «نباید وارد حیطه صیغه‌یابی، ترویج چندهمسری یا معرفی افراد زیر سن قانونی شوند» و گرنه مجوز آنها باطل خواهد شد. همچنین به گفته‌ی او، تکلیف «سایت‌های همسریابی» جداست و «وزارت ورزش تا کنون به هیچ سایتی مجوز همسریابی نداده است.»

برخی وبسایت‌ها که در این زمینه کار می‌کنند غیرقانونی‌اند اما برخی دیگر «با اجازه سازمان تبلیغات اسلامی در حال فعالیت هستند.» ولی وزارت ورزش فقط به مراکزی مجوز می‌دهد که «به صورت حضوری فعالیت می‌کنند و باید یک

● پس از وقوع انقلاب ۵۷ و روی کار آمدن جمهوری اسلامی، زنانی که کارمند رسمی موسسات و سازمان‌های دولتی و خصوصی نبودند، پس از بازنشستگی خود یا همسرشان، از جمله رانندگان وسایل نقلیه، به دلیل آنکه حقوقی از سازمانی دریافت نمی‌کردند، می‌توانستند با ادای چند کلمه عربی حتا برای فقط یک ساعت، به این هم‌بستر شدن با مردها حالت شرعی بدهند.

وزارت ورزش و جوانان که طبق قوانین جمهوری اسلامی مسئولیت صدور مجوز برای مراکز انتخاب همسر را دارد هشدار می‌دهد که این مراکز نباید برای گسترش «چندهمسری» یا پیدا کردن صیغه فعالیت کنند، و گرنه مجوزشان باطل خواهد شد. طبق این قوانین، مساجد و روحانیون باید نقش «واسطه‌گری» را در انتخاب همسر ایفا کنند.



مکان مشخص برای فعالیت داشته باشند.»

به گفته‌ی علیرضا رحیمی، بانک مرکزی موظف است بین ۳۰۰ تا ۳۵۰ میلیون تومان به متقاضیان ازدواج «قرض‌الحسنه» بدهد، البته به «افرادی که جزو خانواده‌های ایثارگر، جانباز و آزاده هستند، دو برابر تسهیلات تعلق می‌گیرد.» برای بهره بردن از این وام‌ها باید کمتر از پنجاه سال داشت و «اگر داماد کمتر از ۲۵ سال، و عروس هم کمتر از ۲۳ سال داشته باشد، بیشترین وام به آنها تعلق می‌گیرد.»

قابل ذکر است که پس از وقوع انقلاب ۵۷ و روی کار آمدن جمهوری اسلامی، زنانی که کارمند رسمی موسسات و سازمان‌های دولتی و خصوصی نبودند، پس از بازنشستگی خود یا همسرشان، از جمله رانندگان وسایل نقلیه، به دلیل آنکه حقوقی از سازمانی دریافت نمی‌کردند، می‌توانستند با ادای چند کلمه عربی حتا برای فقط یک ساعت، به این هم‌بستر شدن با مردها حالت شرعی بدهند.

روز شنبه ۲۸ تیر ماه معاون وزارت ورزش در گفتگویی با خبرگزاری ایلنا توضیح داد که فعالیت مراکز همسریابی که در زبان جمهوری اسلامی «همسان‌گزینی» خوانده می‌شود، بر اساس ماده ۳۷ قانون جوانی جمعیت صورت می‌گیرد. قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» با هدف ترغیب افراد به فرزندآوری در سال ۱۴۰۰ به تصویب رسید. این قانون تسهیلاتی را برای خانواده‌های دارای فرزند و همچنین برای ازدواج جوانان منظور کرده است.

ماده ۳۷ این قانون می‌گوید: «سازمان تبلیغات اسلامی مکلف است به منظور ترویج و تسهیل ازدواج، از طریق مؤسسات فرهنگی، مساجد و روحانیون و دیگر ظرفیت‌های مردمی به توسعه فرهنگ واسطه‌گری در امر انتخاب همسر، با رعایت موازین قانونی و شرعی بپردازد.»

بر اساس این قانون، صدور مجوز برای مراکز انتخاب همسر به عهده وزارت ورزش و جوانان است. علیرضا رحیمی که معاونت امور جوانان را در این وزارتخانه به

هادی احمدی افزوده بود «در کل حدود چهار ماه است که مطالبات داروخانه‌ها عملاً پرداخت نشده است و این مسئله چرخه تأمین دارو را دچار مشکل می‌کند.»

این فعال صنفی به دولت «هشدار جدی» داده بود که «اگر مطالبات داروخانه‌ها به موقع پرداخت نشود، داروخانه‌ها با کمبود نقدینگی مواجه خواهند شد، در نتیجه قادر به خرید دارو نخواهند بود و این موضوع منجر به ایجاد یک کمبود کاذب در بازار دارویی خواهد شد. دارو وجود دارد، اما قدرت خرید داروخانه‌ها کاهش می‌یابد و در این وضعیت، آنچه که آسیب می‌بیند، مردم هستند.» هادی احمدی افزوده بود «اگر قرار است داروخانه‌ها خدمات ارائه دهند، آن هم در هر زمانی که لازم باشد، حتی زیر توپ و تانک و بمباران که تا امروز همواره این کار را انجام داده‌اند و کوتاهی نکرده‌اند، انتظار ما این است که مطالبات داروخانه‌ها به‌موقع پرداخت شود تا بتوانند به فعالیت خود ادامه دهند.»

مشکلات مختلف مطرح شده به تهدیدی جدی علیه سلامت شهروندان تبدیل شده و ذخائر دارویی کشور را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

روزنامه «جهان صنعت» به تازگی با انتشار گزارشی از کمبود دارو اعلام کرده بود میانگین ذخایر داروهای حیاتی در برخی استان‌ها کمتر از دو تا سه هفته است و این یعنی حتی بدون تشدید جنگ، زنجیره دارویی کشور در لبه بحران ایستاده است.

این روزنامه تأکید کرده بود «اگر امروز، مدیران مسئول از واژه «بحران» پرهیز می‌کنند، این صرفاً یک انتخاب واژگانی نیست بلکه تأخیری خطرناک در پذیرش واقعیتی است که ممکن است فردا بسیار دیر شده باشد.»

در این گزارش آمده بود بحران دارویی اگرچه در ظاهر یک معضل بهداشتی است اما در بطن خود تهدیدی چندوجهی برای انسجام اجتماعی، پایداری اقتصادی و حتی امنیت ملی محسوب می‌شود. کاهش دسترسی به داروهای حیاتی به‌ویژه در شرایط جنگ یا تحریم، مستقیماً منجر به تشدید بیماری‌های مزمن، افزایش مراجعات بیمارستانی و اختلال در عملکرد سامانه‌های بیمه و درمان می‌شود. در چنین وضعیتی نه تنها سلامت عمومی آسیب می‌بیند بلکه نارضایتی اجتماعی و فشار روانی در جامعه نیز افزایش می‌یابد. این بحران در مقطع‌هایی مانند جنگ ۱۲ روزه اخیر، تنها یک مسئله درمانی نبود بلکه به یکی از گسل‌های حساس ثبات اجتماعی بدل شد.

«جهان صنعت» تأکید کرده بود که «دارو، برخلاف تصور رایج، تنها یک کالا نیست بلکه حامل اعتماد عمومی به حاکمیت در تأمین نیازهای اولیه و حیاتی مردم است. هر اختلال در این زنجیره، مستقیماً سرمایه اجتماعی را فرسایش می‌دهد و ظرفیت تاب‌آوری ملی را تضعیف می‌کند.»

روزنامه «جهان صنعت» افزوده بود «در چنین شرایطی وجود یک شبکه ذخایر دارویی استراتژیک، چرخش کنترل‌شده موجودی و فرماندهی هوشمند در مدیریت بحران دارویی، نه فقط به معنای مدیریت سلامت بلکه به‌عنوان یکی از بازوهای حفظ امنیت ملی باید تلقی شود. این حقیقتی است که اگر در سطوح کلان تصمیم‌سازی نادیده گرفته شود، بحران‌های آینده نه‌تنها به نظام سلامت بلکه به بنیان‌های اجتماعی کشور ضربه خواهند زد.»

مقامات وزارت بهداشت جمهوری اسلامی اما بی‌اعتنا به مشکلاتی که در زنجیره تأمین داروی کشور وجود دارد، مدعی است وضعیت دارویی به خوبی در حال مدیریت است و ذخائر دارویی کشور نیز در سطح قابل قبولی قرار دارد!

حال وخیم اقتصاد ایران؛ افزایش شاخص فلاکت در ماه‌های آینده



ثابت کارگران را با وجود کار تمام وقت، قطع کرده و پرداخت دستمزد آنها را بر اساس پورسانت از فروش محاسبه می‌کنند. شیوه جدید پرداخت دستمزد کارگران که مجموع دریافتی آنها در ماه را کاهش داده با واکنش فعالان کارگری روبرو شده است.

حسین حبیبی فعال کارگری در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» با اشاره به شرایط ناپایدار درآمدی بسیاری از کارگران شاغل، توضیح داده که «فقدان حقوق و مزایای مزدی ثابت برای کارگران بیمه شده، کاملاً غیرقانونی است؛ کارگر بخش فروش که تمام وقت سر کار می‌رود و ساعات قانونی را پر می‌کند، حتی اگر رکود باشد و فروش کم، طبق قانون باید حقوق کامل بگیرد.»

به گفته این فعال کارگری «فردی که در یک کارگاه با کد کارگاهی در ساعات موظف کار می‌کند، کارگر مشمول قانون کار محسوب می‌شود و اینکه کارفرمایان پرداخت مزد را به پورسانت فروش منوط می‌کنند، یک تخلف آشکار است. رفتار کارفرمایان بخش فروش غیرقانونی است؛ مزد کارگر در ازای ساعت موظفی کار است نه چیز دیگر. این کارگران علاوه بر حقوق و مزایای قانونی، بایستی از سایر مولفه‌های مزدی مانند اضافه کاری، تعطیل کاری و جمعه کاری و تمام پاداش‌های قانون نیز برخوردار باشند.»

حسین حبیبی تأکید کرده «مولفه‌ای به نام «پورسانت» فقط یک مولفه‌ی انگیزشی‌ست دقیقاً مثل کارگران واحدهای خودروسازی و صنایع که آکورد تولید می‌گیرند یعنی کارگر باید حقوق ماهانه‌ی ثابت توافق شده و مندرج در قرارداد کار داشته باشد و در صورت فروش، علاوه بر حقوق پورسانت بگیرد. پورسانت هرگز جای مزد را نمی‌گیرد.»

او افزوده که «در حالیکه قانون کار، چیزی به نام «قراردادهای پورسانتی» را به رسمیت نمی‌شناسد اما وقتی به برندهای معروف فروش لباس و لوازم خانگی و فرش فکر می‌کنیم، غول‌هایی مهیب در ابعاد بزرگ را به خاطر می‌آوریم که روی شانه‌های نحیف صدها و هزاران کارگر با پاهای لرزان ایستاده‌اند و به «توسعه کسب و کار» می‌اندیشند.»

بلکه با اخراج بخشی از نیروی کار، هزینه‌ها را کاهش می‌دهند تا برای شرایط بحرانی احتمالی در هفته‌ها و ماه‌های آینده آماده شوند.

افزایش نرخ بیکاری در پی اخراج نیروی کار در کنار تورم فزاینده، سبب افزایش شاخص فلاکت خواهد شد. این موضوع از سوی حسین راغفر اقتصاددان ساکن تهران نیز مورد اشاره قرار گرفته است.

حسین راغفر گفته «در شرایط پسا جنگ، شرایط پیچیده‌تر شده است. برخی سازمان‌ها، شرکت‌ها و کارخانه‌ها در حال تعدیل نیرو هستند یا این کار را در روزهای جنگ انجام داده‌اند. بنابراین شاخص بیکاری در کشور، قطعاً نسبت به مدت زمان مشابه سال گذشته رو به افزایش است و همین شاخص نیز روی آمارها نهایی فلاکت تأثیری مستقیم خواهد داشت.»

این اقتصاددان همچنین توضیح داده که «با مشاهده میدانی در جامعه نیز می‌توان دریافت که وضعیت نرخ بیکاری در کشور طی سال‌های اخیر بدتر شده است. بخشی از علت بیکاری در کشور، شوک درمانی‌هایی است که به اقتصاد کشور تحمیل شد. قیمت ارز به شکلی ناپهناجر روند صعودی داشته و این موضوع مستقیماً اوضاع بازار کار را بدتر کرده است. نکته دیگر این است که افزایش نرخ ارز باعث شده هزینه‌های تولیدکنندگان به شدت افزایش پیدا کند و تولیدکنندگان ناچار باشند یا میزان تولید خود را کاهش دهند یا حتی اگر تولید را کاهش نداده باشند، به علت نوسانات بازار، تقاضاهای خرید کاهش پیدا کرده و در نتیجه، رکود در بازار تعمیق شده و عملاً با پدیده افزایش شاخص فلاکت مواجه شده‌ایم.»

در آنسو اما بسیاری از افراد شاغل نیز در شرایط شغلی و درآمدی ناعادلانه‌ای قرار دارند. بسیاری از کارمندان و کارگران پس از اعلام آتش‌پس حقوق دریافت نکرده یا بخشی از حقوق آنها پرداخت شده است. برخی کارفرمایان درخواست کاهش دستمزدها را داشته‌اند و بخشی از نیروی کار نیز ناچار بدون داشتن مزد ثابت و مزایای شغلی به کار مشغول است.

بر اساس گزارش منابع کارگری برخی کارفرمایان حقوق

● آمار شاخص فلاکت نشان می‌دهد ۱۷ استان در بهار ۱۴۰۴، شاخص فلاکتی بالای سطح میانگین کشوری را به ثبت رسانده‌اند.

● پس از اعلام آتش‌پس موجی از اخراج نیروی کار در ایران آغاز شده که نه تنها کارگران بلکه کارمندان بخش خصوصی را نیز در بر گرفته است.

● بسیاری از کارمندان و کارگران پس از اعلام آتش‌پس حقوق دریافت نکرده یا بخشی از حقوق آنها پرداخت شده است.

● برخی کارفرمایان درخواست کاهش دستمزدها را داشته‌اند و بخشی از نیروی کار نیز ناچار بدون داشتن مزد ثابت و مزایای شغلی به کار مشغول است.

● افزایش نرخ بیکاری در پی اخراج نیروی کار در کنار تورم فزاینده، سبب افزایش شاخص فلاکت خواهد شد.

آمارهای جدید شاخص فلاکت در ایران نشان می‌دهد که با افزایش روبرو شده و ۱۷ استان در بهار ۱۴۰۴، شاخص فلاکتی بالای سطح میانگین کشوری را ثبت کرده‌اند. کارشناسان معتقدند با توجه به شرایط اقتصادی کشور پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و جمهوری اسلامی این شاخص با افزایش روبرو خواهد شد.

آمار شاخص فلاکت نشان می‌دهد ۱۷ استان در بهار ۱۴۰۴، شاخص فلاکتی بالای سطح میانگین کشوری را به ثبت رسانده‌اند.

استان خوزستان با تورم ۳۵/۶ درصدی و نرخ بیکاری ۱۱ درصدی، شاخص فلاکت ۴۶/۶ واحدی را در بهار امسال رقم زد که بیش از سایر استان‌ها بود. خوزستان که یکی از ثروتمندترین استان‌های ایران است و ذخائر اصلی نفت کشور را در خود جای داده اکنون در صدر جدول شاخص فلاکت در رده‌بندی استانی قرار گرفته است. این استان در پایان سال ۱۴۰۳ در رتبه پنجم این رده‌بندی قرار داشت.

استان کرمان با شاخص فلاکت ۴۵/۹ در رده دوم استان‌هایی با بیشترین شاخص فلاکت قرار گرفته است. این استان نیز دارای ذخائر معدنی ارزنده در میان استان‌های کشور است. استان‌های هرمزگان و لرستان نیز در رده‌های بعدی شاخص فلاکت قرار گرفته‌اند.

شاخص فلاکت یکی از نشانه‌گرهای مهم اقتصادی است که از افزودن نرخ تورم و بیکاری بدست می‌آید. این شاخص بیانگر وضعیت اقتصادی و معیشتی خانوارها است و در همین حال با بسیاری از شاخص‌ها و آمارهای مهم اقتصادی و اجتماعی در رابطه مستقیم است. برای نمونه این شاخص بر جرم و جنایت، شادی، خودکشی، و نارضایتی و اعتراضات در هر جامعه‌ای اثرگذار است.

آمارهای ارائه شده مربوط به بهار ۱۴۰۴ و پیش از جنگ ۱۲ روزه میان اسرائیل و جمهوری اسلامی است. این در حالیست که پس از اعلام آتش‌پس موجی از اخراج نیروی کار در ایران آغاز شده که نه تنها کارگران بلکه کارمندان بخش خصوصی را نیز در بر گرفته است.

بسیاری از صاحبان کسب و کارها به آتش‌پس میان اسرائیل و جمهوری اسلامی مطمئن نیستند و تحلیل‌ها احتمال زیاد برای آغاز دوباره درگیری نظامی را برجسته می‌کنند. در چنین شرایطی مالکان و مدیران کسب و کارها نه تنها با استخدام نیروهای جدید هزینه‌های خود را افزایش می‌دهند

زنگ خطر جدی در بخش صنعت ایران



● آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد در دو فصل پاییز و زمستان ۱۴۰۳ متوسط رشد بخش صنعت کشور ۳/۳ درصد بوده است. همچنین در این مدت رشد اقتصادی در بخش معدن تقریباً صفر درصد بوده است.

● ابراهیم اسلامی نماینده کارگران مجتمع سرچشمه معتقد است که کارگران حالا از «تعدیل» نه، بلکه از بلاتکلیفی دائم و از دست رفتن امید برای آینده در هراس هستند. ما بعد از هر خاموشی یک قدم به بیکاری نزدیک‌تر می‌شویم.

آمارها در شرایطی از کاهش رشد اقتصادی بخش صنعت در دولت پزشکیان حکایت دارد که پیش‌بینی می‌شود با توجه به بحران شدید کمبود انرژی در کنار دیگر مشکلات ساختاری اقتصاد، فعالیت واحدهای صنعتی و تولیدی در ماه‌های آینده با کاهش بیشتری روبرو شود.

آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد در دو فصل پاییز و زمستان ۱۴۰۳ متوسط رشد بخش صنعت کشور ۳/۳ درصد بوده است. همچنین در این مدت رشد اقتصادی در بخش معدن تقریباً صفر درصد بوده است.

کاهش رشد اقتصادی در بخش صنعت و معدن در حالیست که طی ماه‌های گذشته بحران کمبود انرژی نیز به شکل فزاینده‌ای این بخش‌ها را تحت تأثیر قرار داده و فعالیت واحدهای صنعتی را کاهش داده است. طبق آخرین داده‌های وزارت نیرو سهم هر کدام از بخش‌های سهم مصرف برق در بخش صنعت به ۳۶ درصد، بخش خانگی به ۳۱/۹ درصد، بخش کشاورزی به ۱۳/۵ درصد، بخش عمومی به ۸/۹ درصد و بخش تجاری به ۸/۴ درصد می‌رسد.

با اینهمه دولت با انجام قطع برق به دنبال کاهش سهم صنعت به ۱۰ درصد است. مصطفی رجبی مشهدی مدیرعامل توانیر پیش از این گفته بود که در اوج بحران، ناچار به کاهش سهمیه برق صنایع تا ۱۰ درصد ظرفیت معمولی هستیم. این موضوع نشان می‌دهد که قطع برق ادامه خواهد داشت، واحدهای صنعتی با کاهش تولید روبرو شده و بسیاری از کارخانه‌ها و کارگاه‌ها با حداقل نیرو به فعالیت خواهند پرداخت.

جیره‌بندی گاز در نیمه دوم سال گذشته فعالیت واحدهای صنعتی را کاهش داده بود اما بلافاصله پس از تعطیلات نوروز جیره‌بندی برق نیز آغاز شد. در ابتدا هفته‌ای دو روز قطع برق برای شهرک‌های صنعتی در نظر گرفته شده بود اما این محدودیت اکنون به هفته‌ای چهار روز رسیده است. در همین رابطه روزنامه «هم‌میهن» در گزارشی میدانی نوشته شهرک‌های صنعتی به علت قطع چهار روزه برق شبیه شهرک‌های متروکه شده‌اند. کارگاه‌ها تعطیل‌اند و تعدادی از کارگران و صاحبان کار در محوطه شهرک بی‌هدف قدم می‌زنند. قطعی برق از دو روز در هفته به چهار روز در هفته افزایش پیدا کرده و با حذف جمعه از فهرست روزهای کاری، به دلیل تعطیل بودن شهرک، می‌ماند دو روز.

تشدید قطع برق در بخش صنعت در کنار مشکلات دیگری از جمله رکود تورمی، سبب کاهش سطح فعالیت واحدهای صنعتی شده است.

بهادر حرامیان عضو هیئت مدیره انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران هفته گذشته با اشاره به کمبود انرژی اعلام کرد «پیش‌بینی‌ها و برآوردهای انجام‌شده حاکی از آن است که ناترازی انرژی در تابستان ۱۴۰۴ نسبت به سال گذشته تشدید خواهد شد؛ همچنین انتظار می‌رود این ناترازی

زودتر از زمان معمول آغاز شده و با شدت بیشتری ادامه پیدا کند که به تبع آن، زمان خروج از بحران نیز به تعویق خواهد افتاد.»

عضو هیئت مدیره انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران افزود «در صورت ادامه‌دار بودن این وضعیت، ممکن است ناترازی برق در تابستان، با قطعی و محدودیت‌های گاز در زمستان پیوند بخورد و در نتیجه، شرکت‌های فولادی با اختلال جدی در برنامه‌های تولید مواجه شوند.»

بهادر حرامیان با ارائه آماری از کاهش توان تولید فولاد گفت «در سال‌های اخیر، بطور متوسط امکان تولید در حدود ۹ ماه از سال وجود داشت، اما با شرایط پیش‌رو، این زمان ممکن است به حدود ۷ ماه کاهش یابد بنابراین چنین محدودیتی تأثیر مستقیمی بر بهره‌وری و برنامه‌ریزی تولید فولاد در کشور خواهد داشت.»

توقف تولید، از دست رفتن سفارش‌ها، بیکاری مقطعی کارگران و اختلال در زنجیره تأمین از جمله آثار جیره‌بندی گسترده برق بخش صنعت به علت بحران کمبود انرژی است. انجمن ملی تولیدکنندگان لوازم خانگی ایران به تازگی هشدار داده که «ناهماهنگی‌های مدیریتی و فشارهای داخلی و خارجی، صنعت را به بحران جدی کشانده و این روند در آستانه تعطیلی کارخانه‌ها و تعدیل نیرو قرار دارد.» این انجمن تأکید کرده «غیر اقتصادی شدن تولید لوازم خانگی و ناچاری در شروع تعدیل نیرو به دلیل تعدد ضوابط و چنبره روابط ناهمخوان با منافع ملی، ضعف ساختاری و عملکردی، عدم یکپارچگی مدیریت زنجیره ارزش، تأخیر در تصمیم‌گیری و آماسازی برای پوشاندن ضعف عملکردی با وجود تهدیدات خارجی و داخلی زنگ خطر جدی است.» گزارش‌ها حاکی از آنست که از ابتدای امسال و همزمان با جیره‌بندی برق در بخش صنعت موجی از اخراج کارگران آغاز شد. اخراج نیروی کار پس از جنگ ۱۲ روزه میان اسرائیل و جمهوری و اسلامی و همزمان با آغاز فصل تابستان و تشدید محدودیت‌های انرژی در واحدهای صنعت، سرعت گرفته است.

محمدحسن ندرلو رئیس مجمع نمایندگان کارگران استان زنجان معتقد است که تداوم بحران قطعی برق و گاز در صنایع بر وضعیت امنیت شغلی کارگران تأثیر مستقیم دارد

و ادامه این روند بزرگ‌ترین ضربه به اقتصاد کشور وارد می‌کند. این فعال کارگری افزوده که هم‌اکنون بسیاری از کارگران به دلیل قراردادهای کوتاه‌مدت -حتی یک‌ماهه- با هر تعطیلی و کاهش فعالیت کارگاه‌ها در معرض از دست دادن شغل خود قرار می‌گیرند. کارگر امنیت شغلی ندارد و اگر قرارداد تهدید نشود، به راحتی از کار اخراج می‌شود و این تعطیلی هم بهانه جدیدی برای این وضعیت می‌شود. ابراهیم اسلامی نماینده کارگران مجتمع سرچشمه معتقد است که کارگران حالا از «تعدیل» نه، بلکه از بلاتکلیفی دائم و از دست رفتن امید برای آینده در هراس هستند. ما بعد از هر خاموشی یک قدم به بیکاری نزدیک‌تر می‌شویم.

ابراهیم اسلامی گفته «سال‌های قبل مشکل خاصی در حوزه انرژی نداشتیم اما امسال شرایط از همان ابتدای سال دشوار شد و تعطیلی شرکت‌ها تبعات مستقیمی برای کارگران داشته است، کاهش تولید، هم به حقوق و هم به پاداش و افزایش راندمان کارگران لطمه وارد می‌کند و در نهایت انگیزه و معیشت آن‌ها را با بحران مواجه می‌سازد.» روزنامه «هم‌میهن» نیز به کاهش درآمد و تهدید امنیت شغلی شاغلان در شهرک‌های صنعتی به علت بحران انرژی اشاره کرده و نوشته با دو روز در هفته کار، چقدر از حقوق کارگر، اجاره کارگاه، هزینه مواد اولیه و... در ماه تأمین می‌شود؟ زندگی‌ها مختل شده، کاسی خوابیده، درآمد‌ها به صفر نزدیک شده، دعوا در خانواده‌ها بالا گرفته و صحبت از طلاق و جدایی، به روتین زندگی تبدیل شده. اینها شرایط این روزهای فعالانی است که در شهرک‌های صنعتی بیکاری می‌کنند. یکی از افرادی که سالها در شهرک صنعتی «کمرد» در نزدیکی جاجرود سابقه کار دارد به «هم‌میهن» گفته «مسئله برق برای این شهرک که قطب صنعتی این منطقه است تبدیل به فاجعه شده و همه را فلج کرده است، کارگاه‌های بزرگ یکی یکی از هم می‌پاشند و کارگاه‌های کوچک یکی یکی جمع می‌شوند. در شهرک بالای پنج هزار کارگاه وجود دارد که به جرأت می‌توانم بگویم دو هزار کارگاه نصف و نیمه فعال هستند و سه هزار کارگاه دیگر تعطیل شده‌اند، صاحبکاران وحشت دارند قرارداد اجاره خود را تمدید کنند و برای بسیاری از آنها سخت است که حتی ماهی ۲۰ میلیون تومان کرایه بدهند.»



بنیامین نتانیاهو: مردم از حکومت آخوندها خسته‌اند



ادعای تسنیم: برای آغاز مذاکرات هسته‌ای با اروپا توافق شد



ناخوشی ناآهانی بنیامین نتانیاهو: نخست وزیر اسرائیل سه روز در استراحت خواهد بود



خروج ایالات متحده آمریکا از یونسکو



دست نایک مزدوران سپاه و بسیج خامنه‌ای، دیروز گیان پیرفلک امروز رها شدی را از ایران گرفتند
همدردی شاهزاده رضا پهلوی با خانواده جانبازان و مردم خمین: نور دادرسی بر دل داغ‌دیده‌ی دادخواهان خواهد تابید



پزشکیان به دنبال تصویب لایحه «مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی»



وزیر دفاع سابق اسرائیل: ممکن است دوباره مجبور شویم به جمهوری اسلامی حمله کنیم



حمایت «مسعود رجوی» از میرحسین موسوی با حمله به شاهزاده رضا پهلوی



روابط استراتژیک جمهوری اسلامی و روسیه پس از جنگ ۲۲ روزه



۲۳ استان ایران تعطیل است!



مرگ احمد توکلی وزیر کار دولت میرحسین موسوی و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام



«گاردین»: فریاد دخترتری برای محکومیت پدرش به اعدام



فاجعه آتش‌سوزی نخلستان‌های منبوحی: نشانه‌های آشکار از فروپاشی مدیریت محیط زیست و غیبت مدیریت بحران و مدیریت اضطرار



خاکسپرت فاضل غیبی در ایالت «سن» آلمان به خاک سپرده شد



ای ایران ایران، دور از دامان پاکت دست دگران، بدگوهران! طرح دریافتی از ایران



وزیر انرژی اسرائیل: روزی که این رژیم سرنگون شود، ایرانیان می‌توانند از فناوری‌های پیشرفته آبی اسرائیل بهره‌مند شوند



۴۰ روز تا بروز بی‌آبی شدید در تهران



خودکشی دیگری در نیروی انتظامی: اینبار در خرم‌آباد



تلیغات ایدئولوگ صداوسیما با جنگ: راه‌اندازی موزه «مقاومت رسانه»



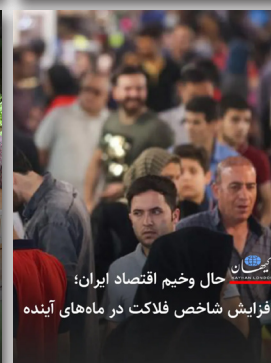
تیراندازی مرگبار بسیجی‌ها به دو ماشین در خمین: چهار نفر کشته شدند



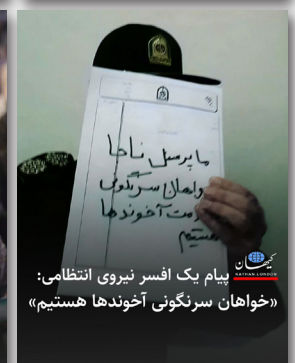
کارشناس اسرائیلی: موساد همچنان در ایران فعال است



هشدار مجدد اروپایی‌ها به جمهوری اسلامی: اگر تا پایان تابستان «توافق» نکند «مکانیسم ماشه» فعال می‌شود



حال وخیم اقتصاد ایران: افزایش شاخص فلاکت در ماه‌های آینده



پیام یک افسر نیروی انتظامی: «خواهان سرنگونی آخوندها هستیم»



افزایش هشدارآمیز شاخص اشعه فرابنفش در شهرهای مختلف ایران



آتش سوزی در برج ۳۰ طبقه «شهرک خرازی» تهران



احتمال تداوم تعطیلی‌ها به علت بحران کمبود آب



جیره بندی آب جدی است



پزشکیان: توقف برنامه هسته‌ای توهّم است! وزیر خارجه اسرائیل: «مکانیسم ماشه» را همین حالا فعال کنید



بحران کمبود آب و برق؛ نیمی از ایران تعطیل شد



احتمال تعطیلی چند روز در هفته در تهران به علت کمبود آب!



مشکلات دولت پزشکیان برای «امیدآفرینی» در بحران‌های عظیم اقتصادی



سر نوشت نامشخص ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی؛ احتمال حمله مجدد در صورت عدم همکاری جمهوری اسلامی با آژانس



علم‌الهدی: رهبری چنان با شیخون دشمن برخورد کردند که گویا چندین ماه است از آن پا خبرند!



قطع چند روزه آب در برخی محله‌های تهران؛ دولت همچنان جیره بندی را انکار می‌کند



زلزله ۴/۶ ریشتری در امیریه شاهرود



«مرسی اسرائیل»؛ گزارش مجله فرانسوی «لو پوان» از واکنش ایرانی‌ها به «زدن سر مار»



وال استریت ژورنال: گروه هکری «گنجشک دژنده» ۹۰ میلیون دلار رمزارز سیاه پاسداران را از دسترس خارج کرد



زنگ خطر جدی در بخش صنعت ایران



هشدار دوباره درباره مشکلات انباشته در صنعت دارویی کشور



عیسی کلانتری: با تداوم بحران آب، ایران فرو می‌پاشد



۲۳ روز هوای آلوده در تهران طی یک ماه



یک سوم آب آشامیدنی ایران گم می‌شود!



واکنش به ارسال پول برای حزب الله بجای جبران خسارات «جنگ ۱۲ روزه»؛ حداقل اول «دیه» آنهایی را که به کشتن دادید پرداخت می‌کردید!



کسبه می‌گویند «کارتخوان»‌ها از کار افتاده



افزایش ۴۱ درصدی قیمت برنج در یک شب!



خطر کمبود آب آشامیدنی برای نیمی از جمعیت شهرنشین ایران



کارخانه «نساجی فردوس» با ۱۹۰ کارگر تعطیل شد



عضو جامعه روحانیت: بزرگترین ضربه‌ها را از خائنین و ستون پنجم دشمن خورده‌ایم



عکس هفته | همکاری ملی برای نجات ایران

برگزاری نشست «همکاری ملی برای نجات ایران» به دعوت شاهزاده رضا پهلوی در مونیخ / شنبه ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۵ برابر با چهارم مرداد